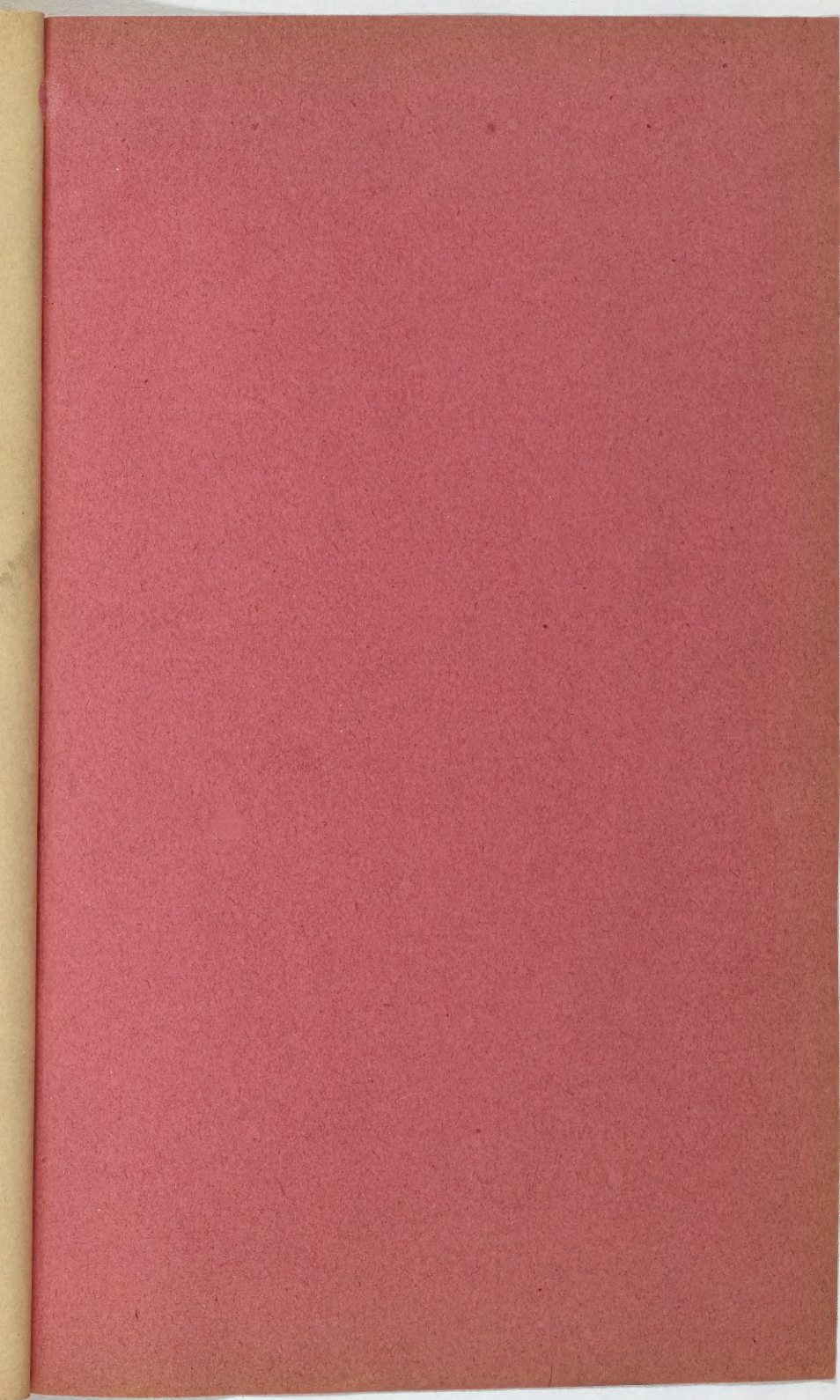


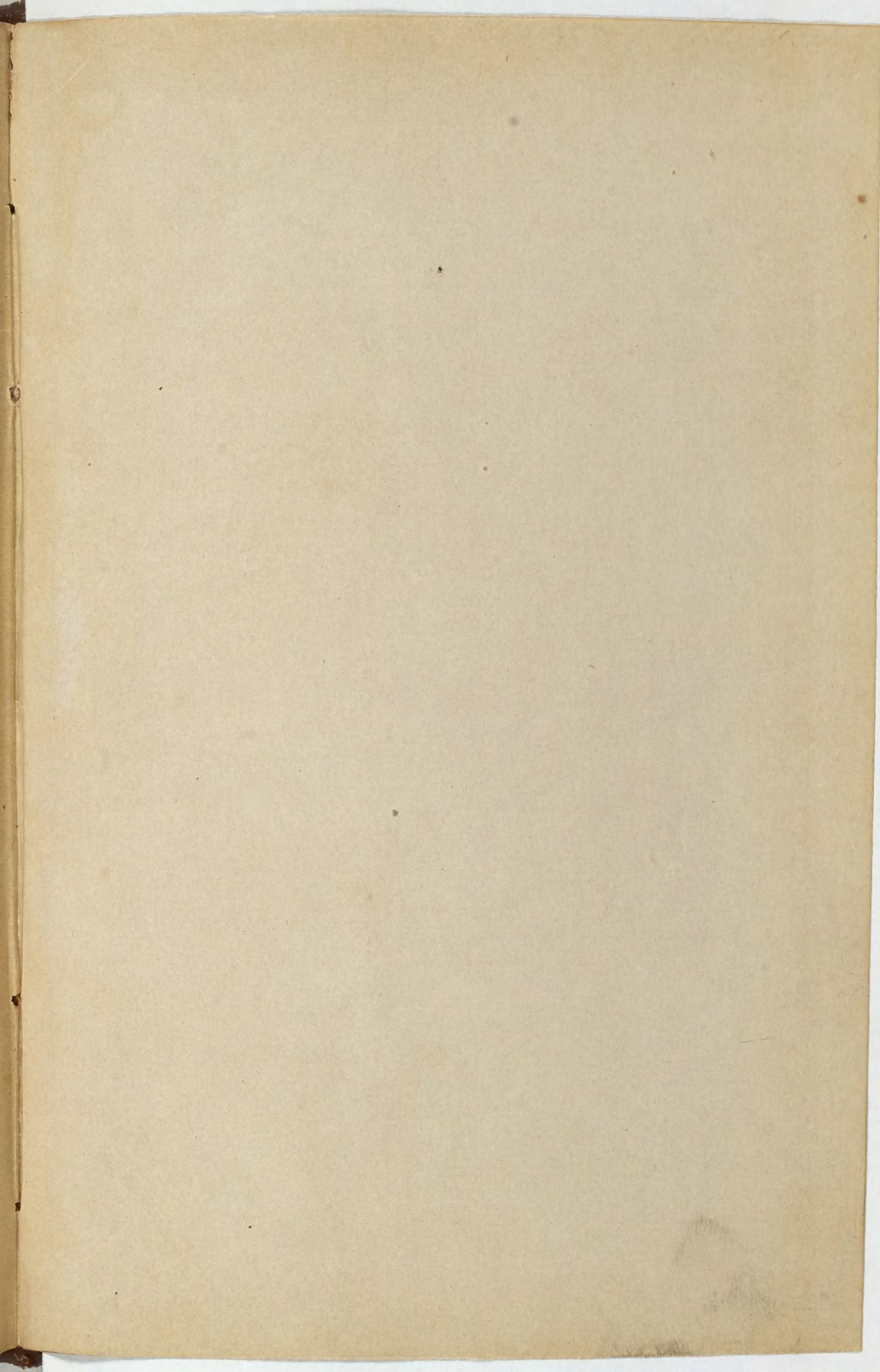




Adarruāt-i-
Simān Pāṣā.

ms. 4wc 181





کتاب
نضرعات و مناجات
سنان پاشا

بسم الله الرحمن الرحيم
حمد نامحدود و ثنا نامحدود اول حضرت نزار در که هر ذره
موجود و هر ذره دانه وجود اول حضرت کت و جوب وجود
و لیل فاطمه و منت بی قیاس و شکر و سباس
سؤل جنابه نزار در که ترتیب ممکنات و نظام موجودات
اول جناب کت و حدایت دانه برهان ساطعه بر سلطاندر که
جمیع عالم سلطنته سلطان قائم بر سجاد که هر موجود
شیخه قوی و دائم بر ملک در که عالم ملک ملکوت ممکنات
بر خطه بر بادشاه در که صحن ساری غنچه عرش و سعادت
بر قبه بر مبدع در که عدم خوانه ابد عید بر موجود در که
بوقی و سبله آخر ایدر عقل و دین افق ذره کمالی
کورم و هم نیز بر دامن سراق جالنده ایزد نسطر خاطر
انالی که هر وقت موجودات علوی و سفلی شکار محلب و مفاد
نفس ربوبیت پوشنده بر جوب اوج و طایر عقل
و فکرت ادبی که روز و شب قضای ملکوت و صحرای
جهنم و جوه ایدر بر قدم الوهیت ساحه سنده سیاحت ایزد

عقول مضارده که الطف مخلوقات و کمال موجودات در لطف
 و کمال صفات است احصا نده میخورد بی پوشش نفوس
 ناطقه که در سائر عالم ارواح و وسائل معارف اشباح
 عورت و جلال کونینک فنانده و له و مد پوشش کرده چون
 کائنات سرور و موجودات محض ملک کلامی است سرده نمیشود
 آنکه قولوغی که بنی جان میانه با غلامش در در و جان که
 علایق انبساط جسمانی و فواید سلسله یولانیدن
 پاک و زاده در آنکه قوت لطیفی وجود لری جدید
 طاقتمش در توفیق غوم و کونکب نجوم که مناکب مرکب
 افلاک سوار میشد در شگفت عظمت نطفه ز قاجار
 خوار ضعیفه بیاده در موالد سفلی و سباج عنصری که
 سخن طبعی قدش جهت ابره تصور در جلال و قهری زنده
 برنج محبوبش اولش فاده در بر علم در که علمه غایت
 یوق بر قدر در که قدرته نهایت یوق قدم در که عقول
 متقدمین و متأخرین دانه قدسه قدم با صغر حکیم در که حکمای دین
 و آخرین حکمت و معرفت زن دم و در بر معنوق در که عشق پوسنده
 لهور فلک جرحه کبود اوینار بر محبوب در که شوق در و زدن دون
 و کون اسباب جرح اشک بر حاکم در که قضای محکم سنده عقل کل
 کاتب دامن بر حافظه که حفظی خایه سنده بر نقطه کتاب مبین
 بر فاد که قدرت نخر برنده عاقل قلم علی بر عالم در که معلومات
 احاطه سنده فاصولوح معنی علم قدیمی کلی و جزئی به محیط لطف

عیسی مرکه بسطه سبط رحمد که دو عالم حرت نمیدن
 رفقه کریم در که ایکی جهان گرمی دگرندن برقطره
 غفور در که مغفرتی زلال صحایف جرایم جواید بر عفو در که
 بر نظر طغیبتله نجه کما هری عفواید بر قدوس در که زمره
 ارواح مقدسه سرودات قدسندن بر قدم کج بر عزیز در که
 هزار جان عزیزان سر برده غمتندن بر ذر کشف ایده
 برقرار در که جلال سلطنتله هر موجود مقهور رحمن در که جمال
 تجلیله هر ذره سرور سمیع در که سمعته آلت یوق
 بصیر در که بصیرت آفت یوق مرید در که ارادته علت یوق
 خالق در که مخلوقته نهایت یوق بنواد در که بخشنده غرض
 یوق حی در که حیاته عرض یوق موجود در که اکامکان
 یوق دائم در که اکازمان یوق سلوور دلی سوزی جهتن کل
 فصل اولور اما وصلتی ذقتدن کل هر شبه قریب در
 ذری مکانی کل هر موجودله بد در معیشتی زانی کل نوم در
 عالم انکله قائم فیاض در که جهان فیضیه دایم دباب در که
 کینه بخشی و اریق رزاق در که خزنه سنده یوقش در
 غنی در که هیچ فقر کورخ کامل در که اکانتقصان الی بر فر
 وارث در اول دخی اول مالک باقی در ربیسی
 جبه مالک واجب در اکا واجب یوق اولور در
 در کاهنه حاجب یوق معطی در که هر کشی جان غشلار
 هادی در که هر مؤمنه ایمان غشلار مانع در نورله

در ملک النده مصل در نه دار اضلای مکنده قناع در
 باغلو دیلری وود در ادنی کوکلری کبیر در کبری اضانی وکل
 صادق در وعدی خلانی وکل ستار در قولرینک کف پنی
 مجیب در مطلوب ملک آمانی قاضی در بالوار انکست حاجتی
 سمیع در هر فقه ک مناجاتی کانی در هر مهمی دفع در هر طی
 جبار در کتب کتب اکابر بی یون قمار در که خمر نده لطفی یون
 قابض در در که بطعنه غور ایدنی باسط در قبضه شکر
 ایبسی حافظ در رفع الهی رافع در تواضع ایبسی نذل در
 متغزینی مع در منذلنی عادل در مکنده علمی یون
 صبور در قولرینه علمی یون خیر در هر کبره نوسری حبیب
 خیر و نوسری لطیف در که لطفی بی عد منعم در که لغتی بی حد
 واسعه در هر شبه و معیت آذن کریم در عالمه مکرمت
 آذن مصور در هر صورتی همین در هر سیرتی علی در
 علوسی فوقانی وکل عظیم در عظمتی جسمانی وکل شکور در
 شکور اولان قولرینه رؤف در رحمت ایدر بحر طریقه
 وهب در حیاتی باعث در روائی حمید در هر دلیل
 شهب در هر کوکله جامع در آخرت حاضر در هر فتنه
 معنی در هر غنی آذن جلیل در جلای آتدن رسیدر
 رشاد و انوری مرشد و ایمان بولانری مقسط در الیه
 منتقد را ملنه دلی در ملک نده متعالی در غنینه
 بدیع در که ابدافنه فیلر و مثال کریم مبدع در که اختراغه صورت تمثال

کر کمر هم محب در هم محبوب هم طالب در هم مطلوب
 هم دود در هم مودود هم شاد در هم شهود رقیب در
 و حاضر قریب در و ناظر خالق در و واحد محیی در و واحد
 سلام در آفادن مؤمن در عابدان مشکه در نوله یار شور
 متجبر در نه دار بشور مجید در مجدی حقیقی قوی در قوی
 تحقیقی متین در مستی محکم در حکمی مبرم مبدی در
 دنیا ده معید در عقیده حمیت در ابدانی محیی در
 کنه آنی باری در خلقی قاسم در زرقی مقدم در اوک
 کفی مؤخر در صوکت فالانی ولی در اولیاسنه کسبل در
 اصفیاسنه ضار در مضرتی حکمدان نافع در منفعتی قدریدن
 ربیدر ممکناستک نوریدر موجود استک **ایات**

سابقه سالار جهان قدم	حسله بوند کلو ی قلم
لعل طراز کمر آفتاب	حله گری خاک و علی بند آب
برورش آموز درون بروران	روزی رازنده روزی خوران
دوغ نه ناصیه دران پاک	ناج ده تخت نشینان خاک
خام گئی تخت تدریرها	عذر پذیرنده تقصیرها
دیده کف کور دلان خیال	سرکش دیده دران کمال
برده کش جلوه کران نیاز	جلوه کر برده نشینان راز
مونس اندیشه بیجا کان	خانه برانداز ستمکاره کان
بنجره ساز حرم نشین دری	نقش طراز طبق جنبه ری
مجره کردان نسیم بهار	خلجی سوز چمن گل عذار

ناله کت می نفس شکتاب	رنگت ز فرغ می آفتاب
غالبه سای شب ز بخر موی	چهره غامی مه و خرسید روی
خرد و فغانند ز زین افق	نقش نگارنده نیلی تنق
واقف بهار نهانی دل	غایت مقصود و امانی دل
مسلخ افروز روانی بچهره	جلوه دهش پد کل روی مهر
غوغه بحر نغمی انس و جان	کو هر کان گرمی کن فکان
عرصه تنگی متقدر و کل	ککه حکمی متفیر و کل
ملک تعالی و تقدس آنک	جمله جهان فانی بقا پس آنک
طوطی دل بسببستاندر	پد پد جان مرغ سبماندر
شکری در باد جهان پیش رو	حلقه بکوش دری در ماه نو
بیر خد طفل ره شوق در	مرغ روان فاخته طوق در
درج نه کوهسب جان اول دیر	جرخه روس قطعه نبات اول
کافله بوته ابدی حرف نون	اولسید قدرت آنک و نمون
سمع او در جمله سی بر دانه سی	کنج او در قنسی درانه سی
واحد در که سر اوقات لم بر لیده خرد انیتله	نر
موصوف احد در که سر بر لایزالیده و خدا انیتله مع دوف	
فرد در رصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن که کفوا احد ابیات	
ازل تا ابد بادش با دشت لای سنگ	جهان بادش با خدانی سنگ
وجود کله اولدی نه دار نیست	سن اولدی که خداوند بال نیست
رواندر نسیم کله آب حیات	ویر و خد شکن خبر کائنات
مغیث الوری خالق لم یزل	نه سا که عبد دل ذنب که عطل

خدا یا سکا در بوته خلق سزا که بسکند هجده سهند کدا
 قو که مبر حاجت مور و مار و مکه یا مار سجد نور و مار
 غنا دل ز حکم زخم سزا کلی لطیف ابر قسم غای
 و کسب جها نده جها طولو و کسب مکانه مکانه طولو

نش آنها ملک با دشا با سن اول دل سست که
 سکا ابد یوق و سن اول آخر سست که سکا انتها یوق سن
 اول طاهر سست که کیم نید و کسب یلم و سن اول باطن سست
 کیم که ن کبر لغز بر حی سست که جمیع حی را حیاتی شدن
 آلود بر قوم سست که جمیع محبت جلد حاجت سنده بولور
 بر حبار سست که انا جعلنا فی اعناقهم اغلالا بر خیر علی
 جبار کرک بوغنی با غلام سست بر قهار سست که و قطعنا
 منه الوابن شیخیله قاهر کرک جانی ظمارین کیم سست

بر سبوح و قدوس سست که تسبیح ایچون هزاران هزار خواهر
 زوهار روح مجرده معارج علوی و طایر بالا دعائی سعادت
 علی ده موج موج و فوج فوج طور و بحر سجد ساج
 و جهان تقدیر سست اولوب صولوی سخن تسبیح محمد ک
 غفور قذری و تقدس لک بر داهد احدث سست تو حیدر
 ایچون هر ذره بر و هر قطره بحر ان حال و دلالت
 احواله تبیل کو یا اولوب ایدر که لا اله الا الله و حده
 لا شریک له له الملك و له الحمد و هو علی کل شیء قذیر

ایات

ای مقدر وار کید تعیدی سن
گر سفر فتنی و تیر سبک راه دین
آج خرد و حشمت نظر قبل من پس
سر کور بخت کور منی و آتش در
چشم سر غماز چشم دلدار
چون یقین اوله که وار در خدا
خضر تنده یوق بحال قبل قال
بی سبب و ننده حی و کامل ال
هیچ موجود آکا بهمت المیز
شیب و بالا و نهان و آشکار
ماه مهر و نجم و لوح و قلم
جمله سی جو دندن انک بر اثر
سرا بخندن بونوره تابان ال
جمله اشیا ساجد درگاه
عقل کار افتاده جان و کلاه
دو جهانست اولی و آخری
بی تغیر منعم و قهار و
فتمت امر به اولور چون پیش
آفتاب روحی کیم تابان اند
کلمه روح القدس قلبی قبلور
چون حرمه حرب به بل غار اند

روز و شب فضل طلب تو چند سن
صدق رهبر مکی ایلد یقین
عقل فرزانه سکا او ستادش
سر کور بخت نینه کیم منست در
چشم دلی بیرون اب کل در
ذات پاکنده دیمه چون دجرا
ایره خرد در کاهنه و هم و خیال
بی جهت فنده با فاریک حلال
نکبه آکا لست و بالا بوطر
جمله سی آثار صنم کرد کار
بحر و در و خشک و تر و زیر و بزم
آفرینش هر نه واره سر بس
قواندن زنده و حشمت اولور
هر ری قدر نجه انک آگاه در
آسمان کردان زمان ساده
خود کلک باطنی و ظاهری
بی تفاوت فاعل مختار و
کردش فلاک بنچون مستقیم
بنیه آوده اول بنحان اند
روح قدسی و حب کللی قبلور
حکیم بیله مرغ سنک اندازند

حکم ایدر اول عنکبوت نه دم ایده
 آب بحر می بسنجیک پیل ایدر
 کاه بر دیوه سلیمانلق ویر
 بر عصا دن دیره در لقبا ن اول
 زنده ویر که گهی بسنج خوش
 هر چنگ خرقه بوسی کوی در
 که بشتنه رنگت تور تاج زر
 طوطی بونیده طوق زرقور
 باره باره خاک بچنده خون ایدر
 آلمه ایدی رنگن آنک لاله زار
 هر جنبه که چه اندن رنگت و بو
 قبله سن بر پان اید امانت دست
 اول وجود پاک دخی و ذوالکمال
 اول خدای حق و سلطان ازل
 اول خرمند خرمند اندر
 بوندن اوگدن کیم بوغندی بو جهان
 بلکه اوگدنک دخی بوغندی هم
 جسمه جانندن نهان دینار آنک
 بر تو لطفی بدید ایدر صور
 آتش عشق جفائی اوداید
 موبو رک رک بیلور بلکل خدا

فخر عالم تا وارب ارام ایده
 آتش سوزنده بی اول کول ایدر
 کاه بر دیوه سلیمانلق ویر
 بر تور دن کوسر رطوفان اول
 ابره شوقی ایدر برق و خوش
 جلد عالم مست های و هوای در
 که دیزر شبنم تاجه کهر
 بدیدی بغیره روبر قیور
 تا عشق لعل اول بیدن ایدر
 بیل ایزدی جمنده آه و زار
 رنگت و بودن بوقدر آله نامو
 جلد ذرات جهان عزت دست
 ایزدی چون قدیم لایزال
 فاعل مطلق حکیم لم یزل
 اول خداوند خداوند اندر
 نه زمین دار ایدی نه خود آسمان
 کیم دار ایدی اول خداوند قدیم
 عقل و حیدن اولدی بیها کار
 صولت قهری بیلور زیر و زبر
 ذره سی آنک عالمی خشنود اید
 اول وکل بر موقدر سندن جدا

طاعت که بود آینه حبیب
 کفر و ایمان عرصه میدان
 کرمه تو جبین او نور هر دل است
 دیده اولان حرف و کلمه خیا
 کرمه بر غوغای بازار دل
 سول کشی کیم اولدی اول اهل نظر
 علم و دانش اکا آنجی بود
 لیک سول کیم کو کلمه میهد
 ره روانی ملک معنی آکھی
 سول که حقدن غیر در فانی کور
 هر نه واریه جهانه از جوق
 جان عاشق دوستی طالب دلور
 نور حق قبلار و جو دینی غام
 بیغ و حدت هر فن خنجر حکم
 بیغ و حدت هر گناب بیلن بحر
 بز می هر دم کشن معنی دلور
 زمره اروج اینه محمد دلور
 هر دمنده عالمی سیران بد
 کاه خرسید و کھی در با اولور
 هفت اختر هفت زمین و هفت سما
 انس جن خلق عالم تحت و فوق
 کرمه طاعت نیک بشته تاج
 دلیری و لب این جو کایندر
 لیک لیک سرنی مشکل است
 بیک انگیندن ده ملک لایزال
 حیرت و سودا در اما کار دل
 عقل و فکر به دیور دم غیر
 دشمن اکا کیم قیلدن کد
 عشق اینه جان کو کینک مایه
 کشکان خنجر الا الهی
 هر نه به با قاریه آنی کور
 نور حق قاتنه کور و جلد یوق
 نور حق واریه غالب اولور
 کور خاندن غیر سنی اول همام
 سر قور اول کیم به کیم سر حکم
 اول هوای لامکان ایجره وجر
 سیری هر وقت عالم کبری اولور
 سالکان قدس بهمد اولور
 برو کوکی نفس جولان اید
 کاهی کوه قاف و که غمقا اولور
 هیچ برینی کند و دن بولور خدا
 جمله سن کند و ده کور و جوق جوق

کمرت ایچیده باقار اول و حدته
 کیده رکت اول صکره بوندن دیکه
 بحر و حدته طلوب فانی اولور
 وار لغنی بیر غوب یکک اولور
 ماهو سبار و منن کویا و خوش
 بر تو ذات حجاب کسب یا
 کمره دور خر یوقنی آزار مدام
 خم و حدتن یو یاش بی درکت
 نوره غرق و نور ایچیده منضمحل
 چون حیدر ایه بوکا بولور مراد
 قول قول اولور حق حق اولور کلام
 کیمدر معدوم اول موجود ایدیه
 وار اولور یوق یوق اولور و کما
 اهل کارکت بونی بلوب اکلا به
 بر روایتد رهمین بز فیلور ز
 یوق بز فانی و فاندن بومفلا
 سه توحید اول نفس اولور عین
 قاله بونده کلن طبع و حواس
 اولدن اول کندن و بی فانی ایدیه
 دو جها نده هر نه دار سادی غم
 چرخه دانکده بو حال بوله سک

قالم انک اعتباری کشته
 مرغ جانی بو هوادن ده اوجر
 اول فنا ایچیده حقانی اولور
 حصه ابر حفسه بنیا اولور
 کاه حمله چشم و کامی حمله کوش
 ایدرانی غسره بحر فاف
 یوق ایچیده بولور وارین تمام
 آرقه سنده خلقی بر هفت رکت
 کمره کیم کیمش لباس بی کل
 که صافین صانه حلول و اتحاد
 ممکن سن واجب اولور صامعل
 یا کیم اولور هستی نابود ایدیه
 کیمدر کیم ممکنه واجب دیه
 و جهی یوق برم کبی به سوبیه
 بر حکایتد که بز نقل ایلرز
 حق فنی و فانی آند قیل قال
 یوقدن طره حقیقه مرغ جان
 هم خیال هم دهم فکر و قیاس
 وار لغن یوقله حقانی ایدیه
 جمله سن غرق ایدیه داری عدم
 عارف اسرار توحید اوله سک

کیم نمز شرح حال معرفت
 معرفت شمس میر و ذره جان
 بو جیدن کیمه ایزر بر کله
 کار عالم جهرت و غیرت
 ایزر اکا بو خیالات و مکان
 شو که حق بیدی بیلم کذوبی
 معرفت دریا و عارف غرق اولو
 کیمکه خواص در دریا اولور
 شاه اولور که کنج و حدت همی
 شمع بزم اولور اکا نور صفات
 کوریش ویش ولی دال اولور
 عجز اولور بیکل کمال معرفت
 هیچ کوشدن ذره و بر می نشان
 هر طرفه خوری غوغا لب لبه
 جهرت اندر جهرت و جهرت
 اولور اکا بهم اشارت و بیان
 بیلمانی کیمینجه بیلدنک
 نوری کورن نوره مسغرق اولور
 بادشاه ملک لافنی اولور
 نوع و سان بخیل محرم
 ملکتی اولور و رای کائنات
 عارف چیست ولی جهران اولور

نشد الهی ای ملک سلام وای مالک ازمنه انام
 سن اول موجود سکت که کل خساری اکام ارحامده تقدیرک
 ابد پیدا ابر سکت و سن اول مبدع سکت که خسار کلی ارحام
 اکامده تدبیر کله هویدا ابر سکت سن اول حکیم سکت که ترک
 کوز لوبنی ترکس کوز لوبه کنی حکمتک آثاره بیت ابر سکت
 و سن اول کریم سکت که سو سکت زبانی سوسن زبانده کنی نعمتک
 اذکاره کوبا ابر سکت سن اول محبوب سکت که بیل زبان
 کلین نهال نازده شوکت نواسنه نغمه ساز و خوش خلق
 ایدر و سن اول معشوق سکت که زبان بیل خال کلین بوشانده
 عشقتک بوسنه نرم کوی دوستان سرائق ایدر

سن اول علیم است که آینه معرفت کده اسرار خفای و معنیات
 و وجهانی چهره روز روشن کنی لایقدر و سن اول چشم است که
 نسیم رحمت و مانع جان انس جان و شام ادراج عالمی
 راجحه غنبر است که کنی فایقدر سن اول جواد است که سوال
 سلطان آسمان و زمین و فاضله مواهب موجودات عالمین
 مکرر یام و تعاقب تهور و عوام اله نعمت خانه شدن برزده
 قدر است که سن اول غفور است که عفو جمیع جرائم بندگان
 و محو جملہ تقصیرات گناه کاران هر نه قدر که بی عدولی است
 و هر نه مقدار که لا بعد و لاجبی اوله مغفرت بجزیدن بر قطره
 نقصان کوتوز الهی سن اول قادر قدیم و صانع حکیم است که
 ازل آزلده جلایب اسرار صفات و حجب احدیت دانده
 مستور ایش بر کنه خفی ایکن دله دک که خزینہ انعام
 و سخا و جلوب و ابراجا در حمت صاحب اولب خورشید
 جرخ لم بزل مشرق ازلدن طالع و فیض انوار قدم عرصه ابد
 لامع استعلا مع ذات و راجحه سرای وجود دن و سقعه
 عکوس اشرفات سطح در بای جود دن عدم اظلمت ایکنه
 منبسط و لایح و یقین آینه است نورن علی و واضح اوله یعنی
 دله دک که جمال بی مناکت شایده می ظاهر و مجلی و کمال
 بی نهایت شایده می روشن و اشکارا و بختون جهان
 صورت و نویسنده بر نقش عجیب رسم و کارگاه ایجاد و نویسنده
 بر غریب طلسم ابداع ابد است که کنت کثره انحصافا فاجبت

ان اَعَزَّ فَخَلَقَ الْخَلْقَ لَا عَزَّ بَسْ بِقُدْرَتِ قَاهِرِهِ
 و همین حکمت با هر که ارادت فلن آلوب لوح ابداع و تحت
 اختراعده جمیع مکونات سابقه و لاحقته و جمیع موجودات
 متعاقبه و متلاحقه است سواد عددن بیاض وجوده کلیمت صورت
 حالنی و کیفیت احوالی بر سبب اید تصویر و بر مثال هرگز ایندک که
 وقت ایجادن ابد الابداده و کلین هر موجود اول تقدیره موافق
 و هر صورت اول مثال مطابق هر جزئی است صورت عملکرده کاین
 و هر ذره است مثال اول لوحه کاین بر احدک زهره سی یوق که
 آنده بر حرف آتوره و کبریه است قدرتی یوق که آندن بر نقطه
 کیده سن اول حاکم ازل و قاضی لابزال است که قدم قلمبند
 هنوز بر خلق پیدا و کل کن و فضا که محکمه سنده هنوز بر ممکن هویدا
 و کلکن تواند علمیه و بنیات حکمیه کله اجزای به علویه
 عناصر رباعیه سفلیه بی تزویج نکاح ایندک که تقدیر سبحانی و تدبیر
 رحمانی بسببیده جهان صورته و عالم شهادته اول باو که کائنات
 بومها عظام اید از دواجی واسطه سبیل جری عاده حق و قانون
 نظام خلق اوزرینه رحم عددن مولدیت لهوره کله که هر مولود کنی
 استعدادی باینکه تسبیح و تمجیده و هر موجود کنی حال باینکه
 تقدیرش توصیفده اوله هر صورتی کویست که ایچون بجهان
 و هر حائده سندن برتانه هر تعینده بر یوزدن لطف
 و کمال و هر تخصصه بر در لطفی جمال هر ذره ده و حدیث که بر مینه
 فایده و هر ممکنه قدر که بر حجت ساطعه ظاهر اوله

فنی کل سئی له آیه ندل علی انه واحد
 دو عالم اکا دلیل برهان نو جیدن او فور حماد و حیوان
 هر ذره کم بود همت اول هر نقطه کم حنیض لب اول
 جمله فی جان به طلبکار لیکن بر بسی و کل خبر دار
 آنده کم حیریم بی نیازی اندیشه اولور خیال بازی
 الهی سن اول مدکور سکت که ذکر کت هر کیمه موفق
 اوله موفق اقبال سن اول مسکور سکت که سکت کت هر کیمه

میسر اوله میسر مال **ابیات**
 بنده اولان موکسسه ناکر کرک خیر و سرده خیر اید ذاکر کرک
 غم اولور سه اولانی نعمت یله ریخ اولور سه اولانی رحمت یله
 شکر بر نعمت رحمتی بدید شکر نعمت موجب جلب خیرید
 شکر دخی نعمت شکر یانند عجز کی بیگم همین انجی سکت
 عجز شکر اولور حقیقت شکر ییل عجز درک اولور کمال درک ییل

نثر ای خالق هر موجود دای دایب هر کرم وجود
 ای قیاح ابواب سرت و رتیاح ای مبدع طره مطرای شام
 دغره غای صباح ای زمین و آسمان نور کله روشن که
 نور السموات و الارض مثل نوره کمسکاه فیها مصباح قنوط شفقان
 سبحات جلال کله نور انفاس مشتاقان نفحات وصال کله معطر
 اراغ عارفین زلال جمال کله عطشان اسرار و الهین جمال کما لکشان
 حیران دل صدیقان تجلیات عزت و جلال کدن بی هووش
 جان مقربان سطوات عظمت و کما کدن مد هووش فتوح ملک

جهانیان بنده در کاهک الوغله آسایش جان عالمیان
 خاک بار کاهک الوغله ترغم بیدان بوستان مینا بر شجاده
 ثناء قدر تاک ایون تبسم کلکسان فصل بهاره نجب حکمتک
 ایون هر محضه که بر جمع دار سوخته عشقت در و مجیده که بر جمع
 دار اخر وخته شوکت باران شیر غمام بستان انعامت شکان
 و کر سکان زهره انسانه لطف و انعامت در سیر باران
 بستان دایه غمادان دهان طفلان باغ و بستانه عین فضل
 اگر اکدر که پهلادی بنزل الغیت من بعد ما قنطوا و بنشر رحمت
 و هو الی الکجد سحاب در بار قطرات اطاری صفحات اقطار
 اوزرینه لیل و نهار با قدر یعنی سنک تقدیر که و غواص ار
 بهار عقوق و حرورید آبداری قمر بخار زخار و ن کور و باراجن کلزاه
 عرض آید کی سنک تقدیر که بر جمع طوبالی فنی کمال قدر شکله روز
 و شب کردان آید رسک و هر برگوزه زرین و چین کوکبی دل چرخ
 بر لرزه ملحق و سر کردان آید رسک تا اول حرکات غایب و اوضاع
 و حالات و اول اوضاع عجایب ارتباطاتی و اوسط سبله حرعیت
 مخفوت قانون نظام ممکنات و زرینه جهان باغنده کائنات
 انواع نباتات و حیوانات و عالم کون و فاعده اصناف متحدات
 موجودات هر فصله اول فرجه مطابق و هر دقیقه اکا موافق
 اکسیت و لوب و اما اول باغ زیب و زیندن و اول کلکسان
 صن و بهجندن خالی المیه الهی ای بادشاه عالم ای موجود
 جن و آدم ای صانع دانا و ای قائل توانا ای مظهر بدایع حکم

دای مبدع لوح قلم ای خالق ناردنور ای رارق مارومور
 ای کت بنده ابواب رحمت ای نمائنده اسباب مغفرت
 ای مبدی و معبد ای فایده جبار و غنی **ایست**
 ای برآرنده نه و خورشید نقش بند جواهر بیم و امید
 فی قلم صورت بدیع اندک بی ستون خیمه رفیع اندک
 مایه بخش عقول اولی سکت فطر صورت و هوولی سکت
 ذات بچو که بدایت یون بادشاهانه نهایت یون
نشر سن اول ملک سکت که ملک که غل یون
 سن اول عزیز سکت که غنیمت ذل یون سن اول سلطان سکت که
 سلطنت که خیل و خشم کرکر سن اول پادشاه سکت که
 شهلمت که حیرت و علم کرکر سن اول قهار سکت که سلطنت
 قهر که ابد ب لمن الملک الیوم دیدیگت وقت زوایی
 علویدن و سفلیدن بر حرکت جواهر طاقی اولم کنه جلال احدیگه
 سد الواحد القهار دیو جواب ویرجکت کنه یک معارضه به
 استطاعتی اولم قنی اول لاف جباری و مباحات جفاکاری
 ایدنر نیچون اول کونده اول لافدن دم اورخرز و قنی اول
 دعوی منصب و جاه و تدرج رفعت بارگاه ایدنر نیچون اول
 دعویه قدم باضمز سن اول قدوس سکت که ذات مقدس
 تقدس مقدس ان تسبیح سبحان بی نیاز در که ان حسنم
 فلکم جمله وان اسلم فلکم و باله سن اول واحد سکت که
 سرحدیت و حقیقت محمد سکت توحید باکان و شرک بی باکان

منزه که حقیقه الصمدیه منزّهه عن جماعکم و دو باکم الهی
 سن اول کریم سک که مشارب کریمت ز اخرو صافی و سن
 اول منعم سک که رؤسب حکمت و فروانی بقیس سبا
 سما که جرح محرو تواریق صمدیه دور بندۀ دیکاه قدرت
 عجیب کدر و قدین مرصع برضیا که طاق محراب بیروزه فلک
 معلا ده نیز سعه انوار حکمت غیب کدر طارم قبه بالا و غصه
 ساحت بستی وجودت نوریده روشن اول کدر بهفت صفحه کلستان
 علویات و چهار گوشه بوستان سفلیات رحمت آثارید
 کلستان اول کدر غیب خزینه لایک عیسی قبضه قدر کنده
 و کیز نو سر رک طومسی دست اراد کنده علم حکمت کوهر لرینی
 بیدیرن سنک و اقبال سعادت پولدینه بدیرن سنک
 هر همت که نفده اوله و هر نیت که کوکل کله علم قدیکده جمله
 موجود و کتاب مبسکده جمعیسی معدود هر دانه که خیابای
 بسط خاکده مکتوم اوله و هر نقش که زوایای محیط افلاک
 مرقوم اوله هر ذره سی دائره حکمده داخل و هر نقطه سنی محیط
 حکمت شامل سواد سرمه دیده ابوان صحرا و بیاض کوهر دندان
 ماهیان دریا حکمده توئمده که بعلم مافی البر والبحر و برکت
 زان فصل خزان و سکوفه هر باغ و بوستان کتابده یلمده که
 و مانقط من ورقه الاعظمها و لاجیه فی ظلمات الارض و لاطف
 و لایس الان فی کتاب مبین هر رقی ورق خضر که درختن جدا
 اوله بلور سک که اینجبه قاج کرده و نور قنقی بوزی و درینه پره اینر

اول برده نورور کیدرمی و یا بر حیوان آتی بودار می اول حیوان
آنده می کله کرک و یا خود اول اکامی دایسه کرک اول حیوان
عالمه موجود میدر یوقه هنوز کم عدده مفقود میدر سر قده می
اول کرک مغزیده می کجه می یسه کرک یوقه کوندور می آنک
تفنده نه اثر اینسه کرک اکا اصبی پان نه دیرسه کرک جمله سین
ازنده بیورسک و عکاک اوزرینه طور رسک نه بیلدیکه احتمال
زوال وار ونه عکله تغییر انتقال وار الهی سن اول عالم
اسرار ازل وابد و کردار هر نیک و بد رسک هر نه جزئی که
خیالات واد و امله کلور و هر نه کلی که عقول و افهامه سلور
جمله سنه عالمسک و دیده دیکت کبی حکم رسک هر مولود که آنا
رحمه دوسر ازنده بیورسک که ذکر می در انبی می نام خلق
خشی می خوب می اولور یوقه رست اهل دوزخ می اولور
یوقه اهل بهشت عاقل می اولور یا دیوانه آشنا می اولور
یا بیگانه عالم می اولور یوقه جاهل ناقص می اولور یوقه کامل
غنی می اولور یا خود فقیر شریف می اولور یوقه حقیر غری
اوزون می اولور یا قصیر جسمی کبیر می اولور یا صغیر جسمی
علم غیب مطلقه موجود و جمله سی لوح نقش کله مضبوطه
برواز عصاب عقول انسان بالای الای آسمانه اسرار غیب
قدر که یتیم که وعنده مفتاح الغیب لایعلمها الایه و طول
عرض و قتر خیال محاسبان ارقام اعداد اجناد جلال عسکه
و فایتم که و ما یعلم جنود ربک الایه کاه ماهی میدان نضا

لیق فلک معلاده برکوی رخسان ایدرسک دکاه کنه
 آنی دست سمجهر کردون معلاده بر سپین جویکان ایدرسک
 کاه بو اوراق نیلی کت اب آسمانده آئونه پالیش برنون تابان
 ایدرسک دکاه بر سفره پیروزه خوان احسنده بر قطعه نان
 ایدرسک کاه زین اوروب خنک کردونه سوار ایدرسک
 کاه زینت یچون سعد زپره به سوار ایدرسک الهی مهره
 یکی شمع در که فراشان قدرک خلیفه زادگان انی جاعل
 فی الارض خلیفه شک مجلس حضور یچون یاشلدور دیدی فات
 سادات بر قبه در که صانعان حکمتک اول شهراده لک ساری
 سرور یچون یاشلدور ماه منیر نو نکارستان سنکده
 بر کیونند شیمی زلف شب تار در بر جرج برین فلک تنجانه
 عتسکده بر حلقه زرین کوش بتان تار در الهی سن
 اول قادر سک که جنود قضاک منصور و سن اول جواد سک
 وفود عطا پاک موفور سن اول عظیم سک که غت و عطف سک
 معترف اولون و اخرون و سن اول کیه سک که کبر مای جبر و تنک
 منصف متقدمون و متاخرون و سن اول حاکم سک که مهره امه
 قضا و حکم آینه ک همین کن کیون

بیان

قدیمی توانا که جان جهان	آنکه بولور حمد نام و شان
عطاسی فراوان و بی انتها	له الملک و اکبر با
مطر اگر چهره کل اودر	کره بند کیوی سنبل اودر
سرای جهان کلبه شوق	های خرد و متمدنی طوق

منابع گشای شراب جهان در رباع جسمه اول باب ردان
 نیا که مبدع کائنات زبان حماد و روان نبات
نش الهی سن اول موجود است که محمّد است هو است
 شعاعدن بر ذره سید و وجود کونش است بر نون بر سید
 هزاران پیر صورت دلربا و حصه جان فرای کم عددان
 صحرای وجوده کتور است و سن اول موجود است که جلال دانست
 د کمال صفات سید هر موجود ممکن و هر محمّد و ساکن
 هر فیه قولغه وجوده کتور است سن اول جبار است
 پنج جبار کردن کتوری سرخود کی نصیب نشه تا تمام
 ایدر است و هزار فرغانه بی مالری فرعون موسی کی بر آغاج
 باره سید زبون و رام ایدر است اگر مورخ جمل متین
 عنایت که شک اید و دیده ماری اکسه سندن حکم
 و کورده با ضعیف چراگاه حایت که بول بوله اصله حکم بجه لویه
 الهی سن اول رحمت است که کشتن فردوس رحمت حدیث است
 کم کلارد و سن اول نصاری است که لطافت جسم
 عنایت است ادنی شرارد **بیت**
 هشت جت لمعه انوار و هفت دوزخ تابشون نارد
 سن اول عظیم است که علمک کتاخانه سندن بر نقطه است
 احرا چون طغوز فلک بر آریه بوکولوب بر هم المند
 و سن اول نعم است که زبان حال عقل کل نسرال و نعماکه
 اخرس بکم المند عقل دور بین و فکرش ایدش ذات

چو بخت در آینه حیران و هم نیز کام خیال جهان نورد و صفات
سیرنده سرگردان اعداد امداد رحمت کئی اخصا و مضیق
شماردن بیرون لطافت آسمان درین بدایع حکمت و صنایع
قدرت که مشحون **آیات**

هر نه با نسک دلیل و نذر
عش و فرشت قطع مشی خاکدور
اولین و آخرین رهنمون
روز و شب چرخ دور و گردان
ذات پاک هر چه نذر برین
بوجهای عقل و جان حیران
مرغ جاندر دامی به مای بند
صنع جویند لطفی اظهار بند
مبدع بی غون و بی التذاول
ای که سن سبک باطن و اهرام سکار

ش الهی سن اول قادر حکیم سبک که خدایک که نول طراوتی
دور که آنی کور که کل دل آفتاب بر صفا اولور و کل خیاره
نول نصارتی دور که اکا قار شود کل اوتانوب غرق حب
اولور الهی سن اول قادر که نول بند قدرت سبک ترتیب
تکامل موجودات تولید موالید کائنات و احیاء سبک و ازان
دوران اعلان اعلام سحر حیران جهان ایچون تن و دل معلقه
اجرام کوکب و مصابیح منوره نجوم ثوابت سرفات مناره

قبه الملک و درجات طاق سرب الملکده هر دعه بر وضع
 غریب پیدا و هر ساعده بر نقش عجیب پیدا اید که منجان عالم
 اول اوضاع است از تالیفات حکمن جهان و موفقان بنی آدم اول
 حکمت و فایده ادرکنده سرگردان گردد فرشتان حکمت و جهان
 قدر شک عبادت عبادان سکان ارضین صلوات معکفان روی
 زمین اکنون رطوبت محراب سروده گردون و درون فضای قبه
 جرح شکون سجاد سبز باکی روی مسجد خاک اوزرینه سسط ایدوب
 دوشهر و دوکلان مقابل درجه شک و دوکلان خزان نمک
 صاع مرصع زمین فصل بهارده انواع در کوهرله و زمان خوانده
 صفوف سیم وزرله اولدیروب جهان نعمت اکنون عالمه قسمت
 ایدوب اولدیروب خوان لاریست سفره باط هامون
 و صحن سبط ربیع مکنون اوزرینه مولد مولد کائنات و صوف
 طعمه حیوانات و نباتات در خوان نباتات و ترتیب بادست هانه
 کیم عالمک ساهری ویدی الملک بادست هادی اول خوانک
 نوله شک کم کداسید و زراق اولدن و آخرین دموید متفلسفین
 و متاخرین اول سفره انعامک اذی عطا سیدر الهی سن
 اول مندر ازلی و مدبر لایزالی شک که هر موجودی موجودات
 عالم کبری و مدبران هر ذره ذرات جهان لیست و بالادان سر
 بی حکمت اعلی و بی مثل غایب محبوب طور شک سن اول خلوق
 برست تیره کردن و بر آووج عبارنا با کردن یکی عالمی بر آرای جمیع
 اندک آدینی دم تو شک بری عالم جسم انکار بری عالم روح

و بنیاد بری عالم ظاهر کشف وری عالم باطن لطیف
 برسی کنج خانه عصمت برسی کارنامه حکمت مشاطه قدرت
 بر قطره آبدن بر عروس بزدلیوب اول سکر بک عالمه جلوه
 اندر وی که انگ حقه خطیب از منبر ابداغ ده بوحطه حمد
 اندکی فضا که است حسن الخلقین معروف عقول محض گردین
 بفضلی او تو دیکمی لقد خلق الانسان فی حسن تقویم بر ترکیب عجیب
 در صورت غریب بید اندک که هر کورن صانع که بر مریدان شد
 مشک سالی اوله و بر مشک بر دیش که مفر سالی اوله بر مشک
 دوز دیش می فروش اوله بر می در مشک سکر نوش اوله بر قد
 سرور داند بر یک در که جان رواند بر یزد در که حب که سکر
 بر دلد که سوله بیکد بر دلد در که در خوشایه دوش بر دلد
 نعلایه دوش چشم در که بجمه بکوز بر زلفدر که غنیه بکوز بر آن در که
 بدر ایش یه دوش بر فاشدر که مشک تونو یایه دوش بر دلد
 حقه یا قوت ایش بر سخن در که جان غدا قوت ایش بر سه مار عقل
 حوس قوشد بر س ایش بر طوطی جاندر که تن قفسه نیش ایش
 بر داند که آینه وجود مطلق ایش بر کوکله که همین عرش کاغذی ایش

ابیات

عقلد بر نور پاک دود کمال	عالم آنکه بود بر جسد کمال
سعه سی دل خانه سن روشن قلوب	تازه و خوش کل کلش قلوب
عقل فرانه جو اوله همسین	الکس اوله نکتة علم البقین
روح دخی بکه امر کرد کار	عقل دلدله دفر آنسین کار

نفس و عقل و دل و خی و سمع و بصر اولیایه روح اولیایه زیر و زبر
 جسم پاکت سر بر چون جان اولیایه لایق شایسته جانان اولیایه
 الهی جمله نقاشان عالم و مصوران بنی آدم بر نقش
 تصویر و بر صورت خیزر اینک ایستاده بر دایره و روشن مقام
 بر کن نشسته اند و استند اندر بر سن اول مصور از لیس که
 بر قطره متحرک آب آورنده رحم و حکم شک و تارکنش بر صورت آدم
 تصویر اینک که جمله نقاشان جهان و صورتگران روی زمین
 که خانه جهره کت و صورت عبرت خالری جان آفری عبرت بر قرب
 و عقل پاکت آینه و طبع صورت انبیا خالری خالری جهره نور
 هیچ اول صورتت تصویر کیستند بر صورت تصویر و وجدان ابدی
 و اول نفس خاکت حسن نیاسنده چهران و چهران قالدیر
 و جمیع و صفایان جهان و سیهان دوران اینک نشسته عبا
 و سرگردان اولیایه الهی سن اول حکم سن که نیجه مخلوقات همان
 سجد بار اندک مار و ماهی مثال و نیمه شک راکع بار اندک که
 بهایم مثال و نیمه سن قاعد بار اندک اشجار و نباتات کبی آدم
 خلاصه موجودات و زنده مخلوقات در هم راکع و هم سجد هم قائم
 و هم قاعد بار اندک که بر هیئت بر هیئت دافع و بر شکل بر شکل
 مانع و کل الهی شکت بنی آدم انعامت بی عدد الهی شکت
 انکه اگر انعامت بی عدد الهی مخلوقات بعضی که زمره مساوی که
 سوره بار اندک که محض روح مقدس و عقل مجرد و وجودی دود
 آتش شکوت و غضبیدن مبرا و صفای خفیه و خفیه و بخندن معرا

خوف جلال است سبحانی لوازم عالمند که بخافون بچشم
 من فو قشم و بفعلون مایه عرون ذکر عظمت و کبرهای رحانی متعارف
 و تفرکی که بسجود انبیا و انبیا لایفزون عصمتی جلی در
 هیچ آلوده طغیان و عصمت و طرکه لایعصون اند ما اعرهم
 و طاعتی طبیعی در اصلا ایستاده است کبار و غفلت و طرکه و من غده
 لایستکبرون عن عبادته هرری حکمت اوزینه فوئند بکیم اول ملک
 طاعتید و هرری برصلمه موکل اولی که اول ملک عبادتید
 هر برینک خدمتی داشته لازم در و هر برینک عبادتی وجود لایعصون
 انما که قدرتی بود در و ترک انما که طاعتی بود در خلقی غفیر و جوری
 جلی در و بعضی که کوائف بهایم حیوانات در سوچه یار اندک که
 ترکیب لایعصون و عا و شوات حیه و مقصود لایعصون لایعصون
 حیه در همه لایعصون خلق و جوری ایستاده مقصود و فکر لایعصون
 و طاعتی نسبت مقصود و انزده و داعی طاعت لایعصون و طاعت
 همهت معارف باینه فوئند در خلقت لایعصون اول قابلیت و برینکه
 عجائب قدرت الهی در عبادت لایعصون و برینکه اول استعداد و توانا
 اسرار حکمت یاد است می معرفتی اول هرری و ائیل اخلاق لایعصون
 برصفتند تمام غایت و برصفتند طرف نهایت در کمی حصره
 اعلامی لایعصون در کمی نهایت کماله در کمی غصده مفراط کمی
 جنبند مفراط کمی حصره معرفت کمی غل ایستاده موصوفه در کمی حیه
 و تبسده مشهور در تمام تفصیل عجائب مخلوقا نه مذکور اما موجود
 آراسته انسانی سوچه یار اندک که وجودی بهم خیره قابل بهم سره

هم نفعه قابل هم ضره صلاحه ده استعدادی دارف ده ده صلاحه
قابلیتی دارف ده ده حبلی مستعد کمال و نقصان و خلقتی
قابل طاعت و عصیان اگر چه طبایع و شهوات حیوانیه نک جمیع
الت و یلیس لیکن اطلاع اسرار معارف الهیه به دخی تمام استطاعت
فوقش اگر چه لذات جسمانی خوش دوقی دار اما لذت روحیه به
دخی تمام شوق دار ایکی عالمان دخی نصیب حصه سی دار و ایکی طایفه
دخی حکایت و قصه دار برین واسطه جان و دلید و برینک اتنی اب
و کیدر اگر شوبه غریبه طبیبی فایز کیمیه و کین خوش طبعه
جمیعیه بونک منزله سی بنیادان ادنی و لور که آنز مخرجن قابل
بو بولوب اول معافی خست رایدر انز عاجز اولوب آید ایتدی یوتدی
و اینک انق در ایدر و لیک کالانعام بل هم ضل سبیل

و اگر شوبه که معارف روحیه اید موصوف و اخلاق ربانیه اید معروف اول
بونک مرتبه سی ملاکدن اعلا اولور که انزک خلقت ربانیه اول و یلیس که
ایند و انزک جبلتدنده اول فوئندی کتور دی خلافت ان که
اختیار اید بوجه انانی ترک ایدی و قدر فی و این بودر شهواتدن کیدی
بوسیدن او تور ایدر که بو طایفه نک کلی و بوزعه نک کلی حصنه
کا هکوره که نکان قاب قوسین و ادنی و کا و غوره که لمع اندقت
لا یعنی فیه ملک مغرب و لانی مرسل حضرت اراهم خلیل اید

صلوات الله علیه و سلمه مشهور در که ههای همنی سول قدر عالی قدر
ایدی که طایس رسالت دخی و عنقای مغرب ام دخی حضرت جبریل
علیه السلام آنس غروده کله کی وقت اما الیک فلا ایدی

و خاتم تکبیری نبوت و در صدف فتوت کل باغ رسالت
 و سر بوستان جلالت خواجه جهان جهان و جهان اسد جهان
 حضرت رساندن صلی الله علیه و آله منقوله که روز منقحات
 او این سوره حضرت رسالت آنجه سدر بیور دی که جبریل حضرت
 بفرمودی حتی بعضی آنکه در بعضی وقت حضرت رسالت علیه السلام
 عرف و بدی حضرت جبریل علیه السلام تعجب آید که بن خود سکا
 بید مردم سن نه دن بیدید و بدی پنجه دها بونک کبی فرزند اول
 و شهادت افعال دلالت آید که کمال بستر مقام ملائکین که اگر چه زمره
 حکما که اغما دلری بود که بستر عقول مرتبه سندان کجمر دان
 هر نه قدر کامل اولور سه مجزوات مقامنه و افران کن بو قصد نظر اند
 و نقصان فکر لری نذر که ان یک مرتبه سنان آنی اکلا و قریب بیور
 و کنگ مقامین مبین عقیده و ایمان صانور و اندن جبرلری
 بون کیم بونک ایمای دل عرش اشیا بونک دایره عقیدن
 خارج فضای مقدس عالم غیب مطلقه طیر انوری اولور و طایرس
 کلا باغ و انورینک محوطه فکرون طسره کسان صفاء حضرت
 احدیت حقه جولانری اولور زمره خواص ملا اعلی و کمال ملائکه
 علی حده عرش صورت ایسه بونر حده عرش حقیقت در که قلب المؤمن
 عرش الرحمن انزخی تعالایک بواج صفتی منظر اولور سه انسان
 کامل جمیع اسماء الهیه به نظر در که ان الله خلق آدم علی صورته
 اول طایفه تغریب و تجریده قلمش در تمثیل و تشبیهن خبری
 بون انسان کامل یکسده ده مظهر و مظهر هیچ برینه دخی نظری بو

آنکه هر بری بر مقادیر متوکل نمیشد که باز سکا بر قدری
 اول مقام نقصان بر قدم ایرواد حبه و های همت را در سینه
 بر مرتبه بود که اندن اکاد و کجه هر حال اندن اکاد و در وجهی حال دارد
 و هر مقام اندن بر مقام انتقال دارد در هر استیلا عدی بود
 و مقام استیلا عدی بود سیر فی الله غایت اولی و در پای الهی به نصیحت
 اولی فی الجهد ارباب کوف ظاهر و صحت فوب ظاهر که نوبت
 حق نیست و قدا و ایمانی بطرفه طریق نیست در سون اوزر الهی
 و بوسنده اتفاق میشود در کیم علوم بر علوم ملاکند و خوشی
 خود صندن افضل و کلدن شود که اول صدایب و بیوای صفیا
 بوجین آدم سرور سر عالم بعل خوشنوی و ما بطق عن الهوی
 سنده مسعود لغای الخیم اذهوی رسول عرب و عجم مبعوث
 فصیح اعجم حضرت رسالت صلی علیه و سلم جمیع نفوس مقدس
 افضل و محله عقول محرومه دن اکلدن جبریک بر مقام دارد که
 اندن بر قدم اکاد و کجه طاقی بود و اول صفت بر مرتبه ای دارد که
 اندن بر نفس ایرواد و در مقام استیلا بود اما باز عالی مقام
 دل نبوی و دوست خوش خرام جان مصلحتی اول استیلا جمیعند
 کجروی و اول مقام اندن یکسکه و جاری اول سببند که روح
 مطهری مقصود کل کل مقصود اولی و روان سوری مظهر اول و اصل
 موجود اولی صورته صوک ایبه مضاده اول ایدی وجوده متاخر
 مرتبه و افضل ایدی جمیع ملک بار الهی حکمت است وجودی ایدی
 وجه جهان ملک طاعتند مراد است سجودی ایدی است وجودیه جهان

زین کلدی و انک ترفیه نوع انسانه رب و فرکلدی انک برکتده	بهره آفریده او در
بونو عک کالانی نامقدود اولدی و انک تفسیده انک تفساتی	هم نظردده و نویدر لطف
نامقدود اولدی و لغد کرمان بنی آدم و حمدن بهم فی البر و البهر و فی اهرهم	نقشک مشلی نقش بند اول
من الطیبات و فضلنا هم علی کثیر من خلقنا تفضیلا باب	اختر آسمان معرفت اول
محسنه برکتیده او در	حامل کلفت مجبیده اول
هم کماله جمله دن اشرف	خلقنی مستعد استکمال
هیچ صورت یاراندی اول	انک اینده در از لده خطاب
زیده جار طبع و شجاعت اول	طایر ام آسمان روی زمین
قابل لذت منیده اول	فرشتن غریب طمیدانی
طبیعتده فوئش استدلال	حکمت و فطنت سکنا بیت و علم
انک اینده در در حشرده حساب	جمع ایدوب جمده آنده خودی خدا
انک اینچون خدا یاراندی مبین	خائق خلق ایزد بی چون
خرج بیروزه کوی جو کالانی	هزینه کیم اول یاراندی و بر دوی
همیت عالی و عروت حلم	خاک ایدوب اول مکرم ایندی
حقنه کلدی علم الاسما	کائناتی غلام فندی سکا
فاعل کارگاه کن فیکون	فلسکی عرس ایدندی کندی چون
حمدون ایندی سنی مقصود	بس سکا دوشه می که غفلتده
خلق اینجه مفضل ایندی سنی	
بوخه محبتو فی رام فندی سکا	
کوکلی کعبه قلدی انک اینچون	
روز کارک کجه بوس بر تله	

بسمه سگ کیم ابد و ملک من هیچ
بو بخیزد غرور و شرف و رده و سکا
قیمتی جو هر سگ انجی حصا
دار در و شش کل که با شنی آمد سگ
نفسی چه اید که نفیس نه سگ
سند و هم دبو دار همه ملک
دبو و دمار سگ اوله سگ مکی
دبو اوله سگ که رهنمای کر
کر سکا عقیل ابد رسه بی نقین
جمعه بدوب نفسی مجروح قبل
کو بهر شتی زبور جان ایت
سعی قبل جرح مرقد اوله سکا
سن که بی کبر و بی ریا اوله سن
طالب شھوت محال اوله
خوب و وسک ترس راوله
اول محاسنه تازه روی لطیف
مکت کیم بولمنه اول
خاک راه اول که شرط اوله بود
فیصل مہمبت حقہ خسوع و بکا
مقصود عالم الطیر در
بی ربا راه حقہ توسن با

نه به ملک نه ابد و ملک من هیچ
بسمه سگ انی غنیم خطا
ایلوک انی بالمعبد نهان
جو هر کی اوله که ناک اید سگ
اکا اوبار اید سگ حبیل اوله سگ
سند و دریم زمین و دخی ملک
قدر و غنیمت که سگ ملک
افضل نقین سگ که مقر
مهر سگ کار سکا و علیان
طلب دولت مؤید قبل
قصه آب حوۃ امان ایت
دار در و شش عرش مسند اوله سکا
خاص درگاه کبریا اوله سن
سکن خانه خیال اوله
راست خوش سگ دروغ کو اوله
تاشنی جمیع طوۃ شریف
سندان اوله قبول هیچ عمل
جاه عزت کوزت که جاه بود
روز و شب اول میان خوف و جا
بی تناهی و بی تب هیدر
خالصا مخلصا برای خدای

طمع و حرص سن هرید اوله
 هر نه وار ایسه نعمت دنیا
 وار در حق سرخ از اوله سگ
 عرکت حضرت خداوند اوله
 نیجه به دکت لوا ف کعبه کل
 صاحب عاشقان صادق اوله
 طلب صحبت سان ایتمه
 ایتمه کل انفسات بدکاران
 اوکمر اول که اید حلیت تنبیل
 بار اید نه صافین که نادان
 بومسند بر عجمه کی روشن
 جهم اید و بسن رفیق عالم الله
 عد لله طوت نه ایشک کبکی
 اعتدالی قوم سن الدن هیچ
 عدل بر جمع در جهمان افرو
 عدله دست نه قوی کو پور
 ظلم ایدر بنا ملک خراب
 هر نه وار سه جهاده عاری
 ملک تنده که ملک جسمانی
 عاقبت ملک ایجره بر قور نان
 دیوت اول که ایده بر بوجاقده

بازید اول یور می برید اوله
 وار براق که اوله غت غصبی
 قو در خلقی بی نیاز اوله سگ
 منصب و جاهک اول سرادک
 نفس ایت طوائف کعبه دل
 بهره و ایهمم موافق اول
 طمع عهد ناکان ایتمه
 دایم اول فعل رفیق و نیازان
 بد خراج اولان غرر نفس
 محرم ایتمه سکا قنی آنی
 دوست نادان بد رصد دشمن
 نخته کرد سن اول و خام اوله
 عد لله قبل جمیع جنبکی
 کیمیه کویر زبان او بولدن هیچ
 ظلم نه اسس حکمک سوز
 فامت ملک مستوی کو پور
 ظلم خور سه عهده منع حیل
 اولو نعمت شیشی عاقبت
 عاقبت ملک سلیمان
 ویرمز اول دوق ملک خاقان
 آر دینه آه کفت د کو بی تمام

بوجهای تو بوب سخانی
 هر کلمه بو غرض میسر در
 شهر بارانی غلام اولور لکا
 هر کلمه کیم خدا دره توفیق
 ذوق شکر شکر کبی سرن
 بسم تن که بیر کور در
 روح بسم که جایی نورانی
 روح جوهر درر مجرود پاک
 بر تو نور فیض ربانی
 اولدر محرم حضور احد
 سن آنی کلمه همشین اینه
 کر دیر سکه که اولدر ساق
 حق یونسده بلا و محنت و حلم
 اول خدا حق پاک و بی غول
 علم دیندن کیم اولمه آگاه
 علم دین فوئده بازی و کل
 علم دین بلکه سیر خزان سکا
 علم انیم اهلین تور و تبیس
 نیج بر جنس و نوع و فصل اول
 حکمت او کون حکم صادق اول
 حکمت اول صانه آنی که خلق کلام

و اما فکر ایده جھان بینی
 تکلمه اهلین برادر در
 جرعه خواران جام اولور لکا
 صبر و شکر فیض ایت
 اولور اکا که بوله ذوق دین
 خورش کرم و قوت مورد
 منه بیدر هوای روحانی
 کیم اکا منظر اوله آب ایلد خاک
 کوجه محبوب جسم طینی
 کور اول هیج سکنای لحد
 سن رفیق بده قرین اینه
 دایسن اول علم روز و شب مقول
 همیشه الدین ادو العلم
 و اهل العقل عالم الغیب اول
 جصل و اینه دوشه کراه
 علم دین باری و بازی و کل
 اینه دل فارسی و بازی سکا
 دین بدین منطقیه اقلیدس
 سعی بت اکا که علم اصل اوله
 وار کلمه اینه موافق اول
 حکمت اولدر حکم حق اکلام

بکده هر که درون و پیردند
 و تر قدوس و کردگار احد
 کیمه بیکر آبی نه در کنه او
 مالک ملک قادر بی عیب
 آفریننده زمان و مکان
 صغله آب و خاک آتش و دود
 تیره خاکی چون آید می طینت تن
 جمله خلق ناقص و او تمام
 ساعه قدسی هر چند ناک
 اول یار آید جهان کون و فضا
 باد می و دجسان غیاث میر
 دافع جمله ملمات او
 ذکر می آنگشت زبان بسته ده در
 دو جهان عاشق جمالی در
 اثر فیض اولدی ناقص و در
 استمک شدن و غایت است
 ای خداوند آشکار و نهان
 منت فیض رحمت از لی
 باسط نور آفتاب شهود
 وصف الاک زبان عقل بود
 جانی جان ایلین وجود کند

صغی اول خدای بیجو ند
 وصف در لم یلد و لم یولد
 الذی لا اله الا هو
 صانع عالم شهادت و عجب
 کما بخش طبع ارکان
 دور و بر آید جامع الاضداد
 آید می جانشین آبی اول روشن
 ابد از ذو النجیال و الاکرام
 یوقدر اول ساعده نهاد پناک
 کائناته اومبد و او معاد
 رهبر راه اولان هدایت
 عالم السر و الخفیات او
 دردی آنگشت دل سگسته ده
 روز و شب طالب و صابیر
 جان و دل آذن اولدی قایل بود
 جهد سندن کرک هدایت آنگشت
 کار فرمای کردش دوران
 مالک لایزال و لم یزل
 قایم طفل امتداد وجود
 شکر نعمای کیمه ابدیه
 دو جهان غرق بحر جو د کند

جمعه ذرات کون ذاکر در
هر کیم کیم سن اینک ازانی
ایشیدر جان قول غلبه عالم
هر دیکت لشقه بشقه ویدی
هر بری ذکر انجده رصفت
سر بسد جمله ذاکران صفات
بر دل اوله مکر که رحمانی
دل کوزی کر اولور سه اولیا
کر دل آینه سنی سن آه سرک
نور خورشید در جهانده فاش
ملک روح ایچجه دنه ده کت
منظر نقش کفر و دین اولدر
سویلمن دلده جام جم و لدر
قابل نابلس نبوت اودر
روحی چون مرک غایت اودر
عقل انک بر دیزر کا ملیده
تخته نقش ملک امر اولدر
مبد اکائیات جو هر بدر
حاکم ملک وجود اولدر
مدد اندن ایرر جهانده تمام
عقل دستور و خلص حیدر

هر بری حالتنه کت کردر
سمع داودی و سیمانی
هر زیدن هزار دلو کلام
هر دکت در لو در لو در دی
بنده سی اکلا لغی معرفت
یکت قانی که اوله ذاکر ذات
اول دله ایره عون ربانی
کو رونه انده جمعه اشیا
خالق خلقی اکلا لوب سجه سرک
کوجه کور مرده دیده خفاش
دارلغت تهر بجره شاه دکت
تخته محمد و طرف کین اولدر
مستقر نشاط و غم و لدر
لوح محفوظ سرع دست اودر
نفس ایچون ملک هدایت اودر
روز و شب خیر ایشده غلبه
دایه نفس زید و عمر اولدر
مرجع روح پاک کت و پدید
سایه راحت و دود اولدر
نشو اندن بولور خواص عوام
شهر تنه دبیر و نایبدر

فلم جنبش و قوف اولدر
 عقل کلدر که لوح نقشه بازار
 نفس بر نفس رونق آنده شود
 آنده بوقی قسمت مات و لوف
 بزدیگی خط ملی سیه رودر
 ابتداء نتیجه قدم اول
 مبدأ بوسه او بو فرش او
 ملک بی حدود بی تناهدر
 و هب نطق و کاتب منشور
 عقل خزان و عقله برودر
 عقل کلیم ملک مقامی در
 اویسیس رودر و لکت فکلی
 بلکه بو کخته فریب و یوس
 ره رو اولانه اولدر منزل
 طوئه کور کل طریق تقوایی
 حاصلی عمر بیکیکه بر دمد
 جهنده کور که سخی اول قاور
 اضنی اول هر نه کیم و ره سکا اول
 نبش و بد نفع و ضرر و ارج و رخ
 جده آندن بیل و دکت خوش طوت
 بو مشد جهانده بیل معروف

مت عالم حروف اولدر
 اولمش و اوله جفده هر نه که وار
 خط بر خط دور بوق آنده مراد
 آنده بوق رحمت حدوت حروف
 اثر رنک راج و عازو دور
 آفتاب سیده عدم اول
 منظر استوی علی العرش او
 نامی آنک خف ماله صدر
 مبدأ امر و مبدع مأمور
 راه حقه همسته هر دو دور
 و هم سلطانک اوز که داعی دور
 نادر و ناک که اولمه ملکی
 لوح نقش حرف اولور بس
 که آنده معلوم اوله حقیقت اول
 تا ایده سکت صلاح عقبا بی
 صانع اول دمه که مسلم در
 قسیده سکت رنک طین و ظا هر
 قسمت اولان اودر سکا آرد اول
 هر نه وارالت سری بسنج
 اولمش و اوله حقی و لیش طوت
 هر عمل و قسده اولور موقوف

دیده فرج کعبه تحقیق
 سوز لعل غدا می روحانی
 نظم و نثری گانه اعمال
 بوستاند که بر کل و شرین
 مؤنس عاشقان حضرت حق
 قائلن نو سوزنه قبل نظری
 سختم کور نه خوب و شرین
 سعدون کرچه می نوام بن
 بنم اول عندلیب گلشن کن
 سخن دل سعدون اولودو
 ادکید و کم بن سوز می لاف و کل
 قصد خصیف طالبین ایدم
 بود کل انده دخی بیکه عرو
 بلکه سید اولده و عایه سبب
 اوله کیم رب فی قوتی اوله
 اول قولنه خدای سی سقایت
 بر قوی عاجز دست ده دلم
 مسکندر بنم رباط خراب
 بر عجب خط در پوای عفن
 بسته عقد حسن ارکام
 روز و شب طریوب کران بام

المیحه فیقی انک توفیق
 یاز دغدر رموز ربابی
 سحر مطلق و لے مباح حلال
 آسماندر که بر مه وروین
 سحر طالبان قربت حق
 ماکه باقمه سوز مدان ال عمری
 منظم صبا که غفیر و بندر
 عیال لغزو خوش نوایم بن
 طوطی شهید کو دفتر سخن
 نثری منظوم نظمسی اولود مسور
 مدحسم آئی عبت کداف و کل
 یعنی تحریک راغبین ایدم
 یوسفه حاصل اوله بر قود واد
 او قویان ماکه رحمت ایدم
 کندوسی خوب سوزی قتل و اوله
 یوزی صوبینه ماکه رحمت ایدم
 وادی حیرت بحره مازده دلم
 منر لدر بنم ره سیلاب
 ساکنی در سنگنه بای و زمین
 قید بند چهار بایا نم
 غصه فکر آینه گرفت رم

کاه تویش خرج وقت عیال کاه افکار کسب علم و کمال
 کاه فکر ایزم نو بور عالم نه به وار بسیر آخر احوال
 کر بو حال اید اولور ایسم بن روح مسکنه نیجه اوله مسکن
 وار سکا یسکرم زماندن جوق وار حکایت لرم جهاندن جوق
 کیمه دیسم که بولمزم ماسدم کیمه عرض ایدیم که یوق محرم
 اولدی کر بور باط منظر حرم قدسه میل ایدر دطر
 جاسکی مرده دیر تمام اولدم کیم با صحت سن اول سوادم
 ای که در و کله زنده جان دلم بن نه اولدم با بنم نه اوله سخنم
 ایدی شوکت معلم کوبا برده دن طوطی دل کوبا
نش الهی سکت طعنه غایت یوق الهی سکت الهی سکت
 کر مکه غایت یوق الهی ای غایت طریق تحقیق وای سکت الهی ای غایت
 در یوق ای بخشند دیر بین وای برکشند کسب دیر بین
 من قدر سکت ابرار فضا نه ایکی در یج سیم و صبر ابرار فضا نه
 حکمت انوار ضیا سندن ایکی طبعه شمس و قمر غمت انوار ضیا سندن
 تصویرینه بر نمونه غش معلی عکاس حاطه سندن بر شانه بر نمونه
 قلم علی حکمت نفاسنه مداد صورت و لوح هیولی **ایات** نفاسنه
 تعالی اسد که ری مثل داند اسکا در لر خداوندان خداوند
 شب و روز آفرین ماه و خورشید غم و شادی نثار و بیم امید
 عذار افروز اجرام نوا محاکم بخش سلطان کواکب
 عبیر امیز انفس بھاری زبور آموز کک کوه ساری
 کو هر بخشند لیل تنق بند زراف سنده صبح سکر خند

چمن برای باغ آفرینش
کنه دارنغ بالا و پستی
وجودی جمله موجوده فایده
زمان آذن ولی آذن بای
قدیم که اوله ابتدا یوق
جهاندار می که ملکی بی زوالدر
خداوندی که نامی عز جاند
جهان بر بر تو خورشید جودی
کواکب قدیمه کار فرمای
و بر هر سیمه لایق اول زنی
دله او کردن اول علم الهی

دلیل رهبران کوی منش
طایفه دار لغه جمله هشتی
نشی هر کوی پندره لای
مکان آذن ولی اسکا مکان یوق
گرید که آفرینه انصاف یوق
جدا کبر یاسی لایزالدر
انک ذکر می دله کام زباند
ایستیکزه ایدر عالم سجودی
طبایع صنعت که کوهر آما می
که ایدر هر دزه بی تسبیح خوانی
کو کله ویرودی ضد پادشاهی

نش الهی بن سنی نه دلیله او که م که دل حقیقت بحرذن
بر قطره الهی بن سنی نه وجوده وصف ایدم که وجودم مهر ک
شعاعنه بر دزه هر عقل دراک جلاک ادراکنده خیمه
هر رای روشن جاک صفت تیره اصحاب منون و شروح
عنک خوشبخت متدائی ارباب قلوب کوف جبروتک حرمه
بر ملک بیکانه و ناشی بصایر اصحاب عقل منین و بصیرت
عظمتک بجایک بر قطره سنی غریق خواطر ارباب
رای خیره و فکر جلاک اتساک بر سر رید حریق الهی
نطفه مهساک نه زهره سی و حیا میساک نه لباقی او که
سک عظمتک در یاساک خواسته سنده جگر نه و یادات

و صفات مقدسک بوده سنده و کونه موضعیتک نه قدر
اوله که اعلاکه او چه سیده بسنه حصرتک نه طاقی اوله که صرصر حلاله
مقاومت ایده سیده الهی سن اول عزیزسک که جمیع عزیزسک
النه عزمتک رقم ذل حکمتک دسن اول اولوسک که جمیع
اولولوک بوزینه عظمتک داغ خواری نومدر دسن اول
کامل سک که جمیع کاسک کوزینه کمال بی نهایت خاک
نقصان امشدر الهی سن بر عظیم سلطانست که میدان عظمتک
مذکر اولشدر که بر طوب زبانی غلطان اید ویدر رسک بر احدک
زهره سی یون که اکا بر جویکان اید ویره دسن اول قادر سبحانست که
جهانک سقفنده زمانه کشدر بر کند عالی کردان اید ویر

طوره رسک بر کیمه نک طاقی یون که آنی بر کخط لور ویره بر آینه
دودک که در دخی کوکله عالمی روشن ایدر دبر جو هر برانک که
جهانه نظر اندک کلشن ایدر سیلر اولشدر یکم بر شاه بازین ثانی
آشمان شرق دن پرواز ایدر دبر اظهار ایدر رسک بر احدک قدرتی
یون که بر کون مغرب دن چاغ غدیوه دودر انر کجشدر که بر مهره مهر
منیری هر صمدم قه خاور دن چقاروب اشکار ایدر رسک کبریا
مجالی یون که آنی جانب بخشردن کثیره

اول حضرت کسوت و پیغام	یعنی اول ذات نیز اعظم
شمه سقف کسب میسنا	روشنی بخش دیده بینا
چرخه همدم پیچ اولدر	چسپنده صورت ملیح اولدر
شاه جمله جهان اولدر	یوسف مصر آسمان اولدر

اول فریدون خطهٔ اعلی
والی شرق و غرب هفت اقلیم
کو ستره چون صبح بر تونور
هستند کور و غم یک سر
جمه ثابت است مقهور
ماهد برده در ایوانی
بزم یچون اولدی یعنی خنیا که
کینجه کندوز لودوب اوردریج
سعد اکبر عیال نعامی
منزل اوله چون سرای حمل
دیر اول حسن و زیب دورانه
چمن و سبزه تاره روی اولو
قدح لاله پر شراب اولور
غنچه کت ضبیج بر قعی چیلور
هم دها نیجه در لوی میوه ایرر
مدح اکاپسکی صانع عالم

خسرو هفت کشور بالا
بادشاه ممالک تجسم
خیل ضحاک شب اولور مقصور
اخته سبع منظر احضر
اول امیر و قالانی مأموری
هم عطار و دبیر دیوانی
سیم قصر ایچره زهره اهر
دشمنک دینه خنجر میخ
رهب پیر حارس باحی
باشلایمیر هزار درو عمل
نقش زیبا و برکتانه
بوستان جلونورنک دوی اولو
عارض ارغوان حصاب اولور
چهره یاسمن دخی سچیلور
بنیر بر پر یوزنن دخی شکر
یاد ایدوب ایلدی اینه صم

ابیات الهی سن اول قادر سکت که هر شئی قدرته
بار دیر سکت بی واسطه معنی دالت و هر برده حکمتک اینه ایشد سکت
بی شابه غرض علت کارگاه نابودون بونجه عالمی ابداع
ایتدک ویر باره دودون یدمات سمادات اختراع ایتدک
کمال صنعکله بر تقویم افلاک زر نکار و صفحه دوا بر کار بی پرکار

و بر اسطرلاب سموات نجوم دار ترتیب اید و باندن اودن ایکی
 برجی پیدا و هر برج ده تنش درجه اجرا و هر درجه ده پنج کوهر شریف
 و لؤلؤی لالا اظهار اید اینست که تبارک الذی جعل فی السماء
 بروجا و دست قدر تکلیف ایکی ماهی دریای معلق و ایکی زوزن بحر
 از فی بریم کوهر نما و دریای درآماده خلق و انت اینست که
 و جعل فیها سراجا و قمر امینا الهی سکت و انتک علمه عقو
 خلق ایرغمر الهی سکت صفا شکت ادرکنه ضمیرات کل ششم
 این الحاد و الطین و حدیث رب العالمین الهی بزم عقل هر نه قدر
 بیور بر معرفت خود غامی در عینکوت نه قدر محکم با بار سه بر خانی
 هواییدر الهی بزم سکت دانگدان نه بیلدیکر و صفا کنده اکلایم
 اودیکیم کلیمه کلامی مقام قرب غنوده سبحانک تنب الیک
 و ندیمک نداسی محبت انس و حدنه لاحضی ثناء علیک
 الهی هر نه که لفظ و عبارت صفار حرف و سمد سن اندن مبرا
 و هر نه که مبران عقله کیر عادت و سمد سن اندن معا هر نه که
 دانگده فکر اولور سلوب و اضافات و هر نه که صفا کنده ادرک
 اولور و جوه اعتبارات عقل عفا لیکیم کنهکه ایرغ بدن
 حجابیه کیمنه و صلی بولر دو گوژدن کیمینجی سنی کوهر ایکی جهانی
 صالیجی سکا ایرغ دست بولنده نیست ک کرک بار اوکنده
 سبکت کرک تن جبهه سی چاک کرک کوکل اوی پاک کرک

ابیات

توحید و کلد راب خاک کوک اولدر دل صاف جان پاکست

اسلام صاقین دلیله صانع
بیلکل که حکایت زبانی
ایس که دشمن قدیمک
بل هر بری بیک حجابک ای دن
هر برسی سکا بر هوا در
کرسن دلی که پاک پند سکا
آنده که مقام ره رواندر
چون اول حرم بجره خیر و شر یوق
اندیشه بین کم یوق آنده
آنده که نشان بی نشانی
اول عالم بی دلان شیدا
اوراده کمال حال مردان
کیم بو یونک اوله راه بینی
کنده که اوله عادت و تکلف
آنده که هوای رنگ و بود
اکا که خدا عنایت ایتیش
ملک و جهان اولور طفیلی
اخرنده آنک تکلف اولمز
خلق قبله اولور سه صورتیله
هر قوتوسی صانکه ناده مشک
طشره سی کولر دورونی پردرد

قانع اولوبن اکا دایانمه
اول تیغ محمدک امانی
هر کوشه ر بده اول میسک
اون حسک درون بیرون
هر آرزو که وار دله خدا
دیو دیر بدن نه پاک پند سکا
دیوانه فرشته دن اماندر
پس دیو و فرشته نه کز یوق
بو جور زمانه غم یوق آنده
جانه کنه کنه سی کمالی
بی نام و نشان لا والا
شیران مبارزان میدان
تقدیق خلائق آفرینی
دی ورسون اودم تصوف
در ویش وده که ای کودر
دولت کونشی حمایت ایتیش
یوق هیچ برینه دلنده میلی
بو آیو یوز تصرف اولمز
کند و پله خود ضرورتیله
لیکن دم ناده مغر ایدر خشک
بو اولدی علامت خردمند

نشتر الهی سیدی و مولایی سن اول بادشاہست کہ
 شادمانہ زوال یوق دسن اول سلطانست کہ ملکدہ خدایا
 یوق ہر ذرہ نیک صداسی قل اللہم مالک ہر ملکست نداسی
 کل شیء مالک جلالست اتی اکبر باوردی جمالست صفتی
 لایسعی ارضی و سماء الہی ہر نہ قدر کار سازست کہ اول قدر
 بی نیازست کہ اول قدر کار سازست ہر ممکنست مگر
 کمال بی نیازست و ہر موجودہ بیلہ سبک تمام بندہ نوازست
 الہی بن نہ دیم کہ بوجہ مطیع عاصی دانی فاضی یار ایدرست
 اطہار کار سازست و قدر بچون و بوجہ سماد است وارضین
 اولین و آخرین یوق ایدرست بیان بی نیازست و غریبچون
 و کہ حکمتست معماری بوخوابادی معمور ایدوب یکی و بنا ایدر
 اوزار کمال معدست بچون برینہ جنت دیدک منظر رحمت و جمالست
 ایتدک و برینہ جہنم دیدک آلت سطوت جلالست ایتدک
 ہر کیم نہ اودہ نصیب ایتدک تقدیرست سبکدہ اولم
 عنایتست اولم بچہ جالست فائز آملہ ہدایتست اولم بچہ طلبہ اولم
 جذبات اولم بچہ ایست مملکت بولم بچہ سنایتست **ایست**
 ہر سفید و ہر شقی آندن در ہر خجیل و ہر سخنی آندن در
 خورق و دولت جہانہ اولم بچہ عزت و دولت ہم آندہ اولم بچہ
 خیر و شر و نیک و بد ہر بین کم عیش و شادی راحت ہم بچہ
 جہدہ تقدیرست اطہار ایدر ہر نہ دار اول کرد کار کاید
 ہر کیم رزق اول آندہ عیش ممکن و ملکیم بیہ بوندہ بصل

کیمنه رزق اولور خرابایک
 کیمنه نعمت میسر اول
 لعنتی اولدن اولور لعنتی
 عالم معناه اول تقدیر اید
 ابر کریمه قیام کولمز جن
 حق بیلور دی کیم سعید کیم شقی
 عالم معناه وار ایدی ازل
 لیک صورتده وجوده کلم اول
 دینه دعوت ایتمیجه اول خدا
 اختیاره دائر ایدی هر شی
 تا که عدلی ظاهر اوله عالمه
 جبر ایل سن اختیار ای کلغل
 عالم معناه باقی جبره همان
 کر دایسک اصل معند عام
 بلکه عالم ظاهر و کر باطن او
 نیجه صورت معاند طایعی
 کر بصیرت کوزینی سن آجه سگ
 حاکم حق جبر اید قولرینه
 اختیار اید سعید اوله جعن
 جمله سن بیلدی ازلده اول خدا
 سگ یوق انده کیم قضای کلکل

کیمنه رزق اولور سگایک
 کیمنه رحمت مقدر اول
 جنتی اولدن اولور جنتی
 صورته کله اولور تدبیر اید
 هم اهل باغ ایدیه باطن
 کمدرا کا عاصی کیم مستقی
 ایش اوله حق ایچره هر عمل
 کلیمه انبیا و هم رسل
 مومنی کافرون ایلد جدا
 اختیاره با غلامی دل خنشی
 حجت روشن قید اول آدمه
 یکسینی ایکی یرده کوز کلکل
 اختیاره قبل نظر بونده عیان
 پس کنه جبره بنشور اسلام
 برینه مرتبط هم ناظر او
 علم معاند مکر ره هم تابعی
 جبر اید سن اختیار ای صاچه
 اختیار ای و ردی بل الدینه
 نف اولوب یا بعید اوله جن
 سیدی قیدی یوق اکا چون
 یندورن اولدر مکان و لامکان

قالب قلبکده حاکم دست دوست که سنی مغز ابرو که نه پوست
نشر الهی سن اول بی نیاز سست که اگر جملہ دلکباب و جمیع
 دیده لبر آب و کوثر و عالم خراب اولوب جلال استغناک بسبب
 التفات اینست که کمال ذاتیه بر ذره نقصان کلیم که ان پش یذہبکم
 و یات بخلق جدید و مادکث علی الله بعزیز و سن اول کار ساز
 اگر جمیع عالم عاصی و هر ذره طاعی و هر موجود باغی اولوب کمال حسدن
 جمیع عفو اینست که بحر که مکدن بر قطره کس که با عبادی لندن اسر فو
 علی انفسهم لا تقنطوا من رحمہ الله ان الله یغفر الذنوب جمیعاً انہ یغفر
 الرجمم الهی شول چاکه متاف اولان کوکله دی بو خاکدان دار غورن
 ساحت ساری سرور که سن هدایت ایت دخول و صلاکه موقوف اولان
 دلمری بو بواجر بودای صلا لدن زلال سبزه زار رحمتک سن دلالت
 ایت بقا استین جان دن وجود آفتدین سن دفع ایت
 دیر یک اومان کوکله دن وارلق چابنی سن رفع ایت جان سیرین
 ایستینه سرع بولنی طریق ایت بوفلق یولنه کیده توفیقکی رفیق
 ایت سارکایکی عنایت آتہ سوار ایت بولکده فنا بولانی کتہ
 سنکله وار ایت عشقت شهید لبی نه سن بو بولنده اولندی
 سین سن قوس سنی سوخت در دن آریر ذکرک ایدیک وردن
 آریر قالدہ فالانی قالدن کچیر حال ایسنی حالن کچیر فاپوکده
 صنق کوکله دی لطفکله بنون ایت بولکدن ازل قولدی توفیقک
 ایله الن طوت عشقده کربان کوزلری سنکله بر نور قش در دکله ویران
 دلمری و صلاکله معمور ایت بو حیرتہ فاش داره لری ارباب قوب ایدیک

ایت و بودر مازده فاش سجاره لری خاص قولر کله امد ایت
 فاشنده فاش دلرینی انرک شوقیده یابنده ایت و مرده ایش
 کو کلدینی نفیدر یه زنده ایت

ای مایولی دایمی بجه صید اولان	رسم عادت بندنی یه قید اولان
باک باز خطه ناسوتی اول	شاه باز حضرت لاهوتی اول
صوفیان صافی و مبارقیل	قدسیان عرش ابد پرواز قیل
بزم کاهکی قنبر و ارقیل	خلوکی پاک و بی اغیار قیل
چار سونمی بستی آبا و قیل	تعلیمی دار هسپیدن ارقیل
حقه صاف اول سن نھان او شکار	حق یولنده مردانسه ای مرد کار
علم تحقیقن دکن اکاه قیل	شارع شرع رسول سد قیل
کر دیو سه ک کیم بلند اوله سرک	خاک پای صوفیان ایت افسرک
اوله کور ملک نقوف مجروح	بوله سرک مهر کنین عالمی
ساکه حشر کرک بلیکلانی	مرشد المینجه آزار یولنی
رهبر اولان کیدر سه ک راهین	که دوشه سرک با کچه که چاهین
هر نهالی باغبان دکن کرک	هر اکینک تخمینی اکک کرک
بیر در پا و مریدان خس اولور	عاقله بوزدن اشارت بس اولور
کمر دیو سه ک سن سلوک راه دین	ایسترا ایلکه کیم عیان اولدین
اختیار ایت داریوری برین سن	اکه تسلیم ابد دلدن جان سن
رهبر دانا اوله و سپه بند	ظاهر و باطن بوزدن بهره مند
ظاهر نه علم کسپیدن صفا	باطنی میراث دار مصطفی
پیر ره کبریت احمد در همین	سینه سی بر بحر احضر در همین

پیرره حق عهدینه دانی اولور
 صوفینک اوج حرف اولور پستی
 ادلی صدق و وسط اولور وفا
 ناکه بند تن طور شکل اوله
 چون مصفا و عذاب اوله اول
 صوفی اولور بسته حکم خدا
 خیر و شر هر نه اولور سه بیر اولور
 علم دینله صانکه بر دریا اولور
 در و جو هر له پر اولور معدنی
 کهر باسن چونکه اول پیدا قیلور
 کهر باسی چون انک پنهان اولور
 پاک و پاکیزه اولور دینار انک
 جمله خلق اول کور صاحب کمال
 پاک اولور آینه سی آینه نظر
 ناقص اولان نقص کور و دم اولور
 کند می نقص و عیب در ایله کور
 سنک دنا مدن صوفی اولور بل صفا
 نور حق فارش کلوب رهبر اولور
 پس فتور کوی سلا متنه مقام
 مرد معنی فارغ بالا و لست
 صورتی صوفی معنی بی صفا

پیرره بر صوفی صافی اولور
 انی تکمیل انیمکه ترسته
 آخری البسته اولمقدرفنا
 کیم دل جان قرب حق یول اولور
 حضرت حق مقرب اولور اول
 بر اولور شادی عجم و فقر و فنا
 آج طنلونه بولور سه بیر اولور
 ایچی طولو کو هر کویا اولور
 منقبس ربی نوا صانم دانی
 کاه هپتی دلی شیدا قیلور
 کو کلک ایچی طوب طولو طغیان اولور
 هم شکر دن طنلور اولور کفزار انک
 ایلمز اول کیم یه قیلور قال
 هر کیمی کور سه کور و خوب تر
 نقص خلقی سویمکه قائم اولور
 آینه پاک اولور ایلا اولور
 بهج اولور رد قبول خاص عام
 معرفت ایچنده بر سرور اولور
 فارغ سنک ملامت اول مدام
 اهل دعوی صوفی صورت پرست
 غادی مغوی سی راه مصطفی

بر بند آواز و پست افتاده اول
کی صافن قربند انک قبل حذر
کر دیار بسک کان برشته یار
سوز و کل بکر کلور سه خاطره
بنچون اولمز پیر عالمه کیت
اهل دپنه اولسیدی جهان
هیج جهان بی قطب اوله نمی پاید
کر بونمایه ایدی رباب دم
صنوع عالمه چو حکمت معرفت
کر دیار بسک پیر یوقدر اسکار
دقت اینسک بوده شیطانی کلام
حاشا حقن اینسینه ویریه
سوج بزدر یوقدر بزده طلب
درد اولانه حق ایدر دغان بدید
درد و غریوق کیم بزده دغان اوله
درد می اولان خوش نشیند دغانه
دینه ایشنده نه خود چالیشیر ز
حق ایشنده سولمز دینه قانور
ایسته مک بویمه دکلد یلشیر ز
لیک بز می کنه اولدر بویمه ایدن
اوعنایت ایتیمچه اولمز اول

دین یولنده خود پرست افتاده اول
که آتش فتنه در جاران یار
دارسن اینسه که هزار اندر هزار
بوده شیطاندن در بر خاطره
حاشا اینسه وار آتی اینسینکیت
نه زمین قانور دی آنده نه یان
آسمان قطبیده بولشد قرار
تار و مار اولور ایدی عالم اودم
اولمز آدم اولمز ایب بوصف
بولمز طالس اکو بیگ کر آرار
بولمیان اول کیم طلبه نایام
کیجه کوندوز حق دینه ایویمیه
حق بولنده چکرز قیبه لقب
قفل در دینه بدید اولور کلید
جان کر کدر کیم اکا جانان اوله
جان دیرن تن وصل اولور جانانه
بر مراده طور میوب یلشیر ز
بولطب میدر بونک ایدر قانور
حق یولنده بز نکال قیور ز
اولدر ریل اینسین اینسین
بی هدایت کیم بولمز هیج بول

یا لواره لم که بر می طلب ایده جان و دلدن حضرته رغب ایده
تا میسر قیده شاید اول خدا بیزه خاک پای پیره نغا
هد کیم کا ندن عنایت پریشور بر طرفان پیر هسبر پیشور
نثر الهی کو کل کوز بنی حکمت روضه سنگ انوار از بار پله
منور قیل و جان و غنی معرفت بوستان ملک نسیم اسرار یله
معطر قیل خلوت شبر و غریبی هوا دشووات طعنه کراه ایلیمه
در ریاضت مسافر بنی صحرای چیرنده بی راه ایلیمه الهی چون جان
قوشنی دام و دانه محوساته نن نقشند محبوبس ایلک و دل
طفلی شبر و غدا می شهواته بو خانه خاکی یه مانوس ایلک
کنه آخر اول طوطی بو قفسدن ادب و اول پادشاه بو خانه دن کجوب
جوار رحمت که واصل اولد یعنی دقت هوای نفسی قدسده پرواز
حسرم سر ای نپه آشیانه سار قیل **ایات**
روح اول شاهد دیدار ایدی وصلت یار ایلیمه بر خور در ایدی
چونکه با صدی عالم سفته قدیم ایلیمه محبوسانی حکم قدیم
اول سبیدن طفل اناسدن جد قیلیمه قیلور اول جد القدن بکا
ادل بکا تا شیر حزن یار در ماتم هجران حزن یار در
قیلیدی چون ناچار حبس بیکل اولدی اولد قی انیس عقل و دل
کور و عقلی داخلی حرد قدسی در کند و یه کلنجه انک انسی در
هر کیم کیم عقل اولدی پیشوا منزلی اولور زین دن آسما
دل دخی بر خانه معمور روح قابل اشراق عکس نور روح
مخزن اسرار ربانی دکت منظره انوار سبحانی دکت

دای سکا دیران بدر سک آنی
 نیجه اولور سکیکن رو حکم سکنی
 دل خراب عقل مغلوب بیک
 بیخبرم کیم رو حکمی پس نیک
 کیم باطل نفع ننده روحی
 قیل بند نفید صافدارانی
 قیم عالم رخن چون کیم چیت
 قیل بندی طور ایکنات ابد
نشر لطفات خزینه سی بی پایان
 کرکات دایسی بی کران
 جودت سبحان قائم فیضات باران دائم
 رحمت انعام شامل
 قدرات آثار کامل جودت دکرندن
 دد عالم بر قطره مهرت
 پوینده کی جهان بر ذره الهی
 اگر خلق اولین و آخرین جمع اول
 اطلاق آسمانی دفاتر ایتسه لر
 بر دله ایتد یکتا الطاف و انعامات
 یوز سیکده بر پخت حسابی کورمه لر
 واکو بنی دکت هر فیلی دیل وهر
 کوکل اولسه بر نفیده قیلد یکتا احسان
 واکو اکت بگردن نظره یکتا
 زمیندن ذره یکتا شکرین دایده میه لر
 الهی چون اول بزدن
 سوابق طاعت و لواحق خدمت اولدین
 کند و لطف عظیم و خلق کرکدن
 توحید ممکنه مالک و تغذیه یکنه
 پاک ایدوب قالا علی عهد
 اتوب تاج لقا کرمنه پد عزیز و کرم ایدک
 نه اول لطف بی عوض و کرم بی غرضکدن
 بوجرم عاصیدک بقصیر و کفران الغیری
 پییده قدر تاراجی سبط ایدوب ایمان
 تاجی با شمر دن الهی
 شول شراب اری که الست کونده
 یا پجیر دکت ابدی کست ایتسه الهی
 عاصیده عذاب ایتاک عذاب
 عفو ایتاک دخی عهد کدر الهی
 مجرله عقاب ایتاک حق ایپه
 با شلاق دخی و عهد کدر
 مرغ در ایمان پری خوف در جا
 مرغ بی پر قاجشک اوله کیم اوجار

باره حق کینه ایکی با
 یا خوطاعت اهلنه دایکی ال
 آدمی امید قیور لی ادب
 تخم غفلت دن بیتر شاخ امید
 بیم اگر انداره دن بیرون اوله
 نور نوسندن چونکه طوکه اب کل
 پس کوک امید بیهیله بدلا
 کوزی اوکنه طوره خوف دیا
 بوسیدندر کلامنده خدا
 عدلنی کوریه کیشی بی خوف اولور
 قهر سی فکر ایتر اب خاک اولور
 کنه لطفن کوزی یکت شاد اولور
 قهری ایجره لطفنی بیل سر مکن
 کیمدر نومید اوله اندن عام
 لیک فکر اولد قیو بطشنی شفا
 واریدی بر مرد و اما اهل حال
 کیم سنی بن نشه خندان کوفرم
 دیدی کوکاک قانی صاحب تم
 وار ادکده منهل دور و دراز
 بیلم فرم عالم نذر نولپ کوک
 یورکم خون و در فرم خار خار

بر می الکسک اولسه اولم نول
 پس برین سز اوله طاعتی قفل
 بی ادب اولان وایغز راه بیت
 بار کاهل کک اولور اندن بد
 آدمک دایم یورکی خون اوله
 وحشت ایده بر برندن جان دل
 احر دینده تاشی کیم یول بوله
 قبیله بیرندن برینه النجا
 یکپنده ایسی شکلی بی بنا
 عفوینه باق کنه عقی کلور
 کیمجه کوندوز طور میوب غمناک اولور
 لطفی ایله جان دول آباد اولور
 بودر امیدار باب یقین
 اول خدا لا تقضو دیرکن مدام
 عقد ویر اول تمامت حیرتی
 دیر اکابر ایله ویهوده قال
 روز و شب بر سطحه شان کوفرم
 اولوم فکر اینیون پر غم
 هر آیدیه بیک بیت بیک فراز
 باشم اول یولده نه کله کوک
 بیلم فرم کیم نیجه اولیسر ختم کار

هر قبویه بومیده دارم
هر شکده بدنی بن یا بدارم
اول سبدن دوزخم بند
در مکنون کبی نظم و نثری
نما که بولطفید چون نشایدم
هر عزیزک سمعنه الفایدهم
دیگه لر شو قتله چونم بونی
یا دایده لر برد عاید بنی
هر کو کلدن کیم اوله خنی آگهی
جان و دلدن ایدرم شی الاهی
ایستانت بزون ولی ویران
لطف و احسان اول جود مطلق

نثر الاهی حسنت اودنده کتاب اولان جکر لک حق چون
فرمانت اودوله حکم ابدی باقمه الاهی عشقت لشکره ویران اولان
کو کلد حرجون روک ایلده کو کلم اودن پیغمه الاهی ای چاره کرجا کان
دای پناه آواره کان بوجاره قولر کی دایما لطف سیه پله
سرفراز است دیو ضعیف بنده لر بنی کاه و بیکاه ذکر کله
دباز است الاهی جمله جهان بنده ک جهان پادشاهی
سرافکت ک قاهران آسمان زمین منهورک نیرات
سعادات دایمن کدای نورک ایکی جهان ملک و اصحاب
دولت رشاه خوار دولکت ایکی عالم سلطان و ارباب
عزتی نمونه دار عزت هر وجود وجودی که نسبت عدم هر موجود
صفت کار کا هندن برقم هر وارلق وارفت کوشندن

برتاب و هد ممکن جبر و تک هو بنده برتاب **ایات**
نور حق خورشید ممکن ظلمت
آفتاب اولدنی ظاهر ظل کیدر
کیم بوق ایتر نه وجودنی ظلمتی
طل کوشده مجاود کی ملکیدر
حق کر که وارفتی آل کیدر
کو میسر در حق اول نور بنی

اول سپیدن حضرت معین کرک
 و شندی طلی پره اول سرورک
 سایه سی بوق ایدی کرچه کیم کیم
 سایه سنده راحت اولد و شندی
 سایه معنی کرکد رپایه ده
 چونکه صورت سایه سی بی ماله

نثر الهی پسن اول فادر سلطان و رارق بیجا نسک
 مفا تیج اوراق آسمان و زمین و مقابلد کنوز سعادت وارضین
 قبضه قدرت پهن حکمت کله محفوظد برکیم براحدک زهره سی
 یوقدر که سن باغلا دیلک آچه و برکیمنه نک مجالی یوقدر که
 سن آید یلک باغلابه که مانضیح الله لناس من رحمة
 فلا ممسک لها و ما ممسک فلا مرسل له من بعده لا مانع لما أعطی
 و لا معطى لما منعت لا ساد لما منحت و لا راد لما منحت الهی
 ارباب دنیا قتنده حاجت قبول اولمغه زی و صورت و منصب
 و عزت کرکسه سنک فاکنده دل خسته و کنده شکسته
 کرک اهل دنیا اعتباری سلب و منظره ایسه سنک اعتبارک
 مخبره در اهل دنیا ماله میل و صورتی نظر ایدر سه سن ماله
 اعتبار و سیرته باقار سکت اهل دنیا قتنده کمال
 کرک سنک قنکده پلاس کرک آنلرک پانده قبادناج
 کرک سنک پانکده پالنجی و آج کرک ای نیجه خوش کلستانر
 و لطیف بوستانر که قبش فصلده برکیف خار و برنجت
 دلازار کوز کور اما بهار جلوه یه و غنچه خنده یه کلدی وقت
 نلی هر اولدو برکیم اول خار نه خوب هر دو دیبا و اول مرغزار
 نکوزل رشک هزار چهره زیب و اول دل آزار نه خوش نگار

عاشقان ناشکیبایش همچنان اول در دیش لباس پوش
 خشن جامه کهنه عمامه بی خانه و دیوانه کوزه خوار و فقیر
 نظره ضعیف و حقیر اما روز آخر زده و موقف قیامت
 بر میر تا جدار اولور که جهان پادشاهی کداسی در پادشاه
 نامدار کوزیکور که عالم طولویت و صداسی بر اوجت جمال ابد
 بود که اول دینده خوار عدایدوب پوزینه باقیاندر پوزینه
 باقه خزلر در عزت و جلالت کز که بونده آتی آت تونیه عرف
 ایندر عظمت غبارینک بر گردینه ابر خزلر الهی سنگ حکمت
 بنوک اوزرینه در که صورت اکسک و گشت اوله معنی تمام دست
 اولور ظاهر خراب و دیران اوله باطن معمور و آبادان اولور
 منظر معبر اوله مخبر فی اعتبار اولور مخبر ذمی قدر اوله
 منظر فی مقدار اولور فوق قدر سلطانی مسک پوست پوشان
 یابیلیر نفخه لر اطمینان غیر سیاه روی دن بلور طلسم حریر
 کرم نخیک تحفه سیدر عمل بی نظیر زنبور ضعیفک منحه سیدر
 بلال صورته حبشی ایسه معناده قرشیدر اعتبار حکم دله در
 بنیه کله و کلددر نظر باطن صدا که در ظاهر جوارحه و کلددر صوت
 زیبا و جامه دیبانه یه کرک دل گشته و درون خسته کرک
 ان اسد لانیطه الی صورکم داعی ککم و ککن بیطه الی قلوبکم دنیا تکم
 صد هزاران ربیع سکون پادشاهی هواجر میدان محشر ده
 سر کردان کررلر و نیجه بیات بوجهاک مفلس و کدالری
 ادل کونده سر پرده عزت آتنده فرج و خرامان صابنور لر

عالم صورت نذر بیل گفت و گو
 صورت ظاهر فنا بولور همان
 نیجه صورت آخرای صورت پرست
 نیجه یہ دکن عشق نقش بوسه
 صورتی تو معنی یہ فیض نظر
 بوسه فکر کیم طو لو اندن جهان
 لیک اولمز هر صدفه بیل کهر
 شول صدف کیم در می دار اندک کزین
 امکی اولدک سن جهان افکنده
 جده اید کونفکی آرا و قیل
 آج کونک ایت عبرت اسرار کار
 فکر ایت انی کیم نیچون اولدی برو
 کیمده کیم عقل اولدی اولور اول
 آدمی عقیله اولور بیل لطیف
 عقل فیلدی بیل شرف آدمی
 الما ملکا پروردکار بنده نوارا
 بدخی دایه رحمتک دست شفقت کله
 صدائی پد بیل که اول دست و صلاک
 بو علف جسمانی دولت شهوانی حرص
 و پوست خیال ایدن مدبر لک صفا سیدر
 علم و عمل دانه لریه معرفت کفر از نه
 عالم معنی همیشه شبت و شو
 عالم معنی در بیل جاودان
 دامن معنی یہ اورغل وارست
 یوری وارسن عاشق اولل ایت
 در می کور کل سن صدفن قیل کدر
 کر چه جمله زنده در بای جان
 سن بصیرت کوزنه فیض نظر
 بیل انی کیم باب اولور در عین
 بو هوا و نفک اولدک بنده سخی
 بو غم آباد یجره آنی ساقیل
 اولدک ایسه سن جهانده شویار
 بو عجب طاق رواق نیلگون
 اولمز یہ کیمده اول خرون کم اول
 اول سبیدن جمله چواندن لطف
 آدمی فیلدی خدا ایت حرمی
 بو خسته جانمی و ضعیف
 دامن معنی یہ اورغل وارست
 یوری وارسن عاشق اولل ایت
 در می کور کل سن صدفن قیل کدر
 کر چه جمله زنده در بای جان
 سن بصیرت کوزنه فیض نظر
 بیل انی کیم باب اولور در عین
 بو هوا و نفک اولدک بنده سخی
 بو غم آباد یجره آنی ساقیل
 اولدک ایسه سن جهانده شویار
 بو عجب طاق رواق نیلگون
 اولمز یہ کیمده اول خرون کم اول
 اول سبیدن جمله چواندن لطف
 آدمی فیلدی خدا ایت حرمی
 بو خسته جانمی و ضعیف

حکمت قفسه زانغ و سواس نفس سر ندان سن صا قلا آیدن
 قوت اصلی بی بشر نور خدا
 قوت حیوانی و کل اکا سنا
 ایک معلول اولدی چون میکن ل
 روز و شب اولدی غذا سی کل
 خسته اولور کو کلی انک کل دیر
 خسته لقمه نه کرکسه دل دیر
 شول غذا کیم بار اولسه ایتمز
 چون خراجک فاسد اوله ایلا اولور
 ماهیا یک در غذا سی نور عرش
 برزقوندن اولدی حانه قوت حق
 اول غذا در رزق صاحب اول اول
 هرنه صورت کیم ایدرک سن نظر
 باقارایسه ک سن بصیرت کوزیده
 صورت هرا دمی در بر طبق
 کوز لری برسا قید آجمن کرک
 بسدی میدور بوری نوش ایکل
 هرنه به باقارایسه جو شمش دل
 نور حقن غیر بسنی کور خ اول
 نور حق هر بری جان و کت
 نور حقن ایکل سن قوتی
 کور رایسه ک سن حقیقت بوزیده
 ایچی طو لودر غذا سی نور حق
 غمزه سی بر جا دودور فاجع کرک
 حسنی باغنده کو کل خوش ایکل
 نور حقن کور دکی سن اوله بیل
 نور حق ایله کور بنور اکا بول
 نور حقن کوز نکل سن یکت
 نور ایچنده طوره بیکل لوتکی

نشر الهی اگر بدن خاکی مجرب به جان قدسی مطیع در
 واکر قول کنا هکار به کرکات شفیع در الهی بونن غلیظت
 کد و تربیتی روح لطیف صفا سید سن مصفی قبل و بوبدن خاکی

گناه خدایی جان پاک لطافت بدنه سن مرگی قبل روح مجرد
اشراق وضایعه بدن ملکتنی منورایت و جان مقدس
نسیم دکت سیله تن هواسنی معطرایت بو هیئات بدنه دن
انی مطهر و پاک قبل و بو علقیق هیولانه دن انی اراد و بی باک قبل

ابیات

مگر بر کون تن پرورد مجرد	خطا با بدوب روانه دیر که ای روح
سن اول عظمای قاف لامکانک	سن اول مرغ هوای قفسا لک
سن اول طوطی که جندان بر دوش	طوتیوب بر قفس ابحره زبونک
هماسک اکسزین برداشته دوش	ای بدوب آستنه هیکاه او شمش
ایدر سکت دم بدم بیت که تفت	کرفا راپندی سنی چاه یوسف
کل ای اب روان بو پستانم	کل ای مهر منیر آسمانم
همین آدم سن دین تور میسم	همین سن کینج دین ساکاسم
نه درج دله سکت کبی کوهر	نه برج دله سکت وار اختر
بونی بیلکل که ای جان و جهانم	بو بیچاره تنه روح روانم
سنگله اولدی با که اشفاق	کیجه کوندوز همین نور قوم جلالی
وصالک خوش بکا یکی جهانم	همین سکت بنم کون و مکانم
بکا بار خرافات سخت بار اول	که جان ایرلیدر صعب کار اول
ولا کیم بودر بنی انسیلایت	بنی محشر ده سکت ابله جلیسایت
ایستدی چون بنی اولان عیلمین	جواننده دیر ای محبوب دیرین
قودو دعوی ایتمکل سن عشق بازی	سکت مهر کدر بکا محارمی
قوس عاشق دکاسکت با که لیکن	سکت مهرک بنم کوکله سکن

سناک چون بن کلوب محنه قالد
 بکا نفسک عدوت قیلدی ییسه
 ادر و ب بر کزانی دفع ایدک سن
 بنی بر کافرک ویردک الیه
 هو اسنه بنی سورر یا نیجه
 همیشه طو ریوب ایدمه ساعی
 اگر کرک چاک بنی سور ایدک سن
 ادر سهک سن اگر کاف ارادت
 تو نفسی باقمه سن آرایسه
 که یارین آتش اویسه مکانات
 برک چونیکم اوله سناک جهنم
 سن اولور سناک اودم بیرار بند
 اکلدن عاجز اولم بندخی هم
 اولور سهک بو الایدن اگر یک
 اکر ده اوله ووز راحت ییسه
 سکا آزار اولور چون بکا آزار
 که چمکه سناک آخر سن غذای
 بو معنادن ایلیم بر حکایت

وطن ترک ایلیوب غربتیه قالد
 که سناک خصم غریب اولور همیشه
 بکا یار اولدیک بو میدرامی تن
 کیجه کوندوز بر اقمشدر او کیسه
 عرادنجه بلدرم بن او کجیه
 که خومی خلقی اخلاق سماعی
 بنی قورنا اولموشک الذن
 بو اخلاق بدی ایتمه سن عادت
 کوکل دیرمه انات الایسه
 یانکجه هم هک مسکین جانک
 کور و غمر کوریکه همراه وهدم
 دلوکون قیلد سناک زار بند
 غذای بن یانکجه بیلک کورم
 ایلد سناک عیسی کبی جای افداک
 تن اوله خوش عمارت جان آباد
 سور سهک بنی صافین ای دل آزار
 یانکجه کوریم بن ده عفا
 سه عتاق مجنون روایت

نهال سبز بوستان محبت
 سرفراز جهان عشق باز می

کل باغ رزکان محنت
 گرفت رکند دلنوازی

قدح نوش سراب شوق لیلی
اسب بر بند غم مجنون آزاد
ضمیری برده اسرار لیلی
کوزلی علی کبی بر کوهر نشان
دماغی رکبذار غریبیل سودا
دلی کیسوی لبلا دن موش
خیال روی لیلی هم نشینی
صباحی سودا می تیش بویه مدوشت
نصحتی غم بونی حکمت بانه
فاجار غافق کور و غر کور بینه
اکر اولما به ایدی کسوت تن زار
مرض کور دیر اکا غالب اولدی
دیر لو کیم علاج قصدا یدله
چو جراحی کور ر فی احوال مخون
بنم دستم اولو یدر دست لیلی
کیم اولد دستنه انک اوره ال

خواب چاشینی دوق لیلی
بولوب کیر شدی بر کج غم آباد
دل و دینی فدای کار لیلی
درونی طره سی کبی پریشان
نشانی محسوس چهره پیدا
عذار ندن پنا را بچند آتش
عمی صدر ندن اولدر میکنی
که قیامت دو جهانی اول فراموش
قریب ایش هلاک ایش جان
یقین اولر کسنه نک بوزینه
اولور دی لور دن اول پنهان پنا
هلاکته تمام اول طالب اولدی
علاج ایچون دار وین قصدا یدله
طور و ب دیر بزدن امر کسنه خون
ایچم طاشتم اولو یدر دست لیلی
بو فکری ایتمه کل سن پوری انکل

کورا می تن سنده کیم بو عشق باقی
دار یسه کرسنه ده اتحاد ک
که یارین چون بنده سکا نعمت
بونی ایشندی و آغلا دی اول

بنجه اولو ایش بو دلنوار می
طلب ایتمه طور و ب هر دم مراد
سکند او بکدن ایره بکا محنت
جواننده دیر اینچونب اوسوز دن

بنم سوچم ندرای طاعتی جاسم
اونفک بن ده رفته سیم
خدا قومی از خرده برلفت
نه جازم وار که تو رسیدم اوزدن
بکا اولمدر اول لالای کتاب
خدا حق سخی دلدن سورون
دیرم کیم مراد کج اولام بن
ولی طوخر بنم سوزمی نفسم
بنی تو فر که اولم سا که محرم
بو عالم مناسب قصه خوش

که بوطعنی ایدرسک با که خام
النده عاجز در مانده سیم
تن به نفسه ویردی او وحدت
نه خود حقیقه به یوزم بن سوزدن
مرادی نه یسه اول که طالب
دیدم خم خدا بر کخطه سندن
نیکیم سکا بارانی قیلم بن
بنم دخی کسکه اندن انیم
سکله اوله ویر کخطه مادم
حکایت در که اول لیلی موش

ادور دیده بیدار مجنون
شناسای رموز دلربایی
چراغ مجلس صحبت نشینان
کل سیراب بوستان لطافت
بت شکلب شیرین شمال
طیلب ریج رنجوران عشق اول
دهانیدر نکدان ملاحت
پوزندندر چراغ دل منور
خدیدر سماع جمع عشق بازان
قوامش ماهه رونق روی اینک

مداوات دل بیمار مجنون
طلبکاران آشنایی
نوامی پرده های نازنینان
سوار صفت میدان طرافت
جمال عالم و نور قبائل
دوامی درد بی درمان عشق اول
رخ کلهرک بپنان صفت
صا چند ندر شام جان معطر
قدی در سرباغ دل نوازان
صیمش مسکک بهاسن موی

کمان کوسه گیران ابرو سپید
کوز می خون دله اوش سحر خیز
قبلور سنبلدری غنچه نلق
کل اوزره اول دوز یکین کلاله
میا سندن مہک شکی هلالی
رخ نازک الہ برک سمند
قبلور برکیجه مجنونه کدز اول
خور حرم خرام دجور موس
چونما که کیم ایدر مجنونی اول یاد
بجست این ایدر اول خاشنی
یوزی سوقندن اولور خاشنی
کوزر مجنون که اول محبوب عالم
دیر ای نور چراغ دیده جان
طیگرد جان دہم جانانہ دل
جماکت چشم جاز چشمہ نور
نیچون بندن جالوق تیشہ قلیک
قبلور سکت سکہ نیچہ عالم بن
اؤز کن اؤز کہ ریم یوق جهانہ
کوکمل طولو تمنای و صاکک
دلم بر جوش وتن بر تاب اولوب
دو شرمی سکہ کیم بوبہ فلا سکت

32
جانیئے سلاسل کیو سپید
لبی ریش جگر اوزره کاش ریز
ایدر عسل کبی کوهر فائق
طولار یحسانہ اطراف لاله
ہلال اول طاق ابرو کنت مالی
قد رعنا یلہ سرو چمن بدن
ایدر حالہ داروبن نظر اول
بت نازک خراج دسرو کیش
خراب آبادین ایدر خرم آباد
طولو ایدر نوربہ کاشانی
رخ عکسی ایلہ تازہ کلستان
طورر رسر و کبی خوب و خرم
کسکت حسن اللذہ خوں
عتمک سلطان خلوت خانہ دل
جماکدن ہمیشہ چشم بد دور
ہلاکیم طوروب اندلیشہ قلیک
برکدہ بر محب صادق بن
قابو کدن غیر می جایم یوق جهانہ
دماغم الہ می سودای خیاکک
کوزم ہجر ک ایلہ خواب اولوب
کیجه کوندوز ہلاکدہ اولہ کک

اسیر زلف میکینک دلوبون
 این قصه ایتمکل بنم هلاکم
 صاحب کبی بن اوش آشفته کام
 نه دم کیم سن ایدسک آشنات
 ویره م پروانه دوش یکیده بن جان
 جو بنده دیدی کیم ای وفادار
 دیرم بن سکه صحبت ایتمک
 اسیر که رم سنی بن دخی ایتم
 اول آتش که سن بایدک جرعی
 غمزدن سنده دایره خسته نکلر
 سن ایدک بر محب در دنیا کم
 ولیکن بر جماعت اولدی بولدا
 قوغز انز که قیدم ساکه الفت
 بنم ده آنره جنبیم وار
 خدا کر فور ناره بنی اولد دن
 اگر بولورسم انردن ریا بی

اسیر که کل که میکینک دلوبون
 صاقین ایرمه آه سوزناکم
 سیه روی پریشان روزگارم
 اوره شمع و صابون رستمناق
 اولم قدیکه قار سوست و حیران
 بلورم سنی در دم قیدی بیار
 او تور دلوب کیمه کوندوز خلوت ایتمک
 دیرم کیم اولم خدمته قائم
 طو تو بدر بنده ده نابی دماغی
 بنم ده دار سا که دلبنه لکله
 بنده عشق دن یاقان هلاکم
 کیمبسی انام و کیمی قریز اس
 ایدر همد بر می با که منع و صلت
 قویا نام اولاری العنم وار
 خدا اولیم آرق خدمت کدن
 ایدم سست ایل خوش شنبابی

بنده بونکلین بلکه ای جان
 قویار انردن ایتمه خصلت بد
 بولورسم که بونردن بن خلاصی
 دیدی جان کیم شجاعت بود ای

لمحجه وار هو انفس سلطان
 که همد بر می ار اهرده اولورسد
 دکلم احر که بر کخطه عاصی
 که بونردی باصه سگ اربکی سن

تو ما کیم ملکات ایچره حکم ایده لر
 دیر ایت عقل یینی بیر عسکر
 با صدمه آنلری جمله قیبر لم
 ایدرسک کر بونوره حرمت سن
 با صلوب بونوره مغلوب اولوسک
 اگر بونوره سن کیم با صید سک
 بونک اوزره اولور سک و کیدر
 سک بد ایشردن بیره آخر
نثر الهی سن صافلا جمیع ملاردن الهی سن تورنار
 ابتلا لدن الهی هدایت یقین ایت الهی عنایت شفیع
 ایت الهی سن ایتمیج سن کیم بولمز و سندن اولمیج کیم
 و صلیک ابریز الهی کور سن انسا طاک بساطنی بسط ایتمیدک
 بوبر اوج خاک ناباک نه زهره سی دار ایدی که ملک الملوک
 بساط حوالیه قدم با صه ایدی و اگر سک جذب جاذبه سی جذب
 ایتمیدی بوسیا کلیم کلمه اوبارک نه لیا قتی واردی که قبه قرب
 جبرونه بول بوله ایدی بر جذب که ایره که بر دم جل فوق عبادت
 دد عالم الهی عمران اوغنه لطافت اربوب موسی دیدک ابوطالب
 دینیمنی جذب که چو ب مصطفی ایدک الهی سنک عنایت جادش
 سعادت آتیه سوار اولوب ابرمه آذربت تراش اوغلی کمدی که
 خلیل الله خلعتنی کیم بیه ایدی الهی باران لطافتش سن حکمت
 نسیم کیم ایشمسه یعقوب کیم اولور دی که انک فطرتی بوسنا سندن

نیجه دیلر لر بیه ایلمه لر
 قوای روحی بینده جمله تکر
 وجودک ملکتمدن طاعده لم
 ابرکنجی اولور سک عاقبت سن
 حقه مطلوب ایکن مهر و دلو سک
 بونی ادمه بولردن قوتیک سک
 بیه عرفم که صکره نیچ ایدر سک
 خدا بیلور نه رحمت اوله ظاهر

هزار کل رسالت آید پدید می رسد ریح لوافح کرم و الطاف
 زکریا پیمبر رسالت رحیم صدف در نبوت و جلالت اندک رسالت
 انار انوار احسان و اعطا فکدر که بر بویکت بت پرستی خاندان خاتم
 رسالت اندک الهی سن اول بی نیاز رسالت که نیجه پیر من جانگی
 بیاض روزی جریده طاعات و سواد شبی غمزه آب دین مناجات
 ایدوب سرفش اماره بی تیغ مجاهد له قطع دفلوت سکر و صموده نیجه
 منازل قطع آتش ایکن آخر عمر رشته سی بار یک و حیاتی روزی تاریک
 انجمن قولا غنه بوندانی ابر کور و ک که الطلب رد و الطریق سد و ن که
 سعی مردود و دیول مردود در سن اول کار رسالت که نیجه جوان
 خرابانی که در دکاش نه بی ورد وار بوزنه کوزنه سوروب و زاویه
 خمخانی بی رند وار دون و کون سکن ایدوب روزگار بی زمر و خمر
 و عیش نوش که کیمش ایکن ناکاه پدایت رسول ایدوب و قبولت
 قبولی اسوب غنایت جدسی بیوب مقرب حقان ایدک الهی
 رسالت بسته مه که طاعت و نشانه کریم الهی بسته ماسکنه عذر
 و بهانه کریم دیکه و یکنی صومعه ده سر و بیکانه ایدرسالت سر
 استدیگی میخانه دن چوک آشنا ایدرسالت الهی امین اولی
 ملائکه اره سنده زندیق ایدک ابوکر نه ایلدی که بخانه ایچنه
 صدیق ایدک ممت عالم در رسول نبی آدم حضرت رسالت صلی الله
 علیه و سلم منقول که حضرت جبریلون علیه السلام صور دی که یا اخی
 جبرائیل هیچ رسالت ده خطایر قدسه و منازل بسته که
 ادور سن تئویت کنه وار میدرد دیدی جبرائیل ایدی بانی الله

سول بر مرغی آره خردن سوره بیدن بری هیچ بر مرغی هنوز این دکن
 او تو میوب طور ز الهی سکت لطفات علت ایستم الهی سکت
 قهر که سبب کر که کاه بر آلوده سپاه روی کتور و غنایت ز لایله
 پاک ایدوب پوزین آغ و بر سکت کاه بر طاهر پاک روی سوره
 در و هجرانه ملوت ایدوب قار و بر سکت هزار هزار طالب دار که
 عالم را دین تنی ترابه و جانی سید و بر سکت و هزار هزار
 عاشق دار که هوای حیرت حقی آتش دل و غریق اب دین ایدوب
 کر ز هنوز زلف مقصود ندن بر تاره و کوی معبود ندن بر غبار و بر مشد
 و نیجه غافلدار که طلب نه نش نه در غم عشق نیند دکن اکلاخ عمر بنی لذت
 نفه دور کار بنی هوا و هوسه کج مشد ناکهانی غنایت
 نسیمی سوب و هدایت بدرقه می ایدوب نطلمات وادی غولاندن و نیجه
 صحای مسلمانته چقار و ب دینار محبوب پیدا و روی معشوق بودا
 اولو نفس داحده خرد نادانی وصلت دمانی به تبدیل ایدر
 نیجه دار که بخانه بی معبود و بنی معبود اید مشد و کوز پلکه رسم
 سعادت جریده معامله سنده جک مشد و نیجه دار که عرش قبله
 در البر می سجود اید مشد و بر خبری یوق که داغ شفات آتسند
 تو مشد کاه اولور که بر شمشک بندن بر بنی کتور سکت دگاه اولور که
 بر بنی کت خاندانن بر شقی چقار سکت کاه اولور که هلا قدر معصیتی
 عقوبت سکت کاه اولور که بر کاه قدر جرمیده و ایدر سکت الهی
 مکن آدم او غلی میسون که بر لوت جماعت طور و ب سنی استرله لطف
 زبان جلد قولا قریبه بوند اکلا که لاطرین کم فاذهبوا سزه بول یوقد کت

و بر بویک جماعت سندن یوز دود مندر کشد و رگ زرد هر دم بویالت
 کو ندر رسک که اناکم انتم لی فاقبوا بن سیرکم سر بنپز کلک
 الهی نیچ ریاضنده خلوت فانی و ابرکیم آتش فز که اوده اورد ب
 دود رسک و نیچ عبادت خرمی و ابرکیم باد استغنا که بده اورد ب
 طور رسک الهی بونه حکمت در که عمر بر باندن فلیجینی چوک کرز لات
 و غریبه آند بجه که البته محمدک باشن کیم اکا اویانوی قیام
 و بر باندن پدایت چاشتری اوکجه سکر و لیسور که و غنا پیت
 منادی می یانجه چاغ لیسور که طر فوا العبد رب العالمین
 کیدک توک بولدن آبریک اوکلدن الهی بو معامه در که کیمسه
 بویک سربینیلز الهی بو معامه در که کیمسه کنهنه ایرغز **ایات**
 ای دل که سن قلندر می اول
 نیچ طلب امید و مقصود
 بیک ییل بده رسک دو کام اولویل
 تو سغی همین تمام اولویل
 و اغسل سن ایکی مختصر قبل
 او توره در و کنی سفیر قبل
 سن کندیک بیتم ناک قبله
 سعیدی بک قبله
 کیمبسی سعید اولور کور رسک
 کیمبسی سعید اولور کور رسک
 سعی یله دکلر بونی ییل
 وار بور می امید کی اکا قبل
 بیله بونی دانش و عملدن
 بیکل که عنایت ازلدن
 مقدور سعادت و شقاوت
 جسدک قومه مال اکلدن
 حقی دخی قومه هم و کلدن
 جسد اینه که بر کنه بی رنج
 بو دنیا طوره لی بولدی کنج

لیکن اکا قیسمه اعظمه دکت وار ایله توکل علی عبادک
 کل فو لیسنه بورا هه کیمته کل مسجد و خانقاه کیمته
 کرد حرمه طواف ایتمه حج عبت و کداف ایتمه
 بکت ایله دکی قومیه مهمل کیم شرط بودر بویولده اول
 پس ایله طواف عرش کرسی همراه مقربان قدسی
 شریقی قیمنه بدر طهارت کیم این نماز ایچون اقامت
 کلکی بنه صافلا دکت یحکمه دونوب ملک اوحدی کسن
 هی بونی صافین خیال منیم اولمذا علی محال قیلمه
 کلک ایله ملک بر او ده صغیر بری بریله یکسی شمر
 وار کلکی کیدر ملک بدل قبل هه عهده که وار پوری حل قبل
نشر الهی هر کستی سندن نور قار بن بدن سنده ایملکدن
 غیری سنده یوق هر یار مارلق بدن الهی هر پرده حاضر بکت
 سنی قنده ایستیم و هر حاله ناظر سکت سکانه دیم الهی بن ضعیف
 سلیم که مجبکت تقاضا سی کل دیرسه غمکت کبریا سی روا یدر
 جاکت بخلیسی جذب ایدر سه جدا کت سطوتی قهر ایدر الهی اگر من طبعی
 وجدنی لطف دتاری فو لدکی فرج دکرم ایدر سه اکبره ایدر دالی
 سهیم بیاسنی کنه بر طرفدن دهرم ایدر و هو معکم انما کنتم
 مرده سی خبری تنه روح آر تیر سه فغالی سد الملک الحق
 هه بیتی بدن جان کیدر اگر توتیای بارت و جوه پومند
 کوز لرینه سور می کوب روشن و پرنور ایدر سه تند باد عزت لاند که الای
 کنه طویراق صابوب نهره دکور ایدر اگر هو الاول معناسی ضایده مقرر

ادویه هو الآخر کلوب بوزار واکر هو الطاهر فجوہی خواطردہ
 پراپوسہ ہوا لبطن یتہ محو ایدر واکر و عدک ابانی ست دان
 ایدر سہ بنہ و عیدک تہدیدی حیران ایدر اگر و صلاک
 جذبہ و شوبہ لری فرخان ایدر سہ کنہ ہجرت ستم و شوریدہ لکدی
 سرگردان ایدر اگر عفو و کریمت خصوصہ با فارسم بلا و قهرک
 عداوتی نیچہ ایدہ ہم اگر جسم و عفتدک نصوحنی کور و رسم
 غضب و بطشک آیتنی نلیہ ہم الہی طاق بوندہ طاق کہ دل
 اہل دعوی پر نفاق و جان اہل معنی پر استیاق پس
 دوست نژدہ اولہ انفاق الہی اگر حجاب سہ سی و لمیدی
 آفتاب استیاق جہانی با فارایدی واکر سرعک سیاحتی و لمیدی
 اصحاب دعوی ملی طوئار دی الہی کورستان بسہ خانہ حسرت
 و کستان بسہ جابجاہ عبرت بر کسبیت کہ عالی کاہ عبرت و کاہ
 حسرت اولہ اکا ارادہ نہ قدر حسرت اولہ الہی بوسا فروقلدیکہ
 شریعت وادیندہ طریقت ہا ولسنی سن مہترایت
 و حقیقت و کز ننگ عنایت نسیمنی سن رہبرایت عبادت کجایہ
 زہد نوریکہ منور قیل و طاعت اولرینی معرفت نسیمیکہ معطر قیل
 امی کوکل و شتر نسکا عیش و طرب حق بیلیل حق قیل سن طرب
 حق ایملہ اول سن نہان و نسکا بودر شرط دل پر ہنر کار
 زاہد اولہ ریکیم اولہ سیرانہ فردا یکی عاملان قیلہ کوکلنی سرود
 زہد شمع و مرغ دل بردانہ در زہد اسکار ہد فرادہ
 زہد کسچہ بر مقام غایبدر زہد زہد لیک اولہ لور حالیدر

زنده که آندۀ اختیار نفس اولور
 اول فناء اهل قسند پس اولور
 چونکه ترک اختیار اولور مقام
 زنده دخی زاهد اولور لرمقام
 کیلکه بوسیدانه اول چولان اولور
 واربع دیو خلق اکابکان اولور
 ره روا اولور بونده قطب ستور
 اختیارین الیمس حق اختیار
 بد سعادت هر کیمک یاری اولور
 جان اولور اول جسم و غیر زنده
 شاه اولور اول یکی عالم بسته
 الهی شکوفۀ امان دینی گلشن سادمان یقینده سن
 متبسم الیه الهی بیل باغ شریعتی اغصان شجره طریقت سن
 مترجم الیه الهی ایمان بنا سنی سوبه محکم الیه که صرصر موسی
 شیطان از اسلام نزل اولیه و اسلام فاعن سنی سوبه
 محکم الیه که متجین الیمس فمأذن برزخ متغلی اولیه اساس اتمان
 دین کیمی ستور و قطاب فلک شرع کیمی بایدار اوله الهی بر دیر یک
 میسر الیه که سبب حیات ابد و موجب بقا و سرمد و طراز حله
 زندگانی طریقت و فهرست اعمال دامانی حقیقت اوله الهی بر دیر
 ویر که فاتحه ادراد فکر و زیور ابکار و ذکر و نشان صحیفه قبول اعمال
 و عنوان نامه استقامت احوال و نهال باغ کامانی افانی و فلاح
 درست دامانی دوجمانی اوله بر خصوص عقیدت اوله که کرد تغییر انک
 کال با ملک خویشنه قونیه و حسن طوبیت اوله کیم شایسته کند
 انک صفاسی زلال ملک منفعه فارسیه بر پاک نیت اوله که تعامل تا فلان
 فنون محاسنه اراسته و بر کو بگفت غریمت اوله که قدود و دیر کیمی
 رستق و استقامتد پیراسته اوله الهی قول همسکی پیند عی

حصول معرفت عالم غیب مستوجب حرارت هدایت سبب آخرت
 اوله انی سن میسر است الهی سؤل توفیق که جالب مرضی و مبایض حلال
 و قاید عواطف و محارم سخجانی اوله انی سن مقداریت الهی سؤل بصیرت
 کور یعنی سن آید که نتایج عواقب امور دنیایی بمنور مبایدی سنده ایکن
 تمام کوره و سؤل عقل خانه سنی سن حکم است که مستقبلات جریات
 احوال محقق به هنوز وقوع بولادی ذوق و یقین بوله الهی سؤل غایت
 دل و ارتباط حق که انک جمعیتی قضایه بادیث ان اسمیه سؤل
 انتظام خاطر و انقطاع خلق که انک اطراف و کثافت عوایق الی یتیمیه
 او مایز کنیدی کرکدن آتی بوضع یرینه سن تیسیر اید سکت و سؤل غایت
 صادق که اباطیل خانه غرور و غرضات کاشانه در بعضی تسویات
 نفس ناره و تمویجات توای مکاره انک حرم سنده نزول
 و حرمی خواننده تفوال یتیمیه لطف کدن امید فر اولدر که انی بز قولدر که
 سن تقدیر اید سکت الهی سؤل کوکل که غرقه غمران دریای شهباز
 اوله حالت که وصلک بحری سبی انی ساحل نجاته ابر کور مبه و سؤل
 قالب که مرده بی هواجر بولادی سوانک اوله حالت که غایت
 زلالی کاتاره حیات و یرمه الهی سن بکا بندن بقیسک دین
 دوم اگر بن سبی پلزمه م معذورم الهی بندن عبادت کرکسه سندن
 غنایت کرک قولدن طاعت کرک حقدن هدایت کرک الهی
 یار مار لعل کدن نیجه قور قارسم بلا اوله دیو ایلیک کدن اول قدر قور قورم
 استلا اوله دیو الهی جو جم سیدم قیو که کلام ردو یتیمیه الهی بی سائر
 دیوار یعنی سید یتیمیه الهی جل دمنده پریشان حال یتیمیه الهی الم ایچ قنده

یا مال اینم الهی بنی روز محشره خلق را سنده رسوا بینه الهی بنی
 یوم بر زنده تن حسرتانه ما دمی اینم الهی بنی طاعتشده دائم ایله الهی
 بنی کیمچه کرده قائم ایله بومرده دلوری لطفکله زنده ایت و شب طاعتشده
 کوکل تمعنی تابنده ایت نه که اول نور دیده عالم و سرور سینه آدم و صید
 رسالت و درمی ساه جلال ختم سوره نبوت خانم بخین فوت حضرت سالک
 صلی علیه وسلم منقولده که ایکی کوز جنم او دینی کوز بری عین ابد که ظلمات
 وادی شیده هیبت جلال خضد آب حیره کبی اول چشمه جسدان باشد ان
 اولور و چشمه بیدار که طلیعه رحمت خدا به منظر اولوب صبا طوره دکن طوره
 دیده بان اولور الهی احیا و لیلی بر دوتده که دکه نو که مقدار تیر سگ
 الهی نیاز نیم شب بر سعادت در که دکه کوکله میسر تیر سگ شب مقام فوت
 عاشق اندر شب خیاام دولت مشا فاذر نوصیح سعادت کامرانی
 مقام ساه ظلمت شب مجاهد دن صکره لوفار که سیجیل الله بعد سر سیرا
 و هامی سیادت و دجهانی بال اقبال و جناح نجاحی شب روانان او زنده
 صالار که عند الصبح مجد القوم السراج جمع ارباب قلوب توجها بنی کیمچه ده
 زنده بولور و جمله اصحاب کثوف کشف غریبی شیده از دیا دین بولور
 سوت ابراهیم خلیل الله شیده اولمدر که فلما جن علیه السلیل رای
 کوکبا قال یارب فیما اقل قال لا احب الا فلین و تسبیح یونس نبی سعدی
 طمیده پلندر که و نادى فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت
 من الظالمین و بعد حضرت موسی دخی میقات طوره لیا لیلله اولمدر که
 فتم میقات ربه اربعین لیلله درایت دولت محمدی دخی قبه افلاک کیمچایه
 حقیقت که سبحان الذی امری بعبد له لیسلا و ان قدیم دخی کیمچه و

نازل اولمشد که انا انزلناه فی لیلہ مبارکة و قدر ذی قدر دخی سبده
 مقدر اولمشد که هی حتی مطلع الفجر سب جمع مکث خود شرفی مذکور و مظهر در
 و پنج کجی کرک دخی قدری معروف و مشهور در دلو اول کس یا یکیم کجی کرده طوبه
 شول مردن شیر آس و دلیران صف هجا کبی تیغ مجاهده یا نفس ماره یه
 زیون در دزگرد تقوی یا اول مغوی سدرگون ایده که و سول زان ضعیف
 دزم کو کلک کبی ایتمه کرده و کین زار دنیا زاید و تب جرحه دیده دن و زن
 دزین دنیا بوی دباره باره لعل بوی کوز یا شی برنه سیدان ایدوب
 علی الدوام دکه لر و صاحب دیده خونبار دن کلزار خسارت بار
 اوزرینه باریان غم آخری و کزیه روز قیامت با غمور کبی طور میوب با غمور
 الهی بزم سکانه راز خراوله الهی بزم سکه نه بازار خراوله الهی ضعیف
 روایت کر یکک شان و کل الهی فساد لری یه صامق و چیکک نشانی
 و کل الهی سنک اذک محسن و جواد در بزم بستم چهل و عناد در
 سن آدیکه لایقن ابیت بزم حاضره کوره ایتمه الهی سنک ذامک
 رحماندر بزم فعلر عصیاندر سن ذامکه مناسب ابیت بزم فعلر کوره
 ایتمه الهی نائب کما هیند اولین کرکمه دکه کز نائب بولغر و اکوبه
 بشیامنی بیترمه دکه برده عاصی کورغم نه مرد بهلوان اولو که هیچ
 نفسی بود اسنه اولمز و نه صاحب طعیان اولو که صکره تمام شیمان
 بزم بیل بشیامنی قوی زباندن کرک و دامت مایمن لب ندن کرک
 بر دخی ایتمه غمبت کرک و بالکلیه واکلمه همت کرک ابیات
 ای طیشی محمور ایچی ویران کوکل نفس قول و عالمه سلطان کوکل
 طلمت جبل ایتمه اولمشد رایجک بحر حیرت قابلاش اولوگک فحاک

کرد و بر سر کس عمارت اوله سگ
 کل دوز نکل سن بوطاعت خانی
 کوی دبنده خانه کی ابا ذیل
 مرتبه ک ایسترسه ک اوله برقرار
 کر بنا سخی خانه نک محکم اوله
 توبه اوله سن یسمان اوله
 دل کوزه حضرت عجز و نیاز
 دیده کویان ددر دن آتش اوله
 بنده حق اوله و غیر می خوا با
 ور دین اکر که یور کین طغیبه
 بن بکایندم دیو حسرت ایله
 کیجه کوندوز طور میوسن یا لواره
 بیر کافر کیشیمان اوله اول
 توبه دن اول کرک بویله ایله
 دیا صکره در بویوله پیشدا
 هر کسینک توبه سی بر در لودلو
 آدم اولور توبه اکا بر کمال
 که گفت به غلامن قربت در
 حضرت حق بر عطا در رکرم
 کفر دایمان عاشق اول کبریا
نشر الهی معرفت رسمیده نه اعتضاد الهی عبادت عادت نه اعتقاد

طوب طولو نور عبادت اوله سگ
 وار عمارت ایله بو دیرانه بی
 وار در وندن توبه بی بنیاد قیل
 اولین بنیا و سگ بیت استوار
 چون کهن اوله خرابی کم اوله
 حقی بیایوب نو سمان اوله
 قلب قلب ایلیمه یارار زار
 جان دل اول آتش ایله خوش اوله
 نفسی ترک ایدوبن حقه اویا
 عمر ضایع کج بکنه آغلایه
 نویسر عالم دیو غیرت ایله
 بن کهنکارم بکار حمایت دیه
 چونکه عذر ایدو سمان اوله اول
 وار صکره توبه سنه توبه ایله
 توبه ایله هر نه اوله غیر خدا
 هر مقام صوری بر پوز لودلو
 آدم اولور توبه ده فائق اول
 که کنا من آنکسی حقت در
 عاشقی در هسم وجود هم عدم
 میسن نفقه بنده اول کیمیا
 اعتضاد الهی عبادت عادت نه اعتقاد

الهی حسن عمل نه اعتبار سوز قبول اراده در الهی بود کوننی ایسکه دایره
 نه حساب ایش عاقبت اجله در الهی مقدور اولانده نه مکنیت کمار
 تدبیر بنگذر الهی بیزارم اول طاعتدن که عجب در با کتوره خشنودم اول
 معصیتدن که زاری و بکا کتوره الهی بیلم اول غازی که نیاری یون
 الهی بیلم اول درونی که زاری یون

بیت

عمار و شرع و دین بیکل غازی نمازی که اوله آنک نیازی
 نمازک معیسی بیکل دعا در دعا زار و خوشه روا در
 قنوطا عسین اول تاجید بیل صلواتی مؤمنک معراجید بیل
 چو خلق ایستدی خدا بوجہ ملائک نودی هر برینی بر بولوس کک
 کیمی ساجد کیمی خدمته قائم کیمی راکع کیمی قاری دایم
 کیمی قاعده نشسته خدا کک کیمی ایدر صلواتن مصطفایک
 بر بیک خدمته بری اولمز بر بیک طاعتنی بری قبلمز
 صلواتنده مصلی اولنه حاشع اولور اول جمله طاعتی جامع
 فغان کیم ایدر کک اندکیم دروندن فاعدا سن اینه تصعیر
 حضور می ایده فرسیدک دایم ایمل جودقت نیت اوله اینه حاصل
 کوکلان قیل نوجه حضرتینه دل و جانن قیام بیت خدمته
 کوزت دایم او گلده سجد کاهی توسن اطرافنه میل و کاهی
 فرا لصدن اولانی قیل غایت سنن ترکن دخی آنکه حیات
 سن اول مستغرق آیات و ادکار جیبار دلدن حکاک غیر یکنیم دار
 مکرکیم بر عسینه ایدر دی طاعت طور و بر مسجد کجوه اول عبادت
 بیقیقور مسجدک بعض جباری طور مسجد ایچی غوغا و زاری

بو حالندن وکل اکاه دروش
 قیلار سکت کر غازی بوید قیل سن
 کوکل جوکنم غازی بحسره وکل اول
 دیلر سکت سر کوزی کوریه بکلدن

نشر الهی نیلیم اول سری که اسرار یوق الهی نیلیم اول نور کیلیم انوار
 یوق نیلیم اول کیوکی که حضور یوق نیلیم اول سجو دی که حضور یوق نیلیم
 اول نبر کیلیم نگریم پز اول نیلیم اول قیای که نطق مسنه اول نیلیم اول منوبی
 نور سز اول نیلیم اول طاعتی که حضور سز اول

بیات

وضو د بیل سلاح اهل ایمان
 صفادن یکله بولند نال اول
 وضو ده هرنه دار قانون شرعی
 حضور قیب دخی سن بغایت
 که شر طبعدر وضو جوکنم غازی
 نجاستدن جو طاهر پاک ایدر
 طهارت طاهر ی واجب دیکن
 یکله دوان اخلاق دیمه
 درش کیم جمله سندن پاک اوله
 بنم کیلی اولور سکت سن پاک
 بیلورم ایچک مر داری بن
 الهی اب دستم بیلورم هیچ
 کوکل جوکنم طوٹ بر نجاست
 وضو اینه قیو قهر شیطان
 وضو سز یور وخر اصلار آن اول
 کر که یکیم تمام اوله فرع
 وضو ایچره دخی ابکل عایت
 بو اولور اولی حصه نیکت
 نیچون ایچک طولو خاشاک ایدر
 کر که هم دخی تطهیر باطن
 که هر بری اولور سا که جرمه
 ره حصه قوی جلاک اوله پاک
 دنو کون اوله سکت در دیه عساک
 ویکن آرد یازم آتی بن
 بودغیم بای دستم بیلورم هیچ
 نه دیرر با که بو طاهر طهارت

شمس الهی نماز دیو قیلام همین صورته بدختم نماز قیل کو کلم
 معصیده سنت دیو طوتام قور و سنت دعادت عبادت دیو ایترم
 همین آدی عبادت قرآن او قورم همین باند طاعت ایدرم کوکل بابانده
 مذاکره ایدرم غت هویا چون مطالعه ایدرم نکت صفا چون علم او قورم دنیا چون
 عمری کچوردم هویا چون تسبیح ایدرم زبانده دعا و قورم باند هرنه علم که صفا
 صاندم کوردم جانبدن ریا قشمت و هرنه فعلی که خاص صاندم با قورم بطلدن
 هوا کشتن صافالم آغدی هنوز اوصلا ندنم قرقیل اولدی اولوم اوباندام
 هر کون دیرم ایرت اصلا ده کلم هر آئی اومارم کله سی ای صلا ده کلم بویه دیو
 کونم کجی اوش اوش دیو عمر کیدی کوکلم هر کله نفس هر سفسه
 بن آوده بیچاره روحم طبعی حقه ندنم اوگرندی خطه اولوم ارده آواش
 بیلیم نه اینک کرک اما ایترم نیچایه یم هله باری بیلیمی برایدن بیلدریم

ایات

کر صور اسه ک بکه شرط راه سن یوری فکرت جاهد فی لدن
 وار نفسی یوق ایدوب دی لا اله نا اوله سک ملک دبنده یاشه

قدرت حق کرده اقرار قیل هر که غیر بدرا اینک انکار قیل
 کند بی طفل طوت تقصیده هر نه دیرم اینک تسلیم ده
 بیکه طفل بسته کهواره اول بی تصرف بنده بیچاره اول

نفس را توده حرص و هوا وار درس پاک ایند درانی فنا
 پس پویشل اکی جسدن دست جاز اوله حقه تا کف کو

اول مصداقی فاعله مقسم	خلوت است بخانه امید و بیم
آج فیه سکت کور که اینچینه دار	هفت خلوتخانه نکیم سنده دار
سن روان هفت منظر آینه سکت	نه درن بوخانه نک چون بایک
کوکلکی یعنی حق ابد بر قبیل	قبیله بی چون بوله سکت کبیر قبیل
تا بوله سکت نقد امرار سجود	کنز یکی است محمود ریای وجود

صوم سکه صرفه مان ابد آب	نامه سسکت بسته بهر بیج و تاب
دار کوکل بوش ابد کل الصوم بی	صوم صاعده سن سکت بوش ابدی
که اول درون دلان ایده غیر سکت	روژه دار آکا دیش اهل حرد

اکا حج مکة تحقیق اولور	کیم سوار مرکب توفیق اولور
پس طواف کعبه اسلام قبل	توب دنیا دن عیوب احرام قبل
بیل صفا و مرده بی خوف و حار	شول مقام سعی کیم دیر صفا
صکره دار لیک عاشق و ابریل	پوری ترک دعوی دینار قبل
نفسکی قربان ایدوب اولغل تیار	چون بدید اوله حرم بارگاه
یوزدکی هر جانبه طوئسه ک روا	بی جسد رانده بیت کبریا

علم بخون ایلر سکت سن طلب	ای کرامی کوه هر عالی نسب
علم اوقو کیم حی اوله جان و دکت	حمله چون مرده در آب دلاکت
کل کبی هر دمه خندان اولکت	مه کبی عالمه تا بان اولکت
اولر ایه علم قوری رنج اولور	علم اولسه غسل برنج اولور

علم ربنا دوطاعت خایه سی
 علم سن سوال اصطلاحی صانع
 قبل و قال به بولمز راه حق
 علم ظاهره بنی اولخل امیر
 علم کسبی و طرایب حاصلت
 لیک قلمه آند کیکل ایزو
 وار بحار قدره غواص اول
 کر قالمه سک علم ظاهریه پس
 کره معینه دانا اوله سک
 اول که اولو علم دینده بهره
 علم صورت بنده نهدهان
 نقش صورت قوس نقاشی
 بنده کی طغدر ر بزاری تو
 عشق ارباب بل هواسی غیر اولو
 طبعه بر الحام رباندر اول
 بو بنم عالم دکلدر سولیم
 سن بنی نو دبیکمی دبیکه کل
 بن دخی بر عاجز و حیرام
 نه بیلوم نیلیم نیجه ایدم
 حیرت الدی ایچیم طیشیم بنم
 عققله لوت بیلوم نیک کرک

اوستی اولمز بولور کات نیسی
 علم اولو قدم دیو اکا قانع
 قاله قالاغز اولور کده حق
 کیم غذای طفل اولور اولده شیر
 علم ذوقی حاصل ایچم هم دکت
 نیجه طفل اوله سک سن شیر
 واکنوز حکمت ایچم خاص اول
 سن لب در یاده اوله سک
 طولو لوسن در دریا اوله سک
 دو جهان سر فراز و سر بلند
 علم معنی صفت جانی درون
 عالم فرشتن قوسن فراسی کور
 علم بیل بیکدر رکفتار تو
 عبل جانک نواسی غیر اولو
 جانه بر تفنن روحاندر اول
 اهل حاکم سوزید فضل ایزم
 استی قوسنیک کی اکمل
 بوهانک در دله آواره ام
 نه بیلوم قنده دارم نه ایدم
 بیلر اولدم بن بنم بنده حکم
 لیک بر جده به کلوب حکم کرک

در دفر جوق واره لم مقصوده
اوله کیم لطف ایوب غفران^{ایده}
دنباده آیه کوکل کوز بنی اول
دیدۀ باطن اگر بینا اوله
سر وحدت ظاهر اولور بی کمال
کنج حقه جان مخزن هم امین
چون حقیقت بحرینه اول بولور
ای کل خندان قومه سن رنک بو
مرغ کبیسته دانه اوله سن
لفسکی محوایله آنده ایج دق
سول کوکل کیم اولدی عی عشق درست
مرغ وحدت که کسی دلدۀ اوج
بسبب جان کاه که بران اولور
که جمال یار کشف ایز نقاب
دوسته فالقه اول کوکل طالع^{اولور}
ادل که صاحب حال اولور می^{ایده}
شول که انیسی اولور انک اول خدا

یا لواره لم یعنی اول معبوده بز
راه حقی بز قوله آبان ایده
تا آجبد آنده دخی طوغری یول
نیجه سر لر کورلده بید اوله
عین علم اول دقت اولور بیکل عیان
بو اولور دیباجه حق الیقین
کوهر معصود بنی ناکه بو لور
کرایدر سک سن تحبدر آرزو
مبتدای غولش بیکانه اوله سن
نا اوقونه آیت اثبات حق
که قوی اولور که اولور سینه
برق و شس بسکن قرار ایتیم کچد
که کولر دل که یند کریان اولور
که جلال غنی قیلور حجاب
کاه مغلوب و کاهی غالب اولور
حق اید در همد دم آرمی انک
بحر ممکن اولور و دری فنا
الهی هنر نه قدر جدا بدوب ظاهر معور اید رسم بطم دین

نظا هرده هر نه قدر کما قول ایسم ایچده بواسطان الاهی جمالت کردی
یونم طوطی الاهی حسرت دردی بلم بوکدی الاهی ایمان تخمینی که قلب
فرغ سنده کندی لطیف کله الکوک و اسلام نهالی که کوکل روضه سنده

کمال کر مکدن دیکدک داما باران رحمت و نسیم عا طع شکله سن نشو نما
 و بر هر دمه دل گشت زارنده محبت تحمذن غیر یسنه انکه درج
 کتیسن و حدتک بجزدن طشه صالمه چون توحید بنیا دینی
 سن اوردک خراب ایتمه و چون امان غنی سن دیکدک بی آب ایتمه
 الهی هرنه محبت اید رسم سنک جاکل حرائق و هرنه نه که کوکلم و یوم
 صفاتک آتانی الهی هرنه نه با فارسم سن آنده حاضر الهی
 هرنه بی کور و رسم سن اکا نظر الهی بکولوسک غایت ظاهر کردن
 الهی کور و غرسک زیاده نو بدکن الهی سیدی و مولای هرنه قدر
 کنش کارسم کر مکدن نا امید کلم و هرنه مقدار مجرمسم عفو کردن
 نو مید کلم نه قدر کنش هم چرکی و ایا ایتمه امیدم او که رحمتک صفتی
 عفو ایده الهی حجات طویر اغن ایتمه صاچه الهی بوزم قره سن بوزمه
 ادرم چون بوده یا از فر لقمم ستر اندک اول اوده دخی کریم کن
 الهی دنیاده جوق نعمتیکه غرق ایتمک آخرته دخی نعم سنکن
 الهی نه قدر جرم اید رسم رحمتک آذن ارتق و نه قدر علم اید رسم
 حکمتک آذن ارتق الهی بنم نه طاعتم اوله که معصیتیم بویه الهی
 بنم نه عبادتم اوله که جسنکن الیقویه قو طعمید راول که زیاعسز
 عبادتمید راوله که بر ایدرز عبادت اوله که دایم کوکل فکده اوله دول
 ذکرده اوله تن مجاهده ده اوله جان مشاهده ده اوله نماز غیب سنه
 اوله روزه غیب سنه اوله شکر رضا دل که رضا صفادن که نسیم
 ایچماکنده اوله و صبه که چکنده اوله فقیر لوق دولت بیلنه و یوقن نعمت
 بیلنه الم لذت کله و غم راحت کله کونه خلوت مشایق بیلنه و انقطاع

خلق بادشاهی بلیله و وفای آینه بده بولنه و صفا بیخلف بولنه
 غرت خورلقده بولنه و حضور نا حضور بولنه عشق شهادت اوله
 شهوتدن اولیه و محبت معنیدن قویه صورتدن اولیه اعتقاد سببه
 اتصال قطع سببه اوله ذکر ملائکه اوله توجه ملائکه اوله هر شب
 استغاثه اوله و هر دم بکاء اهل اوله تبارک دعوی اوله متحمل
 اوله بنده ارادت مولی اوله الهی سن قولی قبول استیجیه کیم سکا
 قول اوله الهی سن طلب ایدوب کل دیمینجه کیم سنی از ایوب بولمز
 الهی اکبریم خاتم عباده موقوف اوله ایسم بیتمش اگر خلاصم خلاصم کوره
 اوله یوکم بیتمش الهی بنم نه علم اوله که اکا دایانم الهی بنم ایسکم
 نه اوله که اکا ایسانم همین امیدم سکا فاشدر رحمت سندن
 همین جام لطف که در مغفرت سندن ای بیچاره دلبرک حاره
 ای آواره کوه کلرک غمخواره سی ای بی دلدی بادل ایدن ای مدبری
 مقبل ایدن ای بی زبان زبانه دیرن قره طویراعه جان دره ان
 دیرن ای کونیز لری بیضا ایدن ای دیس لری کویا ایدن ای
 بر قطره نطقه به دست و پا دیرن وی هر دست دیایه بک عطا
 دیرن ای فقیر له نعمت دیرن وی درویش له همت دیرن ای تبر
 دلدی روشن ایدن ای دیانن کوه کلرک کلشن ایدن ای شیری
 غنقا ایدن ای بنده لری مولی ایدن ای شافی هر درد وی شوی
 هر فرد ای عطا باش خط پوش

ابیات

ای مقصد همت بلند آن مقصود دل نیاز مندان
 ای سر مکش بلند بینان دریا بکن درون نشینان

ای صانع جسم و خالق روح مرهم ده سینه های مجروح
نشر ای آفریده کارش جفت و چار غمصر ای بید آرنده
دوازده برج درج پر در ای مصور شباح وی نور ارواح ای روشن
کنند الطباق آسمان و زمین و می کشن کننده قلوب اولیا
و عارفین ای داننده ناله ابوبی ای شنونده نوحه یعقوب
ای کشنده ابواب مانی وی نماینده اسباب ثانی ای بخشند
اموال بی عوض وی همنده آمال بی عرض ای هست مطلق وای پناه
حق ای یان بی یاران وی روزی ده بی کاران ای آفریننده مهر
پناه و ماهی وی در گذارن جرم گناه تناهی وی بیدار کننده حق
و محو کننده باطل ای نصرت دهنده محقق و خوار کننده مبطل
ای دارای جهان ای دانای نهان ای دست گیر دازل و ابد ای بخش
عطا بای بی عده ای جهاندار و ملک بخشی ای فصل گستر و عدل
ای کشنده خدائن خود نقش پیوند کارگاه وجود
کوکب آرای آسمان بلند هم زمین ساز و هم فلک پیوند
خالق المخلوق باعث الاموات عالم الغیب سامع الاصوات
حی و قیوم و قادر و قادر اول اول آخدا آخدا
یادشاه قوی ملک حق منستی نقش فاعل مطلق
علم اندوز عالم ملکوت محل فروز طارم جبروت
مسترف مالکان ملک ملک مرشد ساکنان فلک فلک
شهادت کواه معرفت و حق لا شریک له صفات
ابتدا که سنک نهایت یوق انتها که سنک بدایت یوق

نقش بند وجود بوق غیرک مستحق سجود بوق غیرک
آفرینش قسم کشیدک در هرکه غیرکدر آفرینشک در
روزن دیده به ضیاسندن روضه سینه به صفاسندن
شاهد صبحه زیب و فرسندن خسرو شاه تاج زر سندن
ابر نود و زیه حباسندن سبزه یفتی قباسندن
کرچه بی جای دلی مکانک سن ساکن دلکشکسانک سن
قبله روح آستانک در دل مجسمه خندانک در
کارسارک کارسارک بوق دنیا ده کاروان رازک بوق
لی نوایم بکانوناسندن در مندم بکادواسندن
فرده کوهکله حیات سن ویرکل خسته جانانجات سن ویرکل
مستبم جسمه سار دین ایله میوه می میوه یقین ایله
مست جام شراب شوق ایله تبیل بوستان ذوق ایله
نثر ای خداوند عالم ای خالق جن و آدم ای آفریننده نهره
بر دین ای پیدا آورنده آسمان و زمین بر خالق الخلق سگ که کن
دیدک آدم صفتی اولدی بر مالک الملک سگ که کن دیدک
ایسین سقی اولدی بر جهاندار سگ که خزینه دار دن سغنی بر ملک
بخشک که تاج دنا را جدن غنی الهی سن اول وارث دیا قلیک
شول دمه که مدت مهلت عالم بسته اوره وادان خراب محوطه دنیا
یقین اوله عرصه زمین مالکان مجازی و میراث خوان عاریتی دل
عاری اوله واقایم ارضین ملوک کامکار و سلاطین جهاندار لردن
خالق فله مالک مملوکدن رعیت مملوکدن فارغ اولوب ملوک تاج و تخت

رعیت و قحط و سخت بیانه صاله امانت نوب الارض من علیها
 و این ترجوع حکیمه لمن الملك اليوم صداسی جهاتی طوئه دزبان
 و این خال ایله سداوا حد القهار جواب هر ذره ده ظاهرا اوله
 هر کوشه دن بر آوازه حکیمه قنی اول ملوک عالم و اول سلاطین بنی آدم
 اول صاحب قران جهاندر اول بادشاه دور اندر اول خسران آیین جملر
 اول کردگیشان کردون جملر قنی اول دولت و استظهار لری قنی
 اول مکت اقتدار لری قنی اول آیین شاه لری قنی اول ارکان و بادشاه لری
 قنی اول سرای سرور لری قنی اول مجلس جوهر لری قنی اول نصرت و نصوری
 قنی اول حقوق و صیو لری قنی اول کوکبه و جلال لری قنی اول ابھت و جلال لری
 قنی اول بطیخ و شربخانه لری قنی اول علم و طبخانه لری **ایات**
 قنی یغمبران مسیح و کلیم آدم و نوح و ابراهیم
 یونس و لوط و یوسف یعقوب صالح و هود و یوشع و ایوب
 یا قنی خواجه سراج کمل خاتم انبیا جبرائیل
 قان ابوبکر و عمر و عثمان یا علی شیر صفدر دوران
 بشر حافی و بابرید قنی شعیب و شیخ بوسعید قنی
 قان سنجین حضرت مولی کندیز کپندی قالدی صیت و صد
 قان ارسلو و جالوس حکیم یا فلاطون بحر علم قدیم
 قان کیکاوس جم و هوتک یا فریدون یا فرو فرھشت
 یا منوچهر و ایرج و دیوز خسر و کیتباد و اسکندر
 یا بهادر لر اچره سول بهمن کیو کو در س طوس هم بزم
 خمره پهلوان شیر جهان سام و هم زال و رستم و ستان

جده سناک مقری بر خاک کبیری خرم و کبیری غمناک
 نشر قنی دل قصر قصر که کنکره یوانی اوج کبوانه ایرمندی
 قنی سول ملک انوشردان که شوکت و عدل ابد جهانی طوتمندی
 قنی کوسل کیکاوس که طینی صداسی ملک کوشنی کز ایتندی
 و ططنه داوازه سی طراف عالمه ایرمندی قنی جبر دنیا نوکس
 ستم ستم ایرمندی و همای و فنی پیکش ایدی قنی شوکت بیجان
 عیده امر ایدردی تختنی بل کبر و ب عالمی کز ردی قنی حشمت
 دولق نین که مشرق و مغرب انده ایدی جمیع دنیا تحت یدنده ایدی
 قنی جم طامی قنی فریدون و ایامی قنی سداد و شوکتی قنی قارون و قونی
 قنی دار و دولتی قنی فرعون و عرنی قنی بنجه نصرک بجی قنی اردشیرک
 تختی قنی رستم رزمی قنی خسروک رزمی قنی افرسیابک لشکری
 قنی بو سهرک قالاغری نولدی ملوک عجم دانه کچن پلر نولدی هند
 اینده اولان پادشاهلر قنی خطا و حق اقلیمک خانری قنی مصر
 سهرسناک سلطانری قنی رومه والی اولان افاصره قنی جهان اکاسر
 قنی سول خلفاء اسلامیان قنی اول امرای عالمیان قنی ال عباس
 و شوکتدی قنی آل مروان و دولتری قنی جنکیز داوادی انک
 قنی بو بنجه ابنه و احفادی انک قنی آل سلجوق خانری قنی آل عثمان
 و خانلری قنی سلطان محمد و شوکتی قنی بو بنجه عزت و هبتی قنی قدرت
 و قونی قنی صولت و طوقی قنی سیاست و صلابتدی قنی جلالت
 و شجاعتدی

ابیات

قنی بیک درلو بدیری جهانده قنی فکر ایدکی آمال آنده

قنی آیین ملک ایجبره نظم می
 قنی سلطان غنی عالمده انک
 قنی اول حسن خلق و لطف طبعی
 قنی که تغل علم و کا به سلسل
 قنی که رزم و کا بهی رزم عالی
 قنی کتاب و لغاتش و کتاب بر
 قنی طوب و لغاتش و سهم ضری
 نزه به دار دی بونری نولد می تدنی
 فلکله شعبده بازی نیجه کون
 جهان ایسی همین فکر و فوند
 انکچون عاقله زندان اولو بو
 نه کورو ب میل اید عارف جهان
 نیچون عبرت التمه کجندن
 کن حال اید هر اولو سوبر
 جهان حالی همان اولیغویه بکوز
 اولیجک او یانیر بیلور نه نمش
 دوشیده کوره تعبیرین کو شیر
 چو عکسی کوینور اکثر دوشیل کجه
 جالسلف مخالف جمتی کجک
 کچر که ذوق و ذکر رحمت چو مطلق
 نیچون عاقل برار حکمی به رحمت
 قنی خلقة تو دینی انتظام می
 قنی حکم بنی اوده انک
 قنی اول هیبت و ترتیب وضعی
 قنی که درس و کا بهی یا دشت ملکی
 قنی که بحث و که جهات و جدلی
 قنی سازنده لر جهات و بر با بلر
 قنی سول دار و کیر و جهات و حرلی
 خیال ایدی مکر کلدی و کسندی
 بو جا درون برار کوسه دی اولون
 بوکا سکول و برن غایده دوند
 اگر چه جا بهله خوش رنگ خوشبو
 نیچون الدانه عاقل بوزمانه
 کیم اوله بیگ ایده غطی اولندن
 که با قوب عبرت الفل ای برادر
 کوکل ارتق و برن صیرویه بکوز
 کچن حالی همین برادر یقو امیش
 خیاله کوره تا دین بولیس
 بلا جاک بونده کیم خیر اوله صکره
 که بود و سکت اوله بغیر می کو کجک
 او یان نفس اولور غایده احق
 که ابد ملکند بوله عز و لغت

طونه لم بادشاه اوله جهان آكه سندی بوکه نسه زمانه
 دنیا بریره زن مجوزه درکه لباس عرايس دخترانده کویور
 و بر خراب آباد ویراندرکه منظر آباد آنده کویور انک دوق و صفا
 دقای یان و ابر نایبان کبی نایبیدار در و غصه و حفا سی اوراق
 استجار و اعدا و مال کبی بی شمار در کره کبی ملو غولین کنه یر و کبی کبی ملن
 ایدکن ایصبر بر کیمکه عهد ایدی که کنه بوز مدی و کیمکه عقد ایدی
 کنه بوز مدی کیمکه روز کارک راجنی بی کاد و صلاحنی بی فاد
 و صعودنی بی هبوط و وصولنی بی فوط و اوجنی بی حسیض نازل و رهند
 بی سم قاتل و صحنی بی جنک و جدال و دولتنی بی تفسیر و ذوال و ملو غنی
 بی قول و نزولنی بی نقول و سفرنی بی دبال و قد و منی بی ارتحال و فرحنی
 بی روح و بلا و سختنی بی محنت و استلا و بقا سنی بی فنا و غنا سنی
 بی عفا و نعمتی بی غم و لذتی بی الم و تربیتی بی زهد و لطفتنی
 بی فهد و غرمتنی بی مذلت و دولتی بی ذلت و تلافی بی نفاق
 و محبتنی بی نفاق کور میس اوله بورا و درکه عمارتنی خراب
 و اعلای نایاب و غرمتنی تحفیر و تعظیمای تصفیر و عرصه آفات
 و منزل بلیا در هر کیم کاسه جهان دن شراب حیاط ایددی عاقبت
 خمار حماق کورسه کرکدر و هر کیم باغ زمان دن کل راحت قودنی البته
 خار زحمتن بکسه کرکدر هر مارک و در ستم سیر مرک النذن بر غوندر
 و هر طاق دولت کلنکی زحمتن سرگوندر قعنی سر و بالای ای قباله در که
 قوت باد اجل بی مجال آتی و ناسیمدر و قعنی شکوفه باغ جمالدر که
 سطوات خزان مرک و بال آتی یرده و دورا مندر قعنی نقش و نقش نیاده

طوفان حدیثان فی رقی زما ندن میوب کید یا مشدر دفعی غرض
 کل عباد که غدار مه تابانی خار و خاشاک جهان فار یوب کیت مشدر دفعی
 آسمان صفا در که غلام حاد ثات کائنات غلبه ایله رنک در دوا سی کدورت
 و زوال بولاشدر دفعی صورت ماه سپا در که طربان موانع کنکافی سفلیله
 ردون و صنیاسی بغیر و استقلال بولاشدر دفعی جمال مردم دیده غندر که
 دیده مردم اول حسن درینک لطافتده جیران اکین ناکهان باد ف
 اسوب خاک بجیده خور ایتا مشدر دفعی قوت دولت جوان بختدر که
 پیر جوان اول صاحب دولکت رکابنده دوان اکین آخر شیر اجل میوب
 زور پنج بیلد ز ایتا مشدر دفعی مبارزه صفدر جهاندر که کت ده عنان
 د کشیده شمان ادوب پور رکن بسته عقی شصت دهر اولاشدر
 دفعی مرد میدان زماندر که سخت کمان دهر سیکان ادوب کر کن خسته
 زخم دست قهر اولاشدر نیجه طیفه لک عمامه دولتری داردی که بکول
 سر کون ادوب پویشنی آکله باغلا دیلر نیجه بادک پلک کر غزتری داردی
 ناکهان اسیر ادوب بلدیله بنجیر ایدیلر نیجه دلیر بها در لادور که کندی قلعجوبله
 کر دگرینه چکیور و نیجه عاقل بادک پلادور که تدبیر لیده کنه کد در صیور
 باغ جهان هیچ کل دولت در فاشدر که خار جفا و محنت اکا لازم اولیه
 و زبور زمان هیچ تهدعت صومع مشدر که زهر قهر و شفت اکا لازم
 اولیه دفعی یوسف دور اندر که زنجیری یان دامن چاک ایتا مشدر اوله
 دفعی سلیمان زماندر که بوجهان آلی طوبت هلاک ایتا مشدر اوله نیجه جرم کلدی
 انکث جامی اوتخدی و کچه دولت دیر لدی که مدتی دو کندی دار اپاک
 دیو مدارات دواز امله دوران طوعدی درای هضر رای در ایا نده جهان

ضبط ابدی دود بینک زهری اجل تیرینی صادی دمودی
 کلک عصبی مرکب از داسن با صدای شیت عله اولومی دفع ابدی
 ونوح عمر پله اجل منع ابدی مدی عصبی موت اجیا ایدرکن آخر اولسه کرک
 وموت اولسی سادده دخی بولسه کرک قغنی لاله جن ملا خدکه آخر بول
 بولدی قغنی آفتاب فلک صبا خدکه عاقبت افول بولدی قغنی
 شهر بایک بختیدرکه دنیا هواسک با سنده بکرکن بی رخت و بخت
 فالدی قغنی تا جدار صاحب تختدرکه جهان سرانک سرینه آلدنمکن
 بیاج دخت فالدی قغنی بین دولت شاهاندرکه مندرسل اولوب بختیدر
 قغنی آیت مصحف خوابدرکه منسوح اولوب بختیدر قبه سموات بولصدکه
 آخر منسحق اولوب بقیه کرک وروی زمین بوطاوت عاقبت خراب
 اولوب بولسه کرک طالع که کور رسک طالع که کرک صول که کور رسک
 صول که کرک یلیدر بر پرده دوشه کرک دیرد کوک بپرینه قارشه کرک
 هرکارگاه که کور رسک بی کار دوبار فالسه کرک وهر جماعت که کور رسک
 نار ومار اولسه کرک خلعت زندگانی آدمی خوش دیبای زیبا بیدی که
 اگر دست روزگار جفا رسیدی و نهال عمر کرانی خوش نامت غنا بیدی اگر تداود
 کردی دوار تو بار رسیدی نیچو طفل نازید هنوز غنچه کل عذری اچلاش و لب
 مشکباری چولا مش قاشری یایی قولا مش غمره لادتی اتمش ناکاه قهر نان
 فنان اول نارسیده لری خاکه یکسان ایدر نیمه محبوب کز جهر جان فرا
 وقد دلار لری کوکل کلارینه بخت و جهان بخت زینت ویرسکن برکون قینه
 دور زمان اول سر دبوکرت قدرینی وادل کل یوز لورکرت خدرینی لورق
 آلتده نهان ابر نیجه هلال درفشان اولورکه هنوز بدر ابدلن خوش

و بنجه آفتاب تابان اولور که انقدن قانعدن کسوف بولور جهان باغنده
 بنجه نهاله اولور که یستدن کنه فورور و در کار چمندنه آنچه ریخاند
 اولور که آچلدن پولونور بنجه غرافه جلری اولور که یستوب متمرکن زخم جشم
 زمانه غدار ایریستوب نگاه باد فناء حوادث یقوب و دستور و بنجه زندگانی
 و دصلری اولور که کوکلی زمینه ستمکن لایب روزگار مکار یقوب
 برکون صرصر مصائب یه آقدور جهان باغبانی بویکه کلمس دیکوب تو بار
 و زمان دهقانی بویه عادت انمیش اگد یکن کتور **بیت**
 نه خوش ایدی بودهرک بوستانی کراولمبیدی اسبب زمانی
نثر بنجه دلبران ایام و سیران آجام کلمت در یکم آهنگ بلیک توری
 چمندنه شیر جی بنجه دعوی بیه زبان ایدر لدی آخر ساغ افلاک
 بر فاج و دینه دیکوب مست بیوش اولور بکشمی کوکه اکنین زمین اوزنه
 مفروض اولور همین وجود لردن زمانده بر فقه و یاد و زبانه بر فقه آد
 قالدی سیمان مرسل که دیو و پری فرما سنه ایدی و خوش و طوره عد
 و پیمانله ایدی و پوان سنک سر لک کسان مطیع جا هی ایدی پزان
 مایه لکر کوکب موکب سباهی ایدی مرکب جواد با و حفته زن کران
 عاد لغت بند دیبای ربیع جبرکشی صور بدیع فرانس خیمه سحاب
 نقاش صیفه آب جلوه دهند طاه و سبایغ بر سکنه ناموس جرایغ
 بولی بر کله عطی رطلعه کاروان سار سابق ناجران خشن عاشق
 دختران چمن یعنی نسیم روان بی روان صفا بخش جان انس و جان
 تحت تصرف و ارادت سنه و دست قوه و قدر تنه ایدی و یکسه
 مرکب باد و زینه زمین مکنین اوروب آهسته اطرافنی سیران ایدر لدی

تجوی با جره رخا و حیات اصحاب و ایستاده بر ساعتی بیل سوار ادوب
 بدنی صلی جولان ایدر دیکه و سلیمان الریح صفة فی کلمه منشور تصرف
 کسوی خاک کف کفاینده ایدی و نام نسیادت کرباد قصه ایالت
 و عایتند ایدی صنف صنف لیاور صف صف قنادلین اوجوب تحت
 بخت کت و سر بر سر و بخت اوسته سیان سعادت با غلار لر ایدی
 آخر اجل مصافحت صفت بر خطه طور میوب آلت و سبابی و عنوان
 بر اقوب بنهان اولدی عربان و تنها زیر زمین ایچنده نهان اولدی
 دنیا حالی بویک کلمه کلن کیدر و اجل آرد و هاسی بویه اولر قار تو سنده
 بولدیغن یودار زخمه تر یاک ایه اصلاح اولر و زخمه علاج ایه صلاح اولر
 دنیا سیرانه غور لمعان سرابه آلدانمغه بکوز و بصورت آلاسته النقات
 نفس ایه اینانمغه بکوز جهان رنگه کوکل ویرن کوکل رنگن آیه مر
 و دنیا بویه میل ایدین جان قوتسین طویخر بو مجلس در که ساقی زوکار
 اللذن زهر و نوش بر جاعدن سو بوز و بوز بر نمر لدر که اضلال و هایت
 ایچون دیو و سر و ش بر مفادن کو بکوز طلعت تابع نوزور و غصه نالی
 سرور و صحت خوش نعمت ایدی اگر دهر دون منفص ایتمیدی بکلیک
 خوب زینت ایدی اگر بیرک کلوب بوز میدی وصلت یار خوش صفا
 ایدی اگر فرقتی اولمیدی عشق مجازی دخی خوش لذت ایدی
 اگر دائم طوره ایدی اما هر دنیا و صلتک فراقی دار و هر جهات فراقی دار
 نه مقدار اولسه کرافت آرد نه آخر اولور فرقت آرد
 زماندر عاشق معشوق اولور و درمی بر برندن آبر میور سر
 چوسن فانی و محبوب اوله فانی نه دکلور اوله اول عشقک زمانی

کوکل بر کیم به و بر کیم طوره اول
 مجازی عشقی جو کیم سن طایر سک
 بونی فکر ایله کیم نولور بولدت
 خصوصاً کیم همیت دایم اوله
 نه کوردک کیم کوکل ویردک چنا
 جالین کیم آخرت ایچون زایلک
 وکات ربط ایکل حق حضرتنه
 اوله کیم بوله سک آخر سعادت
 اگر سعید له شمعینک حالنی ویکلیسک
 فرض ایله کیم بر باد شه عاقل و جهادار کامل واردمی که اکاروج
 القدس دیرلردی ایکی اعلیٰ کوندر دمی وارده لر غریبه تحصیل معارف
 لطیفه وکیل فضائل شریفه و جمع خلاق سینه و اجاز ادب زکیه
 ایدرله دیده لطیفه خوا و بدنی مرکب برنا فکری انابت کرم و عفتی
 وزیر معظم جوارحی خدم و قوایی ششم فی جایش کیمبر معده بی طبیح
 بی نظیر حکیمی خون ساله لطیف و نفعی فراش شریف فاشی
 کان کیوسنی چوکان هر مره سنی بر تیرنه و هر یکنی بر لوب
 دانه چیمینی جلاد غریز و غمره سنی خنجر تیز لعلنی مدام و لعلنی
 دلم دیردی کوهر و چارسه سنی بر جوهه دماغی خزانه مستحکم
 و مزاجی کیم حکم طبیعت خازن ملکن و توسنی خدام امین حافظه
 بر غلام خزانه دار و خیالی بر جاسوس بی قرار مصوره بی نقاش صور
 محسوسات و معکزه بی معاریبانی معقولات ایدوب بوجمله اتباعی

و اسبابی بیدارینه نوشت و در الملک قدس و الفنا و الله
 کوند دی بنزدی بود یاره کلید بر قاج کون کوزی بغلو طور دیر
 کور دیگر که بر ملک دلار و شهر جان فرا روضه بهشت کبی صورت کشت
 و هر دو اسباب لدی همیا همین بری بوکه میل ایدی و بو ملکه کوکل
 و یردی لذاته آلداندی و غورینه طاباندی آنا سنک دیارین اوندی
 و قوم و قبیل اچیدن حیقتی عقل نصیحت ایدی اسلمدی و کفر سولیکه
 دیکله مدی آنزدی بکلری اوغلی ایدی نیلیونر و شهر ده لری ایدی نیجه نیونر
 چار و ناچار بونک پانجه یلدر و دیکله دیکله اویلر کاه کاه بعضی بی
 منع ایدیر الدیدن کلکجه دفع ایدیر و اول بری دنیا به یا قادی و جهان نشنه
 آقادی نیون کلکسه آلی کورک آردجه و مصلحتی نه قیرق آردجه اولدی
 آتاسی جینی اچیدن کسمدی و اول دیاری اوندی دنیا خرقانه آلدی
 ولت غورینه طباکدی فنان کلایوب کوکل و یردی و حقیقتن
 بلوب التفات ایدی آخر آتار رسول ملک الموت و الحی می فوت بر لبین الایح
 و قاصد مفرق الاسباح مکتوب موب حسرت و نامه مادم اللات کتوب
 یکسی وخی البه آتارینه کیدر اولدیر و بو جهان دن اول جهان سفر ایدر اولدیر
 اول بری که تحصیل کمال ایدی و آتاسی دیکین ایش ایدی معرفت آنه
 سوار اولوب تقوای حق زاده و اعمال حسنی همراه ایدوب ایمان
 سمعی نیجه و هدایت بدرقه سی اکیجه جمیع خدم مشقه مسرورشان و دهرم
 و خرامان آتاسی ولایت و قوم و قبیل اچنه واروب آنزدی بونی معارف
 یقینیه ایلعلی و داب دینیه هرکی بلوب شهرستان روحانیان و دیار
 قدوس پانده افراد عیان و جمله متبراندن ایدوب آراکنده رالیه انبان

برکت‌نمده زار اید که نضری بی تغییر و زوال و بهاری بی تبدل و انتقال
 و دایمی دایم و صفای بر دوام نوری بی نار و غمری بی خارش هاری
 بی هیبت عجب است هدری بی زحمت رقب ادور و اول بری که بوند
 لذت غرق و سهواست مستغرق کاش نه زینب کد انش و سهای غوره انش
 آخر کیتی ایچی کور که بود کردی خلق بونده قاور و بو مالوف و دلیغی چنگ
 آریور اول اسباب و مال که بغیرندی و اول سر طر و اول که بایندی اول
 دست که با نیغی سک و لیور دی و اول تولک که او کج یو کور لیور دی اول
 ابناء و بنان که آنرک ایچون جلیسور دی و اول اهل و جماعت که مصلحت
 و لیسور دی جمله سی بونده قاور بویا کور یوله کیر اتاسدن بیکه کلن کور
 دخی طایفه لور بر آتاکت قیقه نه یوله و اریور و اریور یس کندی قاور
 یاکو بر قار انقظه یورس نه زادار نه مرکب نه کلنج و نه مصاحب
 نه شمع و ارکه یولن کوره نه قولا و ارکه یول کور ستره کاه برده برده
 حیق کاه بر با نیغ با تار قالمقاز نه بر کیمه و ارکه الی ال نه بر یوله اش
 و ارکه قالدیره کایمیلانره او غرار کاه جیملانره کاه قورنره او غرار
 کاه ارسلانره اول اول یکا دن حکم یار لار بو بریکا دن صوفایار لار
 هر لحظه ساقی نهدن عذاب کاسنی طولو طولو ایچیر و هر ساعت
 ندامت ایله حسرت خاکنی باشنه صاجار نه یوزی و ارکه آتاسی یوزن کور
 نه یول بیور که همد باری و رای بیله همین شویله وادی جمالنده داله و حیران
 قاور و بودی صلا لسته عاجز و سرگردان اولور الهی سن صافه یول
 الهی سن خلاص یله بوابتلا دن الهی سربیش منکده سندر الهی حبه
 خضر منکده یک سندر هزاران هم نمی او کمره هدایت غیاثت کوشندن

بر ذره و کل دیو بیک بنم صیگرم آرمشده دلت رحمت دکنن زلفه
 و کل ایکی جهانم مقابلیدی او گلده دنیا و آخرت کلیدی ایلیکده دیله د
 دنیا و بر سرک دیله دک آخرت دیر سرک کیسندن ده و بر سرک دولت
 دیر سرک بر کدایی عالمه ایدر سرک و بسته سرک بر بادشاهی حاکم
 راه ایدر سرک هر دولت و اقبا لی و برکات الکن و هر نعمت ز دالی
 ینه دیله گلده الهی پادشاهی سکا یا سوره که جهان پادشاهی یعنی کیم دیر
 و بر سرک و کیمدن دیر سرک آیدر سرک کاه فرعون یعنی سرور سر بر ملک
 مصر ایدوب موسی کلیم کلیمه احزان غریبه مبتلا ایدر سرک و کاه پی نه اول
 ملعونی قهرک دکننه غرق ایدوب موسی بی ملکته پادشاهی ایدر سرک کاه
 یوسف صدیقی حسرت چاهنه و ملا زندانه گرفت ایدر سرک و کاکنه چقارده
 مصر تحت مده عزیز و تاملار ایدر سرک الهی سن اول مالک الملک ازل
 و ایدر سرک که قل اللهم مالک الملک هر کیمه دیر سرک تحت ملکتنی و بر سرک که
 توفی الملک من قات و هر کیدین دیله سرک تاج و دولتی ایدر سرک که
 و تنوع الملک من قات و هر لیمی بسته سرک درجات غریبه بسته بر سرک که
 و نفع من قات و هر کیمی دیله سرک درکات مدینه براغور سرک که و بدل
 من قات و مفتاح خیر و سعادت قبضه اختیار و بین ارا دکنده در که
 بیک انجیر و نواهی کائنات تحت قدر کیمه مقهور و سلاسل تصرفاتکن
 ماسور در که انک علی کل شیء قدیر نور ظلمت مسخر آثار قدرت حکیمانه
 رد می روز هندی شب بنده در کاه غرمتدر که توبل الیل فی النهار
 و توبل النهار فی الیل کاه اولور که بر جم علم سبب و بجوری بر پیش فرعون
 کبی جواهر زواهر کو اکیله مرصع و زیبا ایدر سرک و کاه اولور که

عود و سمن صبح صبحی بین موسی کبی نور خورشید تابان ایله ییضا
 ایدرسک کاه اولور که سواد روی سب نخوستنی بیاض روز ملک دوله
 فرعون دار ملک دستولی ایدرسک دکاه اولور که بیاض جهره روز
 سعادت سواد سب بلا محنت اوزینه موسی صفت غالب دستعلی ایدرسک
 کاه اولور که برکافر میت بدن آرزو و عید اسه کبی بر حی ظلم جبار و
 ایکی جهانده جیب و خلیل ایدرسک دکاه اولور که بر حی و عالمات
 صبدن نوح نجی اسه کبی برکافر میت کیتوب دو عالمده خوار و دلیل
 ایدرسک که و تخریج ایکی من المیت و تخریج المیت من ایکی استسک
 کیمپنه نغمت و یوب رزقی بیشار ایدرسک و دیکه سب بر نانه
 محتاج ایدوب قبول کرده زار ایدرسک که و یزق من یث بغیر حساب
 الهی سن اول یادش هسک که جمیع ممل روم و چین و جمله طوائف
 هند و سین و سایر سکان عرصه زمین اختلاف طبقات و تبین
 و جاتریه مذاهب متجانفه الفروع و الاصول و طرائق متباعدة الایات
 و الفضول و زربنه ایکن جمله سی بواره مطبق جمعیسی نویند متفق لرد کیم
 یادت یل یادت هی سسک که س حلقه بدایت یوق و سلسله
 سلسله سسک که سلسله نهایت یوق جمیع صناید عرب و عجم
 و ملوک ترک و یلم و امراء و مغاربه و عظمای صفایه عنوان نامه و
 سسک نام شریف که هر یکین ایدر و طغرای فرمان عزیزی سسک
 اسم کرمیکه تنفید و تکین ایدر و هر بری و ملوک و ملجی سنی ذکر دیاد ایدر
 و هر بری بر آله سکا جا غروب فریاد ایدر و کیمی نگری دیر کیمی خدا
 کیمی اند دیو ایدر و اهر دله مقصود سسک و هر موده معبود سسک

هر بادشاه مجازی که جهان کلدی و هر سلطان عاریتی که بوملکه قدم
 با صدی دولتی کند و ایند بهیله کسدی و سلطنتی و جو دیو محمولدی اگر صلح
 تواریخ و اسعار و لطائف و دوا و این اسعار و کسب سه ایزک آثار و کارند
 جایدور و کار و صفیات بیل و هزار اوزینه برتر لری قالمادی سن
 اول مالک ملک آسمان و زمین سبک که ملکات بخوبی و اقبال دن
 منزه و مبرادر و سن اول پادشاه فوی و زمین سبک که سلطنت بیل
 و زوالدن مقدس و جزادر سن اول سلطان قادر و عفت سبک که گاه اولو که
 عرصه عالمی بر طائفه دن خالی یدر سبک که و کم نقصان من قربت کانت طایفه
 و کاهیکه اول عرصه بی بر جاعتله مالی یدر سبک که دانست نابعدا تو ماخرین
 وقت اولو که دولت و اقبال و ثروت و مالی بر بولودن الیر سبک که کم ترکوا
 من جنات و چون و زروع و مقام کریم و نعمه کانا و اینها فاکسین بنه هزار درونم
 و انواع خدمت و ششم بر بولودن دخی و بر سبک که کذ نک و اوزینا تو ماخرین
 کاه اولو که بر طائفه بی سردان عالم و مالکان قایب بنی آدم ایدوب هر کسی
 آنزک عظمتند و حیران و تحت حکومتند و سرکردان قبضه قدرند و مقهور
 و اقتیاد امرند و مجبور خدمت عالیبدند و قائم رکاب همایونند و عازم ایمن
 ناکاه تذبذبا و مصر و حاکم اسوب اول سرداری خاکیکه بیکان رخسارین
 تاراج و تالان اولو لفرین و لته و تحین غزترین عدلته تبدیل و دستگیرین لته
 مها بیلترین مهانه بنفستین نفقه مختلین محنت تر و ترین رثا شته ندو ترین
 ندانته مالیرین ملالته سعادترین سفادته مبدل ایدوب محکومترین حاکم
 محکومترین مالک ماعورترین آخر ضعیفترین قادر خادترین مخدوم و مکرم
 بنده لیرین امیرمخیم ایوب قاریو لیرینه اولو آنزک قاریو سوسنه اولو و دوب الیرین

او بندهک الوبن اویدیر سسک ماکات الملک سسک که مملکت روال
 یوق بادشاه مطلق سسک که بادشاه بعد انتقال یوق حاکم سسک که
 جیح عالم مطیع فرمانک سلطان سسک که یکی جهان بنده احسانک
 بیوروق سکا یار شور که هر نه بستهک ایدر سسک بکاک سکا یاقینور که
 کیمی دیر سسک بک ایدر سسک لطف و جمال سسک که بر کشته اید عالمی نازده باره
 خندان ایدر سسک قهر و جلال سسک که بر غمزه اید جهان باغی تر حرد خزان
 ایدر سسک آیین شاهی سکا یار شور که خوشبختیغ زن رزمک مدائنک
 کم دلاور بدر ارکان بادشاهی سکا یاقینور که زهره طرب زن بزمک و غلبه
 ادنا خنیا کردید ویرمک سسک ویرمک کبی کوک که کیمه دیوسه ک
 بنوت وینت ویر سسک بخش سسک بخش کبی کوک که تواننده
 کرنے ولایت و کرامت غنیمت سسک تحت و سیر سکا یاقینور که طبقات سماوات
 و زمین عسک نزد بانک بر پایه سیدر مال و خزانه سکا یار شور که
 جودک خزان سسک بر جوهری یکی جهان خلقک سرمایه سیدر
 الهی سن اول حکیمک که مهندس حکمت برده و کوکده هر نه تبدیل تغییر
 ایدر سسک تدبیر که الهی سن اول مصورک که نقاش طبیعت عالم صورت
 هر نه تحریر و تصویر ایدر سسک تقدیر که بر قاهر سسک که اول برده که قهرک
 لاتا منوا اوقه جمیع دلالتیر و خوان اولور لطیف سسک که اول منزله
 لطفک لائق نظر دیه جمیع یونفسم و خوان اولور سول دمک و جمینک
 نسیمی ایدر خاک استی کلزار پاک اولور سول وقت که سطونک
 صرمی ایدر کلزار یکی تیره خاک اولور بر جبار سسک که قهرک الهی کیم
 ایدر قادر کن بس ایدر بر جمینک که لطفک ملی کیمه عالمی کیم قوی

لطیفه عطا کد دوستدینی کرچه غننده سیه دخی صدف در رحمن ایدر
 اعجوبه قصاک دشمنی کرچه غننده سیه دخی هدف تیر لغت ایدر
 بر جلیل سگ که جلاک تجلیسی هیتدن عالاک هر زاویه سندن
 نیجه بیک جانر و اخناه آهنی سن زل فکله ایرکور لر بر جلیل سگ که
 جلاک میده سی حلا و سندن جهانک هر کوشه سندن و اسواقه سندن
 مجامع مکلان کچیر لر هر دمه هزار هزار ویدی لطف و جلاک لدی
 مقام وصاله ایرکور مشکن کنه اول و مد سلطان جلاک اولانجه
 ستریه سنی نمارن و تاج ایدر وهر ساعت هیت جلاک جملگی
 هرسم و مجروح آیتکن کنه راحت جلاک هرهمی علاج ایدر الهی جلاک
 صفقی بی نیازیت الهی جلاک آیتی کار سزاق کلیمک خویش بمعنی
 بی نیاز لکلون سگ صفت و نابکار ایدک بهایم انجسی کلکی کار لکلون
 شیر مردانه یار غار ایدک ایسی بونجه سرمای طاعت مفلس و مطر و ایدک
 آدمی بی سرمای عمل راجح مسعود ایدک کاه نیجه بی دولت و دولت و ایدک
 کاه نیجه صاحب دولت ویر سگ کاه نیجه کسی کس ایدر سگ
 کاه نیجه کسی کس ایدر سگ کاه برینی نانه محتاج ایدر سگ و کاه برینی
 صاحب تخت و تاج ایدر سگ برینی فقیر و زار ایدر سگ و برینی غنی
 و مالدار ایدر سگ کاه بر سرده سر حکیر سگ بوستانده کاه بر سرده
 سر کنون ایدر سگ کورستانده کاه صحن چمنی کل دلاله ایدر نومهار ایدر سگ
 کاه لباس کفنی خون دیده ایدر لاله زار ایدر سگ کاه ترکسخت خشمی بینا
 ایدر سگ کاه ترکس کوز لوری نابینا ایدر سگ کاه بردن بنفشه لر
 آچار سگ کاه بنفشه خطری یره صاجار سگ کاه صحرانده نادر لری

مسک از فراید رسک کاه کنه مسکین نافه لری خاک اغبراید رسک
 کاه قره طاشری لعل یاک اید رسک کاه لعل یلدی تیره خاک اید رسک
 کاه بر قوشک مسکنی مرغ زار اید رسک کاه کنه دامه دوسوروب اول
 مرغی زار اید رسک کاه بر لب خوش نفس اید رسک کاه کنه آبی کرخار
 نفس اید رسک کاه بر طوطی بی فصیح کلام اید رسک کنه اول کلامی کاه
 دام اید رسک کاه غزالک خوننی مسک اید رسک کاه در بین جیقاروب
 مسک اید رسک کاه بر حیوانه بر خاصه ویر رسک کنه اول خاصه دن هزار
 غصه ویر رسک کاه اولدر لر در پس یون کاه طوتار لر بال ویری یون
 کاه ویر لر تحمیحون کاه بوغاز لار تحمیحون کاه بشن کسر لر غنچه
 ویشی یون کاه قارن یار لر یخنده کی طلیحون کاه صید اید لر هضر
 یون کاه حبس اید لر حسن وریو یون جهانک نظامی لوتک اوزینه
 کلمش و بوکار کاکت استقامی بویه ایلش کیم جوق اوور کیشی به کمال
 ویر رسک کنه اول کال دن اکا دبال ویر رسک نقصانی تاهه بی رو شمشک
 زخمی راحه بستر و نیشکدر هاست دی به برغم تور رسک و هر غمه برغم
 تور رسک هفت اخری بدی جراق اید رسک کنه برینک نوید برین
 احواق اید رسک الی سن اول عزت تقفنده بی نیاز و رحمت
 نسیمه دلوار رسک کاه بر سقه میانه یخنده آه اید و بر معصیتی
 طاعنه دگر رسک کاه بر اهدی مغرور آه اید و بر عبادتی معصیت
 یکبر رسک کاه آبی ظلمته یکن نوره جیفار رسک کاه بونی نوردن
 ظلمته بیر قیر رسک کاه اولور که بر توکی دنیا ده شاه و آخرت ملکند
 بادش اید رسک کاه اولور که برین بواوده دیل و مردود و اول

۵۷
اوده دخی محروم و مطرد و ایدرسک کاه اولور که یوکده عاشق
اولان مردانه لری و محبکده صادق اولان فرزانه لری آخر عشق
بیایانده حیران و گریان و هجرت بویانده واله و عطفان جانن
آلوب قومده معده لریدن کفنلر و قورتلر سکرندن کورستان ایدرک
سول جاکله ناظر اولان چشمده طعمه زانغان و شول دها که محرم اولان
دلری لقمه شیران ایدرسک الهی محبت بده تر و تازه اولان لک پلرینه
بلا بی اندازده اولور عشقه خرم اولان لک کوکلری یغم اولور مهر و محبت
بولنده سیره اولان لک ریخ و محبتی بیشتر اولور **بیت**

هجرتکده جهان لذتی هیچ ایسه نغمه کیم لذت که غمکد بجه بنم و اکیک و ار
نثر الهی دنیا عاشقانه نصیبی عوت و سوره سکا شتاق
اولان لک حصه سی محبت و شور در سندن فارغ اولان لک ایستی ذوق و غم
ساز یغم اولده سکا طالب اولان لک دخی ریخ و لم و جفا و غمدر
دنیا یونره نعمت کرکه مولی یونره محبت کرک درت یوزیل فرعون جفا
کور مدی آخر جان جسته یردی طوغد یغی کوندن موسی بلا جکدی سکره
دولت آکا یوز لوتدی نعمت دنیا جست و جوی ایدوب کرز قنده
برغنی مالدار و امیر تاج دار و ارسه آکا دایر محبت و بلا شت و یوی ایدوب
یتر نره ده بر افتاده و عهدیده ستم رسیده اولور سه آتی بولور حق
کوپنه قدم باصان اول عافیتدن کوز یوموب سلامتدن ال یومنی کرک
دوست و صالین بولم دین دکک صدف نیر بلا و تنن سپر تیغ جفا
ایتمک کرک استانس بلا و الانبیا و ثم الادلب و ثم الانسل
فانسل هرگاه که لک محبت طبعه سی دل جاسوسک پلر شندن

بهر بوب بلیسته و هر وقت که سلطان عشق یا دوسری کوکل شهر ند
هر بندن جیغریسته بر طرفدن عسقی کوره سکت که بردار اولوب صلیش
و بر طرفدن غنیمتی کوره سکت که جابججه کرلش سلمانی کورسکت که
خانان ترک آتیش کیدر تقوایی کورسکت که تاراج آتیش قاچار

زهدی سیرایدوب باغداش سکت دنامی بیام و تنان ایش
صبر ادر یوب بیک یاره ایش نکر توغولوب یاره ایش راحت سیرایی
بیفتیش حضور کوشکی بافتیش سه و چار طریقتش عشرت خمی آتیش
صفا صفه سی بولش عت قبه سی سفلیش ان الملک و انضوا قریه افند
و جسدوا اغه اهلها اوله و کونکث یفعلون الهی هر کیم که جهان باغنه
کوکل دیردی اول آرق کوکلنی بوطر و هر کیم دنیا خوانه حرلی اولدی
آرق یوب و دیماز جهان کلزار بر باغ صورت نمودر و دینو اول کیم اکا
الدنیه و دنیا نعمت بر خوان زهر آلودر که عاقل اول اکا ال صونیه **بیات**

جهان بکشد بر جیمشد	ایچی طولو سمنده یا سمنده
ادوریش کلین سداستاده	جهن صحنده و جیجکلر فاده
النده ساغر زین لاله	ایجر کل عشقنه طور فریاله
دانی غنجه ناک ایدر تبسم	ایدربیل اکا قارشی تر نغم
دینده سوسکت ذکر کی خدا	دقی آذن دم باد صبا ناک
آتیش باغ و میسده شمش	آغا جلهرب کماله آتیش
نیم نوبهار و نکت کل	نواهی قسری کل ناک بیل
دیش باغ ایچنه خلق عالم	طور دور هر کوشه ده یوزد لوم
کیمی بیل کی طومش عم کل	کیمی سوریده کیسوی سنبیل

فدا و کیمینی رنگت لاله کر بان
 کیمی طوطی سو کیمینی قوسری
 کیمینه خوش کلور صوفی نذر کون
 کیمینه خوش کلور آواز بیل
 کیمی ابرو و اینتر کیمینی به
 کیمی شفت لو در کیمینی قیسی
 کیمی خوصه باقار کیم صغه
 کیمی مغول حسن باغبان
 کورینه اکا حسنی سبره زک
 و با خود بر دیش خوان شاهی
 صوف اطعمه آند ه فوئش
 اولور اصناف مردم آند ه حاضر
 کیمی دانه دیک کیمینی زرده
 کیمینک کوکل ایتر طاعتی طوا
 کیمی یحیی دیک کیمینی بریان
 کیمینک در کوزنده حسن شاه
 دیر کوکلن بونک فکینه کلی
 و یا بر شهر دیکم بر بضا عت
 طولو دورور دکا کین ضایع
 کیمی صرافه داریر جوهر آتور
 کیمی مرجانه جانیه خریده

کیمین ریحان ایدر بویله چهران
 هوا ایلد کچر هر دمه غسری
 کیمینه سول قد رعنا سی سر دک
 کیم اچر باغ اچیده عشقنه مل
 کیمینه سبب اکیبندن دخی به
 کیمینه اینجبره و اوزوم قیسی
 اکا باقار که آخر کیره سینه
 کوکل دیر میز بو باغ و بوستان
 طولو کوکلنده نقشی اول کارک
 دو شمشیر میان ماه و ماهی
 مرتب هر طعام آند ه دیش
 دلی هر برینک بر نوع ناظر
 کیمی جورک دیک کیمینی کردو
 کیمی آتش ایچون ایلر در لوسود
 کیمی دیر بکا بیند لقمه نان
 بو ترتیب و بو وضع پادشاهی
 اول اینجبره بر طعام هیچ میلی
 بولور آند ه هر در لوصاعت
 متاع چار بازار طبایع
 کیمی عطاره داریر سکر آتور
 کیمی در ایچون ایدر دور بازار

کیمین کو کلن مفرح اولوی قوت
 کیمی دیب حربا یستر لباسی
 کیمیدر شتری کیمی با یع
 کیمی دایم دور دکان ایخند
 کیمی اوتور کوز طویض مدرس
 کیمینک مبسی دایم خانقاه
 جالار آلتس النه کیمینسی جنک
 کیمینکدر ربابیله دلی خوش
 کیمینکدر دلنده اسب تازی
 کیمی نور سکت سور شطرنجی جان
 کیمی مسریم دیو ایدر حکومت
 کیمی صانیر که شاه اولدی
 کیمی صانیر که عالم عام اول
 کیمی خیبر لیش دیو کیر قصایه
 کیمی ایلر علم خدمت دیو تدیس
 کیمی فتوی دیروب صانیر کمال اول
 کیمی طور ماز اولور والی قاف
 کیمی عاشق درر با قسک مجازی
 خراباته دوستوب هر دم اسیر
 کیمی عاشق درر نور خدایه
 بد ملک مالکته جان عاشق

کیمینک جان نقیله بولور قوت
 کیمی اسکچدن آتور بلا سی
 کیمیدر نپ ایشله عمری ضایع
 کیمیدر کچ ویش ویران ایخند
 کیمی دا غط اولوب قیلار محال
 کیمینک غنت و اموال و جا به
 قلکده زهد و قیلور اکا آهنگ
 کیمینده نغمه عود دله آتش
 کیمینک لحو اولش مرغ باری
 که مایع فکر ایدوب اوصاف اندک
 کیمی غاصی اولوب ایلر خصومت
 السده در آنک دور زمانه
 کیمی صانیر که خفته خوش نام اول
 آلی بیلمر که اول اوغراق قضایه
 آلی بیلمر مالی مکر و تمبیس
 آلی بیلمر که بو بینده دبال اول
 کوزر ارقه سنه برکه قاف
 عبت بیره جگر زار و نیاز می
 ایکی عالمده قیلار کند و لیست
 یوق آنک مبسی یو کجه دوسرایه
 دم اورر مهر ایلده هر صبح صادق

رضی دولت اکیم شاه جهان اول
 قارنمزد اول طور وب دنیا پشته
 دد عالمده قمو جانمره جان اول
 کوکل ویرمزد آنک آلا پشته

جهانک بو قدر جوکم سبانی
 نه خوشدر حالی سول محمد عشق
 لیاغیت بورقعه شطرنجی ای دل
 تنهای حیات ایتمه سن ای جان
 دیرسه کیم قبله سن خرج منزل
 صافن ای جان که نو مید اولم آید
 دیرسه ک و جهان حقیقه کوکل
 کتورسانی می آب حیاتی
 جویه صاباز وجود کاشانی
 که وار هر خانه ده تویسن مانی
 حیات آکله حقیقت سن مانی
 اریست وار سن بو اخلاق و صفا
 قومه ای دل سن امید بخاتی
 دُرُش آردیکه آت سن بو جهانی

ولا عشقه نت زایت ملک جانی
 حراب عشق اولان آبا داوور اول
 دیرسه ک سن صفای باب دیرسه ک
 یوری سن بو شمعند کدر قیل
 سنک آپ قدر از امکا هک
 او پرده بی نوایه بولور کار
 او پرده درد آوب دغان دیرله
 ایستیلر او پرده کتخدالن
 بوکشی ده که نام زندگانی
 سکا دوشمرکه اید سنک اسنه خاب
 صدای عشق اید طولدر جهانی
 غلام عشق اولان آزاد اولور
 دیرسه ک نام سن بی نام دیرسه ک
 سنک برک دکل بودار سفر قیل
 او پرده در سنک آب و کیمک
 او کسورده کداییل پورر یار
 او پرده جان آوب جانان دیرله
 جویه صاباز لاله آندره یاد مین
 سکا همیشه اولو پدر بادبان
 که ناکه کشیکی غرق اید کرداب

جهان است و بسی غمناک کند
 جهان ایستی همین نیرنگ سازلق
 بوی بستانده نه کیم دار کس کل
 نظر قبضه کس حقیقت کوزینه سن
 که خد خوب جویشم دستا نذر
 اگر که خسرو همیشه نامک
 جو دفت کوچ اوله اکا کت اولر
 بوال ملک و فرزند و زر و زور
 کیدر یس کب سی قالمز نیکده
 عمل اولور سنک پولاسک آنده
 جهانی ترک ایده کو عاقل ایست
 اسیر ایش دکی دار پاپت
 الک صومعه مکر بیانه عشق
 قولاق اورمه مکر اف نه عشق

نیر الهی فرشتک اسبابی کوه کوه اولوب هر دم کلور بونی برکه
 ز دلی کتبی یوق الهی و شکست موجب لری کاه کاه تورور کاه کاه
 اربو آنک دخی قزای دورسی یوق الهی و شکست بیست شرط کو کرد
 فرشتک شرطی یوق بر ساعت کو کل صحنی ایتمه هزار رحمت خار
 کرک بر خط دوست یوزینه با فتنه قیبر آغای آتنده خوار کرک
 الهی محبت بر بوستان اولدر ریاحین خوف درجا اید آراسته
 آتی بودنک بر گستان اولدر که صد هزار ان بیل کلین ناکامید
 پیراسته الهی عاشق جان باز کرک که دصکست هو اسنده اول بائن

اوینا به الهی طالب صاحب نیاز کرک که عسکت یولنده برپاره یوز
یویه الهی عسکت هوا سکت آشفته لرینی وادی جیر تدن سن حیقار
الهی مجبکت اودینکت سوخته لرینی آتش فرقتدن سن قور تار
هر آتش فرقتکت آتشی فتزده سرد نهعت که بیلده اولمه سکت درد
الهی سیدی و مولایی بن یوق ایکن نه اوله جسم بیلیر دکت و بنی یار ایدن
نه ایدیه جسم بیلیر دکت بن نه قولبه یا بیه جسم بیه یارشد دکت و بن
نه یولده کیده حکم اولده بلیش ایدک اگر اولده قوعنه قبول ایدک فضل سکندر
نعت بکا و اگر دکت ایلده ایدک ایلده عدل سکندر حضرت بکا الهی
بوترتیب عوالم غیب و شهادت و بونظام حضرت عزت و جلالت برکده که
برادجی لم یزیده و برادجی لایزالده و بر دژن در که بر طریقی عیایده و طریقی
منازلده مادامکه اول اوچدن دپر دلمیه بودجی دیرنخر و سوبه که مثالده
متمن اولمه عیایده بلوغز الهی سرشت سرشت از لدر الهی بیشت نشیت
اولدر هر نیک بخت و بد بختن جراید تقدیر قدومه بر شد و هر نیک
انسان کیر خیاطی نه از لدر بختن هر کیم به به کارگاه قدوم
سابقه حسن قرین حال و عنایت ازلی موفق احوال قلمنمش اوله
آدم مرحوم سعید کبی بیک آفت عصیان سرایه درجات کمال تهافتدن
بر درجه نقصان کلمر و هر کیمی به که دیوان از لده دالی محبت شهنشه
ولایت جان و فلادز هدایت بدرقه راه ایمان اولمش اوله
شیطان ملعون طریکی بر خاطره تاخیر الهی بوز بیک بلیق عبادت
بر ذره قدر فائده کورعز الهی عابدک مصیبه قدرتی و با خود کنایه
الهی قنده بولور لودی سن قوما سکت و با عابد کرک عبادت قوت و طاقته

استطاعت زنده بولورودی سن و بر سر کت الهی بیس طوطی لم
آدمه زرق ایندی اول بعد ای آدمه کیم رزق ایندی الهی مقام محمود
مرتب سن چیبیکه و بروک اما نفاعتی کنه رضا که موقوف تو دک که
من ذالذی یبضع عنده الاباذنه الهی هدایت کلیدی بنی محمد صونک
اما هدایتی کنه مشیکه تعلق ایندک که انک لاهندی من احببت
وکن اسه بهدی من یثاء الهی هدایت کر محمد لنده اوله ای دی ابوطالب
جهنمه حریق می دلورودی و اگر نوح دله دیکن شفاعت اید به ای دی
کوزینه قاروا غلی غریق می دلورودی لوطک پیغمبر یکی عورتنه نه سعادت
و برودی فرعونک کا ذکی آسبه به نه شقاوت کتیه دی الهی قول سندن
رد سندن الهی شفا سندن در سندن هر کیمی قول اید رسک عزیز
اید رسک هر نه مقدار خیس ایسه و هر کیمی رد اید رسک حقیر اید رسک
هر نه قدر نفیس ایسه هر کیمی دیدک اختیار اید رسک که و ربک خلق
مایا و دختر و هر کیمی دیدک خوا اید رسک و من لم یجعل الله
نورا خاله من نور قبولک طاعت و عبادت کوره وکل در دک کنه به
و معصیت کوره وکل کیمی اعمال بهشت اید رسک و در خنی کیمی افعال دل و فرج
اید رسک می بهشتی سابقه زنده نه باز دک اول دلور خاتمه عمره
نه خود که اول کلور نیجه را صاحب ریاضت و عمل سابقه ازنده شفا دان
و نیجه لمکتف لات و شغل خاتمه عمره سعدان الهی پاک قولک
سکا نیجه امید دار ایسه بی پاک قولک هزار نیجه او مار و اگر مطیع
قولک طاعت سینه اینا نیر لسه عاصم بدک دخی کر مکه بیگ اول قدر
طایا نیر لره الهی اگر قبول قایمیه کوره ایسه قابلیت سندن و اگر رسد

دارم استغاثه کن ای دل غشک مست و حیرانم
عدم دن وجود همین سرخوش و بادیه نوشتن حقیقتش در و قول
محبت آواره و سرگردانم زل اظمندن همین بهوش و دستار
کش ن کلت بر در شوکت سرانیدن که بسبب گردان محبت و غلغلۀ انداز
مودند زل کونده هر کیمه یچیرد کسه شدی اول سرخوش و محبت
ماده سندن که چیران کن آدم و آواره ساز عالمه الت محبته
هر کیمه طایر دکه شدی اول بهوش ای هر نه بی گلزار ایندک
آنی اندم ای ایچمه هر نه صوند و کسه آتی طودم ای کوکلم اودینه
نه با ندکسه اول قوقار ای وجودم با غنچه سنده نه دیکدک ای
اول میر ای طاعت پدایتس اول طار هدایت سندن عبادت
عنایتس اول غایت سندن نجات توفیقس اول توفیق سندن
انعام استقامت ارشادس اول ارشاد سندن اگر امک ای اگر
سختایستینه عنایتس بدله اوله هزاران کو هر کیمه عوایلی برآمده صحرار
بکر و اگر عنایتس اکا قرین اولمه برکاه قدر مانع قارشو کلوب بولن
با غفار ای تکلیف آیدک توفیق کنه سن دیر ای علم اوقودک
تحقیق نه سن دیر عقل دیردک و هم دسواسنه مغلوب ایتمه
عشق دیردک سندن غیر محبوبات ایتمه ای سر دیردک کچمکه خرینه
ایتمه ای سینه دیردک سرینه دینه ایتمه کوز دیردک نامحمدان
صافلا قوتان دیردک مالایعیندن بکله دیل دیردک ذکر کردن آبرم
کوکل دیردک فکرندن آبرم روح دیردک روحانی قبل علم دیردک
رحمانی قبل ایمان دیردک دائم ایلم احسان دیردک قائم ایلم ورد

او که تودک در دین دیر سوز او که تودک سوزن دیر نعمت دیر رسک
 شکر بن ایندیر ایگ دیر رسک ذکر بن ایندیر بصر دیر دکت
 عبرت دیر بصیرت دیر دکت معرفت دیر سم دیر دکت رحمت لیسمنی
 قو قدر ذوق دیر دکت روح عداسنی طایر ال دیر دکت الم طوط
 یوک بوکلندک بلم طوط آفاق دیر دکت آفاقه قومه آفاق صودک
 ایقله قومه یوز دیر دکت یوزوم قره ایته کریمک ایندیکه کوره ایته
 باش دیر دکت باشم آت غه قلمه غرّه جان دیر دکت خالقه کاله
 جگر دیر دکت عشقک اودینه بریان ایت دیده دیر دکت شوکت
 در دیکه کرمان ایت هوش دیر دکت الت جامدن بهوش ایت
 خود دیر دکت محبت قدحذن سرخوش ایت خیال دیر دکت غیرکلن خالی
 قبل درون دیر دکت شوکتک مالی قبل قلب دیر دکت قلب ایته ایمان
 دیر دکت سلب ایته هسم دیر دکت خاسل ایته فکر دیر دکت دوس
 ایته نظر دیر دکت فاسد ایته علم دیر دکت کاسد ایته قیاس دیر دکت
 عقیلم ایته دلیل دیر دکت سقیم ایته نعمت دیر دکت نعمت ایته منحت
 ایندک محنت ایته عطا ایندک بلایه دوندرم صفا دیر دکت جفایه دوندرم
 خواس دیر دکت کلان دیرمه کوکل دیر دکت ملال دیرمه مال دیر رسک
 مار ایته نور دیر رسک نار ایته سرور دیر دکت سروره دکتورمه حضور
 دیر دکت ناحضوره دکتورمه حوال غلاب ایندک آخر غلاب ایته جو
 دنیا ده ستر ایندک آخونده عقاب ایته شرع دیر دکت سر یعنی مشیت
 دین او که تودک متضرب دین ایته عمر دیر دکت عبث کجومه حیات دیر دکت
 جمله دکتورمه وجود دیر دکت ستمکله باقی طوط صفات دیر دکت

سکله صافی طوط خلق و پردک سکا پارایت بلی دید پردک
 برقرارایت روح و پردک نوخیدک کنجه امین ایت یقین و پردک
 حضرتکه یقین ایت دل طاووسنه مجال و پردک و صلیک حرمده جولان
 ابتدیر جان طوطینه و پردک غسفت هوسنه طیران ابتدیر الای
 اگر غرت و غیم و پردک کنه شکر و ناسن و پردک و اگر خجرت و غیم و پردک
 کنه نسیم و رضا سن و پردک اگر غمت و پردک نظم مولادن آریه و اگر غلا
 و پردک امیدم مبلیدن کسم الای خبر می قصاک و قیل الای ضامی ضاکده قیل
 حق یوننده عالی منزل نور رضا اهل اولور محبتی و مر نصفا
 هر نه که حق در کله راضی اولور کیجه کوندون امر اید ماضی اولور
 کر اید رسد سن ضامی حق طلب حکمت دار راضی افضل روز و رجب
 در دینی در مان بلیکل جاکنه جان فدا قبل یار دل نخلجه
 چون هر بیده سن ضاک ایت سیک راضی حکم خدا اولیه سیک
 زهر اولور و نوسن ایت آبی کله کر چه آلمز بونی دکه حوصله
 یول رینه منزل عسلار اولور منتسای جاهد دافین اولور

بر اولور و ایدمی دایم دیدی کوکلی کوزی حقله آبا دایدی
 برکتی صورتی آکا باسدن نیجه ایردک دیلی ویر بو حاله سن
 دیدی نیجه اولیم سادان بن کیجه کوند و بی غم و فرحان بن
 چون مراد مجده دور هر دم فلک هر نه ایسترسه مانی ایسترسک
 هر کشیدر بنده فرغانم بنم خست یارم اوزره دور انم بنم
 دیدی اول مشکله بود ارتقان بو نیجه خیر و سدر اوله که وفای

دید می شکل صانه یکن سن بونی
هر نه اولور سه رضاک اولور سنک
خسته اولورک سن رضاک اولور
اولور اولورکیشی بنون پنجینر
برکیشی ساجده کبدین کورر
چاغروب دیدی که کیم ای صدیق
دید می همه که یکیشی ده دینم
بن مراد ایدنم هم هیچ نفس
هر نه کیم تقدیر ایدر بیلکل خدا
کرمه صورته کور سوز جسمی
صورت معنی بی بیلکل نفس
الهی نفس که غریبم بنی اکا معن و ایتمه
اولور نه حریفم بنی ابدی جوج ایتمه
الهی نه مالک ایدم مهب سنک لعلک بن نه اولور
قول کیمک ایدم ملک انک اولور
ملکک خالق الخلق سنک جمله سنک قدر سنک
مولی کیم قول محتاج اولور آند زبانه دعا ایتک حاج اولور
ایدیم که حاجت کیشی بی سوز دیو و درد آدمی اغلا دیو و سنک
کرمک سمعی کنا همکار لاله سن دیگر و قبولک سمعی ساعده معنی
سور تنک شیخ عظیم فصوصنده حکایت ایدر بعض اهل الدین
روایت ایدر که برکون جمعیت دخی اغلا سن اهل جالدن بری کور و سنک

اول عزیر استعجابیم بوحالی کور و ب استعجابیم بهر سنه نک
 حکمت کور کور کور هر معلوم کور علقن بیک کور اکنون اجماع کور
 آغلام اول سبیدن دردی دیدیم یکدیگر اگر آغلام چشم خوش
 کلمه بلا در فردی اگر اجماع یکدیگر لبسته مسه جفا بخردی الهام بادها
 برورد کار بن سکانه دیدیم که سکا کزنی اوله و بن نه بیلدیر هم که سکا قحطی
 هر حاله ناظر سکا و هر حاله حاضر سکا الهی ای خدای بیچون دای قار
 کن فیکون سکا لاین مدحی بن ایده عزم و سکا مناسب صفاتی
 بن دیدیم سنی کنه سن سنا ایده بیلیر سکا و سکانه دیک کور کنه
 اول ایده بیلیر سکا بن هر نه اول کرم عقل قاهره ایر یکجبه بن هر نه

آیات

سول کرم فمهم ناقصم نشید یکجبه
 عکله سکا خدای عالم
 نسج سبحان افلاک
 آدم که خلیفه معلی
 احمد که خلاصه در وجود ده
 آنکه که جالت کی گفت و کوبه
 آنده دل که طواف کا پاد
 حرفی که در آتی اهل تقلید
 توحید خدا کتابه صیغفر
 الهی سیدی و مولای بزرگ نعمت کی هب فحین
 بیلدیک که فلانم نفس اخفی لهم من قره عین آخرت نعمتند
 بزم حقیر کلمه الهی بزرگ ایلدیک کت چنان تمام اکلادق که

ما لعین رأت ولا اذن سمعت ولا خطر علی قلب بشر الکی برست
 قنادینک که الدنیا بیاج بعوضه نه قدر طول و عرض اوله کیم بر جنت
 سمودار اوله که عوضها السموات والارض و عیشل خرده بینک نه قدر ارکی
 و فرض اوله که بخینه کتخانی ابده ملاکه جمع اوله آمده اولین و آخرین رحمتک
 در یاسدن عالمه بر قطره صا حدک هر کشتی هنوز شکر کنن عاجز و سرگردانند
 و محبتک جامدن جهان بر جرحه دو کدک هر موجود هنوز شکر کنن
 مست و حیراندر غوغا سلطانن بر سطوة تشدی هر ذره بی دینی و دروا
 ابدی عشقت آواره سندن بر صدای خودی جهانی بر ولوله و غوغای
 کلمات لانهایه از لب کنن و حرف غیر متناهی لایزال کنن یکی
 حرف ایدن کز بیک عالمی افزا ایدک و نفوت کامله الیه کنن و سماء
 رحمانیه جمالیه کنن بر اسم ابد جمیع کائناتی ابراز ایدک نه که بوبام حرمین
 و سقف قبه سماء مصباح زرین آفتاب تابانی مسکوه رخاچه اسمانده
 پاندر دک که نور بیک بر لوی و شعاعش بر سفله سبله اقطا عالم ظاهر
 هر قطری روشن و بر صفا ایدر هسچنان بوسرای وجود انبی و مطهر
 صورت رحمانیه چراغ خورشید خشتی ایمانی مسکوه ابکینه سینه
 مؤمنانده او پاندر دک که تابانک انواری و صفاست انانیله زوای
 عالم باطنن هر زوایه منور و بر صفا ایدر سویده که آفتاب آسمان شهادتی
 چراغ عالم ظاهری صورت ابدک آفتاب ایمان و شهادتی دخی چراغ عالم
 باطن حقیقت ابدک اگر فضلاء و صندیین رصده محاسبه ایدوب
 بویز بولید بر سه که آفتاب سما که خاک و مادن یوز الشمس اوج اول قدر
 زیاده در علماء محققین دخی بصیرت مکاشفه ایدوب سویده کور و پر که

اگر آفتاب ایمان را زدنک بر کف سه نه و جمیع سموات و ارضین بر کف سه نه
 قوسه لر ایمان آخر کله که لو وضع الایمان فی کفه و وضعت السموات و الارضین
 و من فیهن فی کفه لنقل الایمان بیکر آفتاب اسمانه بر قطعه سحاب نقاب
 اولور نوره آفتاب ایمانه عرش و کرسی حجاب اولور آفتاب آسمان قرب
 و بعد و ارتفاع و انحطاطه متفاوت اولور که حاضر و که زائل اولور که طالع
 و که اقل اولور دوران کردن پر شام خورشید آینه کوئی حجاب طلوعه
 متواری می شود ایدر طلیعه سیه طبعی استی لشکر هندی سیه معروف ایدر
 فصل نموده افتادن ارتفاع مدار سی غایتده کم اولور و حرارت شعاع تابنده
 مکتوم خزینه عدم اولور سعه سی تش غلیل سیه کی سرد و ضیاسی روانی
 بستیم کبی زرد اولور تابنده بر قندیل آتش کن نموده سعه لاله
 بی حرارت و تاب تابشی پیدا اولور یازین بر شمع خوش سوز آکن قشین
 صاف که روغن زیتون که بی زار اثر یکا در پنهان یعنی دلاطم تمسه نار اسکار
 اولور پس آفتاب آسمان اختلاف احوال ایدر قابل یاده و نقصان اولور
 اما آفتاب ایمان شب و روز و دی و تو ز یکان اولور چراغ آفتاب
 در قیامده بی نور مکره اولور که الشمس کورت و چراغ ایمان اول
 کون دخی روشن و منور اولور که یوم تری المؤمنین و المؤمنات بسعی
 نور هم بین ایدیم و با یانهم آفتاب جهان سر بر تخت اسمانده کسوف
 بولوب نموده زوال اولور آفتاب ایمان فلک وجود نموده بر قاره
 طور و بی تغییر حال اولور آفتاب اسمان آخر حجه و سوب پنهان کرک
 آفتاب ایمان صاحبین جهنم قوزار سیه کرک آفتاب فلک کاه سب
 منفعت اولور کاه و سبیل حضرت اولور اما خورشید معرفت هر وقت

هر وقت واسطه فرائد طاعات و موجب عبادت ادوار تاب
 آفتاب بر خیز کرد آن چون برق آینه زبانه تأثیر آید بر سیاه بدن
 آید اما برین نور توحید ایمان چون دل سیاه تمام بر آید بر آفتاب
 در روشن ادوار شمس سما که ذره دن مضیق که حسیفند در ذره
 حیضار اما توحید کونستی و ایمان یوفار و به عروج آید که الیه یبعد الکلم
 الطیب العمل الصالح یرفع نور آفتاب آسمان سبب معرفت وجود
 مخلوقات حق ادوار نور آفتاب ایمان سبب معرفت وجود خالق مطلق ادوار
 آفتاب آسمان افق مشرق زمین لامع ادوار آفتاب ایمان مشرق افق
 مقدس شدن طالع ادوار الهی چون بوجه دلائل و قرائن و پنج دخی حج و اهدیه
 بیدردی که نور خور آسمان ضواء آفتاب ایمان کم ادوار و باطنه آفتاب
 توحید ظاهره اثر تابش آفتاب بدن محکم ادوار پس سبب دست توحید
 هدایت و دامن ضیاء کسب غنائی شدن از ضعیف قولدر پناه مأمول و مستغفر
 ادوار کیم نه که آفتاب اخلاقی در بجه مشرق شدن پیدا آید و بدی افعلی
 نور به منور در روشن آید سبب آفتاب معرفت ادراکی دخی کوکل کوکبه
 هویدا آید و بد سینه صحرایی شوق بیکه مستفی کلشن آید نه که اول آفتاب
 ظاهر به خاک خوره تربیت و بدب زرغین و شرف آید سبب که
 محبوب عالمیان مطلوب میان اولوب شاهانه تاج سر و عسله پیر
 و زیور ادوار امید و ادوار که بوا آفتاب باطن آید دخی بوفار و طور افرا
 تربیت آید و بد اکسیر و صفائی و لطیف آید سبب که منازل انده
 و معارج قدس و مقبول قدسیان در غروب روحانیان ادوار چون اول
 آفتاب سرگردانک سایه حمایتنده بر باره تیره خاکی کان بخشنده

لعل خشان اید رسک نوله که بوقتاب تابانک طلغاینده دخی
بوبرآوج غبار نایاکی معدن جنانده جوهدرکان ایده رسک الهی
دائما ذکر کی دیکر دن کسمه که نام کر یک دلدار اعدر الهی دیکر کوکلر دن
کیدر مکه یاد تر یقینی کوکلر اعدر الهی کلاکلی ایشتمه دوز دوز غمزدن
الهی جاکلی کویرنه دوز کوکلر دندر **ابیات**

چون سجاد اوقاب اوله عیان چشم اغی کور غالیسه نه زیان
کوره فرسک سن کورک بی نودر بویه صانع حق قولندن دوز
ادل بزه بزدن در غایت یقین اینانیر بوکا سوکیم اولدی یقین
نثر الهی کوزمیدر اول که همدزه ده سنی کورمه الهی قولمیدر
اول که همد صدان سنی ایشتمیه در ویشلر دیر که سماع حلال شاد
صباح اما قول سعاد اولکه سعادت دیره شول دکلدر که سهوت آیره
نته تکیم بعضی اهل الهیدن صور دیکر که سماع نیجه در ابتدی سماع کیدر
دیدیر که شاد نه در ابتدی کورن نه کشیدر الهی زایدز پد عبادته
طیانیر عارف اولانه یار یتر عابد جنت بغیم اومار
صوفی اولانه دیدار یتر اما صاقین ای غریز صوفی شول یورین
دور ویش شول کور وینی صانع صوفی شول تن دکلدر که کاه یکا کاه بکر
صوفی شول بدن دکلدر که کاه طورور کاه کور صوفی اول بدن ویش
دکلدر که هیولالی اوله صوفی اول ذات پاک دکلدر که جسمانی اوله
صوفی جان دکلر جانک جانیدر صوفی ایکی عالمک جانانیدر صوفی بوز
کور وین خیا لیدر صوفی بر و عدر یور وین مثالیدر صوفی نه در کنه
صوفی سیلیر بزوید کیم نهمه در در ویش اولانی کنه در ویش سیلور

طشردن سولمن یا قشردن در الهی بنکم پرده سنی کو تو بنی
 بدن نمان ایله چون بن بنکم کوریم دینارینی عیان ایله
 الهی برکوزله ایکی سنه کوز و کزنه هرگز بنی بکا کوسترمه و بخرانه
 ایکی کتخدا صیغانه کو کلم اوینه بنی کورنه الهی بن دیمکله بولنمازیک
 بکا بن دیدیرنه الهی قال قیل بویولده حجاب ایسه سن دیدیرنه الهی
 اگر عدد شکر اولورسه آره دن سن دفع ایت و اگر هشتک
 جبه سی علق اولورسه بنه سن رفع ایت الهی سنی دور صانور لک
 اما جاندن قریب سکت الهی بن دیم که سرکک سرینه قریب سکت
 الهی سن یزه یقیسک بز کور فرز الهی سن بر نه بیل سکت بز یلم زاپات
 ای بسته چار میخ ارکان بومی ایدی سکا بویولده ارکان
 کیم الدایه ایدی سنی بصورت بولعبد سکا اوله ضرورت
 اول سکه یقین در و کورک بول دوشردک آریه پرده لوجوق
 کورک آجیل ایدی سن کور و رک سنی سن کنه دشمنک بیلر دک
 سندن اولو دشمنک بولم سن قبلد یعنی کیمنه قیلر
 ای کم شده وار سنی طبع قیل سن سکا کرکلو سکت قیل
 کوه نظر اوله کی صافین سن کلدی سکت کبی عدد دن
 اکبر یکی دوز دی دست قد آلدی اله خاک و آب هکت
 مخور جیل صبح قیلدی سینه صد فتوح قیلدی
 ویردی که طبیعت کیا اول کرچه دو جمانه قیلدی اول
 آنده قودی قوت نیانته هم ویردی حقیقت جانی
 ارکانه دیوب تمام ترتیب بر جسم لطیف قیلدی ترکیب

بیس روح باغشادی قتلدن
بیس برتور روح راحت اندا
چون نفس اولدی آشنای
قیلدی آئی بونستاینج خاک
ترک وطن ایلمدی قودی کبار
بو صحت آب و آتش باد
نفس اولدی بور و کجک جبار
هر کون مدعیده باری
هر حرص و طمع ندیم دباری
اولدی دله دایما منقش
هر دل که آچیلدی بستی
اول دشمن اولیای مریوم
بقسم که سگ اولدی هر کار
نفس اولمده ای آره ده ملق
فی الجمله بلای عالم اولدر
بر خواب هزار درو تعبیر
ای دل که کل بر و سن اوی
کبیر نظرین بواب و خاک
که ادبوی حیات جادوی
نفس من و طبع کی یا قیل
عالم قمو خفتکه چیران

جان و پردی او جسمه حضرتدن
نفس ایلمدی نکلده اول هویدا
اولدی بو بلایه مبتلا اول
بر بیده جل و عقد افلاک
بیس قیلدی بو خطه ده گرفتار
ایندر مدی روحه اهلنی یاد
اولدر سکا جلدیرن عذابی
هر دیده معنوی ده خاری
سهر شهوات انک قراری
شیطان و هوا ایله موافق
هر تن که صحیح خسته سید
اول هزن انبیای معصوم
افسانه نفس اویدی کبار
کیم ایلمدی عجب دین انا الحق
سرفتنه خاک آدم اولدر
بر حرف و بیگ اوله انده تفسیر
جانیله آئی ارا که قویمه
بوین آله سگ او جان یا کک
اول رهبر اب زندکائی
سندن سنی یعنی کیم حد اقل
سن غافل اولیغیزنه دران

همی اوله هوایه بویه مقدر
 هر صورت خوب ورثه سنده
 لوح و قلم ایله عرش و کرسی
 پیدا و نهان و بود و نابود
 دلدن دار ایسه اگر نشانه
 سعی ایله کوتوریکور حجابک
 بسط اوله اگر دکنده بوفرس
 ای بی خبر جهان معنی
 دل آتش و زهره نفس بوق
 نخلین و عصا در حجابک
 عصا سکا بر عقیده دریل
 سن اوله همیشه بویه غافل
 افسرده دله نظر دمیدر
 باش اوسته خدمت ایت قلم
 خدمت ایدین قلم کی دار
 وار لوح فدا ده بر رقم تو
 شخی که بلند اوله تبریر
 اول کیم قفس وجود بخنده
 کوتاه نظر خیس همت
 ای بیل روضه مقدس
 ای مرغ هوای لایزال

جمله سکت ایله جمله دن دور
 هسم دوزخ و هسم بهشت سنده
 اینیک یکنده هر برسی
 باق لوحک یکنده موجود
 دار آنده زمین و آسمانک
 روشن اوله ماه و افتابک
 نظ هر اوله استوی علی العرش
 نیجه قبله یم بیان معنی
 دژن نه ایده م که دسترس بوی
 کمیدر که تیشمه عتابک
 اکلا مکه بونده حید دریل
 یکنده بوخورد و خوابه مایل
 سندن سکا بر خبر دمیدر
 بسته مکر و تنی شکم اول
 بر چهره زرد و اساک خون بار
 کل بام جهان سن علم تو
 فی چونکه نیم دیدی شکر پر
 اوفاتی زبان دود بخنده
 اولور دونو کون اسیر نمت
 مردار پیون اوله کرکس
 دل داده دانه نضالی

وار اوج که دکل بوی دراک
ای باز فنا این سکارایت
ای جوی دما که قان دریا
ای خس که همین کوز کده حل
کوهد آره و صدف سکن دل
بر باره مجید اول صفدن
سندن سنی کل برو جدایت
کر غیر خدای بوسین
مقبولی اوله سکن اول جنایت
سندن کید ربه بو کمیت
یوقلق جو تمام اوله محقق
بوریه نهایت طریقت
دیوانه اولور همدار عاقل
ای خام طمع تو هدرزه کوپا
کلمس کله جاک جمیع جبران
ای دل پوری دار خوش اولور سن
خوشیدی کور می چشم خفاش
هر برده که دار خیال باری
ردحک دخی بیل خیاله بکوز
دار تو بو خیالی حقیقی سن
کر سن کوره سکن خیال به حق

۲۷
اولر بو هواده سار کارک
بس عد شهره دار قزایت
جو بکده یدی دکنه هویدا
قورسکف اولور اکده حاصل
غواص محیط خویشتن اول
ال بحر محیط معدفتن
بر خطه سنی پوری رهاایت
خلق و خدایی طویه سکن
بی واسطه ارجعی خطا پاک
اول دم بیله سکن نه دعبت
سمعه ایره لغده انا الحق
بوراده خلاصه حقیقت
آسوده در اول کیشی که غافل
کناج ردی و خیره روی
سجائات انی انت کویان
بی چشم وزبان و کوش اولور سن
نیجه سخن کزاف و فلکاش
هر نقش که کورینور مجازے
که بدر و کھی هلاله بکوز
حق نویده قیل خیالی سن
اول حق دکل آنی بیل که مطلق

کور دم صانوب اوله کی صاقینست استار سکت ات خیال یکدست
 ویرمیه سکا صاقین که هر باد فی کبی همیت قور و فر باد
 قبلایه صاقین که سنی مغرور پروانه کبی صنیاء هر نور
 ای ذره ایوم دیکه آفتابه مکت صبر ایده بیل اراقده
 نثر الهی هر کسینک بر طوری دار الهی هر دو نکت بر نوری دار
 هر کورنک بر تجلیسی دار و هر دکت بر تسلیسی دار هر بصیرتک
 بر عبقری دار هر کور کلک بر غیری دار هر سرک بر سودا سی دار
 و هر سرک بر سودا سی دار هر دکت سندن بر بخششی دار
 و هر تنک سندن بر یوششی دار هر دها نکت سندن بر لذتی دار
 و هر لدنک بر دینغنی دار هر شجاکت حفر نکت بر معرفتی دار و هر
 مریدک قدر نکت بر صفتی دار هر بجایه به کر مکن بر جاره دار
 و هر عکین کوکله لطف نکت بر غمخواره دار هر بنده نکت بر یوزدن غنی دار
 و هر فقیرک بر درلودنی دار هر کاهنده بر جلال نکت دار
 و هر مردارده بر یولدن با کلک دار هر صورت بر معنیسنر بولنر
 و هر معنی بر صورتنر اولر صورت که معنیسیست الیکور معنی که
 صورتی اکسک اوله خیاله بکوز الهی هر ننده سندن نکت
 دار اما بی نکت الهی هر مکانه سندن اثر دار اما بی نکت
 الهی هر عاسفک کوشه جگر نده سکت جلا نکت تجلیات سواند
 بر داغ دار الهی هر رنات خانه دلنده سکت جلا نکت سجات
 اشراق سندن بر چراغ دار الهی هر موجودک نور سی سندن و هر
 ظهوری سندن هر عاسفک محبوبی سندن هر طایفک مطلوبی سکت

هر ساجدک مسجودی سسک هر عابدک معبودی سسک
هر قاصدک مقصودی سسک هر عابدک محمودی سسک هر ذاکر

حکوری سسک هر شاکرک مشکوی سسک **ایات**

سسک طلبنده خرقه نوشتن سسک هوسنده باده نوشتن

بر بستی طور وب ایدر مناجات طور عز بر بستی کر ز خرابات

یکسی دخی طرب سنی اپتر سر چشمه سن ابوجحق بنه ایتر

محراب جهود اگر گشتند ر اود قورغ آنکده سر گشتند

هند که بونه طیار همیشه طور عز سکا یا لوار همیشه

ناکدر و جسد یه نشانه بودیر و صلب بر بجهانه

نثر الهی بکشتی اگر مسجد و محرابه بکیره ذکر و در دستک و اگر

بسکده و خرابانه داره شوق و در دستک و اگر کلیات نامت ایست

ایست بر بوک هجرت سوخته لری تر ساردر یا نوب پوردر و اگر

بت پرستد کور مک ایست بر بوک فوفک داره لری مغاظر در

جا غروب کر زله الهی جلد سی همین بویه یله الهی جمیع علم همین گفت

و کوبه یله عزتک قد حدن کسبه بر جرحه و یردک همین فوفندن

مستدر وجودک حقیقتندن کسبه یه نشانه طو پور دیک همین

پرتودن مستدر الهی لیل هر بکشته وی هسنمای

هر سر کشته ای غار کننده جهان بدید آرنده نهان ای فرارنده

خیمه بی ستون ای فرمان فرمای دیوان کن فیکون **ایات**

ای دیده کنای دو بینان سرمای ده نهی نشینان

ای جلوه کن جهان خندان بین کن چشم هوسمندان

کوسل باغی شوکت نسیمه معوضیل و جان نگر این مهر ک
 بواسطه برنویس دل طغنه ازل کت خانه سنده و بر دیک سبغی
 لطیفه از ایند در و جان طوطیانه قدس شکرستاندن طائر دیک
 شکر می کر کردن مکر ایند الهی است مستلکنی عدم است الهی علی عهدی
 بردم است الهی جامک طولو صون الهی غر و سرائی صولو صون
 الهی نعمت در دیکه شکر سندن بلا در دیکه صبر سندن بهر نعمت و بلا
 شک فرستادک و هر شکر در ضا شک دادک بولک صبرین
 اوکر شک صبر شک تو در شک سرین اوکر شک شکر شک منفعتی
 حد ایدر شک و ما ب شک تا تبیینی مدح ایدر شک تو ب شک
 معصومین عصمت اوکر شک عاصم شک مقسطین قسط شک
 اوکر شک قاسم شک الهی هر کیم که صبر حسان ایندک دولت
 ایند و هر کیم که فقر مقدر ایندک غن ایند **ابیات**

مرد عاقل دائما صابر کرک	نفع و ضرر دینه ش اگر کرک
سن کاستدن بلا و فتنه قاج	صبر است که الصبر مفتاح الفرج
صبر کینه نعمتی طالب دلو	مرد صابر نفع غلب دلو
صبر دلو بر بخشش پرور کار	از کسی به روزی قیام روز کار
صبر قیل فعه و سن حکم طلال	فقر اینجا در جو غدا الجلال
خدمت است قول دل و طلال اول	زخم بی کوی دل و جوکان اول
خاص از تو کیم کوره حقن بلا	بی تخیر در لور اکا مر حبا
مرد عامی کم ایکن اکا ه بون	کاه صبر او لور اکا و کاه بون
صبر پس بر شا خدر خندان و تر	میوه صبر لطف است سر سبز

کور که بونجه اولیاد انبیا
صبر ایوب نبی بی خود تمام
الصبور بی یکللی انی نامید
منظر حق اول انک اول در
هر یک یک یکم صبری دارد کنج انک
نوجع انک عادی بویه در
صبر در دین همه کار اول
دولت اکا صبر اوله بیسته
صبر کرچه بود یک بر منری
خاص قول صبری قنور لر مقرر
صبر اولور آنره ادنی مقام
کنیکه اولور صابر رنج د بلا
فقد در توحیدک اول منری
فقر او در که نفسی تسلیم اید
فقرینه خنود و هم ساکر اوله
قبیله کو کلنده فکر انک و نام
کیم کو نوز غولت اید بیسته اول
اختیار اید خلوت کو سه
فقر انک قدر بی بیله دلم اول
فقر بیله که نه جوهر در لطیف
فقرن لورم یکنده سر سری

صبر اید بن کور دیو رنج و عفا
ایندی تقضیلین حدیث و اتمام
هر کشتی به صبر انک انعامید
کرچه صابر بیل جهانده بول در
هر یک یک یکم رنجی دارد کنج انک
کنج انک رنجی به بیله در
صبر اولایان نصیره عار اول
صبر اوله حق یولنده توشه
لیک صبره صبر غایت مشکلی
خاص خاص اولان قنور انک
صبره صابر لر اولور آخر علم
اولور اول ملک فقرده یاد
فقر در پاک ایلین جان دلی
راضی اولوب فقری اول تقطیم اید
فقر ایکنده رنجی ذاکر اوله
بر اوله فتنده جمله خاص علم
بو جهاندن اوله بی اندیشه اول
رینه قیله توکل توشه
فقر انک او ستنده اوله دلم اول
فقر بیله که نه خفتند رنج
فقر اولور ایکی جهانک مفرنی

فقر نفس و فقر ما بود در فقر خرمین سوز و مهر موجود در
 فقر اول و بیکیکل جمالی در دینیک فقر اول و بیکیکل کمالی در دینیک
 فقر اول اندیشه دنیا و دین فقر اول حرص و هوا و کبر و کین
 فقر جوینیم حکمت امکان در بر بس سواد الوجه فی الدین اول
 بریکت اول و حسن بجمده اول باغ دلده دانه دام سداد

نثر الهی زاهد لک سندن جنت او مار لسه عاشق لکه
 ویدارک بسدر الهی عابد لک سندن بهشت آرزو لار لسه عابد لکه
 انوارک بسدر الهی زاهد سکا اجرت و قولق ایدر لسه بن توک قولق
 کر مک صغیرم الهی عابد و عبادت قبلار لسه بن صغیر عبادت
 رحمتک لایاندم الهی نه صغیر لکه دست لکه ویردک هر که انری بیدی
 سنی بولدی و هر که سنی بولدی انری بیدی الهی عابد لک باغی
 التذنه جنت بر یکندر الهی سنی سوز لک نظر نده حبس نم بکشند
 صوفی اولان بهشت و جوری سیر آنده بر کوز واردر که هر باغبانی
 بهشت ابو الهی سیدی و مولای اوج عظیم آفت و اکیم سنی
 آزدن سن صافلا و اوج بیک فتنه و اکیم سنی آزدن سن بکله
 بری و سوس شیطان که سکا صغیرم سندن و بری هوای نفسانی
 سن خلاص بیه مکندن و بری غرور نادانی که سن صافلا بوی سکندن
 الهی خلقت کر عیسی حق صحبت انس و حدیق اولو تاملر و دنبا
 مصاحبدی حریفان محبت عیسی و خلوقی فراموشی بجز خات سندن
 گرم مصمم خلق کر بکندن که ازل بهاری و قدم مرغزار نده گلستان قدس
 و بوستان انبیاء که الست صبحگاه و وحدت بارگاهنده ملبیان

با ط قرت و هشتینان پنجم عشرت ایندیگت قولی یکی حضرت مکن
 بالکلیه مطرود و در حشکی آلودن مسدود و صدایک کونیدن تماماد و
 و جاکت تخلیفیدن ابدی مهجور ایدوب جهم آتنده حریق و پو
 دکر نده غریق قویه سگ الهی ای کریم سارکار وی حیم بنده نواز
 ای مکی ای بی دکر وی دانای بی اگر وی توانای بی مگر لطف کل بن
 ضعیف کی یاد اینک نه دار الهی نفک غنا دلری خودر غنایت
 سندن الهی نفک مداهندی اوکتر هدایت سندن الهی
 بن اول نادان و کدن کسم که بن دیرم بیلزم بن کیم الهی بن بر
 افت ده یم نفس السذن عاجز دور مانده یم نفس دیو سویم بیلزم که
 نذر هر کون السذن اغلام خبرم بوی که نه ننه در **ایات**
 معرفت پرانده اولر سگ دست تا که نفک بلیه سگ سبب نخست
 دیدی اول کیم اکلاشد بوی حق شناس اول کیم اولر نفس
 نفسدر خلای بر زهر جفا لطف حق انوده نفسدر غنا
 نفسدر آسوب افعال خدا آندن اولر هشیج طوالت جدا
 که اطاعت کاه عصیان بجز اول که هدایت کاه طغیان بجز اول
 که لباس بت رستان اول کبر که خدائی دعوی سینه اول یلر
 کاه عشقن دم اور و عاشق و کل که محبم دیر ولی صادق و کل
 ایچدن بر جرحه بی مسلک ایدر کور مدان اول یوسفی هستلک ایدر
 خانه طاعت که بر یار کاه اولور قلاش بار هوا
 کاه اماره در نفک سگ ایسی کوچی فتنه در بیکل انک
 سول کوکل کیم پیر و اماره معرفت ایندن اول داره در

نفس اماره عجب غداره در
 وصف ایدر سه م اگر اماره نک
 سوز اورا نور یکم ویم مختصر
 نفس تقویدن قاجوب چون ^{اول}
 بو قوایی تو تلا نور هدی که دل
 عجب مجمل و حرص حب و مال
 اکل و نوم و آخر دهم کبر و کین
 هم نشاط و هم بطالت هم
 جده سی اماره نک احوالیدر
 یکمکه اکا ادب وین مغرور اولور
 یکم مراد نفسی اول کار ایدر
 عجب ادو یکم نفس سوم و دین کو
 مجتبات ایچی طوبو با دهوا
 کبر چون وصف بلکان اوله اول
 حرص جو یکم صفت موش عیب
 حب دنیا نظر ظلم و فساد
 حب دنیا دن قویا مجمل و امل
 مت ایدر جمله جرکین حال نک
 حب دنیا سه امل میباید
 نفس نک بیل آتی سرک اصغری
 یکم ریا ایدر سه صایه مرد آتی

یدی ماسو مار مردم خواره در
 کر دیرایسه م حالن اول مکاره نک
 تاقید نک وائما آذن حذر
 نام اماره اکا طلاق اولور
 حکم ایدر نیجه ویرسه اکا اول
 بغض و حق و شتم و غر و قیل و قال
 دخی اولق منکر مردان دین
 دخی نیجه بو بخیلین قیل کوز
 نفس نک بیل اول مفاهمه حالیدر
 اول خدا حقی خدا دن دور اولور
 کلشن طبعن تمامت خوار ایدر
 هر نه ایش که ایستایسه بکوز
 مرد معجب دشمن خاص خدا
 کبر ایدن خاست که انسان اول
 وجهی یوق آورده حرص اوله بدید
 حب دنیا معدن جهل و غنا د
 حب دنیا در ویرن در کل
 اسدر هر بر یار فار خصلت نک
 حرص کوی و جاه انک جوکانیدر
 بو حدیث حضرت میبیری
 دین یولنده صانع اهل درد آتی

تاج و خرد کبر و زرق دین
 حاصلی که علم جاه چون آفت
 ایچی طو لو کبر و کین در حقه عاق
 کاه دعوائی فغا هت ایلر اول
 حکمت ایلر سرتک کوکل لوجیه باق
 نیجه یہ دکت بخو و صرف اولک باق
 جانی فسخ ایت ایستک فسخ ایلکل
 ماضی مستقبلی تو حاصلی کور
 اسی گرفتار یجوز و لا یجوز
 هیت او قورسک در ویش ایلر
 عوشن کرسی پرده کوکده هر
 طو لو در افلاکله افسیم جان
 جان کوکشت ایلر و ابی اوزکده
 هر کھی که اندن باغ ابر بهار
 هر کھی که اندن خوان ابره سکا
 فالیه جان روضه سنک حضرتی
 دو که اول کشتن تماما بر کشتی
 عاقل ایسه کت کوکلک بایک غم کله
 کوره فرسک کردن کدن سن ایلر
 سعی ابد و ب علم اوقو دم صاف
 شوکله انک علمی هو ایچون

در دیشک در تاج رکت عاقلین
 اول عرائی صوفیدن بدتر اولو
 سور کلک هر سور می طعن طوق
 بوق بره خلقه سفا هت ایلر اول
 ناکه سکه عقل کل دیره سبق
 وار باز کون حقه صرف ایت سوز
 نفسی کسرا بتر سنی منع ایلکل
 هر برانده سن لاکت ایلر کور
 حاکمی کور جوق اولو عاقله سوز
 کیم بر دو کوک بیلدر ایلر سیر سیر
 جمله سنی سوچه بیلکل سنده وار
 هر ری کردان کردون جهان
 ماهت ب و افندی اوزکده
 جان و دل صحواسی اولو سیر زار
 غالب اولور سنده بیل نفس دهل
 باغ دلده هم معارف نصرتی
 فیله بیلر اولکلن ان تر کشتی
 باغ دلدن بر ورق کرک کله
 آله فرسک ذوقله اندن خبر
 ایلر اول علم بیل حقه یقین
 انک ایستی آه و دایه اولور

اول سبدن کچه کونوز اده ده
 او خودم بازدم هوا بولنده بن
 عمر مات کجی جوخی ندیس اید
 ادمارم حق باری سید کیر من
 لطفی جو قدر اول کریم دکا ساز
 بوصفات نفسدن قبله خدا
 انده فی انجده بولور خیر چون
 اولدخی کریمه اکا نزد کستر
 پس بوکر نفکس کا چون ارم اوله
 بر قدم بوندن اگر بالا اوله
 مطمئن اولور اول حقه یقین
 محزن اخلاق و اوصاف کمال
 چون کیده اول قبله ترک خاکست
 کر دیر سست بوله سست اولدول
 خواب غفلتدن سنی بیدار قبل
 روز و شب در دیر صابا کله خاکست
 کوی حق ایلک دیر سفان
 روح سکینی قودک زنداده سن
 دار در سن کیم روحی زاده کیک
 نازمان یغینه سن افتاده کیک
 سن غم و شادیدن اتمه جو سکی

ایزم کیم عسر فیلدم بن سباه
 حرف اوقو بدم خدا بولنده بن
 لیک قال فیل ایلد عیس ایلد
 ایشک خیر ایده بیکده بر سین
 لطف ایدوب ساید قبله بنده نوار
 اولار آب باری لوامه قبله
 ایشک اهی اولور اکن دخی دین
 غسل ایشک قبل ایشکدن کده
 اکا اولدم علمه بیل نام اوله
 مطمئن اولوبن زیبا اوله
 قابل امرار رب العالمین
 مستفیض فیض انوار جلال
 ایشیده حقندن خطاب
 ایده کور تندیب اخلاق صفیان
 بر زمان دار حبست و جوئی قبل
 دور قبله می سندن اول محو کیک
 خانه سنی بر ملوت خاکدن ان
 اول دل بیچاره بی دانه سن
 بودل ویرانی اباد ایده سن
 کر زمان ایکجده اوله اراده کیک
 سن خیال و جمله اتمه هو سکی

دل که مشغول غم و خنده در
سوال که مشغول غم و خنده در
سوال که عاشق را بگردن برآورد
حقیقه که کل بند بچیدن ای سیر
عاقبت ایسه که پوری کز آب سن
خوش بپشت رسول سراج انسان
مال دنیا دام مرغان ضعیف
مال مار اولور ایچی بر زهر با
نفس اولور بیل هرکی جان دیک
هر کیک تعوی اولور بهرری
کر زن و فرزند جمله دشمنک
اوله غافل و بره کوکل آغده
عیسی بی بیغریک بر سوزنی
ملک تجرید ایجده بره ایکن اول
دو جهان بر سوزنه دکزدی جون
هفت جوخی کدی عیسه حقیقی اول
جوخی کله زدی کوزنه جون جهان
بسته خاص اولدی حقه جون آده
حقه کیم بسته درر باینده اول
یککه نفس قول اول اول غور اول
هر نه غرت کیم دکدر جادوان

صانه آنی که بصیرت دیده
اول جهانده مرده ویش زنده اول
بی بهار و بی خزان سبز و زرد
نیجیه دکت بند سیم بند زرد
ترک ایده کور خانمان و ملک
بو جهان و اول جهاندر خزان
ملک عقی دام مرغان شریف
غرت تقطیم خلق در آردها
نفس یل اول که اولد رملک
اولور اول دنیا و عقی سروری
حق یولنده جمله سیدره زبانه
کی صافین آلد انمغل سن بوزره
جرح جاردن کجور مادی آنی
کور که بوسون نیجه با غلادی بول
خو عالم حضرتده دون کون
جبریلی یولده قودی کیندی دل
اولدی آدن اکا جوخی جهان
ای حق دوسرا به یاد شاه
هر که مرده اولدی ایسه زنده اول
دو جهان عاقر و غنچه اولور
سن آنی اولش کیمش طوت جهان

طوالت که سنگ اوله ملک غیب و شرف
 پزدن که شاه ده ابده سنی جهان
 نیجه لری سندن اوکدن همچنان
 آخر آذن قیور آتی اول جدا
 کیم کوکلدن جیفاره سنگ سن آتی
 کوکلکی برره و برکیم دلم اول
 یعنی کوکلک سن جهان و بر مکمل
 عشق صورت قیغی سن پیش کی
 عشق ایکنده چونکه بوی یکن اول
 عشق مرده بکنه اولار بیدار
 کلن کل اولور آخرتیه
 کلتن دهری بلور سنگ مردم اول
 آلهاماسون سنی نور و زجهان
 صبح اولور سه طاعت خوشه خوب
 بدر کوجه خوش چراغ جار طاق
 بر غلامی که دله محبوب اولور
 سول تن سمن تنال کل غدار
 بو جهان دس کنید منتشر
 بو جهان د عاشقید منقطع
 پنج وقت اولور نمازه همنون
 کیکنه عشق ایکنده بولور زندگی

نولور آذن بر دم اولور حق رقی
 فرستدن بیتم ناک اول اول زمان
 شاه داید ویدر آنک ایل اول جهان
 یسین سکا بودر بونی بیلکل سزا
 دهر زور ایلد ابرمادن سنی
 سنگ ایلد بیلد اوله قائم اول
 سن ایلد سکنی آکا و بر مکمل
 عشق معنی ایلکل اندیشه کی
 عشق اولور عاشقت اول سنگ اولور
 سن جهان حق قیل عشقه حدار
 هی کل و کلزار دل و حصار
 کلتن عقلی کوزت کیم خرم اول
 بیر د اولمشدر بهارینه خزان
 هم زوال ابرر آکا وقت غروب
 بیک نولور کورانی وقت محاق
 بو قیلبیلد اول کینه محروپ اولور
 رد کار ایلد اولور بر بیر زار
 اول جهان دس کلیدر ستر
 اهل اول عالم محله مجتمع
 عشق اهلی فی صلاوة و نمون
 غرق معشوق اوکنده بندگی

مرکبی مرکبی اولور اکا حلال
ظاہر نذر مرکب و باطن زنده دل
اولکه اکا مردن اولور فتح باب
کبرای دل انسی خار و خشک
سن جال مہری کور و ب ای کوکل
بر تویدر بر کوکل کم ذرہ سی
سوز لر مدر کوہر عثمان درد
جمہ اسرار حق بقدر سوزم
محمم ارواح در دستاندر
بو حقیقت اہلنہ دیوان راز
بر جاندر معنیہر بو صد ہزار
کہ چہ بوسوز لر بکا لاین دکل
ہر عبارت ایچہ صانع حالی
لفظی منصور کٹ دیندہ نور اولور
آنچہ کیشی در دینی اسماء قیلور
فعلی تو قولہ فیعل نظر
بن کہ بر سر کتہ دجباریم
در دمندم نامہ آدم بی دلم
بیم امید ایندی بنی روز و شب
ای خداوند کیم کار ساز
لطافت ایہ سن بر می آباد قبل

برکت بی برکتی اولور اکا نوال
صور تا فانی نہان بایندہ دل
سایعہ اولور اکا دائم خطاب
جہدایت اکا کیم حق اولور موسک
عاشق اولمہ کی صابن اکا کادول
نابہ دیو بحر جہانک زہرہ سی
سوز لر مدر ہر میدان درد
اول آخر ہب دقایق در سوزم
مرہم صافی دل ریشاند
بو طریقت ساکنہ دلتواز
بر غر و س خوب بی رنگ و کار
چون دکل عالم سوزم صادق
کہ چہ حال دست دعوات آلتی
غیری دیرہ آنی بلکہ زور اولور
لیک علی او قوسہ احیا اولور
سوزینہ باق صاحب ندن قیل کدر
حیرت ایٹینہ دوشوب اداریم
سجہ اولور عالم دیو لا عظیم
ظاہر خندان دایم سوز و شب
یا شاہ قادر بندہ نواز
بند غدن جانم آزاد قبل

بسید بکر لطف ایدوب تحقیق این
 مرغ روده و صلت که راه ویر
 خفتله دایم برنی بیکانه قیل
 یاد عالم دلی سن دو قیل
 شوکت اید سن برنی برنی قیل
 بی نهایت قصه در دو کناه
 در کینک که کلویکم بود می
 جانی فوف دایم دینی صید ایدر
 حقه یار ایندم هیچ روز کار
 هر نه ایندمه بیلورم ناسرا
 عمر شوکه کلدی حقدن غافلیم
 شیوه دافانه دار غور
 آه کیم بونفس محبوب و غل
 ای شب افروز سحر خیزان
 عالمه بکوز بنم صبح نخست
 ای درون دلده اولها اولان
 این دلد دردک ایدست دایم
 جده شهلایست گلد برکدا
 سول کیتی کیم اوله عشق مجرمی
 عالمه چون ایدمی جودک قطره
 ای که سندن خانه دل پر چراغ

مصطفی ارنجه سن توفیق ایت
 دیده بیت دل آگاه ویر
 ذکرک اید کو کلر همنه قیل
 یادک اید سن آنی معور قیل
 عیجز سن لطف ایدوب متو قیل
 کیمه دیدیم قصه می بن آه و آه
 نوله ایدمی اولمیه ایدمی ادمی
 کو کلکی مشغول عسرو زید ایدر
 غفلت اید کج دی بونجه روز کار
 حق دیو ایدلکم جمله خطا
 دلغریب روز کار طلم
 ایدمی بیکانه رب غفور
 ایدمی خانه حجب محبوب ازل
 شب کبی اولمدر کو کلکم سیاه
 بن نبات و خود نماد نادرست
 دو جهانک در دینه در مان اولان
 بندکان خاکک آرد جهان
 هم لبور هر بی نواسندن
 نیش نوش اولور چراغ مجرمی
 رفص اورور هر دلد مهرک آه
 ای که سندن دست صحرایع داغ

ای که در دشت کجاست
کار بار حمله حیران بن
نه که اینجا حقیقه جسم بلورم
مصطرب در دغم بود سبب
قان اولدم کیم خدا دل شادیده
بر دیره لطف ایوب پروازیده
نور تاره کوکلیک در دندن اول
بلورم جانشدم بن خدمت
سند لیشی دانا نقصان اول
عقوبن ادموب فضله بن و تقم
عقل در دی فحم در دی اول
بوجمین ضایع ایدم نیده یم
انقب و اولیا کوند دی اول
نفسه ایدم کیمدم بن یولنه
لطف جوقدر قولره لطفی عماد
کر جهان خلقنه غفران ایلنه

اول هواده مرغ جان بی پروبال
بوقفده دلت و سرگردان بن
نه حقیقه حق نه اوله جسم بلورم
بیلر کم کتم اولیسیر عالم عجب
بوقفصدن بوقوشی آزادیده
عبلان قدسه دسار ایده
آنده دخی هم حجم اودندن اول
یور می قاره وارسایم حضرت
حقه لایق عفو ایدوب غفران اول
عدل ایدر سه نیجه ایده یم لایقم
سمع ویردی ذوق ویردی پیش اول
نه یوز اید بن اکا یاواره یم
راه حق نیجه در کوستردی اول
بر ایشم یوق ایوته باکبه یولنه
ایدم بن قولده اکه عثماد
بحر جودندن نه نقصان ایلنه

نثر الهی بزم حاجده کیمیکم یوق سکت رحمته الهی
برم کنا پده کیمیکم یوق سکت مفسرته الهی تقوی توسنی
آخر عمره زادایت الهی بر می غوث عصه لرندن ارادایت الهی
بوز بیک بزم کبی به رحمت ایچندن نه ک کبلور الهی جمیع عالمه
غدا بایچندن سکا نولور الهی عاصم بیکه معصیت ایدر دیکت

مغفرتک بیلدر ملک ایچوندز الهی قولدرکه کناه ایدر دیکک فصلک
 کوستر ملک ایچوندز الهی صریحه صنوب بتون المیحه استادق تو بوز
 بر قانیوب بوز المیحه عمارت اولوب یا بیلدر صید دایمه دوستوب
 قونیمجه صبادقنی ایچماز آدم معصیت ایدوب باشلا نیمجه سلطان
 اکن یخمنز الهی ازل سحر کاهنده زهنوز خواب عدمن باش
 قالدیر معدن زه لطف ایدوب خطاب ایدر دک که یا عبادی دوجو
 باغچه سنده هونوز نهال ضعیفمنز لهور بولدن بزم ایچون ایشیه
 عتاب ایدوب ایدر دک که ان عبادی الهی برفعه مکالمه ایدوب
 احر و نهی دو عدد وعید ایدر دک هونوز عالم اولدن الهی بزمه
 ملاطفه ایدوب خطاب و عتاب ایدر دک هونوز آدم بار اولدن الهی
 بزم ایچون ملائکه اینه مباحه ایدر دک بزم خبر فریوق ایکن الهی
 بزم طمردن بری ایسته سینده جوابو دیر دک بزم اثر فریوق ایکن
 الهی مغفرتک خود بر صفتد اکا اثر و جوش کرک عاصیدر اولسه
 اثر می کیمده بلور دی الهی رحمتک خود بر دگر دور اکا جنبش و خروش
 کرک کناه کار بر اولسه زه یه طاهر و کسبلور دی الهی ازل
 قسمتنده چون ملائکه طاعت نصیلت و انبیه طاعت سبابت
 و زباده شرف عبادت و بر دیکک وقت عاصیدر نصیبتی دخی
 غفر اکلدن ایدرک ابد غمتنده دخی هر طائفه به عملک خردنینه
 و عبادتک اجر پی و بر دیکک وقت کناه کار قولدریک دخی ککن
 اینه الهی سکن عطا ک موهوبدر مکتوب و کل الهی سکن رحمتک
 عنایه داردور عبادته و کل الهی متقی قولدرکه جنت وعده ایدوب

بورد که که ملک انچه الهی نورت من عبادنا من کان نقی عاصیدی
 دخی نومید اینم یوب بورد دور رسک که لانتقلوا من رحمہ اسد
 ان اسد بغض الذنوب جمیعا لکی بزی طاعتک حریم یله اما عباد
 کلی کا دیرم الهی بزی عبادتہ قوی یله اما توکل بزدن آیرمه **بیات**

بیل توکل مؤمنه عالی مقام	بیس توکل دامن طوفان مدام
کوزله دایم ایست تدبیر یله	سن کوزت تدبیر کی تقدیر یله
اختیار کی کریمه کیم ترک انچه سن	لیک کوروب آنی آنده فایده سن
کیجه کوندوز سن غم فردایی تو	ایرته نه یریم دیو سودایی تو
کون بوکوند بیلور بیک سن خبر	ایرته ایچون یمه سن خون جگر
ایرته کی زلفک قوس تنوشتی	شده دی ویرن ایرته ده دور آنی
بارینی قوسن مکر یاریکی کون	دون دیمه الا مکر کیم دوکی کون
وشتکی کور صوفی ابن الوقت اولو	حاله بافضل بوقه خاک فوت اولو
سول که بوق سودا در فوغل آنی	هر ایشکده بیل صفت تقدیر ینی
هر مقامده بر توکل بولنور	هر برینک اکا کوره امانی اولو
هر بریسی اهلنه بر سر نه	اول مضاعفه اکا اولو مضاعفه
اول مضاعدن کیجاک اول آنی	اول توکل اکا ادنی کورینو
سول توکل کیم بزه غایت کلور	آنی بولمن بر اولو حالت کلور
سول کیشی کیم بولدی اول جی بیز	اول اکا نسبت اولو سرک یضین

ابن ادیم کیدر ایکن سیرده
 امتحان ابدوب دیرای کیشیه
 کوردی بر ارباد تور درده
 نیره دندر بونده س که خواب خورد

ویدی راجب با که صور مقد خطا
 بنده اولان بر بنده فرمان اولو
 نیجه بر غافلست ای غفلت اری
 از دیون رزق کسکا بیل نیسور
 رزق ایچون بیل سعی نادر تقدیر
 بیست بیل اولسه ک نیاده سن
 غیره فالور هر نه جمع اندکسه کنج
 طوتم لم دنیا پس سلطان شاه
 شاه اولور نه ایلدی سن نه ایلک
 از قورلیک از کوره سگ سن شاه
 چند تیغیل سن یوگک یینیلدیک
 بول اوز و نذر یوک آغود بیل اول
 اوش قفا که کله ی سبلا اعل
 شول که نفه بونده غایت خوش
 مسک ایچینه کرتک جا اولور
 مسکی جانه سور که تن دا کول نرا
 لیک نامی سن لاندن صافیل
 ذکر اودر کیم سن کوکلدن ایلک
 کوکلک ایچی طوبطولو ایلک
 ذکر کیم ویده ایلک بر قلع
 ذکر خطا هر سره کلخن اولور

وار خدایه صور که رزق ویرن خدا
 رزقی بیلر صاحبی فنده بولور
 وار قوغل بو غصه آب و کلکی
 ابرو کج بر کون اصل ده ایرشور
 دنیا ناک صوکی لشیما نقد
 آخنده بر نفس فالور همان
 سن جابنده کور رسک دیورنج
 یویدی اقلیم سنک مادر شاه
 غایتی سن ده قوبون کیده
 چوق قورلیک چوق کوره سگ سن
 بول اریک غافل اولم بولک
 وار حساب ایت باری یوگک کورین
 ارض ننده سن قویج اعل
 کور ایچینه اول کاک آتش اولور
 کور ده کندی ایلک سید اولور
 مسک اولور بیل نام یاک اول خدا
 اسد آدینی زبانه صافیل
 جان و دلدن حق سن ذکر ایلک
 روز و شب ایچینه دود آه اولم
 وار توجه دلدن ایلک سن حق
 هر بله اوزره کل و سوسن اولور

ذکر باطن بر تو نور خدا
 ذکر دائم عادت کاری کرک
 آدمک آدمکی اندیشه سے
 سربست سکه در ناخوش کوار
 نف باطل دائم شیرین کام
 بیل که دنیا دستمندر رهزنک
 آذن او کدین کیم قبه خائیک خراب
 روحک بچون دار بارقه خائین
 خاکه بادی آه آتش غالب است
 بوجها ندن کیستکی سن پادشاه
 کیم ادب و عدل قورخاز اول جاہلدر
 طرنا عکدن بار معکدن جکیلو
 جیقہ بغدن صکاره دخی حالنی
 بر غریب افتاده فالور یا کنز
 کیم اولار آندہ اکا دسترس
 خویشت ذکر دوستک دوارک کلو
 هیچ برندن سکا ایرغر برعد
 نامکر اول بادشاہ بی نشان
 اول دم ابد سکا الهام صواب
 پس فاله سکت سن وایتد جگت عمل
 کر سکا اول روضہ بر بوستان اول

ذکر باطن سنی ایدرسندن جا
 ذکر حق اندیشه و بارهای کرک
 پیچید استخوان در پشه سی
 باطل اولسه کام نفس زکار
 آجی کلور سوبلر حق کلام
 دبره کی صافین اکاسن کر دینک
 چار عنصر خاک دمار و باد آب
 ال جیقہ ربیعہ دن دیرانه دن
 کرم اولوبن حق عیلاہ او جیکت
 سن جها ندن کو کلکی آزاد قیل
 جان بدندن کیمسی مکلدر
 جیقہ سی جاکت بدندن کوچ اولور
 حق بیور انجی نولور احوالنی
 بر یوله کیدر که یوقدر قولور دوز
 هیچ کیمه اولر اکا نفیس
 کورک اوزره بر دم اول کران
 کویا یچند سن گرفتار لحد
 لطف ایدوب ایدہ عنایت اول
 تافرستہ دبره سکت سن جواب
 با فرج اوله ندیمک یا وحل
 جمد ایست بس سکت آسان اوله

نایاب است اوله سن زب و زمین
 راحت و دوق و حضور اید ایدین
 کر اوله کورک سکت بر بیت مار
 حشره و کین سن اوله سکت زار زار
 بالهی سن بزه احسان قیل
 بوک دمنده ایشمه آسان قیل
 عاقبت خیرین مقد قیل بزه
 هم پیری سن مبدیل قیل بزه
 سندن آرتق شیمه فریونی آله
 سن کردن لطفه قیلل نگاه
 تو لورک ایچنده بر بیچاره بیم
 ای کوکل حال سندن اولان باخبر
 قلب قلب دیر سکت انی کسیریت
 عوناک اولانسه بزه کرد سکتیر
 عون سندن لطف سندن انجا
 قول سکتیر صافا غل سن ای خدا
 بر ایچنده مار و عقرب بری بیر
 شکل اولت ایشیم بدیلریت
 قول سکتیر صافا غل سن ای خدا

نشر الهی بری نادانقدن و نادانقدن صافلا الهی بری ایتقله
 و از غنیدون صافلا الهی بری ایه باب قلوب ایه انیس لیت
 الهی بری کوکل ار بریه بیس لیت الهی بریم محبتی خوان دین ایه لیت
 الهی بریم مصاحبیمز ای اصحاب یقین ایه لیت الهی جیاتمزدن قالانی
 خدمت کرده صرف لیت الهی عمر فرک بقیه سنی انر کله خرج ایت
 دنیا مصاحبدی بله الفتیمزی سن کیدر دونه سبلی ایچمزدن حیات
 هر نه مقدار که جلد حقیر دست مال هر دون و پای کوب هر زبون ایت
 مجاورت مصحف کریم و مصاحب کتاب قدیم اید مقبل شفاء ساهان
 و مجمل جمله عالمیان اولور و هر نه مقدار که انش صفا و در و سنلکله
 معروف و حدت و تیز لکله موصوف ایت جون خاکستره مفارن
 اوله روشنی کدورنه و حدتی جلادنه مبدل اولور کشتی به هر نه که اوله حدت

اولور واده هر نه کلورسه صاحبندن کلور یولدا سدر آدم اولغنی
 ایزدن ایشدیرکیشی به درلوا ایش ایدن حقه طالب دلان اینه
 قاشیق کرک آتی ایتین آنک اینه لکشم کرک یولداش
 یولداشه آره اولور بری دوشرسه بری قالدیر برینک همتی
 برنی ادا ایدر برینک دعا سندن بری استمد ایدر دعا که
 ایزدن دلدن اوله همت که غیری کوکلدن اوله تاثیرتی با ده بورد
 و جانی آتق کورسکورد الهی بوضیف دل خسته به کرکدن غایت
 ایت جمیع سکت خاکباییم و اول اشیک ادنی کداسیم بوسه به
 انجون خلقه دیریم و بونضر عانی انجون ایه بلیدیریم که ناکا غریق
 اینه طوش کله و بر اغنی قوتویه سس کله نظر ایدوب همت این
 اسرکوب همت ایده چون بزدن دعا دیمش ایده لم چون فاخته طلب
 ایتش اوتویه لم دوب خلاصه حقندن دعا دور و سندن بوفیق انجون
 استدعا ایده او مارم که مقبول اده امیدم اول که قبول اده حق
 قوتلری جواد اولور ویر و کلرجه شاد اولور رحمت بانی سدر
 ایتلر و سدری رد ایتلر هر قیودن اینه کاک کرک آنک
 لطیف سدر دهر ایشکده با و ایتن کرک آنک فیضی سدر
 الهی هد دل اهلندن شی اید و هر کوکل ایزدن براره نگاه
 دل ایدینه نفس ایزدن فریاد و کوکل یادش ایلرینه دهم سطلاند
 داد جان خانه لرینه طبعیت سخته لرینک الهی ایزدن حکایت سدر
 در روح سطلاندینه قوی حکایت جود ایزدن حکایت الهی سن بویکه
 داد می آتویره لر الهی سن ایزد که فریاد دهر ایه لر هر نه ایدر لر سکت

تدبیر کله د پرنه ایشدرسه سکت تقدیر کله الهی بطنم خراب ظاهرم
عمارت الهی بصیرتم معیوب بصرم سلامت الهی تنم صحیح جانم خسته
الهی بدتم درست و کوکلم سکت الهی بنده کجیو طر و ب نماز یوق
الهی بنده کوندوز اوروج دونلا نیاز یوق الهی بنده حج و جهاد یوق
الهی بنده آخرت یچون زاد یوق بنده شهرات حرامدن حذر یوق
بنده طاعت و عبادت نورندن امر یوق بنده صلاح سیاسی یوق بنده
اوکمن هوا سی یوق عزم آخر اوللو اولدی آخرت فکری یوق اولوم قایومه
ککلو اولدی اولوم ذکر یوق طاعت ایدرم درونده صفای یوق و در
اولوم کوکله جلا سی یوق الهی یونم قره در فایو کده الهی سوزم آساعه
حقیر کله کوکل خانه سینه اغیار قویدم غیرتک مفاظ ادم دل حدمنی
نامحرمه طوله دم حبیبکی بکله مدم شول کونک فکر ایدم که ناکاه هودج
کبرای جناب حق و فائده جبروت مالک مطلق کوکل سینه سنده جابگاه
وسینه حرم سینه بارگاه اید یوب کوکل خانه سنده غیا یکلین و صد وصفه
نامحرمی صدر نشین بوله اما حاش سکت اگر کدن که اول کونده غیرت
مستدرینه اول خانه بی ویران و حبت حامبلرینه اول حرمی تالاج و تالان
ایندیروب دل بنیاب دین یا قوب یعقوب و درون ادینی یعقوب یا قوب
اول تشنه دودینی و اول دودک نفوذینی بیک آه جگر سوزانله کوکله
حیفه سکت کوکل کنده اوکدر اغیار دن سن یاک ایدوب اریت
دل کنده حرکدر نامحرمدن سن قوروت اداسی ادینی یاک بولمیه حق
بیستهار ایدر حرم صاحب حرمینه طوار کیر بیک بوزار قورودر
اداسی طور و یکن ادینی توکسور بکاک دلاز خانه صاحبی وار ایکن

۷۳
 او غریب آریق کیستی صفت از چون کوکله اوم دیدک هوا در دزدن
 سن صافلا چون قبی و شس ایدیک شیطان مگردن سن بکله
 الهی ظا هر کعبه سن اودر دیدک ایچی طوبیست لایکن کعبه بیت اید
 دیدر دکت خاشاکه بو کوکل کعبه سی که کوکچاک اوکدر هواست برده بکایه
 صایه سکت نه که اول تجمانه اولس ظا هر کعبه سنی جیبیک صورت
 عالمی سیمه یاک و مطهر ایدیک بینه بو موت اولس کوکل کعبه سنی
 باطنی قوسیه طهر و منور اید الهی چون بوجان مرغنی قدس کلستان
 حیفار و بغم سته سانه براندک کاه کاه طینی سیمه باری فرج
 و شادایت الهی چون بو کوکل سلطانی روح مملکتدن طوبیست
 طبیعت زندانه صاندک آفریده باری آتی بو زنداندن از ادایت
 الهی خلوت میسر اید که حضور می اوله الهی بر حضور میسر اید که نور می اوله
 الهی اوله بر انقطاع دیر که خلقتدن کعبه الهی سکه بر انقطاع دیر
 عقد دنیا جو اوله الهی کوکل باطنی سکا سن رطایه الهی لایه
 سیطاندن سن ضبط اید اگر چه اختلافده تفرقه و کثرت حق اوله
 و انقطاعده صفاء وحدت حاصل اولور اما سوبله ده دکلدر که هر اختلاف
 البسته آفت اوله و هر حصول دائم راحت اوله سول کیمینه یکده باری بند
 صفت اولور ایچی سی ده آفت اولور برنده خلق کور و بپولندن اید
 و برینک کزدوبی کور و یکده آشی دوشر چند ایدوب اوصاف حقانی
 اینک کرک دخی ایدوب اخلاقی نورانی اینک کرک تا کاه کاه
 خلفه فارسیور سه دخی کور و یکی حق اوله و دائما خلوت فالذی دخی
 قالان وجود طینی اوله نه که اسناد محقق و فاضل مدقن جامع انواع

علوم مولانا دالدار مرحوم تغذیه بفرمانه واسکنه فی اعلیٰ غرف
جنانه بر غزلت اولنده بومعنا به است و ایدر اول غزل بود که مرض
موتن در بر یکی گون او کدخده دیشدر **ابیات**

عشق پرده هفتاد و دو ملت جانشین	در میان جمع دگرت عاشقانه اهلوت
این نوا و ناله های بی نه از باد هوس	ز آتش عشق بنان در سینه دمی جوش
یعنی در هر نفس چون تب من سلا	سالها در صیل قدس همجو غم سلا
فکرت باید دارد در میانش دقتی	نقطه موهوم را هم از دپاشش ضمیمت
در درون از سوز خرمین جوشش	در طغ از فکر بیجا بیج رفس جفیت
ز دقت سر و چون کردست لای خفت	بین دیت صبحا با سده کاب شهرت
نوبت مخون بدور چند آخر شد ولی	حضر را عشق نو تار و مجشر نوبت

چون اول بهانه ایته مرحوم کات بوسه ده مبارک آوی آکلدی
و بر مناسبتیه بولتضر غنامه ده بر غزلی یارلدی جمیع حاضر اولان پائولون
دبوس له بی اوقوب و بکدنار دن مسؤل و متنی مطلوب و مستدعی
اولدر که آنک یارک و شریف ریحون که دنباده صناع اولد یعنی
اوقات شریفه سنده و ساعات لطیفه سنده علوم و علمیه نک مطالعه
چالندی و احکام شریعه نک احیاسنه در سدی اخلاص ایله در دن دل
و عایدوب فاتحه اوقبلر کیم حق تبارک و تعالی رحمته غرق و لطفه
مستغرق ایدوب غنایی کونتندن بر دره سیمه و مغفرتی در پاشدن
بر قطره سیمه سبانی عفو و تقصیر اتنی مجو ایدوب داننی جنت اعلا
جلیس و روحی ارواح علماء شریعتله امین ایله آمین یارب العالمین
الهی بزرگه کلک کنده در دره بشلایلم اول آه سر دره اه که

دلن کلمه اول آه صادق اول و ناله که جگر دن قویمیه اول ناله
عاشق اول آه که صادق اولیه بی درد اولور و ناله که بی درد اولور

ابیات

سر اولور

درد در دین اگر بوله دلک
دو جهان دن بک اوسیر حاصلک
درد دینی در مان کبیبت نوشن
اوله کور درد اید بهوش سن
جهد اید کور درد اوله بنده
تا سکا آخر بودرد اوله ندیم
درد اید زنده اوله سگ پیر
همه مک ده کورده درد اوله بس
درد عشقن کیم بوله نیک اختر اول
مستانه کیمبی ای کبر اول

ماید شادی عالم دردی
داروی درمان آدم دردید
درد اندوه محبوب ای سیر
بک دو عالم لذتدن سرسبز

ایر که

درد اکا دیر که جانی باندیر
آتش اولدر که جانی باندیر
درد صامه انی کیم بر شوق اولور
درد اکا دیر که در و نده ذوق اولور
شوق کیم ادمه اولور برق دار
درد اید بیکم انک بیک فرقی دار

نشر هله نیکه لم بزه دوش اغلا مقدر
یا لان کر حاجت
ایکله مکدر بیورن یا لاندر
اما نیجه اید لم هله یا لان
دخی برار

اغلا یلم امیدور که اول چاره کور
بر چاره اید سید بو یایی
احلاصه قطره اید اندی کن قول
اکی بکلنه قلغن اولور مولی

دائم بنده سی عینه باقغن اولور
هر نه سی وایه کند و نکر کسبک
کد بک انکدر دیکسه کسبک
قویوب تمام ایدردی ایسته برکن

دیکله تمام ایدردی چون بوینه
دیده دی دیک انک بنده لم
هر نیجه بیورسه ایدله اید لم
نه بونده ارادت اید کلک که کینه بوندن

اختیار الیه کیده رز همین بزه واجب اول که الدن هکله کجه بویه یعنی
ایده لم تبتی انک ادا تته و اگر در قبول درد عنایتنه و اگر در
اگر نقصا غیر تمام طومار سه فصلدر نه وید لم و اگر فصلدر کوره فینه

کته عدلدر نیجه ایده لم ابیات

بزه لازم خفا و ایجاب در	هر نه در سه افتباد ایجاب در
قبیلن بز بیلر ز کندی بلیور	قول آنکدر نیجه ویریه قبول
بونده دخی اده دخی قولو بز	هر نه اوله بویه غنه قائلر
مکات کند و مکات تصرف کند و مکات	مادت ه مطلق اول جمله انک
چون عددن بزه اول در دخی	بر لکن بیلدر و بایدر دی سجود
شکر بچی بونک قان ایدک که بز	دخی آدن سه لر استیاز
بزه دوشن اولدر در دیماه و ز	لطف آنکدر جمله اکا قویه و ز
لطف اعلی عاوتن ترک ایملر	بودر ایملک ایدن بویه قومه
اول کریمدرینه اول اکرام ایدر	بونده کی انصافی اول تمام ایدر

نشر همان بزه لازم اولان اولدر که اوجمز قوماه و ز شوکه
انک کردر اکا اعمار لایه و ز بزه بوعث بیلر که انک قولی اوله و ز
قولو غون بر خد متعده طوره و ز قول اولان قولو غنه طویق کرک
جنت و جسم دمک کرک جنت پسندک اکثری خدمت
ایستمر خانق ایستر و بهشت طلب ایدرک جوخی قولقدن ناجو
سلطان ایستر لغو ذاباید آدن که قول قاجه قولقدن مازکه
ممکن ممکن اوله ممکن دکل که قولغی کبیده فقر ممکنه لازمدر جنت
ممنونه و امدر کشتی جنبه کمر سکه نولور اسکی قولدرینه قول اولور کدکد لغنی

بیک کک قول خدمتده طویق کک بی دل جبت اومارسه
 نوله برککلو خدمتیدر وکوکل جبتدن قیاسه نه وار بر منظر
 سلوتیدر اگرچه ایکسی دخی اوابه دهر برسی قولوغیه هر یکی خدمت
 بر اولمز دهر یکی مرتبه برابر اولمز جمدن که عارف احراز ایدر بونی نیت
 ایدر دودرخدن که عارف اجتناب ایدر بونی قصد ایدر که بر آخر توکل
 کیم ملا اکبات قبله و بدن ضعیفده ناکاه باشه لمبه و هم شریک
 عذاب سد شدن نفس انجور سن ناکاه قولی ایدر کن مولی سکا
 که جنیه بد سوزدن بو اکلامنه کیم قیا منده تکلیف اولور بلکه
 بونده کی تکلیف حکمیده که آنده ده سو یور بونده کی اعمال
 نتایجیدر آنده ده ظاهرا اولور و بونده کی افکار صوریه بیا تدر
 بر بر کونیکور بونده کی دوست تعبیردیکه کلمه کک و دنیا واقعه کک
 تا و بیدر اولسه کک اگرچه آنده یکی تکلیف اولمز ولی تکلیف نایزن
 قوتی حق حضرتک حسن و بدله دادل جنابک صدق عهدیه اعمال
 حسنه کک تا و بی البسته کو کک اولسه کک و اعمال نتیجه کک
 بجز که نوله کک مشیت الله در و اختیار بدنده در
 دیکه دیکه عدل ایدوب جزا ایدر و دیکه دیکه فضل ایدوب عطا ایدر
 هر نه بلوکن نصیب ایدر سه تقدیر اکندر و هر نه جماعتدن قیوکر
 تدبیر اکندر لطفندن ایدر اولدیریم خیرین مقدیه قبله و کرمندن اولدیر
 اولدیریم پسیرین میسر قبله کتا هر مزون کجه لطف عمیمی ایدر جزایم
 عفو ایدر خلق کریمیده این یارب العالمین الاهی بیوم عاقبه دنیا
 دار سرور و کل الاهی بیوم عاقبه جهان جای حضور و کل بدن بندی

طور دتجه جان قوسى طيسر تن توى قوندتج دل مرغى سيلکين
 هرکيم دنيا کنت زارنده اخلق کخن اکامى بي را خلق کنويسر
 هرکيم کوکل باغنه آرام آغا جن دیکدى بي را خلق بتويسر هر فضل
 غم ايريتور دهرمختن محنت يفتور هر غمناک دلى اولور دهرمخت
 دلى اولور هر را حکمت آفنى اولور هر بلا ناک رضى اولور صد
 اوکولر پنج اولور علم توکمر کنج اولور جاه جاه بلا اولور وقضا
 خود بر قضا اولور تدريس تبليس اولور وريالى سنج ايس اولور
 پيرى که خود يرست اولور برابر بت يرست اولور واصل درلن ناگام
 اولور تام کوزدن بدنام اولور عابد درلن بي طاعت اولور زاهد
 درلن بي عبادت اولور جود سعادتمند زودبا نيز و سجا عت سبادتمند
 با سبابتد کبر صاجنى خور ايدر دکنده بي کورک کشتى کور ايدر
 فراغت درونه حضور ويرر دبشت يوزه نور ويرر تواضع غنى
 موجبدر دودلت محبتى مستوجب اولور وصول همته کوره اولور
 وسعى غيرته کوره اولور تصوير بين بيلن سودمند اولور دکنده بي اوکن
 نامرد اولور سهونه يلن جوان اولور و غصبه و يان شيطان اولور
 جملى اولان مرده اولور عشقى اولان زنده اولور خود راى اولان
 طاعنى اولغن اولور دکنده فکرينه اديانک اليتى اوکفن اولور
 اولولق حسن خلفه بولور دحق دحقى صفای خلفه بولور حق شين
 توکلده اولور و تن بيلن اکلهده اولور حسن صوتيه اولور سیرت
 کرک خلق اوکر نمکله اولور طبعيت کرک آدمک ايجى طيسى باک
 کرک و حقدن غيريدن بي باک کرک سول دل که صفا ايسر

تصافیه رضا در مک کرک رسول جان که خدا ایتر کوکله
جدا ویر مک کرک طریقت ایله اول شریعت کرک و حقیقت
ایستینه اولدن طریقت کرک بوله کیدنه اوز کرک حتی ایستینه
فلادور کرک سلوک ارش دسراویر و ارش دانقیا دسراویر
ار دنده اخلاص کرک و عریده اخلاص کرک انکاری غایت ایست
نوم اولور و انکاری خوی بدن محرم اولور کاذبک وعدی اولور
دلوک عهدی اولور بی ادب دلوک اولور و طوع غی سوز طاعت اولور
صودک راحتی اولور و یول اربک استراحتی اولور ایمان اولور
عطا اولور و غرور و ن بویک خطا اولور فکر دن یک هدم اولور
و عقیدن اولور که محرم اولور توبه دن یک عبادت اولور و رضای
کوچک طاعت اولور طمع اهل ذلیل اولور دنیا دن کین قبل
اولور عیبه جالینک کرک لوسی فوت اولور و عقیده طویمیا نیک
منهیی موت اولور حریص محرم اولور و عام مدوم اولور فضل
حبس در نب دخی زیور اولور ابراهیم اول نیک که آتاسی آرزو
احمق فکر می دینده اولور عاقلک لسانی الله اولور سکران نعمتی
صید ایدر و کفران یولنی سید ایدر همد بلا ده که صبر اوله اول صفیه
دور و هر صفاده که غرور اوله اول صفیه دور الهی هست دمی
یا دیکه اوله غرور اولور و هر غمده که یادک فیق اوله اول سرور اولور
و هر دردنده که دردک اوله اول راحته در و هر کوکله که غمک اوله
اول محسنه اولور هر دله که سوخت اوله و ذوقی بودر دل و کل سخته
فرقی بودر الهی نیجه ایدیم که وطن هو اسی روحی طبقات علیه یکیریه

صورت رنج بریده هیولا در کلمات سجینه صوفار و اگر هدایت بدرقه سی
 سعادت برانیده طریق حقه دلالت ایدرسه یواش بیانی سنهوات
 آفریده راه نفس ضلالت ایدر الهی بویسته دلی هوا بندن قوراره
 سنگ بنده قبل الهی بوستنه کوکلمی نفس عهد سندن خلار
 ایدوب سنگ عهد کد قبل الهی ذکر کله الفت دیر الهی فکر کله وحدت
 دیر الهی ایمان شمعنی کوکل خانه سنده نا ابد یابنده ایت الهی
 توحید کوشینی وجود فر ملک مدن هر دم تا بنده ایت الهی
 ذکر نوریه بو قرانقده قلمش کوکله شوق دیر الهی توحید سرینی اکلامه
 در و نمره ووق دیر ذکر همین و پله دیکات وکلدر و توحید نور و لفظه
 سولیک وکلدر ذکر ایدن امان سرینی بیگات کرک نفی دانات
 نذر آکلامق کرک

ابیات

نهی ایت اثبات هر موجودی سن	نا بوله ساک هپتی معبودی سن
هر که حصدن غیر می مقصود کدر	تیغ لای جاک که معبود کدر
لا شهنک قلم و حد تد	لا کلنک خانه کثرت در
لا قلا ووز در فنا تسلیمه	لا دلیل اولور حقیقت اینه
صیقل مرأة ایمان لادر	حجبر فحاش سلطان لادر
لا در جادش سلطان جود	کیم بولنده اول نور غیره جود
لا جو پاره وحدته الا اولور	یعنی آنده بر الف بید اولور
لام لادر چون آرا ده ترجمان	ترک ایت آئی کیم الف که همان
طور و یغنج بیل آرا ده ترجمان	مکمل اولور ادله مقصودک عیان
سو کله الامت اوکنده لاسی	بو جهان کثرتک غوغاسی

و فر کردن لا و الای کسدر
 جده است کیم فالیه سندن نشانی
 حق فالد آتی اگر حذف ایده
 کرجه کیم حرف الف بر حرف اول
 نقش بر در ادومه سی سنده
 آره دن نامی اگر جده ایده
 کیم نظم قبله الی نقش بیده
 کر آجیور سه سکا سر قدم
 نفی و اثبات هم کر که اهلینه
نشر اما صافین ای عزیز بونک کبی سوز لر دن پاکش اکلام
 دبوصل الفاطن بر در لوفهم ائمه در دیشم دپلزدن بنم کبی سوز
 جوق اولور و حاشقو آغزندن بوجش کلمات سولفور اگر چه بوسوز
 بزم حاضر دکلور دبوکلمات بزم فله دکلور اما الله عنا بقیه علم شریعت
 قوسید سول قدر فهم اولور که معناسی دل دکلور که قاصد اکلام
 و حاد اول دکلور مخلص فهم ائمه بر بنده طالب مولای غالب اولم
 واجب ممکن و ممکن واجب اولم خاشاکه بر ممکن اسد اوله و شاکه
 بونی اهل دبه حق بر موجوده بیده در اما علوی یوق و کوکل الیه
 خاندیدر اما زولی یوق سکا سندن یقیندر اما کمانده دکل
 هم اول هم آخورد اما زمانده دکل هر کجه سماء دنیا به اینر
 اما بزم اکلام دفسر زول دکل و اهل دله بولیسور لکن بزم فهم
 اینکیز وصول دکل نزول که بی تغییر حال اولور آتی عقل ایدیه یک حال اولور

وصول که آنده انتقال اولور آنی اکلامه مجال اولور برزول که
 حله عتدن نهان اوله اهل عقل آنی پلر نه زبان اوله
 بر دصول که سری کرو بپوذن غیب اوله عقل آنی اکلامه نه عیب اوله
 عملک ردائره سی دار آتک ایچیدن چقار و ککرت بر میدانی وار
 اذن طله کیده عز عقله حق بهن جراع ایله انقب آزار
 ککرت بیکت دینه بیدرزه ماهتاب آزار در و بکرت بشقعه بری
 اولور آتک ایچون سوزلرینک مشکلی اولور ککرت که بصیرت کونی ایله
 که حق نورید حق سجدیه رزم کسبیده همین آنکرت سوزلری قبول ایدوب
 ایاغمن ککرت دینه مراد لری آتزه قومن ککرت دلوکا اعتقاد ایلک ککرت
 بنده هر نه قدر جدا ایدر سه دلی اولور آله اولور بیاده هر نه قدر سعی ایدر سه
 فرزند اولور سه اولور الفاظ لاف طامات کرا اولور سبکلی
 نه یکم بوج سطح اولور انا الحق سبحانی سر ربوبیت بر سر دکه کمل دخی ایلک
 کهنه ایتمز و حضرت وجود بر حضرت که انبیا دخی ایلک حقیقته نشین
 علم زیاده اولد قجه حیرت آزار و حیرت زیاده اولد قجه هست آزار
 آنکوندر که اول حرف لم سید انبیا دأما دعا سنده دیرایوی که زدی
 نجهرا وز عره کل عایین عقائد عجائز اوزرینه یوز دیو انصاف ایدر
 آخر سوک شوبه بیکه همین اوله دایر عقائد همان بیدر که در که عبانله
 اولور غایبی علم انسانی ایکن ربانی اولور و وجود کونی ایکن حقانی اولور
 هر مرتبه کند و دن اعلی مرتبه حال اولور حق روستد اما بر کوی عز
 دوست بر عله در اما بر پلر هر برده اول بیدار برده نظریوق
 هر موجوده اول آشکارا در برده بصریوق معنوق هر نه قدر عیان اولور

عاشق کوزی دخی گران کرک محبوب هر نه قدر جذبه ایدر سه بوجانبد
 دخی میلان کرک مقصود حاضر همین قاصد جا ناک کرک مطلوب
 مهیا همین طالب جست ناک کرک محبوب بیداهین محب موافق کرک
 معترف هویدا همین عاشق صادق کرک الهی هر برده سن مطلوب است
 همین ناظر کرک و هر صورتده سن کوزیکور است همین باصر کرک **بایات**
 ای در بیا کیم ده بوق هیچ پند دیده لر کور جهان پر آفتاب
 عقل فلک دانه هیچ راهی بونی کنه و مفکدن آنک اکاهمی بونی
 جمله و پلک سنده اولور بی لسان انبیا خاک رنکده جان فشان
 یکی عالمده اولور است سن عیان کنه بوق عالمده هم سندن نشان
 کر عیان در لر سه سن غایت نمان کر نمان در لر سه خود است عیان
 هر جکرده در دینک براهی دار سکا هر بر ذره نیک براهی دار
 نکر نکرده عقل جان فرو تو ندر عقل جان دخی مبهوتده
نثر الهی جنت دید کلوی و صا کدر نهی غور نوان الهی
 جهنم دید کلوی فرا کدر ما عدا سی فقدان شهوات الهی و بدارک
 بیده ایمن عاشق جنتی نه ایدر الهی نظر کر بیده ایمنی کوکل اری
 جهنم ننه نهار **بیت**

هست جنت جمله حور و هم تصور خون جامک اولمیه بیده تصور
 الهی حکمت کله کرچه هر نمنه به سبب تو دوک اما قدر نکه اسباب دلائل
 کر کر الهی نه بر کله کرچه هر موجودی بر علت ربط ایدرک اما تغیر بکه
 و غایب کر کر میلان کرچه صوبک طبع بند ارادت اولدی موسی
 برات رنکه طوع غور دی ندرج کرچه پیشکر عادتیدر عیان نیک ایدر

مریم بر ساعده ارکوردی الهی یقین نانی کرچه سنی سو مکدر
 اما علمانی هت ملکن بکلدر عاشق نانی کرچه مدام ایچکدر لکن نهایت
 متلکن بکلدر الهی بیوم عاشق اولان همت نسبت اولان کرک
 دوستن دعوا سن ایدن خود برست اولان کرک الهی عتابک عقابدن
 حجابک مذنی آر تقدیر الهی عتابک بلا سندن سخطک ذنی آر تقدیر
 الهی عسره کرچه سکایار ایش ایدم اما دئم نداننده ہم الهی صفایار
 برایک قازانم اما هر ساعت جمالنده ہم الهی بنم فعله باقمه عاجز
 دسر کردئم الهی بنم علمه نظایمه که دانه و جهرئم اگر توبه اندر دخی عاشق
 توبه سی کبی سست دنا استوار و اگر عهد اندر دخی معسو قدر عهدی کبی
 ضعیف دنا یادار

ابیات

اول اولور ناجی روز قیامت بوکون ایده کناهنه ندامت
 یار یار ایشدره اول یشمان اولوب ایده نضره حقنه نهان
 کله افسانه بزار لغدن کیجه بیدار اوله اول زار لغدن
 نشر اگر دعوائی محبت ادرسم علامت قنی اگر لاف عبودیت ادرسم
 عبادت قنی اگر عشق دن دم ادرسم دم در ذنات قنی اگر سو قمر وار ادرسم
 آه سوزنات قنی اگر اوصو و عظم نجون تکریم نولوغنی صاف ایشکرم و اگر
 اینه دیون ایدم نجون دنیا ایش کذات ایشکرم اگر عالم ایدم علم کوره علم قنی
 اگر جاهل ایدم بوجده بید نبیره سعی علم قنی اگر طالب ایدم نجون حق بولنی
 جست دجوی ایشکرم و اگر فارغ ایدم نجون اول باده کشف و کوی کسرم
 اگر اهل خست ایدم خوفه نه هم قنی و اگر اهل نابت ایدم دم سرد و دل گرم
 قنی اگر در بشیره محب ایدم نجون بیدرینه بر قدم با صهارم و اگر اول طایفه

آسمانم بخون انوک سوزین کسرم الهی بلوریم معصیت بیمارینه
 کوز بایستدن بک شراب بولور عشق خسته سینه بکبر بایندن بک
 کتاب بولور الهی محبت کشته سینه برستید در که قانی بولور الهی فرقت
 سوخته سینه بر حریق در که دغان بولور الهی هر برده بیداسک همین کورچه
 کوز کرک الهی هر یوزده بیداسک همین باقه حق یوز کرک سنگه
 آشنا اولان خلا یقین تنها کرک دوسته نهان اولان عالم بایدا
 کرک الهی بونه حکمت در که نیجه لر در بایه عرف المومن کن صوصا مستدر
 و نیجه لر هنوز صو کور عدان قامت در الهی بونه قدر در که فنا بجهنده
 هلاک اولور ابدی بقا بولور یوقن المن زیاده کونر زیاده صفا بولور
 عشق زحمتی آرتد نیجه ذوق و حضور بولور محبت در دی کله کجه راحت و سرف
 بولور الهی عشق محبت در کردن بر کو هر در که دله شوق و صفا و پر الهی
 محبت حقیقت معدن دن بر جو هر در که کوکله بهجت دها و پر عشق آرایش
 جاندر عشق آرایش جهاندر عشق محبت دیک وفا در عشق حقیقه اهل صفاء
 عشق حقیقت جرحه اختلید عشق جان لشکر یک مهر بر عشق سلطان
 قاهر و پیر در که علم حکمت بر برینه و پر وجود له عدمی عشق بر بی قدر
 و شور بکیر در که قدم با صبیح نور و غوغایه بر غوغا عالمی عشق بر جو هر بکدر
 عرض صافک عشق راحت جاندر مرض صافک **اباب**

در باب جالوس اکا عرضدر ایتمه سوزینی کم اول غصه
 حدیث عشقی عاشق اکلا ر آغنی رخ عذرا بی و امان اکلا ر آغنی
 کیمک کیم کلنا دن الهی یوق کوزنده قامت سر و سیمی یوق
 بیان عشقی سن منصوره صوفی دار احوال بهشتی حور و غزل

زاده صور غزل غار و روره و ن عاشق اولانه در میخانه صور
 عند لب اولان بهلور کل حالنی بومه وارسن کوشه ویرانه صور
 عشق بر هر غدر که علامت خلق اکا مال اولور عشق بر دولت که ادبار
 دنیا اکا اقبال اولور عشق بازارنده جامه دیسای برجه بهلور عشق
 مجبزه ناموسله نمی بر جو به صبا مالر عاشق اولانر غیرت و عاری
 بر قیقلر دوست بسته بند اول و قاری بر قیقلر عاقل ایدر جبه و دستار قنی
 عاشق ایدر خانه خمار قنی عاشق و کوندن بی نیاز اولور عاشق جهان
 ایچینه سر فراز اولور عشق بر کلک بولاد در که هر وقت وارلق بناسن
 ییقلر عشق بر بنای ستاد در که دائم یوقن سر این یا یار عشق بر درد
 مادر زاد اولور عاشق ایکی جهان دن آزاد اولور نه صمدت و نه غم
 فراری اولور نه دستنده صبر نه پاینده قراری اولور عاشق همیشه بلا کشت اولور
 دائم بلا ایچینه خوش اولور عاشق هر دم سوز و شوقه اولور در عشق ایچنه
 ذوقه اولور عاشقه غذا بلا اولور عاشقه صفا جفا اولور عاشق که بونده
 مرد اولور بخنی دارد راحتی در و اولور **ابیات**

عاشق آه و زاری لار صدر در لو در لو بلا مسلا ز صدر
 رنج عاشق که یوقن شماری انات یوقدر آندزه خستباری انات
 اختیار اختیار مجبوی هر نه بی اول و طرسه مطلوبی
 طالب اولور فنا به اول متنا تا که کورمه اول ملای فراق
 جان عاشق لباط مهره عشق شهر بند مرا دسهره عشق
نثر آتش ظاهر سوزنده بر دهن اولور آتش عشق سوزنده
 در دهن اولور عشق کرچه هر سوز اولور ولی سینه ایچنه نور افز اولور

دل اهلک کار می عشق اولور بول ارلرینک شعاری عشق اولور عت عشق
حکمی نه یسب و دین اولور عاشقده محبت قانون و آیین اولور عشق اهل
لدنی ناکاملقده بولور بر عاشق اولور عزتی بد ناملقده بولور

وصف معشوق عز و جباری وصف عاشق مذلت و خوار می
کاری آنک غنچه کرشمه و ناز بونده در سوز و استیاق و نیاز
برینک وصفی آخره مربوط برینک حالی بیر بره مشروط
ناز هر دم نیاز ایلدولور سوز هر دمده ساز ایلدولور
بری کس اولمیه فقیر و حقیر اولور اول بیرسی عشق و امیر
بری اولمیه چون عزیز و بلند اول پیری اولمیه ذلیل و ترند
عشق اولور بونک اکار ابله سی عشق اولور بر برینه واسطه سی
هر طرفده اگر ادله جنبش اکساک اولمیه بر طرفه کشش
بر طرف کر اوله تمام و درست بر طرف دخی هر کر اولمیه
بر طرف کر اولیه صادق اولور بر طرفه اکا موافق اولور
عشق و بازی و فانه و کلدر عشق اهل قولایه و کلدر عشق
اولمیان کو کلده لذت اولور عشق اولمیان باشد دولت اولور عشق
چشمه سینه ابرمین اب حیات مذ بر سطر عشق فاقه قونمیان سیمغ غنچه
اکلاماز هر دل که عشق بازی با طنده مات اولور قیم عالم اولوب

ابدی حیات بولور **ابیات**

دل که بوی عشق دل بی نیک اولور اهل دل فاسده اولر سنک اولور
دل باغنه که عشق کلی اولور بر برمه بکوز که آنک علی اولور دل تاب خانه که
عشق شمع یاغنیه بر خانه تاریکه دوز که جرحی اویاغنیه **ابیات**

عشق یخیزد اولور عجب الطوار	کاه اقبال اولور دکاه ادمار
کاه اولور درده کاه اولور	کاه اولور نقص ایدوب زوالده
بیگ بو ابدای حال اولور	عشق تام ایدوبه بو محال اولور
عشق اری ابداده خام اولور	در عشق ایدوبه نامقام اولور
اکلاخ دوستک کالنی اولور	ضبط ایده فرهنوز حالنی اولور
هر اکا بکره بن نگاری کورور	کندویه ابی غلکار لو پدنور

نتکم قده جهان مجنون	ارنار ایکن محبتی دون وکون
جایجا طور موب کر دی حلام	ناکهان بر غزال اولادی دام
کلدی در حال تو پور دی آنی	حومت ایدی دادلو کور دی آنی
در کوزی صانکه چشم یارور	کردنی کردن نگار در
دجھی یوق کیم اکا جفا ایده	واجب اول کیم اتی رها ایده
عشق ارینه اولور بو حالند	سبی نابغوغ غایت در
مرد چون یخته اوله اول شنه	هیج غیری کور نمیه کوزینه
سبه ایتاقی آنده دور اولور	بلکه اذنداده غمیور اولور
کور فر اولور اوبرا حده حال	دلبدینه اوله لطف پرمثال
ایستی قلمز جهانده کیم اینه	الا اول که اکا نسبتی به
مکلا یاسبان هندی سی	یا خوشک ره و سگ کوسی
یا خوش زلف و عذار و خط و خدی	یا خوش چشم و دیاں و سر و خدی
چونکه عشق آخرا اوله بوله کمال	طوریه عشق ارنده وخی بو حال
دوستدن غیر لسی کور فر اولور	دوستک ایدنی ده سیز اولور

طالب عین اتحاد اولور سائک راه انفراد اولور
 زلف ورخ فکری کورت و آرد برده اولور اکا حجاب بدن
نثر عشق عالی قصه و حکایت اولور عشق بازاری حدیث و روایت
 اولور عالم عشق عالم دیگر بایه عشق آذن بلندتر در هر ممکن
 اکا منزل اولور و یا انک مکانی بر آدج کل اولور عشق بر مقام وحدت
 جذبہ سی جذبہ نور بندر عشق خلق کوزنده دیوانه لکدر عشق کنی
 وجودینه بیکانه لکدر

ابیات

عشق که اولمیه بکلی رام کیتیم آذن تعلقات تمام
 نفس خطن اگر که ایستیه اول وصل باره تمام بولمیه یول
 بیکمه دانندن اول جز اولور خلعت عشق اکا سزا اولور
 کند و دن یکیمه منخلع اولور آندہ بیبل عشق منطبع اولور
نثر عشق ازل قد حذن بیوستلقد عشق ایکی عالمی فراموشلقد
 مرکب عشق قوی پتیز اولور هر زمان اکا منزل نو اولور هر کجک عشق
 همعتمان اولور منزلی آنک اول جهان اولور دل عشقک سوخته
 درینه سپدر کوکل محبت بند کینه سپدر

ابیات

محبت جانی جان عاشقا نذر اول آرام روان عاشقا نذر
 محبت شمع ایدان کوکلدر محبت کینج ویران کوکلدر
 محبت اختر برج کوکلدر محبت کوه و درج کوکلدر
 محبت جوهر دریای جاندر قبا ی نازک بالای جاندر
 سوکیم جام محبت دین ایدر ایدر دنیا و عصای خراموش
 کوکل کیم عشقه اول آسناد اکا اول بخشش لطف خداد

محبتدن مورد رسد کز نسیان
 محبتده بونی بیکل عیان سن
 که اول مرتبه بو آند ناجر
 دلندن آثار اول غیاری کبار
 در و ننده بولور محبوب آنجن
 قشده اول اولور مطلوب آنجن
 اگر کله اکا محبوب دیگر
 دلارا دلطف و خوب منظر
 مفید اولیوب با قمار یورینه
 آتی صلا کتور غز اول کورینه
 دیدی ملک اولور لر اهل اخلاص
 محبت کاه عام اولور کهی خاص
 کهی جان طالب اولور نور ذراته
 کهی دل میل ایدر وجه صفاته
 ویندر اولنه عام بیکل
 محبت چونکم اوله اول عامی
 ولیکن اول قدح کز حاصل اول
 می خمخانه اخلاص دلیل
 می بی سیکه صاف اولر عامی
 کیمکه اول قدحدن بیوش اولور
 جانی جانان اینه خوش اولور
 عقل اول را به کیر غز و فکر اول پوره به اوغرا مار عقل معرفتک امید
 عشق یقینک هاستیدر عقل بر نکدر که آنده بوی سوادلر عشق بر بویده
 آنده رنگدن اثر اولر عقل بر شک معرفتد که مکی یوق عشق بر شک
 حقیقتد که سکی یوق عقل بر مر غدر هوا پوزنده عشق بر هوا در مرغ
 ایچینه مرغ هوا ده نظاره لک ایدر هوا مرغده آواره لک ایدر
 عقل حالک حلی قیل قال به اولور عشق درونی آنکه سیکه محال اولور
 عقل ایشری بی سندا اولر عشق حدیثی سندا اولر عشقه حسن
 آره سنده یقین دارانی و ابدی که اول تعلقه یقین اولر سکی و بدی
 کوز لک و چرکینک عشق بازار نعل یکسان اولور خولق و شکر
 عشق اینه سیان اولور زلف لیلی ده بر شکر و اکره دل مجنونک سیما

اول صفتی که افلاک و عذار عذار ده بر خط دار که جان و امعدن
 او که سی اول خطی او قور لب شیرینده بر سر دار که سینه فرهادانک
 حنه سیدر جعد ایا سده جلقه دار که دل محو آنک بسته سیدر
 عشقه حسن کرک حنه آن کرک محبوب اولانه همان آدن نسان
 کرک حسن ملاحت اولقدر صباحت اولحق دکل کوز لاک کوکل
 المقدر صورت و درک دکل صباحت همین نفس دیواره بکوز
 ملاحت پرشپوه مکاره بکوز صباحت ملاحت هیچ اولور ملاحت
 صباحت کوه کلا آلور سور اولور که ناک خوشکوار اولور شیرین اولور
 کرم و دل آزار اولور حسن بر عروس زیبا در که عشق کو میخی کیمینه بن
 آخیز حسن بکیمینه نایا یادر در که عشق کلمینه کیمینه فیوسن آخیز
 اگر بی عشق اولور رویه محبوب کمال و جمالی اولور محبوب عشق معشوق
 بر آینه اولور که صورت حسن آنده معاینه اولور معشوق دخی کندو
 جهان آنده کور اول سیدن عاشقه عاشق اولور **ایات**

نیت کیم اول شیخ عالم با یزید	نور چشم روی دم با یزید
نفل اول نور کیم دیمش اصحابه	اهل دلدن بونان حبابه
بن صانیر دم بوجیه یلدر عشقم	طالبم یاری کوکلدن صا دتم
بر عام اولدی بکا آخر عیان	عاشق و طالب اویمش بی کان
اول محب امیش بکا محبوب بن	طالب اویمش بنی مطلوب بن
اویمش جذب ایلمن بنی آکا	اویمش هم قومان بنی بکا
سول کوکل کیم عاشق اسد اوله	دل دکل اول و دجه شاد اوله
اولمیه اول کوکله هر کرک حجاب	روی معشوقی کوره اول بی نقاب

عاشق کل اولوک ای عشق جزو حسرت ایجره قالیسه مشاق جزو
 نفس جزو کر عاشق جزو ای اولو چون آنک معشوقی کله وصل اولو
 دور اولور معشوقی ولی حاصل نالو سعی ضایع جمعی باطل اولور
 کر دیر ایسه ک بوده کله وصل اولو بر بریده بس کنه وصلت بولور
 بلکه هر جزو دیده وار بر وجه حاصل اول بوز به کله بولور اختصاص
 بر برینه بس نه دن بولور حاصل اکلا فار بوسوزی الا اهل حال
 عشق بر جو هر بی مثل همت در که آنک صفتی امثال و نلغز عشق
 بر سر مخفی ناپیدا در که آنک تصویری مثال ایله کوس ترطر عاشق در که
 دلی آلتنده سوز لر ای اولور که لب اکا محرم اولور عشق اهلک سینه
 ایچدن نفی ای اولور که دم اکا همد اولور عاشق معشوق آینه
 بر کفت و کوی اولور کیم زبان حاجبدن غیری اکا تر جان اولور جان الله
 جانان آره سنده بر جبت و جوی اولور کیم کوشه جشمن اولور که اکا دیده
 اولور غمزه معشوق ایله غمزه کان عشق آره سنده بر کشته اولور کیم اگر جان
 اوله هزار راه روان طریقت قنن روان روان اوله عشق طایفه
 اولور غمزه عشق بر سر در که ایملز عاشق کیم ایله کاری اولور آینه
 عشق رنکاری اولور عشق مولاری بنده ایدر عشق سر فرار لر
 سر افکنده ایدر

روان ایدر که بر کون شام محمود رواندن آنک حق اوله خشنود
 دیدی آینه که ای محبوب دلدار جمالکله کو کل صحرا سی کلزار
 نه دندر عشق اولد قیچیه زاده تکلف هم حجاب آره آره ده
 قدیمی انبیا طی بولماز و سنگه اسکی عالی کوره باز

کجیہ کوندوز جو آرمقده محبت نیچون نقصان ایکنده اولمفت
 دیدی آیار که ای شاه جو کجیت وجود کله مشرف تا کجیت
 بن اول قول ایدم سن بکاسط نیجه قیلک اکده بنده زمان
 بوکر کبسم عشق غائب اولدی دل چاندن بو قوله رغب اولدی
 وجود می عشق ایکنده زنده اولدی دلی بن بنده سنده بنده اولدی
 جو عشق احوالز تحویل ایتدی قدیمی وضع اول تبدیل ایتدی
 بود عشقه همیشه عادت دراه که شاهی قول ایدر دولتی شاه
ن عشق اف نه دافون دکلد عشق صنعت هر دون دکلد
 هر عشق دعوا سن ایدن عاشق اولمز و هر محبت دن دم اولن صادق اولمز
 هر سرده بود اولمز و هر دست ید بیضا اولمز شکر و پیکله دیان شیرین
 اولمز خسرو و پیکله خسرو آیین اولمز هر حلقه که قولده اوله سوار اولمز و هر قل
 تمیشه بیله سوار اولمز هر مالک دینار اولان مالک دینار اولمز و هر
 سری اولان سری اولمز هر مشهور معروف اولمز و هر رفیق مألوف
 اولمز عشق برکنجدر که نیجه جاندر آنک و جندن خراب اولمدر عشق رستگار
 نیجه جگر لاک دردندن کباب اولمدر عشق برشکدر که نیجه پورکل
 اول سودا یله غرق خون اولمدر عشق برشکدر که نیجه دل اول آرزو
 تنک و مستحون اولمدر عشق بر فعل کران بجا در که آنک اوز که کانی اول
 عشق بر دریکانه در که بر درونش نی اولور جمیع مبارز لر قلب سپاه در
 عشق بر صفدر در که سپاه قبه دیر و جمیع عیار لر طلب خوانه داه
 عشق بر دلادر در که خوانه طلبه کیرور **ا ب ت**
 عشق خواص سلم در یا عشق جو یای لؤلؤ می لالا

عشق بر معادان یهود اندر که بر فراشه بیک بیان وار عشق بر بند
فصیح زباند که هر نفعه هزار دستانی وار

عشق در غم مایه سن سودا این	عشق در ویرانه دن غوغا این
عشق در خواص درمای وجود	عشق در طالع فلک بحر جود
عشق در آینه کسینی نما	عشق در اسطراب اسرار خدا
عشق در لال سحر کوی عشا	عشق در شمع همنکام جای ابتلا
عشق در پستی فکر ایده فکر کوچه	عشق در عاشق اوله غم شک و یمن
عشق در پستی دانه دانه اوله	عشق در کوکلی کوزی حقله آباد اوله
عشق در پستی عالمه سلطان اوله	عشق در صورتا کر واله و حیران اوله
عقل ایستینه جمله حکم اید تمام	عقل ایستینه بخت ایدر اوجاز اولم
عقل ایدر کل بریتان اولم	عقل ایستینه اکا کولر که نادان اولم
عقل ایدر فکر ایله ایستینه لم	عقل ایدر فکری الدن تویم
عقل ایستینه کار اولم	عقل ایستینه بازار اولم
عقل ایستینه بوله آسوده	عقل ایستینه بیکم اوله آسوده
عقل ایستینه کتخ دلق ایستینه	عقل ایستینه یادش لن ایستینه
عقل ایدر خلقه رسوائ اولم	عقل ایدر بوری خود ایمی اولم
عقل ایدر بوری سگله ایستینه	عقل ایدر خودیر سگله ایستینه
عقل ایدر بن بدن سلطانیم	عقل ایدر یکی جهانم خانیم
عقل ایدر بن جمال عالمم	عقل ایدر بن کمال آدمم
عقل ایدر بن جهانم زمینم	عقل ایدر بن دوکونم رکنیم
عقل ایدر کل بر دلوغل سنوم	عقل ایدر سن دخی بصغل دوم

عقل ایدر علم نیچون نو دیکر
عقل ایدر بن یقین دیردم حقه
عاشق اول عشقه قلم جک من
دما نیجه بو بختین بخت اولور
عقل دار لفته لولور ذوق صفا
ملک عشق اولور وراکی کائنات
شمار عشق چون شکر جگر
عشق اولور بیسته هر بولوس
طوبو عالم کره کفت دگوشی عشق
نثر الهی هر گشتی مرد عشق اولور
و دکه یرده در عشق اولور

عشق بر کیمیا در آنک معدنی لامکان اولور عشق بر جوهر در آنک
مکانی کان اولور عشق بر دور دکه دکرده بولور عشق بر اینچو دکه
هر تو لافده صالنامز عشق بر نوزور دکه کوزده کویغز عشق بر خور
هر در ونده بولور عشق بر ذوقدر آنکده بیقه بر دلی دار عشق
بر سوزدر آنکده ایمی ایل دار عشق بر جوشدر آنکده شیدالری
دار عشق بر خوشدر آنک ده در یالری وار **ابیات**

کوکل کیم شوق ایستدن بختی در
محببتن بیل انی بی انو در
بولور عشق اولکم شوقی یوقدر
نه بیور دردی اولکم ذوقی یوقدر
نه خوشدر دل کیم اوله شوقی ائم
نه خوشدر جان کیم اوله ذوقی ائم
اور واقف بوسه استیاقه
که دوشمن اوله اول بند خرافه
کل ای دل کوی عشق قدم بها
بور می بس عالم علوه علم اص

شرف عشق بر بوق صاعقه داره بگز که زده به او غار سه با قار
 عشق بایست ه قمار در که او غار دخی ملکیتی بی قار هر دکه عشقه خانه
 اوله تیر بایست نه اولور و هر کو کل که محبت مقام اوله محبت انده عدم
 اولور هر مرتبه دتوار لفته حاصل اولور هر غرت حور لفته حاصل اولور
 هر کیم عیبده عشق ندن سرمست اولور نوره بلبان اولور حمد ست اولور
 عشق مخمی کرچه دل کست زانده اکیلور و محبت نهالی اگرچه کو کل
 دیکیلور اما آب چشم نمناک و حار درون سوزناک ایلر نودنما اولور
 سینه تابدار عشق کنجیات با سبایدر دیده خونبار محبت قوس سبک
 دیده بایندر عشق مجازی اگرچه هوادان اولور ولی اول دخی جذبه
 صفادان اولور عشق مجازی الفتان اولور عشق حقیقی و حدت ان اولور
 اول سویدان اولور بو هویدان اولور آنده جهان ترک اولور بونده
 دل و جان ترک اولور آنده ریش خلق اولور بونده ریش خلق جمیع اولور
 آنده دل خویلا دفع اولور آنک نوری دود آیمز اولور بونک نوری
 سون ایلر اولور آنک مرآتده رنک اولور بونک آینه سی بی رنک
 اولور آنک آینه جسمانی اولور بونک ایکلدیسی روحانی اولور آنک
 آه در دنیا کی جگر یاقار بونک ناله سوزناکی کو کلره حقیقار اول شری
 مناع بازار اولور بو مشتری فلک دور اولور اول ای کبی نور مستعار اولور
 بو کونش کبی ضیاسی برقرار اولور دست سون آنک رقیب مهر ولی
 دست دوستی باب جانده محبوب اولور اول طبیعت قوی اولور بو حق مصل اولور
 بر حکایت کور دم آتش بر اولور جان یاکی دو جبهه آنده بختو
 کیم دار آتش بر کونل زینا لیسر شهر تبریز اکیده غایت معتبر

دیرش اکا لطف اید بن ذوالجلال
رستک سر بوستان بالاسی انک
جشم پستی فی سطر عشق
دار ایمن بر میرزاده شعی
دور اید رست کو پی هر زو رست
دیرش اکا سون عشق و سوز در
بی دل و بیچاره ایتمش عشق آبی
هر که یار می کو رست اوله بر نظر
خلق ایچینه چونکه عالی فاش اولور
بند اید لر هر یکا دن بار اولان
بعض دیر اکا کیم ای کچه جان
مرد عاشق زار اید دیر غلام یوب
مرغ جان چونکه جس دم اولور
عشق اید اولون اولر نعل روا
بعضی اید رسنی غافل قودک
اول دیر اولر چونکه یاد نسر دلم
اول که عشق بیسر اول جا ایدر
جانه دیر بیل محبت معرفت
بعضی دیر سن دخی اولر سوز
دید می کیمکه عشقه دوستی در
کیمکه عاشق اولمبه کر بیک یاسار

حسن خلق یکینه غایده کمال
آفتاب آسمان لالاسی انک
خط و خدی آیت برهان عشق
جان اید المومس محب صادق
جشمی کریان ددلی ر سوز دتب
آه کرم اسک سرخ و روی زرد
در دمنده آوار ایتمش عشق آبی
خاکبانی فیلور کسل بصد
بر عجب دیوانه داد باش اولور
کیمی بنده کشمبسی غمخوار اولان
قوبونی بکم نامکان اولوزبان
عاشق ایسی نولور عشق قوبون
یونان اکر دی پر نام اولور
شاه عشقه اولور برکدا
قیمی ضایع ایدوب جا بل توک
بویتر ایکی جهانده حاصل
فالش اول غفلنده ای صلد
بیلور آبی کیمده اوله معرفت
ساکه دوغور سدی عشق و در سوز
بیل طریقه حقیقت مردود
ایل دل آبی همین اولان صیار

بعض در اول بت در ترک خطا
 چونکه بدخواه دایم بر جفا
 گولوی دیدی فانی اول دولت
 کور دلم بونی لایعقل در
 جلد پانندن کیدوب طغیانه
 سول قدر کیم قبلی دل سید
 جمع ادوب عشاق جلد کله
 قصه ایدوب بونی یازنقل اید
 اوشد می عالم خلق جلد اوسته
 ناکسانی کور دم اول محبوب جان
 کوزلری پشته طوشت غلام نور
 دیدم ای مه روند نه اولدی
 دیدی دار کوکله بر در دم
 شهر تبریز اولدی بونجه زمان
 حسن ایمنده بی نظیرم بیایم
 بنی کورن دله قوماز رنگنی
 زلفک هر عقده سی برکت
 بر دیشم بیک لؤلؤی هر جان در
 حسن کلارنده بر سر و قدم
 یوسف مصر دلم بی اشتباه
 بونجه حسن سباب دار یوق عاقبت

کرچه نیکو روی لیکن بیوف
 ناکسان ایرشده سکا خطا
 اولدوره یا خود قیلد اولت بکا
 بونی صلاح ایتی شکدر
 کنه کندو حالی بیه تو دلم
 یار ایکنده طرب رسوائی
 اورته آتوب بونی محکم دو کله
 دیرکه اول دم حاضر ایدم انده
 کیم اتکا سوکر کیم آتی سوکنه
 بر بو جافده کبر لوب طور زنهان
 کند و کندوبه طور دین سوپله نور
 ایته یار اشفر سکا اه د بکا
 کیم بکا بوکسره یاد کدر سبب
 دیر مدی بر کیمه مشکدن لشتان
 خولق عکسده میرم بیایم
 کل خشم عکسندن آتور رنگنی
 بر قیلده دو جفا ان اولمها
 نعلک بر قطره سی یوز جان در
 لاله روستنل خطا نیرین خدم
 بر زلف بونی بوتبره بر کجه آه
 اوشده عذر ایک یوقدر دایم

بس دیدم ای یوسف عیسی نفس
شهر خلقی جمله حیرانگرد
شهر ابحینه که صفار و کربار
سؤل طور از ده سنگ تیز لک
دیدم عیاش قدر ولی بکا دکل
نفسه عاشق در نیار بنی
کر بنی سوسه ایدی بونر تمام
کر بنیچون اوله دی سودلری
سوسه لری دی کر بولر جان بنی
سؤل کیتی کیم سودی جان اولی
عشق ابحینه صلح و جنگ اولی
عشق اری کیم عشق شهو که یوت

بوکه دیر سک بونی دیر هیچ کس
جمله سی در دکل کس یا کندر
جمله سکا عاشق ای زین کار
دیگلد یکت هب سکا غوغا کر
نیدرم بنم سوزم آکا دکل
بر بوله بن صایم یوز بیکنی
ایتمز ایدی بر برینه هیچ کلام
اولمز ایدی هر کسک غوغا کر
هم سورلر ایدی بنی سونی
بنی سون نیچون اولور دشمنی
عشق ابحینه بوی نیک اولمغ
دوسک بیل دوستی که دست

شهر عشق که طبیعت دن کله آکا عاشق دیک کی جوان اولور
محبت که شهوت دن قویه آکا محبت دیک نادان اولور عشق که بوی
بهار دن اوله بهار کیده جک بی بهار اولور عشق که صورت دیک
اوله صورت بونر حق بی صفا اولور عشق اولدر که سغی در یای بی
اوله عشق اول دکلر مکان آخر چهار بابان اوله عشق اولدر که آنک
قبله سه جفت اولیه عشق اولدر که آنک تحینه آلت اولیه عشق
اولدر که بر شجره مبار که دن صیبه که نه ترقی اوله نه غری نه عجمی اوله
نه عربی عشق اولدیر کیم دایم اوله اول سنده محبوب کرک خطا ده اوله
کرک خسته عشق بر جوهر تابناکدر که آنک کافی کان الله و لم یکن معی

عشق بر جسمه سار یا که در که انک منعی و من الا کل شیء حی عشق
 بر جسد در که قوی اولدر سحلی بد عشق بر در یا در که کج سسی و کناری
 سر مد عشق حقیقی بر تنجه در اصلی فنا اولور و بود قتری وفا و پستی
 بقا اولور بقا اولدر که کیستی اکانا دن ایرلیسه و در پیک اولدر که
 بوقلن آغا جندن پتسه

عشق اولدر که اول قدیم اولور جابجا هی دل کدیم اولور
 عشق محدث فروغ تا بدر اصل می فضا که تراب اولور
 منائی ذات ذوالجلال اولور لا جرم یا ک و بی زوال اولور
 عشق عین اولدر مجاز اری بر نظر در فتاده نظری
 اول عین دن اول کستی نظر کاه اولد کیم محبان فیکه
 خلق دیوانه در و عاشق هشیار عالم خفته ابدی اصحاب کشف سیدار
 اگر دیر سه کیم عالمه سلطان اولد سک و اگر ایستر ایسه ک ایکی جهان
 خان اولد سک

بندۀ عشق لایزال اول عاشق جست و لا ابالی اول
 عاشق نرفته ارادت کرکز عاشق بدنده عمارت کرکز تصویر باب
 ایتماک کرکز توجه مطالب ایتماک کرکز هر نه قدر کتساب و اقبال
 ممر جلال حوال و صوف تعلات موجب جزائل مقامات اولد کماک
 کرکز عاشقده اوج مقام اولور عجم و پنجه کش و کوش و کس کاتام
 اولور اوکی مقامده که حکمکدر مار کبی املق کرکز که بی دست
 جست و جوده و بی یامی مک و بوبی اولد یکنجی مقامده که
 چایسمقد ر مور کبی املق کرکز که دائما کار ده و بر ساعت قرار ده و لمیه

ایجنی مفاد که دیکمدر بر دانه کبی اولیق کرک که فاسد طالب
 و هلاکت زاعب اوله عاشق دوت عفره عین عاره الف و باره
 سین شفا دوت قاف قضایات رندر عاشق اولانلر قضایه رضا دیک
 کرک که عار غزوه ادبار دولت شفا دوت سعادت مبدل اوله چون حق حل
 و علی کار کا نگویسند ان فی دوت عفره دن یاراندی عاشق اولان
 دخی خاک کبی لیل باو کبی بی دلیل هو کبی بی قرار نار کبی تابدار اولیق
 کرک دائما و جند یارید و چهره سنده زاب یو کسند انش و کوزنده
 اولیق کرک هر دم یل کبی یوب یولدرده طویراق الوب اد کبی یانوب
 صو کبی یو وار لایوب کرک کرک احکام دنیویه به حکم دیر ماکت کرک
 توفقات اخروییه دخی پائین کرک دنیا و آخرت حاصلنی و عاقل
 و اهلک محصولنی ارباب قمارخانه عالم تجرید و حلقه پاک باران بساط
 تغریذ آرسنده زمین نیستی و هسکام عشق پرستیم براغوب اولیق
 کرک الایس وجود دعتبار و آمیزش الوان اغیار دن اجتناب
 ایدوب قسندر دابر جمیع عالمدن بی پاک و مومی هسندن اینوب
 پاک اولیق کرک عشق سلطانه او پائین کرک و هم شیطانی قومن کرک
 خوشدر خوش اوز مره عشاق اول بکر سوخت کان راه فران
 اول غریبان منزل دنیا اول عزیزان جنه المادی
 محرمان سراجیه قدسی لوح خونان سدره کرسی
 سالکان طریقت علیا راهداران جاده مستلی
 زین جانان حرد غم یار مست حالان جان و دل هشیار
 باستان تحت روحانی غوطه خوران بکسر نورانی

جست کیران جبره تجرید	باک باران عالم نوحید
جان فردان بارگاه عدم	خرقه یوشن خانقاه قدم
جبهه خانی سر فنا و صفا	دفتر نقش انتم الفقرا
جنت عدن جاسم عاتک	دل و جان خاک سیم عاتک
جرج چرخه توپان مفسدن	نغمه خوش صد آسم عاتک
سول کونشده که عرش ذره اول	مطلعیدر سما سیم عاتک
عقل کل اوله مست لای عقل	کر اوله ماجر اسم عاتک
سبب مقدا و دور زمان	اولامی دور بقا سیم عاتک
هر صفایی که وار بو عالم	عکس شوق صفا سیم عاتک
دوق اوله که در عشق ایله	آرته طور سون بلا سیم عاتک

انجم افروز اندر و نذر عشق	علت حکم کاف و نذر عشق
قیل در و نیکی تاب خانه عشق	یا قدم باص بدون خانه عشق
وصف معشوقی وار عاشقه صو	حسن عذرا بی چشم و زلفه صو
لوت عشقی عاشقان اکلا	باک باران جان فشان اکلا
عاشقه و اما کر کدر ادب	روز و شب اوله خاک رطب
عشق اری کم سوزی انا کخی	عاقبت داره اول معلق اول
عشق ایچینه نه لاف و عجوی	عشق ارینه همین معنی کرک
عاشقه سوز و شوق و در درک	نفس کرم و آه سرد کرک
عیب اولور شیوهای رنگ امیز	عیب اولور کفتههای داکمیز
عاشقه چونکه عشق قوت ویر	قوتن حی لایموت ویر

عشق بر ساید که عقل آنک کم کد اسیدر عشق بر بادست بدک
جهان طلو صیت و صد اسیدر عشقه در بر و کوکک بنا عشقه
دو جهانک بقاسی عشقه در کائناتک طلو ری عشقه در موجوداتک
نوری عشق استخوان جهان سائر در سهم محبت هر پرده وار در عاشق
عالمده روان کبیدر تنده محبت آوده قان کبیدر بدنده

عشق مغز کائنات اولدی تمام	عشق ایدر صاحب دلی صاحب مقام
جو هر عشق اولدی بیدار نهان	جو هر عشق اولدی نور در جهان
جو هر عشق اولدی دایم عظیم	جو هر عشق اولدی بر در شیم
جو هر عشق اولدی ذات و صفه	عقله اکا حاصل اطر معرفت
جو هر عشق ایدمی خاکه نظر	خاک ایچنده اول دوزخی سیم و
عشق ایدر جانده عشقی عیان	عشق ایچنده ساکنه رازنهان
عاشق اولان دائمیک سوادور	یک دل دیک قبله دیک راولور
عاشق اولدر طوکنه بر آتش اولور	کرم رو سوزنن و سرکش اولور
مرد کار افت ده در عشق ای	مردم آزاده در عشق ای
عشق بر سیر غدر یکیم دایم یوق	عشق آفازی اولور انجام یوق
عشق اربنک بشقه بر دوقی اولور	هر زمانده بر یکی سوغی اولور
عشق در کوکک دوزنیک عشقه در برک طور یعنی عشقه	
چرخه قویان نکلی عشقه نمجید او قودان ملک عشقه بیلد زری سیر	
ابتدیرن عشقه رای و کونی دور ایندیرن عشقه نباتات بیورن	
عشقده چیمکل کتورن عشقه کاس ثقیان بر شراب ایدن عشقه	
دیدن ترکس نیم خواب ایدن عشقه زمین بوزینی بر انوار ایدن	

عشق در هوای کلبه بی عطار ایدن عشق در باد صبا بی مسیح دم ایدن
 عشق در لاله بی مبارک قدم ایدن عشق در عود سان چمنه زرد و زبور
 ویرن عشق در جان بنه زین و فر ویرن عشق در ببلدی ایرلادان
 عشق در طولای بی پیکه دن عشق در هر مرغ آواز ایدن عشق در
 مطرب به ساز ایدن عشق در کلری بید ایدن عشق در کل بوزلوری
 هویدا ایدن عشق در چنده ریجانی آجان عشق در زلف لری یکان
 کبی صا جان عشق در کشنده سروی زاد ایدن عشق در سروی بولوی
 زاد ایدن عشق در معدنه اجباری لعل و یا قوت ایدن عشق در لعل نازی
 جان قوت ایدن عشق در عدنده در ایله مر جان ایدن عشق در بدنده
 مر جان و ندان ایدن عشق در عالمی لاله و یاسمن ایدن عشق در انسانی
 سیمین بدن ایدن عشق در قاشلری کان ایدن عشق در غمره لره
 قصه جان ایدن عشق در بار بارینی مدام ایدن عشق در خالنی دانه
 زلفنی دام ایدن عشق در حره لری تیر ایدن عشق در یکی کوکلی بر ایدن
 عشق در محبوبه آن ویرن عشق در مرده کوکله جان ویرن عشق در
 کوزلری ساقی ایدن عشق در کوزلکی باقی ایدن عشق در جالده نیت
 ویرن عشق در کوزلره عزت ویرن عشق در صورتی محبوب ایدن عشق در
 محبوبی مرغوب ایدن عشق در حسن ایلنه قدر ویرن عشق در دل کشنده
 نور ویرن عشق در کوکل کوزین آیدر ایدن عشق در معرفت جی کلین صابران
 عشق در دلی آباد ایدن عشق در درونی شاد ایدن عشق در کوکلی کلشن
 عشق در آجی طاشی روشن ایدن عشق در صفای قوسن فتح ایدن
 عشق در ینه کندولی مدح ایدن

ایات

ای رند شراب خانه عشق کل دیگه نذر ترانه عشق
 آنده طرب قسم بیک عشق وار کور که نه ر قسم بیک عشق
 اولکه چکر خطی وجودک بر صکره قبول ابد رجوعک
 بنذار وجود و دید طاعت عاشقده السکه اول دناست
 آنده که نماز بی رکوع یوق آنده اصول مودعی
 اول قبله برو نذر جهانت اول کعبه و راسی کائنات
 عشقت او که جاقاغن جاقدی اول بر جبرئیل باقدی
 سیمدیغ عشق که بیست نذر قاف قدم آکا اشیاندر
 عشق اولدی بدنده جاری جمله عشق اولدی جهان ساری جمله
 یوق ذره که عشقن اوله خالی اول محمد هوای لایزالی
 سوزنده صدهزار خرمین اولر آکا قبله معین
 هر گیمکه دل عشقه محمد اولو ماتم زده دد عالم اولور
 حلاج که اولدی مطلق بو عرینه ده دیدی انما الحق

سبکی یکنه جهاند سر خلقه جمله ره رواندر
 مقبول طوائف مانج علم و عمل ایچده کوه اسنج
 سؤل واقع حین منصور قبلدیانی خپنه جان و نجور
 اول قص اکا جو ایلدی بر اسدسان حاله دیر
 ای ذات مقدس تعالی هر و هم و خیالدن مبرا
 حلاج نه مرد سر سیدر اکاد یولندن اول بریدر
 بن صانور ایدم آتی که اول شاه مقبول مقربان درگاه

کر اوله ایه ندر سیاست
حق دیدی یلکی طوت بوی دل
چون قصه اصل ایدی فرغه
اول دیدی مغبین بیور هم
بر در نو کیدر ده ملحه اولور
هر مرتبه نکت کلامی واردر
طفل اوقوسه صرفی اکا افض
ای ذره کورمه آفتابه
ای دل امل محال قبله
اول کیم دل و چشم نور آندن
اول آجیه کونیکلی اکر کیم
ای عضل کر بیک یقیندر
آنده که اولور عجب مقامات
اولمز بر احد بوسه آگاه
بیک قافله و مبدم رواند

اول محمد ایه جهان سخاوت
بادش زبان اولور سردار
بسختی اولدی بجز ترعه
هر کیمه دکل اوسوزه محرم
هر کیمه دیر آنی مفدا اولور
هر وقت مقامی واردر
اکلا به فر اول دنیک کشف
یوق چونکه تحکک اوتابه
اولمز طلب خیال قبله
هم کنه اویشدی دور آندن
آجند آنی اولور ایه هر کیم
معراج بتر سکا هین در
نیجری کیم ایدر کرامات
نه ایدی نه اوله بو کندرگاه
هر عشق اری میر و کارواند
عشقدر آدمی معمور ایدن
دل خانه سن پاک ایدیرن
عشقدر افانی صبح ادرک ایدیرن
عشقدر دوست یولنده فنا دیرن
عشقدر کنه اول قناده بقا
دیرن عشقدر ایکی جهانی صالدران
عشقدر حق یولنده بدیرن
عشقدر است شر ایدن سر خوش ایدن
عشقدر ازل قدح ایدن
عشقدر بهوش ایدن
عشقدر قدم میخانه سندن
عشقدر مست ایدن
عشقدر

بونده دخی می برست ایدن عشقده صفا و شوق دیرن عشقده
 راحت و دوق دیرن عشق خرمی جی اولور عشق مستی آلمور
 عشق مستک خمار می اولور حق نوزینک ناری اولور عشق آری
 بی سلامت اولور عشق بولی سلامت اولور ملائمت عشق تمام اولور
 بی سلامت عشق خام اولور ملائمت اوج حالتی اولور اخروی عشق
 غایت اولور اوکیسی سلامت خلقدر که عاشقی خلقدن کسر اولور
 انرک اید بولسمقدن قیام اولور اوکیسی سلامت نفسدر که کندوی دونه
 مناسب کورفر و فتنی اکالاین مصاحب کورفر نغزده بوغزده وصول
 اکلامر و داننده بولسمقداده وصول اکلامر همین طبع کونین انک لطفنه
 دیگر اوسید دیدر سبله فضلنه بافار بس بولمکی ملائمتده فائده بولور
 بولمکی مف مدن عائد بوقالور که خلقدن ده و کندودن ده کسپور
 همین جبانده اینجی دوستی کورر بار اولور همان نظرده کورینان ادل اولور
 بصدرده اما اینجی مرتبه به پیشچک و ادل دولته ابرینه جاک که ده
 جلال استغاسن و غت و کبر بایسن کور و پاندن دخی تمام کسپور
 همین نظری عشقده قالور

بودر ادل مف می تجریرک ابتدا می ظهوری توحیدک
 عشق اولور بو مف حاکم مهر عشق و معشوق و عاشق اولور
 عشق اولور کند و سبله ادل قائم عشق هم کند و کند به دائم
 کند و سکی کند و به وصال اولور فرقت املق اکا محال اولور
 عشق چون کورفر اولور غیرتی بس نه دن کیمیه هجرتی ادل
 عشق جوکنم وره حقیقتنه هم محبتده اره غایتنه

عشق ارینه اولور عجائب حال کیم خبر دیر فراتی قبل اید قال
عارض اولسه کرک حواری عشق برن ادر یسر در بوار عشق
تو بار یسر بونی صواعق عشق قابیسر در بونی خواطف عشق
چونکه عاشق بوله فانی صفات ذاته ویر فن صواعق ذات
حاصل اولور فانی کل وجود اولور اول انده واصل مقصود
عمدن انده بهره ورا اولور بیک علمنی بی خبر اولور
عقل عاجز اولور اول درک خوش دیدر که عقل درک اولور
عقل خطی حقیقت خبری بولان عشق ارنده عین لری
وادی عشق بحر مجوری خانه عقل بیت معوری
غایت علم عشق نادانق آخر ملک عشق ویرانق
شعر عشق قال اید اولور اکا حال کرک عشق روایت اولور
عاشقیت کرک عشق اصولی ارباب وصول بهلور ارباب فصول
اکلاف عشق سرینه اصحاب کشف کرک اصحاب عقول کرک

اکلام

هی عشق دروننده حالت بهتر صانع که فرد حکایت ابر
بز سوزید بگره بین سرنه در وزم لفظه آنره اوکینه در عشق مشککات
حله بر عاشق بهلوان کرک عشق سوزای خوش دلبدر اکا سیدان
کرک بزم مقصود فراتی اولانه اکرده در وزم مراد فرات
اهلنی قیصرده در عشق بر مجوبدر سوزی دخی مجوب اولور عشق
بر مطلوبدر نه یوزدن باقارسه غوب اولور عشق قصه سی برشکدر
مکرات کج دگر اولور عشق نفسی برقصدر جو غالمسی خوش اولور
عشق بر کوزلد که لباس اولور ده یقینور عشق بر عوددر که

هر نه کید پیر سهک پیر شور عشق بر نگار در که نگارستان چین
 آنک نشسته و دلش در عشق بر بند که جمیع بختانه که آنک عشق
 یابند در عشق بر سر آمد که هر بختانه ده آنک بوی دار عشق چشید
 هر صومعه ده آنک گفت و گوئی دار عشق بر کوشد که هر ذره ده عکس
 و تابی دار عشق بر آید که هر پرده سقده و تابی دار عشق بر سوز لری
 بر نغمه عشق قدر که هر سازده چالیو در محبت خبر لری سول ترغزلور که
 مجموع کرده باز بوز فی و لیک و لیک اولت در دخی و کز جنک پیر لوش
 هنوز اول آوازه بی کسوف طنبور که کی قیلله نه لر سوز فی یانه دوستوب
 بیه ایگل در فی خود بر آواره در غزبه دوشمنش دوشمنش یورکی یورکلر دلد
 طوشمنش در فی جکر لیا قار نستان اکد لغجه ناله ایدر یانوب
 یاقیوبن طور مرز ایگلدر یانجه در دی دلان بیه پیر سماع ایدر طور دین
 اهل دلد

ابیات

ای که ایشید رسک هچین نام سماع عشق باز نده هسکام سماع
 هر سماعی صانع کیم شیطانید سول سماع اهل دل رحمانید
 کیم سماع اولیا آنک منکر می راه حق بیگه اولدر حد بر می
 هر سماعی نکرک قریبدر وجد حالی سر بسر رحمتدر
 اولمر آذن سوبه بیلکل سن یا بلکه آنز و اصلمان کبریا
 هر دلف و فی آنزه ذکر در ددر کیز لو دلد اهلن لجا هر در
 اکلار لبه کسن دخی کر اولی وار سماع اور تبر عده یون کللی
 کر یا ایله اور در سهک سن بوی سن اولور سک فاسق راه خدا
 بی تکلف چون کله رد ایتمکل کلیمنه دخی هم جد ایتمکل

بود که اگر کیم کور رسک بی خبر
 سن انکا مغرور ادوب آلدنمفل
 مر معنی دامن طوت یوری وار
 بو طریق پاک بازاران خدا
 بومیکت دوشنبه بر مجوزی وار
 عالمی آشفته ایدن سودا سیدر
 خوش ویت کرد در خداوندان کار
 جان اولو محبوبس زندان اکین
 فی دله چون مرده جانان ایدر
 چون دم در دیله اول واز ایدر
 ایتمسن ندیسنه طبع وهوا
 عاشقانه ناله لر نیدن بشت
 فی کبی اول وائما نالان سن
 بوسماع اولور تعامت حالت
 نفس اولور بولسیده سر کنون
 حقد بچسل وکین وحرص جسم
 بوسماع آفی کوکلدن اریدر
 یکمکه بویه اولمیوبن رقص ایدر
 عشق کاری بوالعجب کار اولور
 بازار اولور هرکه سر عشقن خبری اولور
 پیکدن دیکمکدن حذری اولور
 هر کیمکه سخن عشقه قایل اولور
 اهل دنیا صحبتی اکا نه هر قایل اولور

بکلمه دعوی عشق و محبت ابدی قاضی وقت آمدن ایکی کواه ایستر
 بری دلی دایم معشوق ذکر نده اولیق بری کوکلی مدام فکر نده اولیق
 مادامکه شاد لوی بولور سوزینه استماع اونفر عشق چراغش بایدیر
 اغیار سی حق بولندن قور کیدر عشق بر چاروب سجاندر کوکلی دینا
 اسید چون سپور عشق در دلی حصه سزاوار ایدیرن عشق در کوکلی
 اکایار ایدیرن دل خلق آهن اولور دل عاشق زرعین اول
 اتمه قان آره سنده بو بین الاصبغین دل عاشق اول اولور ایکی عالم
 بری اوله بود کل کیم بر کویست صنوبری اوله عاشق کوکلی بر سهر اولور
 ایکی بر لطائف بلکه بر کعبه اولور عالم آبی طائف عاشق کوکلی
 عرش اولور ظاهره یرده آب حق استین آنده بولور هر فدا به
 اول نقطه که دائره وجوده ظاهر اولور و اول بریکه صحای حدوده
 سائر اولور دل عاشق صادق و قلب انسان کامل اولور روح حیوانی
 دل خونی فضا سکت سکتید در روح نفانی دخی اول خونی
 لقمه سکت سکتی اگر پاک طومار سکت کعبه رحمن اولور و اگر پاک
 اولور سکت خانه شیطان اولور نفس غبار دن اگر پاک اوله
 تحته دل کشف اولور آنده البسته هر شکل انسان دید کلوی دلد
 بر آدوج کل دکلد آدم دید کلری کوکلد بونی اکلامیان کتول در
 منسوب طاعت اعضا تن دل نامه تحریر ایشدر و برات هما یون
 بادش ہی بدن انک آدینه تقریر ایشدر جمیع اعضا حیوانی اند
 استمداد ایدر جمیع قوایه ارواح اول مداد ایدر استراحت اعضا
 انک حرکتیدر و قیج کون لغاف ن انک برکتیدر در دل برکتیدر

جوارح انك عیبتی كو كل بر سلا ندر كه جهان طولو ملكیتی
 ای سیرور دلی دمان دل غوغه در یای بی پایان دل
 بیکه دل در محزن اسرار حق اولدور آینه و بنار حق
 زنگینی کر یاك ایدر سگ بی کان عکس انوار ازل اولور عیان
 دل امین بارگاه محمد می دل سس کارگاه آدمی
 روح قدسی همنشیند انك عقل کلی پاسباندر انك
 نقله جان آره سی اکامقر ربیسی مادر در بری بدر
 کو یا اولش روح انفس خاك بو آیدن طوغش اول فرزندك
 گاه آیه مبیل ایدوب لطف اولور خاك اوچدن كه كشت فکد بود
 روز و شب گردان بی رام اولور قلوب لقطی اول سپیدن نام اولور
 گاه انس گاه قرب و کاه عین جرح و شش گردنده بین الاصبعین
 هر که دل در پسته طلوب کرد صد هزاران در معنی جفا
 هر که اکا دل معنی حاصل اولور اول زمان صدر نده انك دل
 سول که دل فخری نادی اولور دل دکل او خانه سلطان اولور
 خانه دل معدن صدق صفا منظر انوار ذات کبریا
 دلدر ربیل کاشف اسرار روح دلدر ربیل قابل امطار روح
 زهد و تقوی قرب خوف و رجا اختیار و صدق و اخلاص دعا
 توبه و توحید ایمان یقین هم ثبات هم درع هم مهر دین
 جمه سی ادصاف دلدر کورانی صاف ایدوب یاك ایدر سس
 دل که دائم ذکر حق کار ایدر اول آینی مستغرق و بنار اند
 دل ندر کنه هستی بلیور آینی نین حق بولور جوهر شمس کینه

هنوز خام در یاقوت صاف که سنگ رخا مدر **ابیات**

دل دانه که کلاه در نهانی ظن ایتمه که دانه بهیانی
دل آینه جمال ساهی محکوم او آمد و نواهی
هر کیم ایچره برده دل بیدا اوله صد هزار مشکل
هر مشکل ایچون هزار معنی هر معنیچون هزار دعوی
هر دعوی ایچون هزار استک هر استک ایچون هزار استک
هر استک ایچون هزار محذور اولدی برسی حین مضور

نثر الهی دل قدرینی بیندک قدر و عزیزچون الهی کوکل ازینک
اشکینه هر منیچون الهی سول عاشق دینک یوزی صیوچون که فضایی
جبر و تنق بادیه محبتک دوشون آواره اولوب زلال و صالک متوق
عصا ن کرلر و سول مجله دینک باغی تو یچون که صحرا می ملکوتین
عشق بره سنی یخنده بیچاره اولوب شوکت جذبه بیله دله و حیران
اولوب یورلر سول پیر می فروش تو یچون که عشق خرابانده اولور و ب
اهل دله لطفله اول حرمی معور ایدر و اول ساقی باقیمت عشقچون
حق نیجاینده طور و ب لعل لب عک بیله باده یکن بر نور ایدر الهی
سول ساقی مهر و نکت منیچون حسن ایچنده آنچون طالع استک با یچون
غره استک عبا یچون شکر سوز لود منیچون صاعده استک سکنیچون
زلفنده کی سول خم ایچون کیسوسنده و هر منیچون قدنده کی ستنق
ایچون سوزنده کی رستلی ایچون که شوه ایله نازیچون که لطف یلایچون
سول جسد کبار ایچون اول خد کلعه ایچون سول لنده کی جام عشقنه
اول لعلنده کی عدم عشقنه حفرته طالب و صالک رغب دلائل

فوایدیکه عشق میکند بر کوشه ده مقام و از دل خمیدن بر جبهه
 می نام نصیب یکم یقین جبهه سن حقیقا روبرو و شخص دستارین کید و
 عت پاته سن چاک دستک ملائمتن بی ناک مست و لا امانی وار
 و عاشق بی قرار ادوب کیچه و کوندوز اول آستانه دولت را بر لبیل
 و نهار اول جیم غنچه مجا در ادله بر بر میدن نویسن ایتد که سبیل
 اکا حسرت این بر قد حدن صوک که جام جم اکا رسک ایتده مسک
 بر میدن دیرکه عارض ساقی کبی ناباک اوله بر قد حدن صوک که لبدری کبی
 صفای دیاک اوله بر میدن دیرکه چشم کبی دل آسوب اوله بر قد حدن صوک که
 یوز کبی روشن و خوب اوله بر میدن دیرکه لفظ کبی غمک را اوله بر قد حدن
 صوک که جمال کبی فخر ای اوله بر میدن دیرکه خدی کبی آستان اوله
 بر قد حدن صوک که دیده م کبی خوب را اوله بر میدن دیرکه صفا دایه قوت
 اوله بر قد حدن صوک که ایچنه جان قوت اوله بر میدن دیرکه روحه حیات
 و حضور اوله بر قد حدن صوک که ایچی طولو نورا اوله بر میدن دیرکه حیات بخش و دل آباد
 اوله بر قد حدن صوک که دیده کت و صفا داد اوله بر میدن دیرکه عصیر
 حوران بهشت اوله بر قد حدن صوک که جام جنت سرست اوله بر میدن دیرکه
 قطره سحاب حیوان اوله بر قد حدن صوک که ساقی حضرتان اوله **ایات**
 الا ای ساقی بسین بنا کوش صونیور جام زرین قبله لم نوش
 کل ای ساقی نه روی کل اندام کتور جام می کیده و دلن سرخام
 صوک ای ساقی باقی بنره ساغر که غنم زهرینه می تر پاک اکبر
 جگر مسوم می تر پاک آمانت خوش اول ای که آتش خاکی آمانت
 صوک ای ساقی سن آب زنگانی که بوله وز حیات جادو ای

صوکت ای ساقی و سنا بکینه
شراب روح بخش جام زردن
صونیور جام جانی زنده اسکل
صون آئی کیم بخشا زنده جان اول
قتی اول می که با قوت روان اول
عجب قتی که سول اسپر عظم
بو عهدن بر نفس اکله نری سن
صون ای ساقی طولو ارجله اقدح
صون ای ساقی می کل رنگ نکل بر کما
دکث میرانی جمدن در جویر جام
الا ای ساقی قیل جانی معطره
شراب جام لعل خور عینی
الا ای ساقی صون جام السی
شراب جذبه لطف الکی
زهی دولت میان روح و بجان

دو کوله آشنیدن آب کینه
صونیور یکیم کجه لسم جانی و سرن
دل آزادی سا که بنده اسکل
کهن میری قیلور تازه جان اول
دل فوت و یرن قوت روان اول
که مسک کبی اریبه قلبدن غم
حرامی صون حلال یه آئی سن
که رومه روح در احث دیره دل اح
شومی یکیم آدمی ایلر ملک خوی
نچون ایده دل آسز بر دم ارام
صونیور بر زلال حوض کوثر
عصیر مویه خلیلد برینی
یو بادوز دو جها مدن مانه دستی
که بزده قومیه هر که مناهی
شراب روح بخشیتی دیره رضوان

ای اسپر نیک و نام دنیوی
صبحدم ال سن الیکه جام عشق
کر مقام جانیه ایره بوی دوست
س قیا کل جام جان افروزد
طوطی باغ دلی سپرن قیل

بسته هفت کام دم معنوی
تا اوله ساک مست بی ارم عشق
جان و دل اوله فدای کوی دوست
بلبله سن مرده نوروز ویر
عند لیب جانی سرگردان قیل

عشق جامدن شراب ناب و بر
 تا اوله دز جمله مست بلبله
 جمله دز یک یک دیک و یک دل اوله دز
 کر هستی بی کوکلدن سیکله
 ای کوکل سن منزل بالایی تو
 ای نواموز و بیستان عشق
 بو عسلا یقین مجید دیک اول
 کوکی یقین کوره سگ کوپی
 دیکه اولور مستغرق دینار دست
 تفرقه اول پرده پیل پیدا اولور
 بر کوکل که الستی بر نیالین اولور
 بر دل دیک آرزو مسکله
 هر که تجسد اجمره اولور اول فرد
 نیجه اوله سگ بند فکرة بای بند
 نه اوله ک ای دل پوری رنگ فیل
 ای کل خندان آجیل بلبل لاله دار
 راه غدن کل که فیل بر نفس
 بلبل قدسبله وار هم از اول
 که کله جام حیات آمیز کو
 یکیکه سوتی بوت مجیدن بری
 سوت دار و خانه اهل فن

خم حصن بر می نایاب و بر
 عرس و فرست برافه دز غفلت
 شیشه اغیار سیکنه چالاق
 بای همسکه عسلا به قالدوز
 شیخ لایی حکدن الایی تو
 دار درشن و اوله بجز خوانین
 حق بولنده سن قوی جالاک اول
 رنگ و بو قومه الاسک بوپی
 اولور آنده بوی مغز و رنگ کوب
 کائن دل بازار پر غوغا اولور
 اول که کلهه نیزه دریا نلق اولور
 بر قیل آنی سنده چون بر دلور
 اهل معنی صابا زانی هیچ
 جیق که اوله سگ نور حصن هر بند
 وار حدیم قدسه آرام فیل
 باد نوروز ارد ابر نو بهار
 اوله فیل سن بای بند خار و خس
 سن نسیم صجله دسار اول
 حالت مردان سوار انگری کور
 سوت اولور شهباز عشق شهبازی
 قبله مشتاق انوار خدا

سَوَقِ اُولُو عَشَقِ اِهْلِكِ تاجِ سِرِ
 عَشَقِ بِي سَوَقِ اُولُو بُولُو اَدَلِ کَالِ
 چُونِ نِسْمِ اُولِ کَلَاکِ بِيْدَا اَدَلُو
 لَعَلِ سَوَقْدَنِ شَوِکِمِ بِرِجَامِ اَدَلُو
 بِهَرِ کِمِکِ طُولُو کِهْ دَرِ مَعْدِنِ
 کِمِ مَحَبَّتِ نَطْعِ اِجْرَهْ رَهْ بُولُو
 بُو سَعَادَتِ هَرِ کِمِی دَرِ بَرَقِیَلُو
 کِمِ مَحَبَّتِ یُولُفِ بَرِ دَارِ اَدَلُو
 بَنِجِ وَعْدَتِ دَارِ عَشَقِ اَرَهْ
 نِیْنِیْ جُو لَا کُنْهِي هِلِ دِلِکِ
 وِیْدِیْ اُولِ کِمِ بُو یُو کَلْدَرِ ضَلِی
 طَالِبِ اُولُو کَفَايَتِ نَارِ دَا
 طِلْبَانِ سَاکَلَانِ رَهْ رَوَانِ
 هَرِ بِرِیْسِیْ عَرَشِ بِلُوسِنِ دِیْرِ
 اَهْلِ قُرْبِتِ شَوْقِیْ اَزِیْقِیْ بِلُیُو
 سَا قِیَامِیْ دِیْرِ کِهْ بُو اَفَاقِیْ
 اَلْهٰی عَشَقِکِ مَبْکَدِهْ سَنَدِهْ اُولُو اَزِیْرِکِ کَرِ سَتِیْچُونِ
 اَلْهٰی مَحَبَّتِکِ بَادِهْ سَنَدِنِ اِیْمَنِکِ سَلَامَتِیْچُونِ اَلْهٰی عَشَقِ خِرَاتِنَدِهْ
 پَتِنِ اَفَاقِیْ اِلَا یُحُوْنِ اَلْهٰی مَحَبَّتِکِ بَرِیْسِنَدِهْ دَوَسِنِ بِيَادِهْ اِلَا یُحُوْنِ اَلْهٰی
 عَا سَفَرِکِکِ جَلَدِ کَلَمِیْ اِلَا اِلَا یُحُوْنِ اَلْهٰی سَنِیْ سَوْنَزِهْ اَیْدِیْکِ اِسْلَامِ اِلَا یُحُوْنِ
 اَلْهٰی عَشَقِ اِهْلِکِ اَدَارِهْ یُکُحُوْنِ اَلْهٰی دَرِهْ اِهْلِکِ بِيَاَرِهْ یُکُحُوْنِ

اُولِ حَسَدِیْمِ حَسْرَتِکِ دِرِ هَمِیْ
 کُوکِهْ بِي چُو کَانِ اُولِهْ بَارِیْ مَحَالِ
 نِیْچِهْ مَبْسِلِ بَاعْنَدِهْ کُو بَا اَدَلُو
 اُولِ جَسَانَدِهْ بَارِ اَیْدِهْ اَرَامِ اَدَلُو
 بِرِ زَرِ دَوَسِیْمِ اَیْدِهْ زِیْرِ دَا مَنِیْ
 فَرِزِ کِمِیْ هَمْنِیْسِنِیْ شَهْ اَدَلُو
 خَاکِ بَا مِیْنِیْ خَلَاکِ اَفْسَرِ بُولُو
 دَارِ قَدِ جَسَلِ زَلْفِ یَارِ اَدَلُو
 خَنجَرِ لَاهِرِ طَرَفِ دِنِ یَارِهْ لَهْ
 شَاهِدِهْ عَا شَقَانِ کَامَلِکِ
 نِیْسَمَلِکِ بَرِ رَاهِ هَمَلِکِ تَمَلِیْ
 چُو کِهْ مَطْلُوبِیْ اَمِتِ نَامَنَسَا
 هَمِتِ اَیْنِ چُونِ خَدَا وَنَدِجِهَانِ
 اَسْتِیْنَا فِیْ هَمِ کُنْ اَفْرُوْنِ اُولُو
 وَصَلَتِ اَهْلِیْ عَشَقِیْ اَزِیْقِیْ
 هَرِ کِهْ سَوَزِدِهْ قَالِدِیْ دِلِ بَکَاغِیْ

الهی عشق مستدینک حیرانغیچون الهی محبت سیدالربانک سرگردانغیچون
 الهی نفس غایب زینک یهدو نقدیچون الهی دل ایت هدرینک
 سلطانغیچون الهی وصلت اهلنک امن و خلاصی حقیچون الهی رادت
 توندینک اخلاص حقیچون الهی سولاری جاننک طهارتیچون الهی
 سول یقین کوکلارنک عمارتیچون الهی جواهر مجرده نیک تجریدلری حقیچون
 الهی ارواح مقدسه نیک تحمیدلری حقیچون الهی نفوس نیکه نیک کاجیلدیچون
 الهی ذات طیبه نیک صفا طبعیچون الهی حمد و سئو تیچون الهی
 ملائکه قهرنک سلو تیچون الهی حیرت نیک امانتی حقیچون الهی عزت نیک
 اطاعتی حقیچون الهی بیگانک عدل بی تصور حقیچون الهی سرائیک
 نغم صور حقیچون الهی سول جمیع معتکفان صوامع برین و سبحان جماع
 علیین و مدینه بیت معمور و خزینه سرای بر نور و ساکنان رواق یاق
 و مقیمان تقاسیم ازان عمارت کنان کسبد خضر و صفا و دکان بسطه
 غیر و کارکنان ان فایضات امرای یعنی حمد طائفه ملا اعلانک قربلیدی حقیچون
 و جمیع ملائکه سموات و ارضینک خدمت لری حقیچون الهی مره انبیا و ائمه
 تعظیم حقیچون الهی جمله ادبیا و ائمه نیک کرم حقیچون الهی سول سلطان
 دیوان رسالت و اول سیمان دیوان جمالت اول فافله سالار کاروان
 تحقیق و اول بابک سوار میدان توفیق اول خواجه کسور کائنات اول
 دیباجه و قمر موجودات حضرت سالکات روح مطهرینک صفا حقیچون
 و اول جناب جلالکات روان نورینک ضیاء حقیچون شرع احوال
 بهدیک حیرت حقیچون تبلیغ امرنده کور و کجی محبت حقیچون اول
 ذات کرمک کرامت کرامتیچون و اول رسول معظمک عظام معجزاتیچون

سوال آئینده کی نور بنویسند سوال آرتہ سنده کی خاتم قوتیون سر یقینده
 یوریلان احکام ربانیه تریفه حقینون و طریقتنده حاصل اولان کلمات
 ان پنه لطیفه حقینون جاریارینک حمتیون و جمیع الکث و اصحابک
 عزیزینون اکا نازل اولان قرآن حقینون و اول قرآن اولان ایمان حقینون
 بو کیکلو قودینک ایمانی کر مکدن درست کور و هو بیج و یوق اولان
 اخلاص مذی لطف کله هسته کیم انعام ایندیگ ایمانی لطف ایدین
 دائم ایله دنیا و ایندیگ احسانی آنده دخی قائم ایله ارباب دلت هر وقت
 کوزلرینی روشن ایل و اصحاب یقینک هر ساعت دل فایز لری کلن ایل
 هر دم دلمزینی و مکله زنده طوط و هر نفس جود لری و جود کله بایند
 طوط هر خطه دلمزینی در دله صفا و قیل و دائما دلمزینی فنادن صکره
 بقا و قیل الهی بضعیف بنده لره قوت سندن الهی بوضع کوه کله صحت
 سندن الهی بآدم اوغلی مسکین نیجه ایسون که اوغلا غیبه هنوز
 یسناک یسناک یسناک یسناک یسناک یسناک یسناک یسناک یسناک یسناک
 و اگر طوق اوله بیکانه اولور و اگر اولور سه بر جیفه و مردار اولور و اگر ایدانین
 اولور سه متجرب و بی مقدار اولور و عجز همیشه قرینی ضعف دائم مقارنی
 اگر معرفت یاشسه خطاب کلور که ما قدر و اسحق قدره و اگر عبادت
 درست نایسید که غرور عبادت محمود لره و اگر شفاعت طلبانسه
 قولانیه یثور که من ذالذی یستغ عنده الابدانه و اگر هیچ مقید
 او طرسه تمهید اولور که ان بطین ربک لستید و اگر کثرتن ایست
 و نیکو کیم بلس کسکه شئی و هو عن الانفسام بعید و اگر کرمات ایست
 عتاب اولور که لاند که الابصار و اگر سلیک ایست خطاب اولور که

لا یبلغه العقول والا فکار فی الجملہ آدم اذ علک ضعیف و بیچاره کنی و متحیر
 و اوارا کنی بیک استینه عبرت ستر نه ما فرا دلق کرک که آدمک
 زار لغنی کوره و عشق کوبه قدم با صمق کرک که نو حک نو حسن ایشید
 خلت اقلیمه خلیل دلق کرک که ابرجاک ایکدین اکلایه و حسرت
 ممکنه والی دلق کرک که بقصوبک اغلا دلقن دیکلیه حید چاهنه دلا
 زندانه گرفت رادلق کرک که یوسف نه یکدین بید ارم معروف و نمی کنر
 خدمتده قائم دلق کرک که زکریا یحیی نه کور دکن کوره نفس فرعون نه غرا
 ایک کرک که موساک بلاهی معلوم اوله و همسم جودینه عداوت ایماک
 کرک که عیساک ابتلاسی مفهوم اوله نفس بتنی صمق کرک که محمد نه یکدین
 بیله سکت کوکل کعبه سن ارمق کرک که احمد نه کور دکن کوره سکت
 الهی بزم دلمرک نه طاقی واکه سکت و صفت دیه بیله وز الهی
 بزم سلیمرک نه عربی واکه سکت واکت بیله بیله وز الهی سن اول
 بی نیاز سکت که هزاران هزار عارفان اسرار اما احقی عسکت شحه نسی
 منصور وار فنا فاسده بلا دارینه اصرار و صد هزاران عاشقان
 جهان مطلق شوقک جلادی مجرم صفت انتظار زندانده حسرت تیغیده
 بلندن یجدر ای نیجه ما کاک ملکوت کاک اولان دیوانه و سن
 کوکلکه که قیود اسل تمنای و صا کلکه با غلاست بر در ای نیجه انوار اهلوی
 طالع اولان دیوانه صفت جانکه سعه استیاق سمع جا کلکه پشرد
 ای صاحب جمال که جلالت عاشق جاکاک ای ذرا اجمال که جاکاک
 مندرج جلالت ای مطلوب که کنه سن طالب کماکاک ای محبوب که
 کنه سن محب جاکاک ای معشوق که کنه سن عاشق انوار ذاکاک

وای مقصود که کنه سن قاصد' ظها صفات' ای معبود که رزه
 قولن' ایذیران کنه سنسک' ای مسجود که بری سجوده کنون کنه سنسک
 ای مذکور که ذکر کنه سنسک' ای مسجود که سنسک
 ایذیران کنه سنسک' الهی کوکل سهرن' محبت آفتابن افق' اعلا دن
 سن تابان ایله' الهی ل' صحراننده' مودت رقتی' ابر حقیقتدن سن
 درختان ایله' الهی صفا بخورینی جان مجره سندن سن تودور' الهی
 و فامیشنی محبت سحره سندن سن قیصر' الهی سنک' عسکایک کوکل گنار
 جنت بوستان دکلر' الهی سنک' سرایک' دل خانه سیدر بهشت
 ایوان وکل' الهی کوکل ملک تده غریبم نه یار دنه غمخوار' الهی ل' قلیمین
 و حیدم نه مونس نه دلدار' الهی سول' عاشق لیک حریست چون که لیده
 مویان' ذکر دآلود' ادوب صحرای میرنده' پیچود' و حیران کزله' و سول
 مجید لیک غریب چون که زرد رویان' و غم اندود' ادوب' بودی' آشیانه
 مد هوش سرگردان' ادوب' بودله' سول' عابد لیک سعادت یچون که شامان
 سحره' و کین' سرمه سهری کوزرینه چکرله' و سول' زاهد لیک کرامت یچون که
 لیلادنه' انفس لری قترایدن مراد لندن کچرله' الم' ال' بنم که حیرت
 دکرینه غریبم' مدایت که غیرت' و دینه' حریفم' بیغم نه یاریم نه یاره
 قیلم' مکرلبس حیاضی یاره' باره قیلم' الهی بنم درو' نه نهایت یوق
 الهی بنم' اعتلا' نه غایت یوق' الهی بکاره' ایت' بیچاره' قالدیم' الهی
 بکاره' مدایت' آواره' قالدیم **ایات**
 یاری ایت' ای مونس غمخوار کان' چاره ایت' ای چاره بیچار کان
 الهی یوق کن' غیری دار' جهم یوق' الهی سندن غیری' بالور' جهم یوق

الهی اولوم و قنده الم لوت الهی طایانه حق برده قولم طوت الهی
 سول ساعته که مصیق لحه کرفار اولدم و سول دمه که کفن القده
 عاجز و غوار اولدم عنایت کی بن فوندن دهر ایتمه و هدایت بن صیفدن
 مهجور ایتمه الهی بی کسم سندن غیر کی کسم بوق الهی فصرم سکا بارار
 نسیم بوق الهی مانده قالدیم مددمه ابرش الهی فته مانده قالدیم
 فریادیمش الهی غایت و قنده خوش حال اب الهی جل و منده
 روشن مقام اب الهی و جمعی ذکر کله آل الهی کو کلو می فکر کله آل الهی اول
 دمه و سوسه به بول و پریم الهی اول حیده کو کله باراز نسیم کوریم
 الهی نزع و قنده ایمان اینس اب الهی قورق و منده امانی حلیت
 الهی آخر نفده قرآنی قرین ایله الهی منکر و کبر ملا سندن این ایله
 الهی اول دمه توحید بدن ارمه الهی اول نفده ایمانی بدن ارمه
 الهی سول دمه که عمر دن بر دم قاله الهی سول قنده که آخره بر قدم قاله
 سول ساعت که نفس نفیدن بر نفس قاله و سول لحظه که مرغ جان مقصدن
 اوجمه اوس قیده سلطان سبطات تسلطت مبطنه سندن سن صافلا
 و بیس بیسک تبلیسات مو به سندن سن بکله سول قنده که سر اجه
 ریخ در حواس تدبیر باهی فوت ایله متر لزل و طاق رواق سر اجه
 صوغی سکران موته متحمل اوله عقل در اکث اولر اکث قلوب
 خیره اوله و بصیرت فکری کو مکدن قلوب نیره اوله جمیع باران
 هدم یا یقندن و جمله حرفان محرم غشی ارفندن قلوب عاجز اوله
 سن لطیفدن مدد ایشدر و کر مکدن عنایت تیسدر تو فیعلی رضن
 ایله و عنایتی شفیق ایله هدایت بدره سنی دلیل در جماعت زلالی سبیل

الهی بول مان که سلیمان جان رکت تحت قالب انسان ایدوب تصرف
 با نفدن مغول و ملا خطه احوال خردیه به مشغول اوده خانم ایانی که
 نوشته قدرک و نکلین حکمت کدر دست دیو لعین و تصرف شیطان
 جمیع سن صیانت ایت الهی نصیصم اساس حکم ایت الهی ایامم
 خانه سنی مستحکم ایت الهی حاجتی جنابکه خوش حال و علا یقین کت
 ایت الهی روحی فخر که خوب اعتقاد و صحیح ادرک ایت الکتب معجب
 الا انی ام بخش نادران کدای در ککدر شهر باران
 جهان مستغرق در یای جودک و د عالم صورت و معنی وجودک
 خداوند زمین و آسمانست تن و جان آفرین انس و جانست
 چراغ آسمان سندن منور دماغ روح لطف که معطر
 رفیق و همدم در بستانست شفیق و مرهم دل خستگانست
 غم و سادی عالم جمله سندن جهان ریشه مرهم جمله سندن
 او نور همه ذره دایم عهد و بی عهد کلی التبیح و التقییس و اکم
 کر کسر صنعت که هیچ الت و ساز بکلام مندر بولم حرف و آواز
 نه که مثل و شبه و خوش پیوند نه که جفت و جانی بار فرزند
 جهانی سن یار اندک مور اگر مار جمعی سندن اولدی نور اگر مار
 اگر بر موره دیو که ملک جمید نه نور فوک و اکیسه دن نه مید
 اگر بر مار دیو که کنج فارون نه زهره کیم و بیکیم جراحون
 نوله بن تو که ایتنه ک عنایت بو آتش کو کلمه ایتنه ک هدایت
 نه نقصان عرصه ملک بقا که اگر رحمت ایدر که بود که اکه
 بن ادل محمد مسکین و ضعیضم که صنایع اندم اوقات سر یضم

دو کون درد دور ^{ان} مستم بن
بولم غایت اور دن ^{بن} پاکست
جهان رنور دغانم اولائی پان
او کده آینه نور بصیر یوق
مستم بنه عالم طول و مسک
هوا فرمان ده دول بی کفایت
کور مخ حاصلم الاند امست
یوق اصلا بنده طاعت ^{لصفا}
بن اول حاکم که خواست که دکن
بن اول مستم که غفلت ^{چنین} پیکر
ایا دانای اسرار ضمیر
خردیار نیاز اسک ^{بر} ان
شفابخش درون درو ^{مند}
تقریبیل جان کوزینی ^{آجوب} بر کل
بنی سورعه الهی سن قیو کردن
بکا هر نه قیور رسک ^{بن} سزاوار
دجو دکت مثالنی چون اول
تو دکت کجینه عرفان دله
عنایت ایوب ایذک ^{مقدر}
سکک لطفکن ایدم ^{بن} امید
یوسن وردکن ^{صرع} عقلم نور

همیشه بای محنت ^{بستم} بن
او کده چاه بنون ^{دیده} بنه
دل و جان تشنه و سرشته ^{زین}
جهان بر قصه دبنده ^{خبر} یوق
لب در یاده طور دم ^{لب} شکست
درون بی نور و بیرنده غلایت
بولده سیز مارم ^{سقامت}
ولی طو تارین امید شفاعت
بن اول حیم که مرده خاکه ^{دکن}
بن اول مرغم هوا ^{دانه} شمس
شناسی تمنای خواطر
سزاوار نما ^{صبح} حیران
دوا فرمای در ^{دست} زندان
کرم قیل رحمت ^{آین} صبا جو بر کل
بنی رد اینه یارب ^{خضر} سگدن
ولی لطف که کوره ^{ایله} سن کار
کرم توقیعیل ^{ایذک} مسجل
کلب کسج ^{ایمانی} المده
که تو حیرت ^{وله} اولدی ^{میسر}
که ایتمه ^{ساک} آفرینی ^{نومید}
کنه بندن عطا کی ^{ایله} دور

جراغ عقلی یادگرت چونکه سلف
ادله تابنده اولد نجه حیاتم
پدای دل جو دوتا که دمی
الهی بایه غمسم بلندایت
خدا یا سن بنی و کله شایسته
بنی سن حضرت که قیل بکانه
بنی سیرانه نفس زودرندایت
بکا یول کوستر یور بولد فالدم
بنی شنه ایتدی بوتیه ملاهی
بنی سن بو شیمدن جدا قیل
دیار دلس ایچینه خانه دیر کل
اگر سرستم و کره هوس یارم
دل می مطلع خوشمیدینایت
کو کلی محمد اسرارک ایلد
فنا عتده تمنی زنده دل طوط
حقیقت خانه سنده کوشه دیر کل
چراغ غم یاق که تار یکت اولد یلتم
درد غم نوک ایلد رستن ایلد
دکتر کل بو اخلاق صفت
الهی دلف اسرار سنک
الهی دلمیدن توفیق سندن

صافین کیم ابریمه باد مخالف
که روشن ایلد راه نجایتم
بکا عون ایت توانا ایت تمنی
دل و جان خلعه سنی که بندایت
بکا محرم سنی قیل سنی یادایت
بنی سندن اراق ایت جادایت
بنم بنجه مده اول کللی کرندایت
الم ال کیم بنم در مانده فالدم
صونیور آب دریایی الهی
دل و جان کشته اشنا قیل
ادل اقلیده بکا کاشانه دیر کل
الهی لطفکه مسید وارم
ردانم کوکب برج یقینایت
وجودم مشرق انوارک ایلد
عراجسم طالعکله معتدل طوط
طریقت آریغند توشه دیر کل
الم طوطعل که غرق ایتدی کنایتم
دل می نوکرت ایلد کل سن ایلد
پوعل دلدن بو نفس کاشانی
شفا بخش دل بیار سنک
بو جان ایرلمیدن تحقیق سندن

شو دمه که نفسن قاله رهو
 الهی بواسته سن و فانیل
 هدایت سمعنی کو کله داند
 وله ذکر طبعیت فیل عادت
 سها دنده زبانم سن روان است
 هدایت نورینی جان و دلیل است
 کوکل و برکسم اوله ذکر کله معمور
 دماغ در دمنده دوا است
 الهی یاد است با بی نیاز
 نه عذر ایده م که بی حد کنایم
 کجاکت کیم وار غایت دن برانی
 چوسن سکله کیم بنم اوله خاتم
 کنه لطف اید الغل حضرت کنه
 ایر سدر رحمت کن با که بر مو
 بنی سن حضرت که آشنایم
 بو غفلت اوله یوسف سن اوله
 که آخر دمه بن بولم سعادت
 بدن ایر یحیی زنده روان است
 عنایت هیری با دمی السبیل است
 درون و برکسم اوله شو کله بر نور
 دوامی خاک با می مصطفی است
 فد اوند اگر بجا کار ساز
 مگر کیم لطف اوله عذر خواهیم
 بولور عوغای محمدی بخانی
 چوسن نفع ایلدک بوروج با کیم
 کنه طاهر ایدت آتی قتنه

آمین یا رب العالمین

بعد تسبیح و ذاکال و تقدیس لایزال و حمد حضرت واجب الوجود
 و ثناء جناب فایض اخیر وجود بعد قطرات غمام و انقاس
 انام و دقائق حرکات فلکی و عقود تسبیحات ملکی و بعد از خصوصیات
 ذرات و تفصیل اشخاص موجودات صد هزاران هزار تریف
 صلوات صلوات طریبات که آنک بر شمع رایحه سی مایه بخش
 رواج عنبر بویان اوله و لطایف تحف تحیات نامیات زاکیات که
 آنک طب نغمه سی قوت دل و قوت جان اوله و صنوف جواهر و اهر

نبیات که تصور صبح کاغذانی وین کبی خندان و ظهور تناسیر
 شادمانی یقین کبی تابان را می عاقلان کبی صافی در دهن
 الفاط دبران کبی موزون و عزمین اوله والوف غرور و دعوت که انک
 اخلاصی دیندار بیک مکنه که دریا و بوی تکلف ابرشمش اوله
 و صفاسی شاربیک منابعنه غاشک نفاق بشت بیه تعسف
 قارشمش اوله جمیع منب و مرسلین و زمره اصحاب نوامیس و لیلین
 و عزمین یعنی خاکسبکیان جویم حیدال و محرمان حرم وصال عندلیبان
 باغ سبوحی و طایران چمن قدوسی سکنان سرای نبوت و شریک
 سراب خلقت ساکنان بیدای قدم نوش کمان دریای گرم خرد بوسه
 صبیحه الله باده نوشان فطره الله عارفان معارف ربانی خانیان
 اسرار سبحانی طائفه سبک ذات مظهره و اروج مقدس بینه نثار
 و فدای اوله کم هر بری نبوت صدر بیک مهری و رسالت سربربیک
 سرور می اولوب تیه ضلاله نه نیجه آزمشری بوله دلالت ایدوب
 و بودای جهالنده انچه بیک زری حقّه هدایت آیت لودر هر بری جان
 دلائل سبک ساهی و کوکل کوکبیک ماهی سون خانه سبک چراغی
 و صفافض سبک باغ و راغی جصل ظلمت سبک ضیاسی دل سبک
 تنفاسی صدر صفه سبک صفاسی سینه سربربیک تنفاسی تحقیق
 بحر بیک دری طریقت حاکمات مهری تحقیق عالمک نور می توفیق
 بهار بیک نوری حکمت یسدر بیک افتابی معرفت جمیع کد بیک ماهتابی
 دین اهدانک طریق عالم خلقت سبک تحقیق سربعت بولک دلیله کد
 سبیلی حجت سلطانیک یعنی عصمت خزانه سبک امین علم کوهر بیک

معدنی و حی جوهرینک مخزن حقایق روضه سنگ طوطی دقایق
 چشمک طوطی سی سعادت چهره سنگ طرازی سیادت سر برینک
 سرفرازی کوکل و جان تو شرینک شهبازی جمله جهان خلقت
 کار سازی شفاعت اوینک دیواری امید شهرینک حصاری
 عزت اقلیمک شاهی و دولت ملکک بادشاهی یکی عالمک
 سلطانی یکی جهانک کامرانی در صلوات الله و سلامه علیه
 اجمعین

حضور ما یحیی زنده شولیدی ارباب شریعت طاهره و ارباب طریقه
 با همه هفت آسمان عالم رسالت و هفت سیاره آسمان خلقت
 هفت دریای توحید و هفت اقلیم تغذیه هفت بحر آشنایی و هفت
 چشمه روشنایی هفت بسیل کستان شرع دین هفت طولی
 بوستان علم یقین هفت صفت صدق و صفا و هفت آسمان
 مهر و وفا هفت خبردار اخبار ملکوت و هفت رسالت دار
 عالم جبروت هفت مقتدای عالم و هفت مرتضای بنی آدم و هفت
 دلیل راه کم کردگان و هفت تلاوت فافله های نادگان و هفت
 شمع کسب حضا و هفت چراغ بزمگاه معلی

اگر کسی که ابواب هر صل سلسله آن بنیاد بنا و آدمیان
 مسجود ملائکه مقربین مهبط لغات اولین و آخرین تاج سر عظیم الهام
 موفق بدرقه بنا طلعت جامع مکارم مکرمات واضع محاسن
 مشرف تشریف یا آدم اسکن انت در دجاک انجمنه فاتح ابواب
 توبه جالس بساط قربت مبتلای حیره و عصی آدم ربّه نفوذی مستدای

جبل قیاب علیه به فندی مظهر صورت رحمان باعث لعنت
شیطان مظهر بدایع معلم صنایع باقی بناء شریعت رهبر
کاروان طریقت سبب نعمت تکلیف مکلفین واسطه وجود رحمة
معالمین اول نبی حضرت آدم صلی الله علیه وعلی رزاقه دولا
واحفاده الصالحین **ابیات**

تا ابد اعجوبه آدم اودر اصل گرفت بنی آدم اودر
مرکز دنیا دین سلطان اودر نقطه عالم صفی حق اودر
پرده کوکده حبه لک لک انک جسم و جانی جز و کل کسیر نماند
اول اول دعد که عالمه هنوز محبت بناسی اولین و دودت قاعده که
دو شمع ناکاه بادیه بیدای خاک و زادیه مغاره مفاکدن
بر عاشق پیاده رود و کت ده روی در محب باره نه و اشفته موی
نه اندام آدم نام وجوده کلوب محبت اسستی تحکم و سون قاعده سستی
سنگم ابدوب ارواح ملا اعلایه و لوله و کنان منار است
و بالایه برغوب هر جانبدن اعدا و هر طرفدن قبا بلعوب محبت لک لک
علمی عشق سلطان عدم جسمی ظاهر ابدوب آدم اراده محبت عشق و بار
صادق بی خانه و خانمان آواره و سرگردان ابدوب کز روی اگر عشق
ترک ملک ترک کس کز جنتی بر جوبه صاندی و اگر محبتده هیچکس
گر کس به جوبه جور و قصوری هیچ طوندی و اگر دست بی قرار کرک
بهشته ایکندی بن کپردی کون طولاندن چغندی اگر عشق اری
بی سرو پا ددان کرک اید چوز پیل شرق و غربی پیاده کردی
و اگر محبت مردینه کوز پاشی روان کرک کنه اید چوز پیل بر یوز نین

طور مدعی غلادی مجسمه برسیان صالمدی که اون سکر بیک
 عالمک مری انک مری نم سنده بر ذره در عشقه بر جوش
 ویر و کجی جیب مجبان عالمک محبتی انک عشقی جا مذن و قطره در چون
 طغنه یوز ادنور پاشنه ابدی حق امره عمری آخر ادلی حق جبل و علا
 تا حشره دکن غلشفه وصلنده ویدار غمستک و فرقه عشق لدرک
 شکری توانی انک روح روانه واصل قلوب تا قیامه دکن هر عشق
 اهلک انفس الهودی عددیجه و هر در اهلک آهنگر سوز غلشفه
 صدوت طببات نسیمات نامیات ازکیات که رواج غیر غیر بحث
 کبی شک بود معبر و فواج نسیم غلشفه سرشت کبی خوش
 طیب معطر ادله اهدا و ابلاغ این

یکنمی صاحب المعراج المقامات و صدر نشین سر بر سادات
 مقنن قوانین دین واضع عالم یقین بانی سراسر معانی مقصود
 فرغ تحفه مدینه قدس کتبخانه انس جلیس قدسیان این
 کردبان امام حکمت علمی عملی استاد معارف حقیقی و جدلی

سلاک معارج سعادت مقیم سماء سعادت اسم سراج دین معلم
 علوم یقینیه واضع قواعد هیئت نجوم رافع خفیات غایب علوم محرم
 اسرار بانی مطلع انوار سبحانی معکف بیت معمور و مجاور حرم سرور مطهر
 حکم معدن تدریس حضرت نبی سادرس صلی الله علیه و علی آله و اصحابه
 اول اول درس در که پنجه بیدار عالم ظاهرده بدنی یوب ایوب
 یور و یوب گردب خلقه تعلیم دین دارت یقین ایدکن عالم طین
 روحی بدن لبس کیدروب و تن بالاسنی حیفا روب ارواح

علاء عسل وزمره ملائکه علی ایله بیت معمور ده معمور و دار سرور و مسرور
 ادوب برنجی مدت ظاهریده پرده بالنده گوکن صورتده زمبند
 معناده آسمانی ادوب آخرکه ایچوز سکان دوت پاشنه ایردی
 و دنیا دن تمام اوصافی بدن دخی روحه قرین و متن دخی خست اعلا
 مکین ایدوب تا ساعت ساعته دکن جانده و روز قیامت دکن صحت
 ادوب بفعل فوق سماره ممکن و عرش چارنده سکن یکدن ایکن
 بخش بور و مکدن و کر مکدن طویش بشریت صفات کیدر مش نفس
 هیا آندن اینش بو عالم صورتی بر نفس و بصورت لبخنی حقیقی
 سئل و تبار روح مقدس ایله تقدیس و تجیده و هر کجه نفوس
 سماره ایله تسبیح و تحمیده در حق تعالی تسبیحده دائم و تحمیدین ملایم
 ایدوب تسبیح بر کائنات انواری بر اهلنه شامل و تحمیدی انار بنات
 فیضی بو عالم عنا صوده سائل اوله

ایچینسی آدم تانی شیخ الانبیاء و قدوة الاصفیاء المبالغ
 فی دعوة الدین و المجاهد فی اعلام البقیین المتصل فی اظهار الشریعة
 و المقدم فی اعلان الطريقة علاج بحر توحید کشتیان دریای
 تفرید بخار سفینه نجات سازنده کشتی حوده سبب اصلاح
 خلق عالم واسطه بفانسل آدم قره عین نجاه دعه صباح
 فلاح دفع باران بلا رفع طوفان هتلا مقبول استانه حضرت دخی
 جناب رب عزت صاحب الکاشفات و الفتح حضرت نبی الله نوح
 صلی الله علیه و علی آله و صحابه اول اول نوحه که آنک و کاسیله
 مدت دنیا و دکندهی و آنک وجودیله نسل آدم کسلدی آنک حیاتیله

عالم یکی حیات و بر دلی انک بقایه جهان یکی رات و بر دلی نظام
 عالم انک سبب بقا بولدی باغ جهان وجودیه بخت و ضیا بولدی بوجه
 انبیا و اولیائک وجودیه سبب دلی و بر پنج مخلوقات طاعت
 و سجودیه سبب دلی حق بونده بی حد بلا حکدی دین بونده زها بستر جفا
 حکدی اول حکد یکی رحمتی امتد ن کیمه حکدی اول کور یکی محنتی نومد
 کیمه کور دلی طغوز بوز الی سبیل قومی بچند طور دی اول قدر کیمه
 ابدی مع ند که حکمت موصوف و معرفت معروف ابدی انبیا ناک
 حکما سدن در سبک علما سدن ابدی آخر عمری بیک در توره لری
 اصل اکا دخی یثدی حق صل و علی رحمت کوره اجری و بلا سته کوره
 صفایستی میرا بدوب بقا سبب دلین نسل اولک عباداتی
 عدد و بجه و انتظامه باعث دلین نظام عالمک حسنی حسابی انک
 اعمال دوانه اول قدر ثوابات داکت محاسن صحایفه اول مقدار حسات
 مصنف قبله

در پنجمی شمس خلک ربیع د معدن نویسایع صد وصفه نبوت
 و مقنن قوانین نبوت ابوالرسل العظام و جد الانبیا الکرام نورستان
 نایانار کونی بره اسلاما سرد بوستان ابرار ان ابرهیم کان امنه
 قائما نه ضیف مسلمان مقتدا ی هر امت و مقبول هر ملت سکت مسکت
 توحید مالک محالک تغزید مجاور حرم رحمانی محرم حرم سبحانی مصیاف
 ضیف غیب کتد اخی خانه لاریب مانی بناء صفا شرف دودمان مصطفی
 مخزن اسرار احمدی منبع انوار محمدی داصع اس سببه الاسلام عامر
 خانه بیت اکرام مصطفی کعبه حرمت ساعی ساعی نبوت سار

زخرم اخلاص جاسر با ط خاص الخاص رافع برده ضلالت کاشف
 اسرار جلالت منتبیه خلق ارادت منک حب سعادت خوان سالار
 خوان ربانی قام ازرق صدای مستلای بانی فی اری فی المنام
 فی انجیک فانتظر ما ذاری بقتربارت الهی یا ابراهیم قدست
 الرّبیا حکرم کریم کرامات مشرف تشریف فیذایات بیات
 حلیم الذات کریم الصفات شریف الخلق رحیم الخلق عزیز الوجود منبع
 سخا وجود واجب التجبیل والتکریم داعی، داعیه ابراهیم محبوب
 الادلین والاخرین فخر خاتم الانبیاء والمرسلین خلیل الرحمن حبیب
 البرهان مظهر عزت و تعظیم نبی اسد حضرت ابراهیم علیه و علی آله
 واصحابه افضل الصلوات و اکمل التحیات اول اول ابراهیم در که
 عالمه بتد طوئش کنن جهان فی سرک قابل من کنن هر دیر بتد طوئش کنن
 و مالی و کلها صمد له عزین عالی هر طائفه بربت معبود و هر قوم بر صحنی
 مسجد هرامت برلات و غنی و هر ملت بر شکر اعلا ابدون
 جهان یوزین حکمت ضلالت و عالم ایحیی قیوت جهان طوئش کنن
 ناکا شمس روح عالم اراسی و هر وجود جهان ریاسی توحید افقند
 طالع و قدس مطلقند لایع ادوب عالمه یکی صفا و همانه بخت و ضیا
 و بر دلب عالم یوزنی خرم و خندان و جهان کنه فی تار و کشتان ایدوب
 معرفت حیجیکری آجیوب و حکمت بیکری بیسوب جان روضه سی
 عزین و کوکل حرمی باغ و کشتن ادوب دل خانه سنی هوا بتد ن ایدوب
 و کوکل حرمی شہوت صمد ندن تویدوب عالمه سلوک توحید ذاتی
 بیدا دارت و تبدل صفاتی هویدا ایوب دنیا به توحید نورینی صا حدی

و جهان هدایت قصصی آبدی نبوت کجسته معدن اولدی فوت کوهسینه
 محزن اولدی غیب درونیه برصیافت خانه دوز دی که اولین و آخرین
 اول خوانک نواله سنگ کد اسیدر ددین اهلنه برعبا دخانه یاید کی
 ناهسته و کین جهان قول غنمه انک صبت صد اسیدر چون عمری یوز
 طفق ان پشته پندی ربی جاریه حلت ایندی حق تعالی جرنی مسکور
 و عین مأجور ایدوب نایامنه و کین کعبه داران حجابک هر منبلی
 صیفیخته صدوات نامیات که طیب فواج ازهارند سیان و نواج
 رحمت نده خوشبودله و اول حرمت اولان قربانک هر توبی عدد و بخت
 زاکیات که بخت و بجا گلستان روضه صفا و بوستان چمن و فایله
 معمولا انک روح مطهرینه دروان منورینه و اصل و متصل اوله

استخفیی سفر از انبیا و سیدالاصفیا صاحب الشریعة القاهره مسبین
 الطریقه الباهرة معدن عجایب معجزات و منبع غرایب کرامات مطهر اول
 کتب ربیعہ و مطهرات مشهوره تسعة مقصدای جمهور انبیا عظام
 و متبوع زفره ادبای کرام غالب فرعون ظاهرباطن باکک قبطیان
 پیدا و کامن قاید کور دحانیان ممتزک اسر اسکیلیان حمیدی هادی
 نور مخصوص خطاب طور حراض یا فتخانه توحید مجاز مبیقات مقامات
 تجرید ساکت ساکت یقین شیخ خلوتخانه اربعین صدر نشین سیر
 جلالت هادی حیارای ته صلوات مطلع لواع انوار مطلع غوامض اسرار
 جامع علم تقوی صرف من و سلوی حسته زلال تحقیق رفیق حضرت طرب جمع
 طراپق مذاهب منبع دوازده مراتب کلیم الرحمن حضرت موسی بن عمران
 صلوات الله و سلامه علیه و علی اله و آله و صحابه اول اول موسی که دلد

مصر نه نفس فرعونى سلطان و کو کلله شهر نه هوا قطبى دى که بیان
 روح سکری بنی اسرائیل دار اول فرعونه مقهور و جان لشکری قوم کوی
 اول معدنه مجبور دل خشکاهی مقریباطین و کو کلل بار کاهی منزل ملاعین
 جان صحرا سنی طلمات غوایت طوفش و سینه نقصان ف و ت جهالت
 طولس اکین ناما هجره زنا و مجتدن عشق ناری بلور و ب و مدت سب
 چیردن رحمت آتاری کوزیکوب حق جبل و علام بر ذات مطهر و بر روح منور که
 کوی تعب قدسیان و قرینه قوم رو حانیانده برنج بیلد تربیت بولش اوله
 عالمک اصلاحی و جهانک صلاحی فطانت توفیق و دینک تحقیق چون خطاب
 نکریم ابد مکرم و غنعت رسالت ابد معظم طغوز آیات قاهره و نجه دخی معجزات
 ظاهره ایله مؤید ایدوب عالمه بر افتاب صاددی که نیجه بیلد جهان یوز بنی هدایت
 نوریه منور ایتدی و جهانیه بر افتاب برقدی که سالها شریعت کلناترینی مکت
 چیچیکلر بر منور ایتدی دل خانه نشی کلشن و کو کل صحرا سنی روشن جهان
 شهر بنی معمور و روح سکری مفضولیتدی بر بنی اولدی که نیجه بیک انبیا اکا
 امت اولدی و بر دین کوز و کی نیجه رسولله شرع و ملت اولدی چون یوز
 بکرمی و ج باشند یتمدی و ارفادون مقرب یاکنددی حق تعالی جمیع
 اکامت اولانر صانع شرافت صلوات که ایام بهار عالم قدس کبی صفیا
 و بر صفا اوله و منتنه بر نغمه لطایف نجات که ارهاره حدائق باغ
 انس کبی اوجدن اوج حسن و بها اوله انک روح لطیف و جان شریفه
 و صل فقیوب تا قیامت و کین اربعین عرساده خلوت ایدن اهل اسد خضر ترکت
 اذکاری عدد نیجه سلام و انقاسی قد اذ نیجه تعظیم و اکرام جنت فردوسه
 اکا جهان و انعام ایده

التجیسی بنی معظم و رسول مفتح نفس رحمانی و مطهر الطاف
 سبحانی زنده ارباب تجرید و صفا عمده اصحاب توحید و فاضل معارف
 شریعت مرشد ملک طریقت بالانشین فلک اقبال صدر شین
 آسمان جلال کل کلمات نبوت شکوفه باغ قنوت صمیم کننده مرضای
 ضلالت حیات بخشش اموات جهالت بلبل شیرین زبان سخن
 شهد طوطی نفس لعل لیت و عهد مبشر احمد و مصدق موسی مشرف
 شریف ان مثل عیسی قطب دایره ملک تجرید محور ملکه آسمان
 تفرید روح اند کم کم حضرت عیسی بن مریم علیه و علی حواریه و اصحابه
 شریف الصلوات و کرام التحیات اول اول عیسا در که جفا فی
 ظلمت کفر لغو تناسل و عالمه شریعت موسی صومئیس ابن خلق طریق
 حق در عدول و عالم داوی جهالت نزل ایدوب اعلام شرع مشکس
 و آثار دین مدرس سمس یوفین کسوف و بدر تحقیق خسوف شمع هدایت
 منطقی و شرع موسی مخفی ادوب ضلالت مرضی افراط ایدوب
 و غیایت فساد دلی حد دل آسوب جهالت الملکی جفا فی طوئوب
 و فساد و الری دنیای قایلایوب خلق صورت اصحابه مرضی دزی
 احبابه مونی اولش ابن ناکاه رحمت نسیمی اسوب و غیایت بادسی
 ایدوب حق میل سانه و ظلم سلطان کندی لطف غمیم خلق کریمین
 بدقت و عین حکمت بده امر بانی و نقیحه سبحانی و سبطه سیده رحم میدان
 آتاسر بر ذات مکرم و بر روح مجسم وجوده کینه دکی بهر نفس حق
 و هر فو لی حکم مطلق عواقب بدینه دن معرا و عدالت حیوانیه دن
 مبرا تن صفات دن خالی دجان معارف سیده عالی دمی حیات بخشنده دسینی

صحیح کننده هم جمل هم طبیعت میسرینی محبی و اول بکیندن
 اولده عرض دن منجی کندی طیب القلوب و الاستباح و تسرع حیات
 النفس الارواح و لوب برینجه بیلدی یوزنده هدایت و نتیجه مدت
 از شری حقه دلالت ابدی عالم بر حده بیگی بهار و جهان کنه بی
 تاره لاله زار ابدی قلوب صفا و بروی ابدانه شفا و بروی آخر که
 عمری و تورا اوجه ابدی روحی بدننه غالب اولدی و جانی سماوی طالب
 اولدی بس قدرت لایزال ابد و حکمت ذوالجلال ابد بدن رضی بکیندی
 و تنی وخی او و بروی سمدی بدنی ابد علاده تنبیه سادده در
 هنوز اولمشدر قیامت و کین اولمز و بوسورک معناسنی هلدن
 غیر می کلاخر و کینه قیامت دن اوک بوسرعت اوزر اینه کرک
 و عالم خلقی اکا ابدیه کرک دین محمد هدایت اینه کرک و جال العینی
 اولدرسه کرک و عالمی عدله طو لدرسه کرک صلیب لری اینه کرک
 و کلی لری بقیه کرک یوزنده دینی بر اینه کرک و جمیع شریعتی
 بر کورسه کرک حق تبارک و تعالی انک اولده و آخر ده سعادت
 ارجوین و عملک فر و چون قیامت و کین کلن نفوس عد و بنجه
 صلوات شریقه که طیب نسیم شراب اغوایی جنات کبی خوشبوی و جان
 قرا اوله و حسن سماع نعمات اغوایی سادات کبی طرب بخش و کت اوله
 و هر بر بنک انفا سی چابجه سخبات لطیفه که لذت تروح هبوب
 نسیم اشجار بهست کبی روح اقرا و جنات داد و ذوق تصنع نعمات
 از بار عنبر برشت کبی صفا بخش دول آباد اوله انک ررحنه بهر فیده
 و وصل قید و قیامت و کین انک وجودی بر کاشک انارینی و روحی انک

انوار بنی سکان ارضین و قائم روی زمین اوزرندن اکیک
 اینمبوب دایما ارباب نو جده مددندن استداد و صاحب تجدد
 همتندن استعدا و تنوای فایض اوله بحرمه محمد دله و صاحب
 بختیسی خاتم الانبیا و المرسلین و سید الاولین و الاخرین
 اول رسول کونین یسوی لفتلین خوشید سپهر سعادت
 ماه فلک سیادت مستری جرج دولت قطب کردون عزت
 شکوه جان کل خیباران سید ممالک خواجه مساکن
 مهتر و بهر عالم سرور و رسی آدم مصباح هر ف و کلید هر مراد
 مجایط و عاصی رحمای دانی و قاصی فخر و میان رحمت عالمیان روی
 سیاه اژده دولت و دین یست پناه اهل اسنان و زمین نقطه
 دایره وحدت نمره تجر و حکمت عارف خیر حقان کونی و الهی نایق بصیر
 ایا الشباز کما هی رسول محبتی نبی مرتضا خلاصه موجودات مغر و مخلوقات
 و بیایی بی پایان و بی قیاس انقباب جلاله نور ایمستی به فی الناس
 سلطان منصور لوی و عز و ده و نصرده قمران صاحب طغای دما تا تک الرسول
 مخدومه زنده ماده خلقت خلق من الماء عالی خطر بند قطری نصب
 و جهک فی السماء سکن خلوت سرای قم السیل الاقلید هار و ستان
 اکان سرای و رقی الفان ترسیلا رافع اعلام و ان جذنا لهم العالمون
 و اصنع اعلام و لا یخطو بهمینک اولار تاب المیطلون حزن هر اسما ان الذی
 هر می و اسلمه دمار ملک قیصر و کسری حازن فردوس حداین حقایت
 کاسف نور اسرار و قاین اول شاه سر آفرینش اول ماه میر شمس
 اول کوهر و بیایی هستی بدرقه طریق خدا برستی همای عزت شیان

عقلمانی قاف لامکان مفتاح خزینه جود مصباح آسمان وجود جان

جهان صفا جهان جان دفا

ایات

سپهر سالار زوایکان درگاه
چرخ بر مسکاه لی مع اسه
مراو کن فکان مقصود کونین
کان ابروی کان قاف فوسین
جنبست بران میدان طریقت
مضائق چنین بوستان خفیف
جسم پیرایه باغ لایزال
هزار آوای کلمه معالی
سغاغت خواه ایاب جنابت
یسراغ افندوز مسکوه هدایت
خطیب سکنان ملک تجرید
دلیل هیران کوی توحید
شبه نه منظره و انجم مواکب
غبار موکبی تحمل کواکب
کل خوش منظر بوستان عالم
تن بی سایه سید جان عالم
حدیثی کوه و دج رسالت
طراز عرس ذیل کبریایی
جبینی اختر برج جلالت
سپهر ابد در مغلی غباری
قبای اطلال کحل رداسی
براستی نشانی قم فاندز
سپهر ابد در مغلی غباری
قدم بهمن نه کیم دار کن فکانه
تسبیح طراز اولش فظهر
اساس شهر بند نفسی نفس
قدم بهمن نه کیم دار کن فکانه
عبادت خانه سید بیت معمور
سپهر و عده اهل بیعت او
سپهر خانه کوی فقیر اول
نظم کاه سرای روح جانده
نماش کاه باغ لامکاندر
کهنکار امتنه هم تنبیع او
ولی بخشنده نایج دسر بر اول
نماش کاه باغ لامکاندر

فلک و هلیزه قدر اجتنابی ملک طالع و سن باغ اصطفا
 نثر اول ساه بارگاه دین اول مهر فلک یقین در ورج دما
 کوکب برج آشنایی مقتدای خواص الهی کنجهای مملکت بادشاهی
 سبب اول و دواهی قاهره اسباب فرامیر ملاحی **ابیات**

یعنی اول داری و الملک جان	خاکت باسی قبله خلق جهان
آفتاب شرع و در بای یقین	نور عالم رحمة للعالمین
مهرین بهرین انبیا	همای اصفیاد اولیا
مهدی اسلام و پادشاهی	مفتی غیب امام جزو وکل
خواجه اولاد ادم اولد	شمع جمیع انبی عالم اولد
بر تو جمله جهان عکس دی	ملکت هفت آسمان بر مری
جان باکان خاکت جان کبیر	جان فوکسم آفرینش خاکبیر
آسمان بر خلقه سید موبت	خزانه پوشی خائفه کوکب
عقل کلک خلوت راه یوق	جبرئیلک وقتنه اکاه یوق
دین جان لقا سی پیر	انبی عالمه رضا سی پیر
داری دردی کوکله مهرید	نور جانر عکس نور چهرید
مای بخش هر دو عالم نورید	جمله اشیا دن مقدم نورید
اول که اول طاهر اولدی غیب	نور پاک ایدی انک بی شک و سب
طاهر اولدی نوری و یکدی غلم	اولدی عرش و کرسی و لوح و قلم
ماه و مهر و جرج و جمله خسران	اول علمدن اولدی جمله سلیمان
بر علمدن اولدی و حکم عالمی	بر علمدن دخی اولدی آدمی
جمله عالم اولدی انک امنی	جمله سی انک خوش چین همی

چون باقی حق نذر کند
بهتری دورک زانیدر کند
روز محشر ده که دیکه طویند
سویز کیم همین اول قیور
امت اولی ایستی موسی کا
عیسی دخی جوق دعا ایستی کا
موسا به باطنه اولدی بوهرام
عیسا به ظاهر ده دخی بوهرام
نیز اول جهان بخش جوان بخت
اول قرناج دهلک تخت
رفین وقار و سهارف جرخ کمان
دسها مدن کی ممکن مدنی وطن
نور حدقه نبوت دوز حدیقه فوت

ابیات

الا ای مطیع خورشیدش غمی
الا ای سایه لطف الهی
سن اولدک مهربانم دل
سن اولدک مدققش غایم دل
سن اولدک ریح بوی جیجک
سن اولدک کینج دوعالم کماک
شمنه فلک کمتر عداک
دوعالم زنده دارینک نامک
کواکب خاشه رو استا کماک
ملاک نغمه ز بوستانک
زحل جو کماک زن هندوی کماک
فلک مشعل فروز خانقا کماک
جمال کعبه نور آفرای رویک
سئون سایه بانک ساح طوبی
چراگاه برانک باغ رضوان
درای نه فلک در جارا کماک
سقیع نوح اولو بدربار رویک
سپهان تخت فاکه سناک باد
کلهک نور می بر لعه پوز کردن
نفس می در کماک فردوس علی
رکابنده جکر صف حور عثمان
حرم حضرت عت و تافک
سجاکمل اولو بدربار کماک
جهان بندک دوعالم کماک
مسجک نفی بر ستمه سوز کردن

فلک قطبیدر خلوت نشینک
جهان خلوت نشینی خوشه چمنک
گذرگاهت هوای لاکمادر
نظرگاهت فضای ملک جانک
زمانگذر زمان بی زمانی
نماند نشان بی نشانی
سر بر عرش در ملک سنانک
این وحی صاحب سر معراج

اول مسد صدر سعادت و اول سرور سر ریادت در
صدف اقبال دوری سماء جلال غواض بحر معانی معدن سبع منافی
مهدی انوار دانی منبع اسرار مهدی بصریح کوه ملکوت سہباز ہوا
جبروت مبیل کلار قدس طوطی سبز زار انس خطیب بلبل بیان
جمع قدوسیان غدیب فصیح زبان محفل کرو بیان

سید کائنات و سمع رسل
مفخر انبیا امام سہل
سمع بطحا جرج بیت حرم
صدر بدر جهان جهان کرم
بنی ہاشمی رسول خدا
مرغ دستان سرای ہرود سرا
حجت حق خلاصہ کونین
مستقل فروزہ دو دمان قرین
جم انجسم سر بر کردون جیش
طیبت طبیب خیرد یثرب
حافظ صفہ معانی دل
کار بردار کارنامہ غیب
سکن خائفہ اوادی
حافظ صفہ معانی دل
بہل کلستان ماوحی
حاکم کلید نجات
دانشدہ عالمہ کلید نجات
کو کلید خازن خزانہ عشق
سمہ جرج و الذی اسرا
ہم حیات جهان ہم حیات
دلبر مرغ شبانہ عشق

امرو نخی رستاده موصوف
 نخبیدر منکر اهر بر معروف
 عارض لاله برکت باغ بهشت
 حجره سی نه سرای سیمین خشت
 کریمیم ایسه اول جناب کریم
 ارتق اولور بهای دریمیم
 اول زحمان بارگاه قدم
 اول اضح عرب و عجم اول معدن

علم و کرم

یعنی اول خاقان ملک و شریع و ده
 اول رسول خاص رب العالمین
 دولت هر دو جهان درگاهید
 انبیا به قبله خلوتگاهید
 ماحی عصیان آدم نمید
 ایکی عالم جرعه خوار جامید
 مطیع انوار حق مقصود کل
 میتوانی شریع و سلطان رسل
 اول ماه آسمان جلالت شاه و سکا ه کمال
 در بحر احضر مضر سرور
 سرخ روی بعثت الی الاسود والاحمر
 جان و کتایلم شریع زبان
 همنامی نااضح

عنصرک محض زنده فطرت
 مدحک نفس تجبه فکرت
 ذره التاج کنن نکاح نسبت
 قرة العین انس و جان لعنت
 سیدسل کل آدمک
 سبب رحمت و عالمک
 صدق در معرفت ذاتک
 منظر نور حق در آیاتک
 جرحه رخاک رو بیدانک
 عیسی در یاسبان ابوابک
 ظلمت محضر جعد برینابک
 آب حیوان عین سیرابک
 حلقه داران جرح کسل بوی
 اولد بلور در کسکه خشفه کوش
 رقمک حرف سنج تخمه کن
 فلکک راست کار است سخن
 حرمک استان فوج ملک
 فلکک آفتاب برج فلک

مرده به زینت و صفا شدن رونق ملک و صفا شدن
 پایه قدرت آسمان بودند پایه نورک افتاب بلند
 نشر طائر کبوتر حدیث اطلس جرح شقه عکاس
 کل عالم طفیل سن مقصود سن محمد رسالت محمود
 سن برج ماه مطلع لولاک سن نقد سر کلشن افلاک
 سن اول روح مقدسک و اول ذات معنی کم برادک
 عقل اول برادک قلم اعلیٰ سن اول نیکی که هنوز سب خلوتگاه
 عدم در صبح صادق وجود عالم و آدم بود ربوب دور وردی هنوز
 مشعل ستمکاران بسط افلاک جهان ضیا در بزمی و هنوز
 مشعل سیاه کان جاسوی بازار زمانه غوغا برافشای هنوز
 طبایع اربعه مضاده بر بریده ترکیب و الفت بود ماستردی و هنوز ارکان
 واسطیات برآه به جمع ادب فرج و وحدت بود ماستردی و هنوز
 خاک برسان دیده ایلیس لعینی ربخورد انباشدی و هنوز باد
 افغان و غیران جستم حشمت شد عادی مقهور انباشدی و هنوز
 بند معاهد جوشن آینه خلق رعونت فرعون بسته ادماشدی
 و هنوز بر لبه صعیف و خیاب آینه دماغ نخوت فرد خسته ادماشدی
 هنوز چنین جن رحم مادر قد مدان کلمتدی و این انس برده
 غیب عدم در حقیقتش ابی که خلعت دیبای نبوت و قبا ی
 زیبای فوت آینه حق تبارک و تعالیٰ سنی کریم انباشدی که گشت
 نبی و آدم بین الماء و الطین و سن اول رسولک که هنوز نه ماه
 داری فراز سعاد و نه ماهی داری سب زاده نه خوان داری نه نوز

نه دی وادی نه نموز نه رنگ ز کانون آخرین زمین یوزنی یک
 رنگ ایست ایچون سرخم صبغة امه حمیس ایدی دنه زکر تشرین اولین
 اف نه زور و زیوری صحن حینه صاحبش ایدی نه مشعبد زمان ایچون
 فصل بهار ده هیا کل عرایس محذرات جمده هنکانه باغ جهان
 آریس ایتدی دنه عطار بوستان حجر آتین لاله زار ده صفای
 رواج بخورن برین بیکه سام دل جان آسایس ایتدی نه دیوه
 زکس ایدی نه بنا کوش مرز کوش نه عقبه عضل وادی
 نه لویه خود و هوش نه صومعه آسمانده طاق و فقر قدرناه منازل
 حتی عادی کالو چون قدیم حکمتی دنه زادیه زمین سجاده
 جعلت لی الارض سجدا و لکورا آیتدی که حق جل و علی طاق ساری
 جلالت ب طر سر برسات اوزرنه سنی تعظیم ایتدی که یس
 و القرآن الحکیم انک لمن المرسلین سن اول عذاب سخن سدا
 غیب کلزایچینه سجان عالم ملک و ملکوت هنوز خواب عددن
 باشن فالدریوب ساکن دی سن اول خطیب خوش اداسک که قرب
 قلمینه قدس جامع ایچینه لاله الا الله ووب توحید ایدرکن عابدان
 مقربان حضرت جبروت هنوز عدم اقبمندن طشه جمعیوب صابندوی
 سن عقول مکنده تپکن بوکار کا بده نه غلغله ملک وادی
 نه دوله ملک سن ارواح عالمینه سلطان یکن بو بار کا بده نه غرضه
 سماک وادی نه دمه سماک سن الت کوشنه وحدت سر ایدن
 مست یکن نه هیبار وادی نه مست سن غت سر دقانه بالایی
 هفت چرخ صد سن یکن نه بالا وادی نه لبست سن اول کوشن

هونز نقاش قدر بوقش لاجودی نفوس صور کو کبله تصویر
و هویدا بیدار و هونز معماران قضا بوجار طاق عناصری بوترتب
و اسباب اوزینه بنا و بیدار بیدار و هونز فراتان نسیم صبا
صحن زمین اوزره فرس زمرین دوشه عدل و خادمان با چین جهان
بغنه زینب و فرور عدل غیب عالمه روح مشرقدن طالع ایدک
و قدس کلارنه جان مصلحتدن لامع ایدک سن اول دریای کرمک
کرانک بوق سن باران برک که یایانک بوق سن اول درک
و کرک حقیقتدر سن اول جوهر سکه که معدنک شمعدر سن
اول دلتک که وجودک رحمتدر سن اول وجود سکه که ایشک رحمتدر
سن اول عاشقک که محبوب کنه سکه سن اول طایر سکه که مطلوبه
کنه سکه سن اول شمعک که سوختر سکه سن اول آبی سکه که
طول عمر سکه سن اول آفتاب سکه که کوفی بوق سن اول ماه سکه که
خونی بوق سن اول کلک سکه که کلزار ملکوت سکه سوز سن
اول سکه سکه که حکایت عالم سکه معطر سن اول ملک سکه که
رقاب ملک جهان ربه طاعتکه بسته دانه ده سن اول یار سکه که
ارکان داعیان ثان اوامرو نواهی که منفاد و کردن نهاده دوران
ملک موافق فرمانک بساط آسمان میدان جولانک استهب صبح
و اهرم سب ایکی جینکس جنابک تو سن جرج مرکب و جرم قمر
نعل رکابک خاک جناب عزیزک توتیای دیده کیوان نعل سهند
سبدینک کوسوار کوش اختران ملک عظم سنده منطقه بروج ایدک طای
نطاق باغلاش نفس کل لوحه قلم علامه مدحت قصایدی تالیس

رُحل در بان قصر عرمت اویس بر جبین دُعی و مداح صدر رُحمت
 اویس بهرام اعداک فخر یحیون خجری بنده آفتاب ادبیاک نصرت یحیون یعنی
 آئینه نا هید بزه مک یحیون مجلس عایانه مطر بده میر مک ایدر
 عطارد و ملک یحیون دیوان فضا ده اولور من کاتب سر مک ایدر ماه
 مهرک توفه طراز دوز ابر عرمت اوددن راتر کواکب کواکبه
 جلاک یحیون بر خدم نفوس کائنات صورتک نسخ سندن بر رسم
 آتش توفک حرارتی و سوب محرق اشباح اولدی هوا هوکدن
 دم ادر یحیون محیی رواج اولدی آیه لکھن زلالی فارسوب
 مدد حیوة حیوان اولدی خاک حکمه اوکندی ماده موالیده ترکیب
 ابدان اولدی فضله عرمت افلاک ایرشدی متحرک دی قرار ایدی
 جرعه حرمت زمینه دوکولای ساکن صاحب وقار ایدی روزگار
 علم شریعت وجودک شرفیه نو بهار اولدی عرسان معارف طریقت
 سورک زبوریه بر حسن و نکار اولدی شریعت جهان آرایک
 عالمه زبور ویدی سیاست ملک پیرایک جهانیه ریب و فرویدی
 عربی حبیبک انسی دانی آنوشروانی دوده ویدی حجاز ده حکمت
 صوفی بدمی اعلیمی بر برینه دردی شریعت یوزی جویبار سبزه زار
 لطایف کله لاله زار دهادیت یغنی زلال چشمه سار معارف کله
 آبدار ظلم نواسی عدلک محابینه مستکس و طغیان لشکری
 شرفک رایتله مدرس آسمان همک فائده بر زمین خبره آفتاب
 رأی منبرک اوکند بیره سن اول مدد و حکمت که فلم او هلاک خربزه
 جیلان دسن اول محمودک که عضل منافک تقریر بنده سرگردان

سن اول نورسک که جسمانی و کل سن اول روحسک که هیولانی
و کل سن اول ادیبسک که معنک جبریل امین سن اول امیکسک
او فو بکسک کتاب بین سن اول رسولسک که جنبه دانشه رسالت
تمام سن اول نیسک که دائره وجود نبوتکله تمام **ابیات**
شمه نه مسند هفت اختران ختم رسل خاتم پیغامبران
مسند افروز شب خاکبان شمع سر ابرده افلاکیان
کشف بستر مهبط روح الهی روح ملک خرم نه خورشیدین
در بنیم صدق اصطفا واسطه عقد رسل مصطفی
شاه ملک جین جهان جوید شمع جهان تاب ملک دو دید
کوش جهان حلقه کس ممید یکی جهان حلقه تسلیمید
خاک دری روضه جاند رنگ کرد رهی جان جهاندر انگ
همه کس مطیع فضل خلیل مرغ حرم حرم جبرئیل
خسر و نسیم رسالت اود صف بکن اهل صلات اود
چار ملک ببل بنامید هفت ملک صحن شب نامید
راحت ارواح ملک بوییدر آب حفر خاک سر کو بیدر
میشرو قافله پیش بین مردک دیده عین البقین
نثر اول سید سعادت اول منبع سعادت واسطه قلداده
جواهر کائنات خلاصه سلسله زواهر موجودات خوشید
رخشان روز اقبال صاحب قران و حرض المؤمنین علی القفال
باز بلند پرواز ساعد سعادت همای همنای آسمان سعادت
مبتوای محراب صلواتی رایتونی همنای بی تیاب فلان کنستم

تجربون الله فاستمعوني يكانه و بنگاه هفت کسب دنیا نشانه
راه و الدین جاهد و افینا موده مردن کعبه صفا حضرت بول
محمد مصطفی علیه من الصلوات از کایا و من التحيات اسما

اول ختم بیضا مبران مرسل	صوره صوکت وجوده اول
اول حکم کتور رسالت	فرمان ده لشکر ولایت
دارن حجت الهی	دانشه راز صبحا هی
شاهنشاه تحت آسمانی	خواننده تحت نهالی
سلطان ممالک هدایت	طغیانی صغیر عنایت
سکوب مخالفان بتر	تن پوش برهنگان محشر
صاحب نظر ولایت جود	مقصود و جحان جحان مقصود
مجموع خلاصه معانی	سرسیمه آب زندگانی

اول شهسوار میدان سبل اول قافله سالار کاروان
ریل اول سرو عالم که صبح روز عید سعادت غره دلربا سید
و شب قدر سال سادات طره عنبر ساسدور اول طغیر
بازماندگان کران بار جلال اول پناه دایندگان گرفتار صدمات
اول دست گیرنده غنیان قلم شوات اول یقطان کسند
نماکان مرغ لذات اول روح قالب عزت اول قالب روح دولت
ای مسند لیاقت و رای افلاک قدرکت سنک و بوقا ک و خاک
نقش صفحات رایت سکه لولاک لما خلقت الافا ک
سلطان سر بر کائنات سنک شاهنشاه کتور حب سنک
خاکله سرشته روی آدم یوز که هجراغ یکی عالم

زمین و ملک در غبار است ازل تا ابد در تماشای کفایت
 و ملک در دریای رحمت است کفایت در سبک بردبارستان
 زحل هندوی باستان در دوی سبک در دایه بیکر
 سن اول طایس سر قفس است که جولانگاه است بوستان
 دین و سن اول سیر حقیقت است که سیر انکاه است صحای مبین
 سن اول لوطی کلزار نوید است که دامان غداک است کستان
 ریاض قدس کلزار و سن اول بیل باغ نوید است که طوارق
 همیشه کلستان سبز زار است اولور سن اول بحر حقیقت است که
 هر مشربده کورین مختلف ابریا قدس سن اول کوه ملک است که
 هر مدینه ظاهر اولان زلال معرفت سن اول جبار سن
 اول آسمان سخاست که هر کوکب اول آسمان سن آفتاب سن اول
 دریای جود است که آفتاب اول دریایه بر حجاب سن بردات
 ملک است که جمله ملائک آدمه است عزت که سجده ملک است سن
 بر روح مجسم است که جمیع ارواح عالمه است محبت که وجوده ملک است
 بر جان مظهر است که صفای وجوده کردن زمره قدس صفا سور
 بر روان نور است که نورک بر توذن شرق و غرب صفا سور
 خلق است که جمیع ارواح انبیا انوار در یاسدن هر بری قطره
 بر قدوس صفا است که جمیع انوار اولیا جماعت آفتابدن هر بری
 بر ذره دم آدم روحدن فتوح نوح روحدر درین دیس کنا کندن
 کلام کلیم خط بکدن عزت اسماعیل جلایکون خلق خلیل حاکمون
 نفیقه عیسی نفسکه رهبر حضرت جبرئیل بولس دیکله فریاد سیم انبیا

نعمه داود اکاشکله ملک سلیمان سلطانکله حسن یوسف یوزکدن

حدیث نبوت سوزکدن

بقیه روی صوفیان بارکه صفاسیده سره چشم قدسبان خاک در سید
 اول شمع ایوان تحقیق اول مطلع انوار توفیق اول دوصه ریاض
 قدم اول دوصه رباعین کرم آینه جمال شاهی جام جهاننامی دیشاهی
 محرم انوار رحمانی محرم کعبه سلطانی حبیب حق نبی مطلق ندیم خاص علم بزل
 حضرت نبی الله حمد مرسل علیه سرائف الصلوات و لطایف الخیات
 حق تبارک و تعالی تنکم انک دینی موبد و سرعنی محمد و ملستی حسره دکن
 داتم و امنستی قیامنه دکن قائم ابدی کنه انک همت در جانیه سنک
 عنایتی اعدایه و انار نورینه سنک بر کافی اعدایه تا حسره دکن
 امنست عارفی کوکلدرنی معارف یقینیه سبله محلی و عابدی محمدی
 آداب دینی سبله عرفی ادوب انک اول علایق هیولانیه دن بک
 و مظهر و حکمت صفاسیده و انوار قدسبله روشن و منور و انک صفاسیده
 ارباب قلوب و خاطری معنور و اصحاب کسور سرری بر نور سینه لرصفه
 سر یعنی صفاسیده بطیب باطله برین و کوکلدرخانه ری طریق خیر
 و لیلدری سبله روشن ادوب ذات سرینی ذات جواهر جوده
 عالم بخیر بایسته منازل شده ابدی مونس سرور و نفس قدسیه
 زمره ارواح نفع سبله جهان تقدیس ایچینه خطاب قدسه و اما صفا
 و بر حضور ده اوله احکام شرعیه سنک متفرعاتی و فروع دینی سنک
 جزئیاتی مغشحه صلوات طیبات که انک نسیم نجات عبریه
 و نسیم نجات عبریه بی اول حضرت اخلاف طیبه زکبه و محاسن

کریم سینه سی کبی جهان یعنی معطر و انک صفای شمع سکت
 انوری و خلوصی علامت اناری اول جنابک ظاهر شریفک ضیای
 و بلبل طریقتک صفای کبی عالم یعنی منور ایله و سیمات نامیات که
 اصول تجربه شریفی و عرفان دودعه منیفی حدیقه باغ فواید و روضه
 حسن اعتقاد و زلال باک ایمان و منبع حیات حیات تریب بولوب
 هوای مهر و لاده و عالم صدق و صفاده بی تکلف نصیغ و ریاضیه سائیه
 مداهنه و مدار ریاح لوافح خلوص طوبیت و برکات نسیم صفایت برله
 نشود نما بولش اول اول دان کریمک روح مطهره لیس و نهار و اصل
 و موصول اوله

سلام من العالم احکام	علی روضه المصطفی الهاشم
هزاران در و جهان آفرین	نار در سید المرسلین
تفیع اسم خاتم انبیا	سهر رسالت ته اصفیا
فستاده خاص پروردگار	سائیه حجت استوار
کلید در کنج رب جلیل	امام پی در درج خلیل
سه آسمان قدس بار جبین	مه با سخی افتاب قرین
او در بیت معموری معموران	او در سقف رفوعی بر نوران
صفائنده خیره قوای عقل	تمام البلیه عن تاسن نقل
خرد کیمدر ایله و صفی انک	نه در دل که ایله بلیه مدح انک
کسبک که مداحی مه اوله	بره سوره آندخ تان راه اوله
همین بوقدره تقریر و تجریدن و خی امیدم اولدر که بوقدره	فالمس کوکلم خائشی براز ذکر می نوریده روشن و بو خواب اولش وجودم

با غیسی بر باره وصفی نسیم که کشتن ایدوب بونجه بیلدر که دلمی
عبث است کرده خرج ایدم و بجه مدت که کوکلی بون بود کرده صرف
ایدم بران آئی انگفله مکافات و بران ذکرک استیکله مجازات
ایدم که لطف عظیم خلق کریمدن ساعت ساعت در وقتانند
هواجر بودی چیرنده شفاعت بجزدن بر قطره دعایت نسیمدن رزق
بویین ضعیف قولندن در بیغ اتمیه که اگر چه اکا لایق خدمتم و امکنه
مناسب خصلتم بر غلبه دخی امنی و بنده نمجیدی جمله عزم بود امیده که

من نشه قوما فو منشم

ای زمین آسمان خاک درک
انبیا و صفکده در حیران
اهل دین روضه که چون خاک
یا رسول الله قتی در مانعیم
بر نظر اید بویین غمخواره به
نما که بنده جان اوله درنده ام
در د دل دایم سناک اوله سناک
در کهنه بی بضاعت کلمشم
چون وجودک چمن اوله ضایقه خوش
خوف شیطاندن بنی مامون قبل
چون انکده عانی سن جان ایدک
بس فتن اینت جان سن ایمان یک
قهر کوره چون کیره م ای سمع دین

عش کرسی عکس نور کوکرت
سر تناسان سنده سر کردت
جمعه عالم اوله کلکی خاک خاک
نفس النذن عاجز ایدوب ایدم
چاره بت بوبنده بیچاره به
قوتد یکت قولنه بر بنده ام
نقد جان هر دم دفات اوله سناک
دائق لطف شفاعت کلمشم
با که رحم ایت کلدی جانم حلقه او
روحی بس ایمان اید بیرون فصل
لطف ایدوبن درده دوان ایدک
جان اوله خدمتده تن ایدک
بر قلیک میتر کجا حبیل المین

نیجه اولدم مست غفلت ای میر سن مدایت با که ایض و سیکر
 بر عمل کیم ایشدم کسر ایلوم بی نوایم جبرخی جبر ایلوم
 هر شکست کسری چون ایشم اولوم کسره خود بید که جبر لازم اولوم
 بر نظر ایت کار می اینکل عام باقی لطف کدر نه دیم السلام
 و دخی عقول سیمه و طباع مستقیقه فائده مقرر در کیم محضات
 ابرار کرام و مجالست احبای عظام که کل بوستان اقبال و شمع شبستان
 آمال و ریجان چمن روح و منقح خوان فنوح و واسطه عقد کمال و کفن
 خاتم جلالت که کبریکجک مقتضای عقل کبریم و موجب ذهن تویم اولوم
 راز و صالاری قوتیسته مقالاری ذکریمه و جمالاری خیالنه خضالاری
 نثریه تمکین کوکلیت و ویرنه دلی بادی و بجان کوزینه سوز توپاسیلده
 راز نور و دل مجبسه سخن سنجیده بر باره سرور حاصل اوله چراغ بصیرت
 راز فردوس و باغ سریت بر باره آینه چمن روح معطر و تخم فنوح منور
 اولوب راز جان کلاری آجیله و صفای چیکلری صابیلده کوکل ای راز
 و دل خانیسی مرین جان باغ حرم و روح خسته سینه مرهم بقیته و ماد
 بو فلاید فراید محامد و مدحات در بار و بو جواهر زواهر صوف و دعوات
 اخلاص شعاریه که دن کوش و در کار و احاف و صد و رک دوش و دار
 مرین مالی و بنقوش الفاظ شقیقه اوصاف صفوه موجودات
 و بو صور ترکیب نطقه صفات خلاصه مخلوقات صفات ایام و لبالی
 و اوراق شور و غوام متوالی منقش و مالی دلوب بو ریحات افکلام
 و بو نظرات دای کلام ایله که یا کلک و لطافتیه رسک استکاحاد
 و صفای قشدر غیرت جام و سر ایدر یعنی قول عبارات مستعد به

و حضرت امی و ائمه و ائمه مستغنیه ترج ز دای اله که حق تعالی
حضرت نعت کریمه سبک فتم ناقص نیست بجه اولان است راندن اول
جناب ذوالجلالک خلوص در وسیله دینین تضرع استند و اول و ائمه
مصطفین اخبار و اول نفوس مقدسه فدوه ابرارک اوصاف کریمه برنده
و نیست سوره که معناسکت صیاسی هر حرفه لایح و مدلولک صفات
هر سنده واضح اول روح مطهره نکت انوارا بهره سی هر کلمه سنده مع
و اول سعادت کوشد بکشت اسرافات ساطعه سی هر لفظدن طالع در
اگر چه باز فصاحت است فضای لغت عرب عرابه خوش پرواز و طیران
ایدر و طالع و ص حقیقت و مجاز بوستان بیان اهل حجاز ده خوب و بیا
جولان ایدر و بدو ضعیف دخی اولان انشم اول زمانه و قدیدن بزم
اول لسانه ایدی لیکن کور و مکه مطالعه اسرار لطایف غریبه اول دیده
و مکه دیده حاصل میسر اول و دت دیده انوار نکت عجبیه اول لغت ده
چون کشتی به نصیب و مقدر نیمه طوطی جانور اول باغی صامت اولور
و هزاران هزار دستاغر اول کشته ساکت اولور پس ضروری حمد است
حق و سنای حضرت ماکت مطلق و صلوات نبیا و مرسلین و دعوت
اولیای صاحبین بر دله ترکیب در بر نه ترتیب ایدم که اول حضرت
عنایت بکله و اول جابک هدایت بکله اول نفوس مقدسه است همت نوبه
قوتیه و سعادت روحیه لری معون بکله عام النفع اولوب هر کیم اوتوبه یاد بکله
بر نوع خط و ذوق و بر بولدن صفا و سوزی حاصل اولقدن خالی اولیه
سوز مدر مونس غزلت کریمان حدیثم محمد صحت شینان
سوز مدن پیشور هر جان به جان ممت بر آندن بوی جانان

سوزند را جرای عشق بازان
 رفیق باک بازان طریقت
 بنظم و نثر که ترتیب قیدم
 نضرعت نه صاحب لاند
 انیس خاطر بی جا کاند
 کسانند که دشمنش چندی
 اگر شک شکر دیرم بر تو
 بودر شمع شبستان زمانه
 کو کلد خانه سید روشن
 معانی بحرینه غواص اولوبد
 عباراتی دلا لاتنده واضح
 منبأ عکس انوار الهی
 دیر او خوشی لذت زمانه
 سوادی نافه مسک تانازی
 نسیمی جانہ عنبر بوی مسکین
 انیس در دمنده اندر سخن بیل
 سخن ساقیسی محمودان عشق
 سخن جسم جهانک اولد حافی
 سخن باران دلد ابر مطرک
 سخن آرایش دلد ابر عفتک
 سخن بر سر اسرار الهی

تمامت قصه صاحب نیازان
 جلیس دلنوازان حقیقت
 بوالفاظی که بن ترکیب قیدم
 که مقبول روان معبد لاند
 فرح بخش دل آوار کاند
 طولو ایچی کل ایله یاسمند
 اگر در کهر دیرم بر آشور
 کل خوشبوی بوستان زمانه
 خراب آباد عالم کلشن آذن
 دل اهلی بزمنه رفاصل اولوبد
 اولور لفظنده حسن معنی لایح
 دیر الفالکته شو فی کاهی
 بار بلور سوز لرم اوراق جانہ
 بیاضی صانکه کل برک بھاری
 ندیم صادق عشق سکین
 جلیس مستند اندر سخن بیل
 سخن جلاب در بخوران عشق
 سخن باغ دلک آب روانی
 سخن نو لوی دریاسی ضمیرک
 سخن نو باوه سی کلزار عشق
 سخن بر در درج بادشاهی

سخن تشریف رب العالمین در رسوله تحفه روح الامین در
 ما و انکه بواجب افکار معانی و عرایس نفایس مخدرات مبین
 تنق الفاضل شریفه و عبارات لطیفه آتشدن مجلی و شکر هر دو بانه
 لذت و سرور و هر دو یکله به صفا و حضور هر مجلس احسنه سماعدن ذوق
 و هر اهل حاله ذکر به شوق حاصل ادوب حسن ظاهر الفاظک حسن
 بلاغتی و عبارات زبور فصاحت به محفوظ و سرور و حاشه بطن معانی
 مطالعه می و عدولاشک ملاحظه سبله بر صفا و بر نور ادوبن صدای
 کوسی عباراتی و آواز و مدحه مجاز و استغراقی به مسامع دل جانده
 و لوله شوق و سماع و صحای صدر جانده غنچه هکام استماع ادوب
 طرب و محبت کشن دل حرکات بنان بیاناته روحش و جعفر
 و زینت جمال نگارستان کوکل پیرایه در الفاظ طبله صفا داد
 و دکت اوله او قویانزدن و دیکله نیدن و آید نیدن و کلامدن
 بر ضعیف دل خسته بی و بوفیه شکسته بی کاه کاه دعای خیر حسن باد
 و فاتحه اخلاص ایله دلش و آید کلر بنجه بودر مانده فاش دل برکات
 و عوات ایله اعداد و بیجا به دلش کوکله همت جالیدن استعدا و بیوس
 و نباده صاغ نولورسم علائق ارتباطات قوای جسمانی دن و دوس
 تمویهات او با هم شیطانیه دن و نور نفعه توفیق و آخره کیمش اولورسم
 حجب حکمانیه اوصاف و نیویه دن و آمار ردیه بدیه دن خلاص
 اولمغه طریق میسر اولش دل آیین یارب العالمین

بعد الصلوة والسلام علی سید الانام الوف صحایف محاسن
 نجات عنبر نسیم که نقوش صفاء فؤاد و اما حسن اعتقاد

هر برور شکست بوزنده واضح دلایح اوله و صوف سائل کریم است
 که رنگ جهره ولا و بوی نفحه صفا هر برسطرینک بحد لامع
 و فایح اوله فافه قدسیان و برید رود حانیانه زمره آل کریم است
 جمیع اصحاب عظمی که مراد ذکر بر لبه ایصال و لوب جناب عزت و کبریا
 و حضرت دلی الایادی و الالایا جل شانّه و عظم سلطانه ملک عظمی
 ربانیه و عنایات سبحانیه سندن مسدعی و اُمول و منفع و مَسْئول اولد که
 صد هزاران هزار آثار روح و بجان و کلاسه بسته رضوان یعنی
 نعمات مرضی جان و نجات از بهر جنان هر دعه روحیه و وصل
 و هر فقه روانیه موصول دل کیم
 هدایت کدیان دری صاحب ولایت جمیع کفایان دین نبی
 و حامیان علم عربی حافظان شریعت محمدیه و ناصران طریقت احمدیه
 باطلان کلام قدیم و زوایان حدیث کریم ناسران آثار دینیّه و هادیان
 عقاید یقینیه رافعان اعلام ایمان و دافعان لشکر طغیان باغیان
 باغ نبوت و راز داران اسرار نبوت بوابان سرای رسالت و کاشفان
 رموز رسالت هیما بان محاکم عالم ملکوت بیسویان عرصه مسالک
 جبروت امیان و حی یائی و خزینه داران کنوز روحانی نجوم رجوم مرده
 سیاطین ضلالت و کواکب ثواب جبارای بودای جبهالت
 فلان مرغ علم و حکمت ملاحان کشتی بجز وحدت تاجران بصفت
 طاعت مسافران مساکت ریاضت جو هر فردشان در حقایق
 صرافان بازار دقایق مفاتیح ابواب هدایت و مصابیح ظلمات غوایت
 و ایمان ایمان و اعلام اسلام در

جمعه غواصان در بای صفا بلبان باغ شرع مصطفی
رضوان الله تعالی علیهم اجمعین

خود صاحب سوره مبسوطه و اروج مطهره ده شمع ایوان احمدی
و ده شعله چراغ محمد بنده سرودان صفا و ده عنایب بوستان
و فاده طوطی گلستان رسالت و ده طوبی آسمان جدالت و ده مرغ
مرغزار گلزار معانی و ده بلبل سبزه زار سبع مثانی

در دی اول چار بار صادق و اول چهار سوس موافق چار به تخت
شریعت و چار کن طاق طریقت چار سوی بازار تحقیق و چهار حکم
مصدقین چار عنصر دین و چهار دست و بای یقین چار نصفه صفا
و چهار قبه و فای چار درجه فضای قدس و چهار روزنه حرم انس
چار طاق سرای شرع و چهار دیوار بنا و فرخ چار باغ گلزار معانی و چهار
جوی باغ لایزال چار و ذریه کسور هدایت و چهار حکیم امراض جمالت
چار گوشه خانه نبوت و چهار دروازه مدینه نبوت چار بحر در
حقیقت و چهار حوض معطشان طریقت هر چهار آفتاب جرح

امم بحر صدق و جفا و عدل و کرم

او کبیری امیر المومنین سید صاحب سید المرسلین حبیب حبیب الله
ایشین رسول الله منبع معارف الهی معدن لطایف صبحگاهیه راز دار
اسرار احمدی خزینه دار کتبینه محمدی مجمع محاسن و شمائل مجموعه
مکام حصایل مهبط انوار سبحانی متعلق اخلاق رحمانی

مخزن سر حضرت نبوی عاشق نور ردی مصطفوی مشرق آفتاب صدق
ولی از لطف ایزد آب گلی قافله سالاران باب هدایت پیشرود روا

عنایت سر حلقه جمیع مهاجرین و انصار مخصوص نص اوها فی انصار
اول قد فلیح مدح ذاتی آخر الدلیل آیت صفاتی

اول محرم راز آسمانی اول محرم کعبه امانی اول هدم خاص ثانی آئین
اول خواجه چار سوی کونین صدیق طریق استقامت ساوکت
معارج کرامت صاحب قدم مقام تجرید سر دفتر حله اهل توحید
اول اول مؤمنان امت اول صد خلیفه های ملت فانی المودین قانع
الفجیره و المومنین عین ناز بار غار ابوبکر کینت و صدیق لقب
امیر المؤمنین عبداللہ بن ابی طالب بن عامر بن عمرو بن کعب

صد دین صدیق اکبر قطب حق هر صفه ایش اصحابه سنی
رضی الله عنه وارضاه و جعل فی اعلیٰ غرف الجنان منواہ اول اول ابوبکر
کعبه اجمعی بوکره طویش اکن و جملہ عربی شرک طویش اکن مکہ محضر لری
دفتر سرور لری و عرب اول لری و حجاز بلوری جملہ بکسر
دینک تا سید بنده و عبادت اصنام ایمانک تا کبد بنده
ابا عن جد اول دین ایچنده و کند لری بلای اول این ایچنده اولوب
سرعت مذکر لری و طریقت مذکر اکلازل کتاب الهی کور و کوری بوق
و خطاب آسمانی ایشند کوری بوق توحید کونستی طویش و معرفت بیلد لری
کور عمر خلعت ضلالت ایلدین طیلدین آتش و قنات جھالت
ظاہر لری باطن لری قایل آتش ابوبکر حضرت فی دخی آنک برسی دو باطل
دینک برسی بوکر ایچنده بو یوب و بوکر دکلہ بیوب ایچوب و کلا
بوال اوزره و عمری بو سوال اوزره کیده بوکر کن ناکاه جناب رب عزت
و عالی حضرت جل شانہ و عظم سلطانہ حضرت بکرم بحری جوش

و عنایت دگری خردسته کلوب عالمه رحمت و جهانیه مرحمت ایدوب دنیا
صلاح و عالم خلقه اصلاح آزموده هدایت و حق بولنه دلالت اینگونه
کنده ادبی خلقه زیاده احسان و امتنان و کوه تو عالمه حجت و برهان
کوستر مکنون بنه عرب اینچنین و فرسین سندن حضرت رسالت صراط
و محمدی مصطفی ایدوب رساله گویند یکی وقت هیچ کینه طاقت
و بر احد اطاعت اینگونه هر بری استغفار و انواعی در لو ایدالر ایدوب
حضرت سالت سولید کجه انز کلوب و زیاده سولرس سوکوب کاه محمد
ولی دلدی کندولی سولرس و نه سولید یکن اکلاماز و کاه سحرله خلقی آلامی است
و جاذ و قله عالمی بنام من ابتر دیوب کلام حق سحر تحبیلده و وحی
الهی بی حدی نفس و تسویه حمل ایدوب آنا فردن دده فردن
کور مد بکمر و سندی به دک ابتر بکمره آنا غرزدیوب اسکی ضلالتدی
و قدیمی حیاتدی اوز بنه مصر اولوب طور رکن ابوبکر حضرتی سفوده ایدی
کله می فرسین اولولری کوره کله می استنزا ایدو بیغامیری آیدو سولرس
حکایتن ایدو بر همین ابوبکر استیدیکک تصدیق ایدو و بیغجه تحقیق ایدو
خلقند ایمان بناسی محکم ایدو و جسته سعادت بنیاد می مستحکم ایدو
همین داروب بیغامیره بولسد می و اما اولجه انک دینه جالسدی
نفسی بالنی جمله اول بولده قودمی اهلسنی و عیالنی انک بولنه
رک ایدو مادانکه حضرت سالت دیناده ایدو و بدنی فید حیاتله ایدی
کیجه و کوندوز آنکه همد ایدی و جمیع اسرارینه حرم ایدی و اما کیدیکک
جلیسی ایدی و اصحابیک رئیس ایدی جمیع اصحاب اکا تعظیم ایدو می
و جده سی کاکتریم ایدو می و وفاتدن صکره و وحی و نبی احب ایدو

و تریعی بقای ابدی کتاب آرسند تفرقه بی اول دفع ابدی و دین
 اولوری اوزنه سندن اختلافی اول دفع ابدی عزت لری هلاک ابدی
 ممدوری هلاک ابدی تریعی خوش نظام وردی و دین الهی نظام
 وردی خلافت بردر ملک ویرلدی که فیجیه بهانه بولمندی و عدله بر طریقه
 سلوک ابدی که استقامت دن دزه چه آبرمدی حق تعالی سبحنی مسکور و جری
 موفور جت اعلا ده و جاتی زیاده و فردوس محلا ده مبارکی از پاده تبه
 بکینجینی امیر المؤمنین خلیفه رسول رب العالمین معاون الاسلام
 تظہیر المبین معدن معالم ملت رافع اعلام امت بانی مبانی جلال
 معارف مقصوده عدالت کاسر کسری غالب فیض فتح و مصر و غازی بحر و بر
 فتح کننده ممالک اسلام احکام کننده شرایع و احکام کت نده مداین بجا
 کننده خزائن عام و بار هسل ایمان یادم بنیاد سرک طغیان مقنن
 قوانین الغزو و الجهاد محمد مولد العدا له فی البلاد و اضع قواعد الاحساب
 معدل میزان العدل و الحساب مکمل العلم و العمل منادی با اسامه اجمل
 بیوای ملک ملت مقتدای عقل و دین نظر فصل
 و کمال و معدن علم و یقین امیر المؤمنین عمر بن الخطاب بن نفیل
 ابن عبدالعزی شکر الله مساعیه فی الدین و برأله مکانه فی اعلی علیین
 ملک عدلک میرد لطایف عمر و بن حصاک سب و در بانی عمر
 فضل و دانش چشمه سبک منبغی لطف جو دت معدن کافی عمر
 کله ی کریمه مؤمنینه جوق امیر یکیلندن اندک فانی عمر
 اول اول عمر و که اسلام دینی لجر بولمعه ظہیر اولدی مسلمانن
 آیینی آنکه صورت بولدی اول کلینجه اصحاب رسول اسکاره یوریه فردی

و اول سلمان المسیحی جو فی سلمان دینی پیدا اید فردی اول کلیسای
 اسکالر و اذان او فوئندی و اول دینه کیر مسیحی ارکان دین بورودی
 بر سلطان یهودان شریعت ایدی که عدلی دره سنی حکمی الله الله
 شیطانت نه زهره سی و اردی که وسوسه باز آید طاری اید سکه
 ان الشیطان لیفر من ظل عمر بر مرد میدان طریقت ایدی اگر حضرت
 رسالتن غیری اول عصرده بیجا بر اول اول اولودی اولم البعث
 بعث با عمر بر مبارک قدم ایدی که نه که اول سلمان المسیحی اعلام دین
 ظاهر اولوب ملت اسلام صورت و نوکت طوئندی کنه اول خلیفه المسیحی
 اطراف مملکت فتح اولوب امت محمد علیه السلام تمام کثرت بولدی
 بر حق کوی ایدی که هیچ مداهنه و مدارا کو طرزی برکت روی ایدی که
 هیچ نفاق و فرآه بیلمزدی اجای هکده دقت ایدوب فیلیه اکسبک
 قومازدی امضای شرعه و تصلب ایدوب اولو کو جو فرق ایتزدی
 سیاست شرعی بی تمام ایدودی و احکام دینه بی عیب تمام ایدودی
 مردینه هیچ مسأله ایتزدی حکم شرعه هیچ مسأله بیلمزدی
 توانین عدلی جهانده اول فودی و بساط معدلتی عالمه اول دوشه دی
 بونجه خلافت بخشنه لیکن اکسنده براسکی با لاس ایدی اول یونلو
 اوله کیدکی عاریت لباس ایدی بونک برله مهابتی عالمی طوئندی
 و جهانی هیبتی قابلاشدی سلطانین روم و عجم خوندن و تیر
 ایدی خسروان ترک دیم نامندن قویا لودی ظاهرده درویش
 و معسیره سلطان ایدی صورته فقیر و حقیقتده خان ایدی خلافت
 مستحار بنک جوئی کندوسی ایدودی و امارت امر لربنک کرین ایلده ایدی

طولی و نیامای دعار غایت و نعمت ایدردی و ملک او جند
اولان فقیر لری هر وقت تفقد ایدردی بکجه ایند فقیر لره آرقه سبله
اون طایر ایدی و ونه ایند قوی لره دستی ایند هو کتورردی

خلافت بر در لک ویرلدی که کیم آنجلین در لادی عدالت
بر طایفه سکون ایدی که کیم از بجه کینه ایدی حق تعالی برینه بک
عوض ثوبات و براینکینه هزاران هزار حسنات ایدوب جنت فردوسه
زخره انبیا ایند مجلس منزل قدسه ارواح مقدسه ایند ایند

ابوحنیفه امیر المؤمنین مختار سته النوری باجماع المسلمین رابعه
فی الاسلام واقف بر رومه علی الخواص و العلوم امام معظم شهید
مرحوم قدوه اصحاب حیا قبله ارباب سخا کاتب دمی جناب حضرت
امین کلام رب عزت بعل بوستان قرآن کل کلستان ایمان محرم
خاندان نبوت جامع مکارم قنوت مجمع محاسن شیم محرز فضایل ام
مقبول الحفزه النبویه عماد السده المصطفویه محبوب الذات
حرفی الصفات نور حدیقه شهدا و نور حدیقه سعدا ایند اخلفاء
الراکدین فخر الهدایه المهدیین

رو حایده اول محزون اسرار چایند اول المعظم بحبل الله
المعتمد علی کتاب الله ذوالهجرتین جامع القرآن ذوالنورین امیر المؤمنین
ابو محمد عثمان ابن عفان قدس الله روحه دراد فی اعلی غرفه
فوتحه اول اول عثمان که کلام قدیده اول ایند یکی سبکی ایند
و انک همنی بر کاشنه قرآنده اختلاف اولدی دینک بنیست
ظهور اولدی و سر لعلک بقاسنه نصیر اولدی اسلام ایند نبوت

و خلافت تحت اہبت پردی صحابہ کرامک بختلوسی ایدی و دنیا و دین
و بختلوسی ایدی و اما پیغمبرک مصاحبی ایدی و نبوت مصاحبه صاحبی
جیاسدن ملائکہ اونا نوردی ابدن پیغمبر بجز دی حق بولنده
نفسی وانی قومدی و دین مصلحتی چون کندوبی بر اقمندی خلافت
امرندہ سوکنو ایدی امارت تربتبدہ زینلو ایدی خلافت اول تربت نظام
اول و پردی و امارت امرتہ انتظام اول و پردی خلافت طوینی کوکاک
طویندی و تربت قولندہ محکم بستمندی عدالت طریقتدن ذره به
طریقت حقیقزدی و تربت اکثن بر خطہ الذن قومازدی و جود سخاوت
مبغی ایدی و محاسن فصاحت جمع ایدی عبادت اقلیمک خانی ایدی
و زہد اہلک سلطان ایدی معرفت درینک جری ایدی و حقیقت
دگرینک دری ایدی جان لکریک سروری ایدی و روح عسکرینک
مہتری ایدی کوکل کوکاک ماہی ایدی و دل اقلیمک ماہی ایدی
حق حضرتدن معصوم ایدی اولوی و حق مرحوم ایدی شہید لک اولوی
سعد لک کرک لوسی ایدی حق جل و علی آندن حشود اولہ و حق قاتندہ
مود و اولہ جندہ رضوان مقامن بولہ بولاشی رسول اللہ اولہ

در بخشی امیر المؤمنین خزانہ طہ و بس سر مطہی ابن عم نبی و بی رسول
زنج بول بسرا بی طالب بذریہ طالب مہتر بہتر فایز خیر صاحب
بدیع الایہ عامل آیتہ تجوی سالک مساکت مصلحتی کوھر کان لایقی سلطان
سرہیلانی لقمان دانش بستم توانش بہرام زور تھبہ نور مشتری
سعادت عطا و فطنت فہر سرعت باب رفیع انامدینہ العلم بحر سخا
کان کرم کوہم بیوای اصحاب زہد و عبادت رھنمای مسخران راہ ریاضت

منها می سلسله مساجد متقدمین و متاخرین مقصدای زمره اولیاء
 اولین و آخرین اصل نجره ولایت فرع عمره نهایت قطب دائرة توحید
 و محور عالم تغزید سر حشمة جمیع مشارب ارباب طریق فذکته دفاتر جملة
 اصحاب تحقیق کل کلمه لطایف سر سبز زار معارف جویبار باغ کرامت
 نسانه راه استقامت دریای القلوب کاشف الغیوب عالم ظاهری و باطنی
 عارف باطنی و ظریف سر غایبان و قایم رموز الوهیت و سرور کاشفان
 حقایق اسرار ربوبیت کامل علم لدنی و اوت سر انت منی منبع تفسیر
 قرآن عظیم معدن تائید کتاب کریم مطلع فواید هر خصوص قرآن منهد
 بر اطنافی خصوص عرفان سر غزین دین الله مشرف تشریف من کتب مولانا
 قدوه اولیاء ربی هضبا

سر در دین حمد و امید جمع و فضل
 اولیای ضلالت و حامی سرع دین
 روح امین امانت ایدر آند انقیاد
 مرآت نقشب و غرور محال حق
 جرح کمال عزت و چشم جهان مجد
 سر دفتر جماعت ارباب فضل و علم
 بکلمه آرزوی شاهی ملک ضابطه
 یعنی ابو الراجانین اسد الغالب السید السعید امیر المؤمنین
 علی بن ابی طالب کرم الله وجهه اول اول علیدر که اوان
 لطف لیکن خاندان نبوده و زمان صبا و بدن خانه فتوت
 بیویوب فطره الله اصل تبدیل انبوب حبیب اسلامه تغییر و بیویوب

عمر کرده سرگ دانه سینه قدم با صوب و کفر و اینه چگونگی
 کند و بی بدیدن دین اسلام و شریف محمد علیه السلام اوزینه نشود
 بولش ایدی و اما حضرت رسالت شفقتیله و کچه و کند و زرتیست
 اولمش ایدی هر دم روز باطنه همراز ایدی و اسرار توحیده و ساری
 نفوذ و قایت وجه مخزن ایدی و جوهر حقایق حقه معدن ایدی نفس
 صفاتی کیدرشدی و بدن هیأتدن ایش ایدی تمام توحید ذات
 ایشدی و بالکلیه تبدیل صفات ایشدی بقای بقای حق ایدی
 و وجود فانی مطلق ایدی عجایب کرامات منبع ایدی و انواع سعادت
 مجمع ایدی خلق خلق رحمانی ایدی و علمی علم سبحانی ایدی شجاعت
 وجود ایشد ایشدی و صفات عدالت انده تمام اولمش ایدی
 حق بولنده مالدن و جان کیمدی و دین مصطفی ایچون دنیایی
 برقمش ایدی هیچ دنیا کزین قار شماردی و بو عالم مصلحت ایشدی
 اکثر اوقانده حضور ضوئده ایدی و کچه کند و توجه و هدیه ایدی
 معارف دکرینه غنی اولمش ایدی و حقایق بحرینه مستغرق اولمش ایدی
 اسرار الهیه بیظهر ایدی و انوار نامتناهی بی مظهر ایدی معیبات
 استیجاب واقف ایدی و حوادث آئینه به عارف ایدی قواعد جفری
 اول جمع ایدی و جدالی استخراج اول وضع ایدی و نیمه دما غایب
 اسرار ایدی و آنچه دخی اسرار معارفه دلالت ایدی حکمت کل جبریده
 لغمان ایدی و معرفت دکر لکنده عمان ایدی علم بلا غشیه شیخ ایدی
 و فن عربیتی اول تودی سوزری جوامع الکلم ایدی و هر لفظنه
 هزار درو حکم ایدی محبوب العارفین ایدی سلطان العارفین ایدی

حق چیستند مدیون می‌ایدی دوست جانان بهوشی ایدی توجیه ملکات
 ماکلی ایدی تفرید سلکات ساکنی ایدی قدس بواسطت طاری ایدی
 ملکوت ملکات ساری ایدی کریم ذات ایدی مقبول الصفات ایدی اول
 اول عید که هر معرفت چشمه لریک منبعی آنده در و هر علم خزانه لریک منقاهی
 النور در هر کماک کمالی آنده در و هر صفات افضل آنده در و ازل نسیم
 مبرور و فضایل قدسیه ایل محلی در انوار لاهوتیه به مطلع در و اسرار جبروتیه به مجمع
 جمیع ارباب قلوب خالصه لریک توجیهی گادر و جمله اصحاب مکاشفات صادقان
 کشفی آنکه در در دیشک سلسله لریک منتهای سیر و سلوک اهلکات
 انتها سیر جمله ادبیای کرامات مشایخی آنده در و زفره مشایخ عظام
 انت بی‌اکاد و هر شجاعت انسانی آنک هستیله در و هر اسرار ملکات
 انسانی آنک تربیتیه در حق جل و علی آنک عنایتی سخاوتی و انوار
 قلوب عارفین و مظهر و تربیتی استجاری به مردم حدائق ارواح ساکنین
 مظهر انبوی روح مظهریات اناری بر کایت ارباب قلوب کوکله‌نی و انوار
 و روان نورینک انوار اهرافاتیکه اصحاب کثوف منازلنی هر وقت بر نور
 اید و ذات سریفی هر دم ذات مقدسیده و یا قدسیده نیست و وجودی لطیفی
 هر لحظه ارواح مجرد ایل منازل مجرد آنده حبس ایل

و خصوصاً اول نورین از آخرین و نورین نورین در می صدف الفت و نجی
 ملک الفت قرنی عین الرساله و غنی وجه اکماله شمس سماء البیاده
 و بدری عالم السعاده و دردی روضه اکمال و یکانی بوستان اکمال
 سیدی شباب اهل کجته

برسی امیر المؤمنین نور حدقه سید المرسلین کوه علم معدن علم

بحر سخا کان صفا در پای جود شریف الوجود صاحب نقبه انصاف فی البخته
خاتم اکلفاء الراشدین عند اهل السنه فصیح اللسان بلیغ السبیلان
جری انجنان عظیم الشان جلای البرهان قوی السلطان مصحح الفرقین
مؤلف الفئتنین سبب صلاح الملة المحمدیه منشاء اجماع الامه الاحمدیه
اشبه الناس بکجه النبی افضل الخلق بعد ایه الوصی خلیفه ابن خلیفه
السید الشهد الامین الزاهد ابو المحاسن المناقب ابو محمد الحسن بن علی
ابن ابی طالب روح الله روحه بالروح والريحان و سکته فی اعلی عرف
انجنان اول اول حسد که پیغمبر کاه او کنده کاه دیزده و کاه الله
دکاه و نورنده نبوت حمزه و سالت حمزه لشو و ناولش دی قره
عین نبوت ایدی و غره و جه نبوت ایدی مهران سعادت ایدی و ماه
اسمان سبادت ایدی صورتی هیبتی ایدی و نظره مهتابی ایدی علی
غایت ایدی و گرمی نهایت ایدی پیغمبر محبوبی ایدی و اهل دیک
حرفی ایدی جان کلایه کاتطیسی ایدی و جنت کلمات طوبی ایدی
افراط اینه زاید ایدی و نهایت سر غایت ایدی خلافتی کند و برافتی امله
تفرقی دفع ایدی رانده اید کوز کدی و اجتهادی اکایتی که
است محمدت صلاحی و دوده سی و دینک صلاحی کند و خلافت امرن
بر اقمده در و امارت امرن دار کلمده در حسین هرنه قدر که حدی
و بن رضی و کم دیو کشدی حسن ایدی بن صالح ابکن سکا و سر که سوله
و بدن سکره نیجه پیوسته کاپیه کت بکا و ده مدن حکایت ایدر که
و ایشن روایت ایدر که بنجون دیرش و بنی کور که سوره ش که
بر او شمس سبیل امتن ایکی طائفه بر شپ کرک و بنوک اوجیه

مسخر کردن ایکی جماعت کور شده کرک امتم آره سندن اختلافي
 دفع اينسه کرک و دين امرندن اختلافي رفع اينسه کرک هين دوده مک
 و ديکي بوقضيه در بويور دني بوقعه در ديوپ خلافي براقدي و معاويه ايله
 برندي اول سندن اجماع امک شما دني و احاديث صحيحه مک و لایسته
 حق جل ش نه عظم سلطانه دنيا خلافي يرينه اکا آخرت شاهلغني و بوجها
 بکلکي بدلي اول جهان يادک بلغن ميسر ايدوب تا حشره دکين روضي
 ارواح مقدره بيله همراز نفسي نفوس قدسيه سيله دمسار ايددي يوما
 نيوما ساعت ف عه درجات تصاعدده و مراتب رانیده اوله

يكجيني سيد ابن سيد ابوالساده الکرام امام ابن امام اب الائمة العظام
 اچود آل نبي و اشجع اولاد مصطفوي حبيب الانا کریم الصفات مقبول
 الاخلاق و انحصار مرضي الاوصاف و الشامل محبوب قلوب العارفين مطلوب
 نفوس العاشقين سيد السادات و جمیع السعادات نور حقه ال احمدي
 و نور حقيقه باغ محمدی کل کلزار صفا نور دیده مصطفی صاحب القبة المحمدا
 فی الجنة سيد الشهداء باجماع اهل السنة السعيد الطيب جمع الطرائق و منبع
 المثار ابو عبد الله حسين بن علي بن ابي طالب روح الله روحه دوز
 فتوحه اول اول چيندر که اول دخی قار داسی کبی بیخبرک توینش
 قولوغنده و آرتة سنده قوجاغنده بويوب سراي رالته و خانه جلنده
 ايلدی اخلاق حسنه و صفات مستحسنة مکام فضائل و محاسن شاملي
 آراسته و مزين ایدی سخاوت جو هرینک کانی ایدی و کرم بحرینک
 عثمانی ایدی سیادت تحکک سلطانی ایدی و سعادت تحکک کاهرانی ایدی
 تدنیه اخلاق ایتدی و تبدیل صفات ایتدی علم شریعه دیر ایدی

و معرفت طریقتند بهتوا ابدی بحر توحید ده ساج ابدی وجهان
تقرید ده ساج ابدی فناور بسنده غرق اولندی در تجلیات انواریه
مستغرق اولندی طلقه انکه گراکت نسبی اندن ابدی و جمیع سادات
خطا مک انتسابی اکا ابدی زمانه خلافت انک ابدی خطا محلیت ایک
ایدی امارت اول مستحق ابدی و اول عواده محن ابدی انک اجتهاد ای بده
ایدی که عالمک صلاحی بونده ابدی که خلیفه اول اوله جهانی عدله طوله دو
خواجه دخی ابدی ابدی که کلو سی بویه ابدی فاعلی طاعی ابدی عاصی اوله بغی
جدی دخی پیشتی سبوسوزی و پیشتی که بریدار بهشته غایده بوجه
ایرتمر اکا اولم بهید اولم پیچ اول و جدن آخر شهادت میر اولی و اجماعه
اول سعادت میر اولی حق تعالی انک نسلی دایم و سلسله سنی قائم
ایدوب اولاد کرامت کرماتی آمار یک برکاتیکه و انبار و انک سعادت
انوار یک اصنافیکه جهان یحیی معصور و عالم یوزینی بر نور نظام نوری منتظم
دار باب طریقتی معنی تم فیله

و خصوصاً اول عین مکرمین و بدین موزین سیدی آل نبی و قدوسی
دین مصطفوی کوکب فلک جلال و نجمی سماء اجلال عزیزان مکرمان
مقبولان معظمان برسی سدا صد

رسول الله معتمد حضرت احمد و معز دین محمد شجاع مقدم فارس ضرام
مشهور عرب و عجم مقبول ترک و علم رئیس الشهداء کریم السعداء و مدین
حروت شیر هنکام فوت ببر پیشه محاربه بلیک کوه مضاربه روان جسم
بیکار سر و مرغزار کارزار کل باغ پیروزی چراغ رخ جھان سوزی
نور حدقه رز و جوب و نور حدیقه شمشیر و ضرب محبوب جناب سادات

و مقبول حضرت جلالت ابد المفاخر و المکرم ابوعمارہ حمزہ بن عبدالمطلب
 ابن ہاشم رضی اللہ عنہ اول اول حمزہ در کتب پیغمبرک صغیری ایدی و عجبش
 ملیحی ایدی و بجز بدن غایت سودیکی ایدی و از الریدن تمام استدیکی ایدی
 الہکات اسلامی ایدی و اسلامک پہلوانی ایدی ایمانی دینہ غوث
 و پرستی و اسلامی اسلام سوکت و پرستی وجودی لشکر زینت ایدی
 ہر حملہ علی عدا یہ هیبت ایدی جملہ عرب و عجم در یوب انک شجاعتی وصف
 ایدہ مرزودی و جمیع رک و دیلم جمع ادوب انک بہا در غنہ مبالغہ اثیر لر
 ہر دیکہ انک شجاعتی مسہور اولسدر وینور و ہر جملہ امثالی قصہ
 اولسدر وینور بہا در غنی انواع امثالہ صوقوب سوپر لر و شجاعتی بیک
 درلو مثالہ کوسر لر اول اول شیر خرغام و ہر ہنگامہ رک کہ پیچیل
 مؤمنندہ نصیر اولای و شریعتہ ظہیر اولدی اسلام صورت اولدی
 و پیغمبرہ قوت اولدی اصحابک زینتی ایدی و دین اولیک رکنی ایدی
 اول اولیجہ علی بہ بہا در دین دیکدی و اول کیمیجہ شجاعتمہ شہرت بولدی
 اول اولدیکہ پیغمبر قنی یخبندی و اول کیدیکہ غایتہ اجمیدی
 حق تعالی انک برینہ علی بہ قوت ویردی و انک بدلی اکا ہیبت
 ویردی اول و حق نعم البدل اولدی و انک برینہ عیدہ مثل اولدی
 قریبک سروری ایدی و عجبک ہمتی ایدی پیغمبر انک شہادتہ
 شہادت ایدی و احادیث صحیحہ سعادتمہ دلالت ایدی حق تعالی شہاد
 منازلن اعلا مقاماتی و سعادتہا تبذرن اسعد کراماتی میسر ایدی
 و کرجیسی و شہادتہ جزیعی علی مراد ہور و الاعصار و تعاقب الازمان
 و الادارہ متوالی و مستدام ایدہ انہ ولی لا جابہ

۱۷۳
یکمچینی ساقی الحجاج مستنزل العطر لانا نام و سید سادات قریش
فی الجاہلیۃ والا سلام ابو خلفا العظام و جد الامراء الکدام المعزز
المعظم الکدام المفضم الموقر فی مجالس الاکابر المکرمین المقدم فی الصد
على الصحابة اجمعین عم البنی و صنوابیه محترم الناس ابو الفضل عباس
رضی اللہ عنہ اول اول عباس که جاہلیتہ بہ کن قریشک ادوسی ایدی
و سدا مدہ وخی اصحابک کرکوسی ایدی پیغمبر اکا آناسی کبی عزت اید دی
و صحابہ وخی اول یولدن حرم اید دی اول محبہ کلن پیغمبر ابن آر نور
ایدی اول بد اوله سولر کن یخوردی انک قائدہ قتی سولر دی
جبرائیل بکا بویہ دیدی ویر ایدی اول وخی پیغمبری سورا ایدی عزت
بیک اول قدر اید دی پیغمبرک عزتی اکا غور ویر عزدی انک تعظیفة
باقی یولدن ایرلر دی اول انک کرمدیر بن بنی بلویم اول انک ایدی
بن نہ کشیم ویر ایدی مقبول الذات ایدی کریم الصفات ایدی مشہور
الافاق ایدی مرضی الاخلاق ایدی خلف الراشدین قسندہ اذن
عزت یون ایدی و جمیع اصحاب آره سندہ اذن حرم یون عیدی ابن
عباس کبی جرک آناسی ایدی و بونجہ خلفا عطا مک دودہ سی ایدی
حق تعالی انک اولادینک اعلامی اعلام دیندہ سید بک اجری
توا بجه و اعلان معالم یقیندہ امکله بک عزدی حابجه انک رجنہ
موبات و انک روانہ حسات البصال ایدہ

و اذن مسکرہ باقی آل نبیک و عترہ ساداتک و جمیع ارجاع طیبات
و طاهرانک و باقی صحابہ اخبارینک و اصحاب ابرارینک نفوس طاهر
دار و اح مظہرہ لربہ اول قدر سرائف صلوات کہ رضاب حوران بہشتی

مظهر مصطفی و اول مقدار لطیف دعوات که نفحات نسیم اود بهشت
 کبی معطر و مونی اوله ابلاغ و ایصال اذنور که عد و بهت حب بنی اهدن
 غیری کیس بهلیه و اذن صکره جمیع تابعانک و تبع تابعانک و علماء
 شریعت محمدیه بنک و فضلا ملت احمدیه بنک و ائمه کرامک و فقهای
 عظامک نفوس طیبه و ارواح زکیه بونه بیک که بیک تحف تجات طیبات
 و نجه بوز بیک صوفیسمات نامیات که حسن امام صبا و طبیب نسیم صبا
 و لذت سایه امان و ز بهت ازهار گلستان کبی تار و منور و روشن
 اوله و وصل و موصول اوله

خصوصا اول درت صاحب مذہب چار رکن اسلام و چهار راه
 احکام چار امام مظهر و چهار جوارح منور چار در و دریای نبوت
 و چهار جوهر کان قوت چار کونک سماء امامت و چهار نجم ملک
 چار بحر صفا و چهار کوه وفا چار دلیل کرامان و چهار بنیاد بیجا
 چار بنیاد ملت و چهار عماد امت چار سوی شریعت و چهار دیوار
 حقیقت چار حافظ برای شرع و چهار امیر خوانه فرع چار سمع ابوان
 هدایت و چهار مصباح خاندان عنایت چار چشمه زلال معارف
 و چهار بلبل سمره زار لطائف چار سر دماغ رسالت و چهار
 سر و صدر جلالت

برسی سید المجتهدین و ارت علوم الانبیاء و المرسلین سلطان
 الشریعہ بریان الطریقه عارف اسرار قرآن کاشف رموز فرقان
 شمع الائمہ سراج الملة فخر اباب العبادہ شیخ اصحاب الاستفاده
 البارع الواع المتبع من علمه بالعمل النافع علم الفتوی و عالم التقوی

منبع المعارف الربانیة و معدن اللطائف السجانیة مهبط انوار الهدیة
 و مجمع الكمالات الانسیة جامع زهد و علم و مجموعه کرم و علم صاحب الذهن
 الوفاء و الطبع النفاذ و الفكر الصائب و الراى الساقب حافظ قرآنة
 القرآن الکریم و ضابط روایات سنة الرسول علیه افضل التسلیم عالم
 المعقول و المنقول و امام الفردع و الاصول مستخرج قواعد الاحکام و ابی
 مبانی الاسلام شمع انوار اجتهاد و چراغ خانه استنباط امام مسلمین
 حجة اکتی علی کثرت جمعین اما عظم و مقتداى معظم مولانا
 ابو حنیفه کوفی نعمان بن ثابت بن رطلی رضی الله تعالی عنہ
 و عن اصحاب المجتهدین و علامتہ ائمہ الدین و من فی مذہبہ من المؤمنین
 اول اول امام که احکام بناسنی اول محکم ایتدی و استنباط اسنی
 اول مستحکم ایتدی قیاس کنشی اول تشبیه ایتدی و اجتهاد و بسنی
 اول تأکید ایتدی اصول قواعد بنی اول سبط ایتدی و فروع احکامی
 اول ضبط ایتدی دین اوینه زینت و یردی و شرع باعنه بهجت و یردی
 عالم خلقنه نظام و یردی و شریعت محمدہ انتظام و یردی امتنه
 سراج اولدی بشریة تاج اولدی جماعه اول مقتداى اولدی
 و جهان انکله هدی بولدی جمل امواته حیات و یردی و دل خسته لرینه
 نجات و یردی و علم دینی بی جنب ایتدی و قوانین شرعیہ بی اجرا ایتدی
 جان روضه صفا و یردی و سینه فصاحت صفا و یردی طایفه
 صراط مستقیم قودی و استنبذه طریق نویم قودی نقی بنایک و یردی
 قواعد قودی و احکام ادرکات استنبذه ضوابط قودی استنباط
 طلب ایزد یون پنجم انکات رت ایتدی و استخراج استنبذ یون

انچه دلالت میدی جها نده بر مذہب خودی که دین اہلکست
 اگر کسی کا متابعت اید لر و عاقلہ بر قانون وضع اسدی کہ آنجہ سلاطین
 کردن کثان کا اطاعت اید لر حق تعالیٰ مذہبہ نگیران اہلکست
 طاعتی مناسبت حیات و طریقتہ سکوت ایدن ملک عبادانی جب
 متوبات انک روح معظم در وان مکرمنہ و صل قلوب تا دنیا طور و تہ
 مدہبہی دائم و قیامت توینہ طریقتی قائم ایہ ہر مدہ حد ہزار
 قطرہ غم اکرام و ہر فسدہ نچہ بیک نفعہ مسک آسای غیر فام انک قلب
 منور و قالب مطہر نہ نتا رایدہ بمنہ و کرمہ

یہ کیفی امام ثانی بحر معانی سباق غایات بدیع الایات کت و مشکلات
 القرآن العظیم حلال مفضلات کتاب الکریم ناصب رایات التدریل
 کاتف فناع مخدرات المعانی لتفسیر والتأویل علم الہدی علامۃ النوری
 و حید عصرہ و فرید دہرہ امام المسبین حمی الدنیاء الدین امام معظم و مقبول
 مکرم ابو عبد اللہ مولانا محمد بن ادریس الشافعی رضی اللہ عنہ اول اول اید
 بوجہ مجتہدینہ اول دخی فلیہر اولدی و شریعتک حیا سنہ اول دخی
 نصیر اولدی احکام دینیہ بی نابید ایدی و مسائل اجہتا دینیہ بی تجدید
 ایدی دین امریہ اول دخی فنی جاسدی و احکامک احکامہ
 محکم دور شدی و نیاک اول دہ برکتی ایدی و جہانک اول دہ
 برزینی ایدی شریعت عالمہ صفا و بر شدی و علم کلزارینہ بہجت و ضیا
 و بر شدی اصول باعنی اول دہ حیا ایشدی و شرع قوانینہ
 اول دہ اجرا ایشدی و نیاک اول دہ برزوری ایدی و جہان
 کلتانک برزوری ایدی جہان دہ اول دخی بر مذہب خودی کہ

اکا دخی بونجه مینج وادیا اقتدا ایدی و عالمده اولدخی برطریق
 سولک ایدی آتی دخی نیجه کل اصفیا ارتضا ایدی حق تعالی آنک
 دخی اهرینی موفور و عینی مشکور ایدوب همت برکاتنک انوار بله
 مذهبهنده اولان عالمک کوکلدری خانه سنی منور و غایبنی نسیمک
 آتاریه طریقنک اولان عارفک دل جانری و غنی معطر ایدیه
 ابوحنیفی امام المدینه و صاحب السکینه سید الفقهاء و المحدثین و استاد
 الائمة المنقذ من ناصح الحق و متقلب الحق مغرر السلاطین العظام مرجع
 اختلاف الکرام زین ابابعدی و قدوده صاحب فتوی امام المسلمین جهان النبی
 والدین ابو عبدان مولانا مالک بن انس بن ابی عامر الاصبی رضی الله عنه
 اول اول مالکدرکه ملک دینه مالک ایدی و مالک سرعه مالک ایدی
 علم حدیثده اولو ایدی علوم دینه ده بلو ایدی سنک نصیحجه
 غایتده اقدامی و ایدیدی وروانک تفحصده تمام اهتمامی و ایدیدی
 اول کتاب که حدیثده معتبر اولان آنک صحیحی ایدی و سول اسناد که
 زمانده مقبول اوله آنک نصیحی ایدی اکثر مجتهدینک استاذی ایدی
 و امام شافعیک اصلی آنک بنیادی ایدی هم عالم و هم زاهد ایدی
 هم عارف و هم عابد ایدی سلاطین جهان مقوری ایدی
 امیران زمان مأموری ایدی ناصح عالم ایدی و مرشد بنی آدم ایدی
 محدث آفاق ایدی مذهب الاصفان ایدی حق تعالی آنک دین امرده
 سعیده کوره آخرتده جوارر و اول بولدر رحمتده کوره جسته صفار
 میسر ایدوب دماغی و شریعتده روحدن امداد و صفار بلن اهلده رواندن
 استمداد اکبرک ایتیمه .

در نجیبی امام رابع و عالم دارع فخر المجتهدین و سید الفقهاء و المحدثین
 فخر ارباب صفاء و قدوة اصحاب و دفا جامع مکاترم الاخلاق و مرضی السامعین
 فی الافاق منبع الکرام و المائر و مجمع المعالی و المفخر امام المسلمین
 و تمس الدنیا و الدین ابو عبد الله مولانا احمد بن محمد بن حبیبی رضی الله عنه
 اول اول امام که فضیلت معرفت کمال زهد ابله محلی و حسن علم زبور علمه
 محلی ایدوب دین ارزنده افراط ابله متقلب و حق بولنده بی حد مستعصب
 شرح نبوی اجرا سند غایتده جری حکم شرعی امضا سنده حد سرفروزی ایدی
 هر علمنده و ائم غریبه استودی و هر ایشمه البت اولاسن کوزلردی خفته
 رخصت و بر فردی خلقه فتوی و بر سر ده کند ایشم دی قرآن عادی و
 دیو جبر استیو و بو بولده هزار دلو زجر استیو هر نه ایندیرس ممکن ادوب و
 ضرورتده رخصت و اکنین سولمادی اول سبیدن حبیبی بلا حکمدی و اول
 اوجدن بی حد جفا کوردی قصه سی تواریخده مذکور در و تقصیری حکایتده مشهور
 حق تعالی قیامتده رحمتی مقابله سنده رخصت و جفا سی چرا سنده ضغاک
 میسر ایدوب جنت اعلی ده بجای جمال ابله مسر و معطسم و خطاب تکلمیده
 مسرت و مکرم اعیه بلطفه و کرمه

و اندن صکره با فی اصحاب اجتهاد و ارباب استنباط ارجح مطهره
 هزاران هزار درود کحیات و رزیده التسلیمات و غیره التفات
 و دین بانه سعیدیه کوره اضغاف مضاعف حسات و اصل اوله
 و جمله علماء احادیث نبویه و صحاب سنن مصطفویه و ناقلان اخبار
 و ادیان انا رک ارجح مقدسین انوار الفاط در بار محمدیه اینه
 منور و شماتت نفحات انفاس حمیدیه اینه معطر اوله

خصوصاً بچیدن سول ایکی مصباح مشکوٰۃ سنت و ایکی جواغ خاندان
امت ایکی شیخ ابدان صفا و ایکی کوکب نور مصطفی ایکی معدن جواهر
کلمات نبوی و ایکی منبع زلال معارف مصطفوی ایکی جامع احادیث احمدی
و ایکی مجمع سنن محمدی ایکی رکن دین و ایکی عماد مسلمین ایکی در بحر عنایت
و ایکی نجم سماء دولت ایکی قندیل جامع شریعت و ایکی فستیه جواغ حقیقت
ایکی مرشد ملت دین و ایکی هادی معارف یقین ایکی جوهر کان
جلالت و ایکی جوهر معدن رسالت

برسی سید المحدثین سند الاولین و الآخرین امام اکبر علی الاطلاق
و شیخ الرداء بالاتفاق فخر الزهاد و قدوة العباد زبدة ارباب البوع
و التقوی بین الامم و طبیب علل احادیث النبی علیه السلام صاحب الجامع
الصحيح المأثور و جامع کتاب الکبیر المشهور اعنی الامام الاحمدمشیر المکمل
ابو عبد الله مولانا محمد بن اسماعیل البخاری شکر الله علیه فی الاسلام
و بقاء منزلته فی دار السلام اول اول شیخ حدیث که کتاب اللمهدن صکره
او خونه حق کتاب کتک کتاب سید و اول اول مبارک نفس که سوره دن
مفاصل یرینه آنک ابو ابد ر عمری احادیث نبویه کتک تذکار یله و در کار ی
کلمات مصطفویه کتک تذکار یله هر خطه سی احادیث تصحیحی مکرر و دهر عتی
سنت اسنادی جلیست غنی کجندر حدیث امر نه بسعی یدش
ابتدای کیم اولین و آخرین اول سعیه انصاف ایدر لر سنت حبسند
بر جالیستش جلیستی که متقدمون و متأخرون عجز زین عتراف ایدر
بر کتاب کتیر دی که ارباب صفا و طوبیت و اصحاب خصوصیت تجربه اینه
بولسند و کیم هر نه نیت ایچون که ختم اولنه میسر اولور و هر نه مقصود ایچون و اوقته

مقدار دلور برخسته ایچون که اوقونه صحت دیرر هر عاجز ایچون اوقونه
قوت دیرر هر درده شفاور و هر مرضه دواور هر بلایه قاتلان اولور
و هر قضایه قارو طور حق جل و علا آئی آخرت بلالردن امین و روحی
مقام اعلا ده مکلین ایده حشرده یخبر ایله حشر اوله و جنت ایچنده دخی

بیله اوله آمین

ایچینسی امام نانی نالان احادیث اخبار نبوی و شیخ نانی راویان
سنن و انا مصنفوی عمده اصحاب سرعت و مقبول رباب طریقت در
بحر جواهر سالت و درمی سمار عالم جلالت صاحب الصبح الثانی امام کامل
و شیخ فاضل البکین مولانا مسلم بن ایحاج بن مسلم القشیری السبوی
رضی الله عنه اول اول شیخ حدیث که جامع بخاریدن صکره کتاب همین
انک صحیحدر و اباب حدیث آره سنده بخاریدن یکجیک مقبر انک
نصیحیدر اول دخی حدیثه ابی جاسمدر و هیچ اکسک قومیوب
و در شندر احادیث نصیح انکس و سنی تفتیح انکله و ساندین
اخراج انکله و ردائی استخراج انکله تمام سر الطنی کویمشدر و هر نه کرکسه
ایتمشدر اول سبب ندر که انک نصیحی دخی محبوب اولدی و انک
کتابی دخی مرغوب اولدی شیخینک بری اولدی و جمیع قوبده بری اولدی
حق تعالی انک سعینه دخی برینه هزار ایلکله مقابله و درمچون آخرت
بیک در لوح حسن معامله ایدوب کتاب کریمک برکاتی انارینی و تجلیات
انوارینی قلوب اهل ایمان دن قیامته و کین اکسک امنیه

و اندن صکره باقی اصحاب حدیث و سنت و علماء دین و ملت و شیخ طریقت

و فضلاء شریفینک از روح شریفین هزاران نجات و انواع تکریم و رحمت
در صدد اوله

خصوصاً شولایاب قلوب طاهره و صحاب و لایات طاهره که دل ملکینک
سپهری و درون و لایینک پادشاهی سینه سرینک سرورری
و روح عکینک سرشکرری جان خسته سنک طیبیری و خرد طیفینک
ایدیری ظاهر صورتک بیرری و معنی عالمینک میرری حق ایندنک
و جبرری طریقت اهلینک مقررری عشق جا سنک سر خوشری دوست
جامینک بهوشکری الست سر اینک مستری نیشک عالمینک هستری
جان مجبک ساقیدری فنا ملکینک با قیدری کوکل صحر اینک جبرری
عشق میکند سنک سلطانری حق خراب اینک معورری دوست غصه سنک
مسرورری قدس باغینک سایدری کوکل کعبه سنک عابد لری
ملکوت اقیمنک سایدری جبروت هو اینک طایرری قدرت ملکینک
سافرری عت حرمینک مجاورری ملکه جودینک ایندیری فلک تخلصینک
جیلدیری سما سرینک سرفوارری و سعادت ساعدینک شهبازری
صفایکستانک کلدری و نابوسانک بیلدری حقیقت بحرینک
سباعدی طریقت برینک سیاحدی حق چراغینک و لبیدری دلین
آزادینک و یلدری شریعت یونینک ماضری و حقیقت بوزینک نظری
تغزید کوکینک یلدرری و توحید سرینک دستورری دل روضه سنک
طوطیبری و جنت جیندینک طوطیبری معرفت کنجینک و پانه لری
و علم شهرینک خانه لری وحدت دگرینک غواصری و مالک الملک
حرمینک خاضری قدم اقیمنک سیدری وحدت ملکینک طیارری

حکمت فلک آفتابری و قدرت سماست ماهتابری صد صیفه است
 صدری و دل کش است نورری جان ساقه لبت با دیری و تن
 ناله لبت خا دیری کوکل خانه است چراغی و عشق چراغ است غلری
 عقل است یغما جیلری و جان بر است تمنا جیلری دل منسوب است
 منبری و کوکل کتابت محبتی غم میدان است فارسری و غم
 صحر است مایسری همت تو است امید و غیرت حاس است صابری
 جد آت است رگبدری حق منور است طابری عشق دیاست در آت
 و شوق آت بر آت لری محبت در دین آت آت لری و مودت بود است
 بیچاره لری بوقل سر است کتب لری و عدم شهر است یکس لری و علم
 خرد لری و دوست بود است سبک لری علم کوهر است صر لری یقین
 اسرار است کف لری معارف جوهر است معدن لری عوار کجینه است مخزن
 لطیف جسمه لری منجری و حقایق دگر است مجملری ریاضت کوه است
 خلوت لری بوکرت عالم است وحدت لری وجود است تار شجری و ازل
 مطلق است انجلیری دل خانه است خا دیری و تن لذت است عا دیری حق
 عر است حاملری دین است خا دیری ادب هر بری بر کوه معرفت
 ظهری فقر و معاده غاده ادب کوکل سر است تنگناه و جان مصرنه باگاه
 ایدوب روح عسکری بنی اسرائیل دار خدم و عقل تو است قوم موسی کبی
 حشم ایوب نفس فرعون مقتور و قلب موسی منصوب و صلات
 با مانی ذیل و نابکار هدایت با رونی و زیر و کار ایدوب و ساس
 نشانی شکر بنی فضل دار و ادب است طایفه شکر بنی مطرود و خوار
 فنا بر غرق و عدم دگر است مستغرق فیوب مونوا قبل ان توفوا حکمیه

نوای جوانیه بی اولدیردوب و مرده نف نه بی سکر دوب سومات
 آرد و لرینی قویوب و طول ایل ایلدیرنی اوزدوب غضب قاجیلرین آتوب
 و صد طمرک کسوب طمع کوزینی یوموب و عهده ات الی یولیوب هواشند
 آجوب و دنیا فضا سندن کجوب غرت سر ایی سقیوب سید ویردوب وجود
 بنیسی باجوب بیله ویردوب دنیا سر نه اییا نمیوب لذت سر نه آید انمیوب
 نفس غزور نه طلبا نمیوب بدن سرور نه کور و نمیوب بوضورت آراش نه
 با نمیوب و بوظا هر لایسته با نمیوب حرص بولنه یلمیوب نفس بد بکنه اویمیوب
 عمره بقا صامیوب دنیا به ال صومیوب همین کنده بی اولش بکوب اموات بر نه
 تتریل و تصور ایدوب و بو عالمی همین کنده بر رخ بر نه فرض و تقدیر ایدوب
 یا تر یعنی بری کور و کنده سی کور حیاتی ممت وجود بی وفات تنی تر اب
 اعضا تنی خواب قوایی ساقط قوتی فاقد صدر بی قبر سینه تنی سین
 فکر ایدوب هر ساعت کوکل کوزینی آجوب و عشق جامدن یجوب جان باغنی
 روشن و دل محبتی کلشن کوکل ایدوبی فرخ و شادان و روح ملکنی معور
 و ابادان ایدوب دل تحکما هنی پاک و بدن جبه سی جاگ ایدوب یکی جهانی
 هیچ صاوت تن طر نه بجلی به جیوب کوکل صحر اسنه قاشیه داروب
 قدس ملکنه جولان ایدوب غیب عالمی سیران ایدوب سیمخ الله
 بر آجوب عفا کبی فادن کجوب جابلقای یا اطلاق ایدوب جلیه بی
 قیقل ایدوب ظا هر کوزین بوضورت عالمده کور یوب معنی یوزنده
 غیب قیمنده بولوب چال غیبده همرار و نفوس قدسیده دسار ادوب
 طی هرده فقر و باطنده شاهر صویده رعایا و معاهده یا دساهر
 بولر سرفرازان کوناه دست برر کان خود و بلند ان سبت

بولر نامداران کم کرده نام
 بولر بخشیاران بی بخت و دخت
 سلاطین نشانان خلوت نشین
 منازل شناسان راه عدم
 ولسان کرده راه خدا
 عمارت کنان سرای هفا
 صفا دادکان کلستان دین
 کواکب شناسان برج اعل
 صبحی کنان شراب است
 بولر کامکاران نادیده کام
 بولر باجداران بی باج و تخت
 اقا بیم کیدان عزت کرین
 ترسم نوازان برسم قدم
 چراغان نور دل مصطفی
 ولایت کنان جهان دفا
 آرایش کنان جمال یقین
 جواهر فروشان درج اعل
 امیران مأمور و شباز و مست

قدس سره ابراهیم و فاضل علی العالمین انوارهم و مسیح
 المصلین بنار اعیانهم و مؤمنهم و دائم علی الانام برکات
 محاسن نیاتهم حق تبارک و تعالی دنیا طور و فیه انلک هندی
 اناریه عالمی معمر و روحانیتاری اناریه جهان یحیی بر نور
 نظامی سبیل بری کوکی منتظم و دعالی برکاتیه بنی آدم
 مفتنم وجود لری نعمتیه جهان طوبی نعمت و دالری شریفیه
 عالم خلقیه رحمت ابدی انلک سبیل هر دم مواجب رحمانیه
 و انلک وسط سیده هر نفس عوالت سبحانیه انلک یدندن دالما
 اعداد رجوبیه و انلک اشیکندن هر وقت فیوض ربانیه نوع
 انلک دن اکسبک و المیوب ارباب قلوب قلبدینه صفاء باطندینک
 صفار و صواب کشف سر لینه نورانیت رواندندن صبا لر مبی
 الدش کوکلده آینه جهان نالندن نفوس غیب و مرکب دلس خاطر

ارواح مطهره لرزیدن علوم لاریب منواته و منوالی فایض و دھل اوله
بمنه

خصوصا یکبار زدن سول ذات مطهره که زما نمره قطب اولش خلک
قلبی اوکنده و سول روان منوره که دوکونی تمام ایدر جرح طوبی
اوکنده سول وجود شریف که جہان باغنه زینب و فر و برش
سول عنصر لطیف که عالم عناصره زیور و برش سول روح پاک که تن عکاده
آرامش سول صفای که نفس صفاتی آیتش سول بشیر که بستر بدن فنا
بولش سول فانی که ینہ حقہ بقا بولش سول مرد بهوان که شہوت بجزیر
ادیش سول شیر مردان که نفس از دہاسی باشمس سول جلیل خلت فوت
قیمتہ شادیش سول یوسف سیرت که کوکل مصرینہ بادش و ادیش سول
موسی صفت که نفس فرعوننی غرق تیش سول کلیم حبیب که طبیعت عجبی حرق
آتش سول مسیح دم که هردم جہل امواتی جہا ایدر سول عیسی نفس که
دائم کوکل مرصندینہ شفا ایدر سول مصطفیٰ خوک لطفی عالمہ برش سول محمد
خلق که خلقی خلقه طومش سول بایز بدقت که عافره سرور ادیش
سول جنید بان که زہرا حنفہ مدتر ادیش سول عارف ربانی که علمی ہمین
علم حق ادیش سول ساکت نورانی که آیینہ وجود مطلق ادیش سول
عاشق صادق که معشوق صامی صفا ادیش سول محب موافق که محبت بوند
فنا بولش سول عالم عامل که شریعت تحتہ سلطان ادیش سول شیخ
مرشد که طریقت اہلنہ خان ادیش سول صدق صافی که صفا بحرینہ غرق
ادیش سول عابد زاید که عبادت نورینہ مستغرق ادیش اعنی شیخ
فاضل و مرشد کامل منبع معارف الہی و محرم راز صبحکامی جمع حقایق

دستجمع وقایق معدن العلوم الروحانیه و منبع الاسرار السجانیه المنسلیخ
 عن الحیاکل الناسوتیه و الموصول الی السججات اللاهوتیه مهبط الانوار القدسیه
 جامع الکلمات الانسیه فخر المحققین و زبدة المدققین سلطان
 العارفين برهان العاشقین محی السنه قانع البدعه الداعی الی الحق
 حجة الله علی الخلق مدافع المضطربات الدینیة حلال المسکلات البقیة
 امام علمی الشریعة والطریقة کاشف غوامض اسرار الحقیقة قره عین
 اولیا و غرة رومی صفا نوشده کاشه عرفان یوشده لبس عرفان
 وارد ادویه معارف فار داندیشه لطایف سوخته سجات جلال
 آموخته تجلیات جمال مظهر ولایت حمیده وارث علوم اخلاق نبویه شمس
 سما تحقیق و مظهر آسمان تدفین سرور هسل هدایت سلطان سریر ولایت
 مقصد ای سالکان ملک دین بیوای مالکان مالک یقین
 چشم کلزار سرایت باران سوره زار طریقت اول کعبه عمل و علم اول قبله
 و روح و علم اول صاحب یقین بی کان اول خلوت نشین بی استان
 اول شمع محافل عاشقان اول صبح سبستان صادقان اول مبارز
 میدان مجاهدت اول محضر یوان مشاهدت اول کامل کارگاه هدایت
 اول کامل بارگاه غایت اول صباح بادیة تفرید اول صباح بحر توحید
 کوهر نایب دین و دیانت زیور شاد علم امانت مشرق انوار الهی و محرز
 اسرار ناماهی محبوب ارباب قلوب محرم خلوت خانه غیوب دین کوکب
 ماهی سرع اقیماک سامی روح عالمک نوری کوکل بهارینک نوری
 سرعیت باغباتی و حقیقت سرهرینک یسبانی جان یسبیک
 جان جان ملکات خانی سیخ یابی و عالم صدیقی صاحب الدفن الصفا

حضرت شیخ ابوالوفا ابن الوفا لازلت الدنيا معمورة ببركات آتاه
والاخرى مرغوبة بانفاضة انواره

شیخ عالم آفتاب اولیاء
شیخ هفت اقلیم و قطب العالین
قدوة ارباب تکلیف و بقا
دلواری طالبان جان کداز
کعبه تحقیق و قدس اصطفا
شهنشاه عرصه میدان راز
رحمت عالم دل آگاهید
سلطان دینه سنا و امین اول
آب حیوان قطره بحسره دلی
چون سمنده هستی جولان اور
اول محمد سیرت و عیسی قدم
جان پاک معدن صدق و صفا
یا یکی کوزندک نور می ای کوکلک سروری با شمرک تاجی اهل دلک
مرا جی کوکل خانه سناک ضیاسی دل خسته سناک شفا سی اهلک
ایسی عشق آواره سناک طبعی بول استیلاک و لیلی دل تحسناک حافی
دینه سربینک سلطان جان قلمینک بناهی کوکل شهرینک شفا سی
چهرت دگرینه عرق اولانک الن لیلی صلاک دایندک قالانی فالذبحی
آزمنده بول کوسنه بجی آذ ایستنه بول کوسنه بجی طابردی اکر کوی
ایستنه بدن بولدری بجی شیخ دینه ایشیجی دوست دینه پیشیجی

بلیینه سید بریجی کورینه کور ویرجی طایمیان طوبه ویرجی ایچینی نایریجی
 حق سدا نیک فایو جیسی کوکل اوینک فایو جیسی ای متدای جیسان
 ای مقبول انس جان ای شیخ عالم ای حشد بنی آدم حیرت وکرینه
 غرق اولدم بنی آدن سن قونار دنیا الیشنه مستغرق اولدم ایچدن آتی
 سن خیفار شونت طمانی ایچم طیشم آلدی دنیا هو اسی طاهریم طشم
 طوادی ایچیده براد وار آقده دن کورورم کاه ایشد کاه سوربور بوکله
 برور وار بر بو جاقده طویش کاه نیر کا کونیر نه بنی باقوب افنا ایدر و نه
 بالکلیه برغوب شک ایدر هر بیل او مارم کیم کله سی بیل صلاحه کلیم
 هر عایقی فکر ایدر که بو کید یجک اصلاحه کلیم اما غر آیز قیج عالم بدتر او
 کون کله که عوایق آرتار اولدی بکینلکده هو آرتوغنه عشق دخی خودی
 بیرلکه شونت اکسب اینه کا هلاک آرتق اولدی بنفس که قرق بیل
 راحه اوکر نه قجان ریاضته رضا دیر بر کوکل که ایچی طیشی هوا ایدر طوله
 قجان خلوتده صفا بولور هیچ سلیم که نیلین هیچ فکر ایدر مزم که نیجه
 ایدین بکا عدد ایت آواره قالدیم بکا جاره ایت بیچاره قالدیم بکا
 عنایت سجانی اره وید او مارم آه اگر ایزر نه بر وقت نوبت ربانی
 تبه صانورم داه اگر بیشتر نه دایم حاطه اگر بو حالده قالدیم طوبران
 بیکیمه اگر قالدیم اگر سندن حد ایزر نه ایشم بیدی داکر لک
 دستبرادر نه بکم بیدی بریج دستک که عالمه حیات ویر سکت
 دبدر بن فوکه دخی بر دکت ایشنه بر عیسی نفس سکت که هر خسته به نجات
 دیر سکت و قنبد که بن خسته به دخی نفسک ایشنه عمر دن بقیه داکین
 بتش بکا بو حال ایه اولدن ایش بکا جودک دکر نی جیه نه آقدی

نوله بن کمره بر فطرده ایریسه مهرک کونشی عالمی طوئدی نوله بر دزه به
 بر سعه نیشه مفصود محبت ایریسه ایریسه کوکل فتنده هرا ارادت ایریسه
 ارادتم انگده اگر بجا ریاضت گرگسه ریاضنه همت ایت و اگر بندن استغفار
 ایریسه سرک استغفاده مدد ایت اگر کوکلده جلا گرگسه کوکل پاشی سن
 آج اگر قلبه صفا گرگسه صفا قابوسک سن آج اگر دنیا بی رنگ گرگسه
 سن بی رنگ اینه و اگر کوکل ادی پاک گرگسه سن کوکلدن کینه کوکلده
 معمار یسک بیق کوکل می سن باب اخت بادم سکا بدم هوا قیوسک
 سن باب دل خنده بی هم علایج سنک فتنده کوکل مجروحیم مرهمی
 حضرتکده مرض نه قدر اسکی ایریسه طبیب حاذق اویق شفا بولور درد فتر
 اوکمره حکیم استاد اویق دوا بولور دود همت کرک سنابعه
 عنایت ایردی دله وقتدر اقدام کرک باشه هایت تیزی دله دملرک
 و اگر بدم اورسک دله دیگت ادرسک وقتدرک و اگر بر نفس
 ایریسه ک ایریسه دیگت ایریسه نوله بر دکلده بون بنده فی
 باد ایریسه ک نه وار بر فطرده بر صینق کوکل آباد ایریسه ک نه وار
 رحیمسک خلق رحمانی سنکله کریمسک لطف ربانی سنکله
 ایریسه ک رحمت در جمله نامه وجودک نعمت اولدی ضایع عامه
 جھان لطفی قبول لطف اسبری قیو کده بنده اولمدر امیری
 ایر لطفک نسیمی مرده جان نوله باقار رحمت کوزی عاصمی لانه
 نوله بر کرک نظر بن قوله صالکسک نوله لطف پیوپ کوکلومی آکسک
 بنی قور نار بوسرک بو بلادن خلاص نیشه ک بنی سند هوادن
 بیر قسم دنیا فکر بنی بن الدن الیم آکسک چقارسک اگر ی نوله

الا ای شیخ کامل مرشد حق
 حقیق چون که وجود کرد املیده
 سکا نگذیم ایدن نگریمی ایچون
 سنی حرمستو قیلان حرمستون
 سکا عشق و برن حق عشقی ایچون
 سکا بود قدر ناک سکرانه ایچون
 بنی آل وهسم شیطانی اندن
 بنی شیطان لعینه غالب ابد
 ایچدن سن جیغاعیل کائناتی
 بصیرت کور بنی سن آچوب کل
 وجودی توغسل حق نوتنه سده
 الکده چون سنک اکسیرک اوله
 چون اوله کبریمه کیمب دان
 الکده ور که بر تدبیر ایدیه سنک
 اگر دیر سه ک دیکت سویل بونوری
 طلبه ابد سنک علامت بویه اولر
 جالیسیر سنک طور وب دنیا پاشیده
 بونکله دوست فکر می قحان اولر
 طلب اهل طلب فکر نکرده کارک
 جو ایم بوکه حقد ر نه که دیر سنک
 بنم ده اود یغیم بود که سندن

الا ای قطب عالم شیخ مطلق
 کیم کوندوز سجدت در اوکنده
 سکا تعظیم و برن تعظیمی ایچون
 سنی غرتو قیلان غرتیچون
 سنک اوستکده الله حق ایچون
 سکا بول کوستر نر جانی ایچون
 بنی قورنار بود سوس بودن
 دونو کون حضرت سنک لب ابد
 یوغسل بدن کیدر کل بوصفاتی
 بویا هر کوزه طوریق صاچور کل
 سیر بر کیمزدن اوکن بنی سینه
 زر ایتکده نیچون نقص برک اوله
 اولر خاک ابد معدن آکا بکن
 بو بن خاکی تمام اکبر ایدیه سنک
 ایچنده هیچ کور غر عشق سوزی
 حرد ابد سنک اراده بویه اولر
 ایچک طویطولود دنیا نشویشده
 بودجهله حقه وصلتمی اولر
 حق ابد بن ایتک دکر نکرده کارک
 بنم ده چهر تم بود که دیر سنک
 که آراسک بو حالی بن توکلدن

بنی کر جیک حصہ طالب ایدہ سکت
 جگہ سکت جذبہ ایدہ حضرت سن
 بلور سکت قلب ایسی حقت اللہ
 حقت دہ دیکہی خاص قول لندہ
 دیکہ کسم بودر کہ دیکہ سکت
 بنی لطف کلہ داما یاد ایدہ سکت
 بنی اونو تہ سکت سن دکن
 کہیم اولان ایسی داکم کردہ
 نہ ایس قیدم کہ بن کا طیانہ عم
 ہمین حق عفوینہ در اعما دم
 امیدم اولدر اولہ موندہ
 عنایت پیتہ سندن بلوقولہ
 شوددہ کہ نفعدن قالہ بردم
 جہان یکرہ سنی حق داکم ہن
 جملکہ جہان باغی منور
 ہو اک ایدہ کوکل صحرا سی روشن
 ہمیشہ فیضک اولہ خلفہ سابل
 آمین یا رب العالمین

دل دجا ندن سکا لغب ایدہ سکت
 سوریلو ایدہ سکت خدمتہ سن
 نیجہ دپرسہ انک دیکہندہ
 نیجہ دپرسہ ایدہ ایدہ
 بنم کوکلی حصہ دوندور سکت
 دعاک ایدہ بنی داکم
 عنایت اک سکت پتہ بن نوکند
 قولہ قولن کتا ہنہ مذہر
 نہ فسلم اولہ بن اکا ایانم
 ہمین لطف کردہ انجن استادم
 جتا بکن مدد بولہ بوسندہ
 کہ آخر حالی ایمان ایدہ اولہ
 ایرشدہ ہمت ای شیخ مکرم
 وجود کلہ جہانی قائم امتیون
 شام دل شہیکلہ معطر
 خیال کلہ دل دجان اولہ کلشن
 تہو کہ اولیہ محروم سابل

اللہی سؤل مقربان سده جبر دنت کال قربت یجون اللہی سؤل
 محومان جرم جلاکت دفر جبر مت یجون اللہی سؤل اولیا کرامک
 کراما یجون اللہی سؤل انبیا و عظامک عظیم مقتر یجون اللہی سؤل

جهاک تجسینه عاشق اولان کوزلریچون و سول جلاک هیبتیده
 مد هوش اولان کوکله ریچون سول وصالک زلالنه معطس اولان
 بکمرلریچون و سول فراکات آتیده کیجه کوندوز یانلریچون سولک
 بادیه سنک سرگردانریچون و سول محبتک بادیه سنک حیرانریچون عشقک
 میکنده سنک سرخسدریچون و اول آستانه نیک بهوشریچون بولکه
 فنا بولان و جودریچون و اول فنا بچسینه اولان سجودریچون بولقن درکنه
 دوستوب غرق اولانریچون و اول بولقن ایچسینه کنه دارلق بولانریچون طریقت
 آتشی سربیت قاجیبسی یله سورنریچون و حقیقت یوزینی معرفت کوزیده کوزنر
 ریچون هرده حق فکرنده اولان دینلریچون دهر نضده آتیک ذکر نده
 اولان دینلریچون الهی سول نفسلریچون که نفوس قدسیله انیس اوله
 الهی سول روحلریچون که ارواح مقدسه یله حبیب اوله الهی سول جانلریچون که
 جانان ایله نهان اولس اوله الهی سول تنلریچون که دوست بولس
 جان ویرس اوله الهی سول جهاک کعبه سنک حاجیدک که وصالک
 عیدینه قربان اوله الهی سول نفس جها دینک غایریچون که مرد
 صفدر میدان اوله الهی سول بولکنده باش دیرن عاشقدریچون که
 وجودله عدم اکایک ان اوله الهی سول محبتکنده محکم اولان صافدر
 ریچون که ایکی جهانی ترک آکا آسان اوله سنک غیرکدن بولکل
 خاشنی پاک ایله دسندن غیردن بری بی پاک ایله اول قلوب
 موزه نیک آسراق و ضیاسیله ایچیز طیشمز منورایت و اول ارواح
 مطهره نیک نسیم و کت سبله دل و جان دماغنی معطرایت بوخواب
 اولس وجود و معنی دائم انرک وجودیله زنده ایت و بوتر اکلفته فاش

کو کلانی هردم آنرک سمعید تا بنده ایت بو حیرت فاش و دره کرک
 آنرک الیلک الن طوت و یوبول بیلر بیچاره کرک لیلانده قولن طوت
 بوضیف بنده کرکه آنرک همتن رضی ایت و بو کینکار قولکرکه آنرک
 شفا عتقی شفیق ایت هر وقتنه آنرک دعا سندن اعداد الکیک ایچه
 و هر فنده آنرک توجهن سندن اعداد الکیک ایچه آنرک عمره محبتنی
 دأما سینه بوسناش مدام ایت و آنرک شجره ارادتنی همیشه کوکل
 کلساننده میستام ایت اول عمره نک حلاوتنی جان خداقنده دأما لیه
 و اول شجره نک طراوتنی تا ابدی تم ایلد اول عمره نک قوتله جانی هر دم قوتله
 قیل و اول شجره نک طلعه روحی مدام راحتیه قیل آفریده نفسی آنرک
 و میل ختم ایت و صوک وقتله توحیدی آنرک همسبله سحکم ایت جانی
 سندن آنرک عشقی پراسیده کیدر و روحی سندن آنرک محبتی صفایه
 حیضار آنرک ذکر لیه اول دمه سیطانی دور لیه و آنرک فکر لیه اول وقتله
 نفس العیسی مقبول لیه اهل دشنده آنرک مددینی بز قولکرکه معین
 ایت و اولوم دمنده آنرک همسبله روحی ایمانه قرین ایت امین .

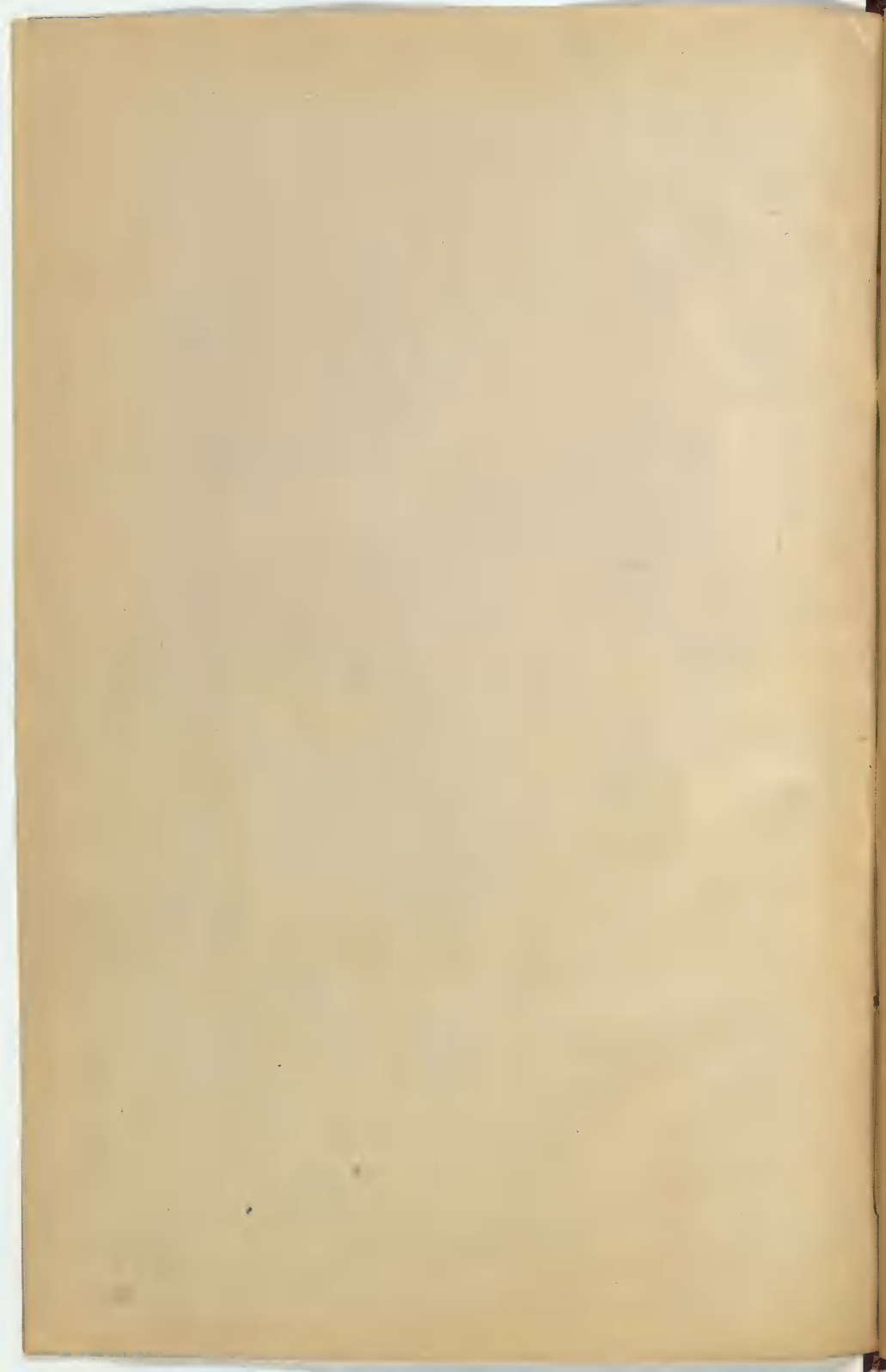
بَارِئُ الْعَالَمِینَ

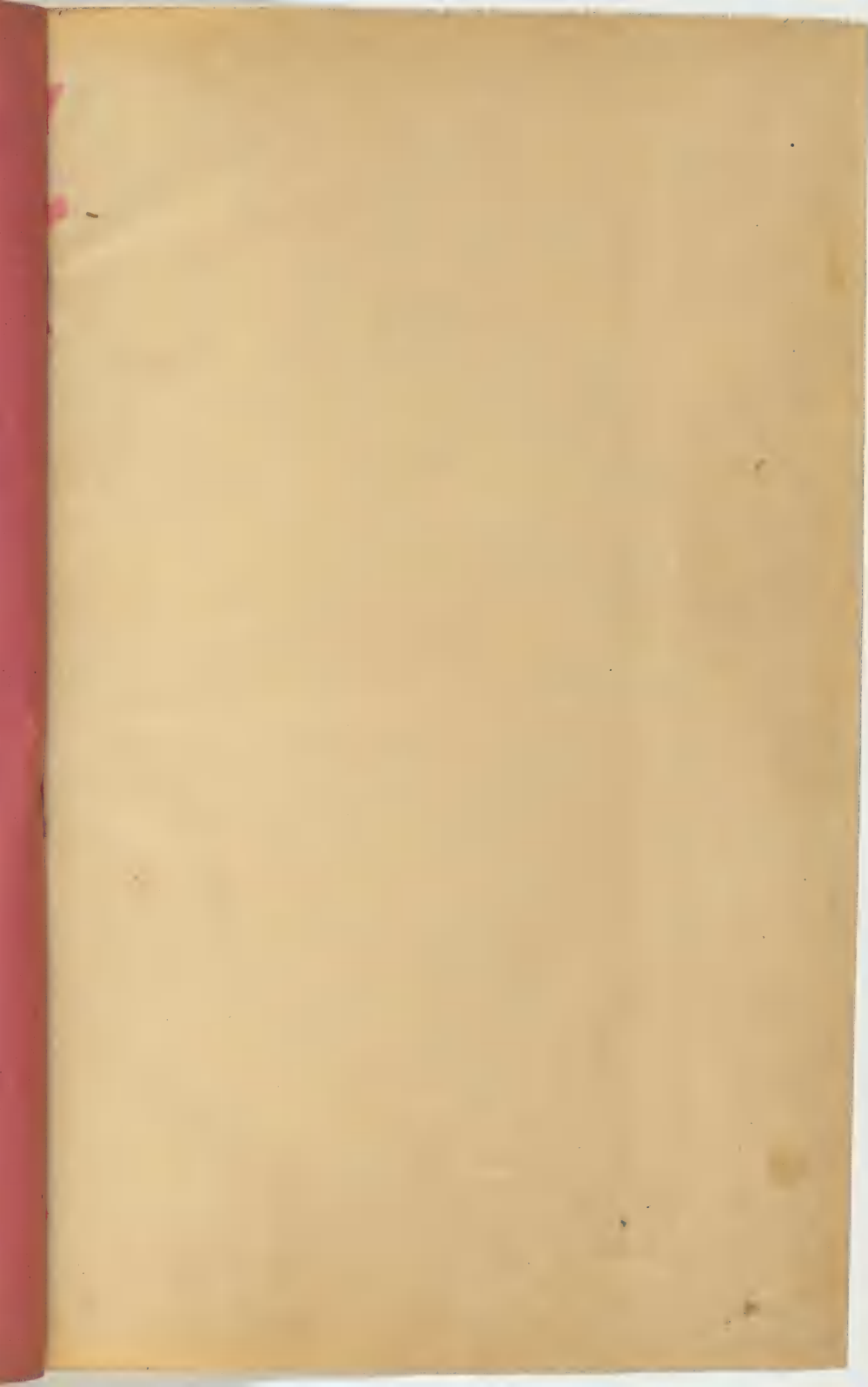
تم تجریر هذا الكتاب بعون الله الملك
 الوهاب علی بن عبد القیصر الحقیق المحتاج الی رحمته رب القدر
 السامع حق بن محمد نعیم التلکی عفا عنهما العفو العلی
 فی یوم التاسع من شهر رجب سنة خمس و عشرين و ثمانمائة
 بعد الالف من هجرة من له العز
 والشرف

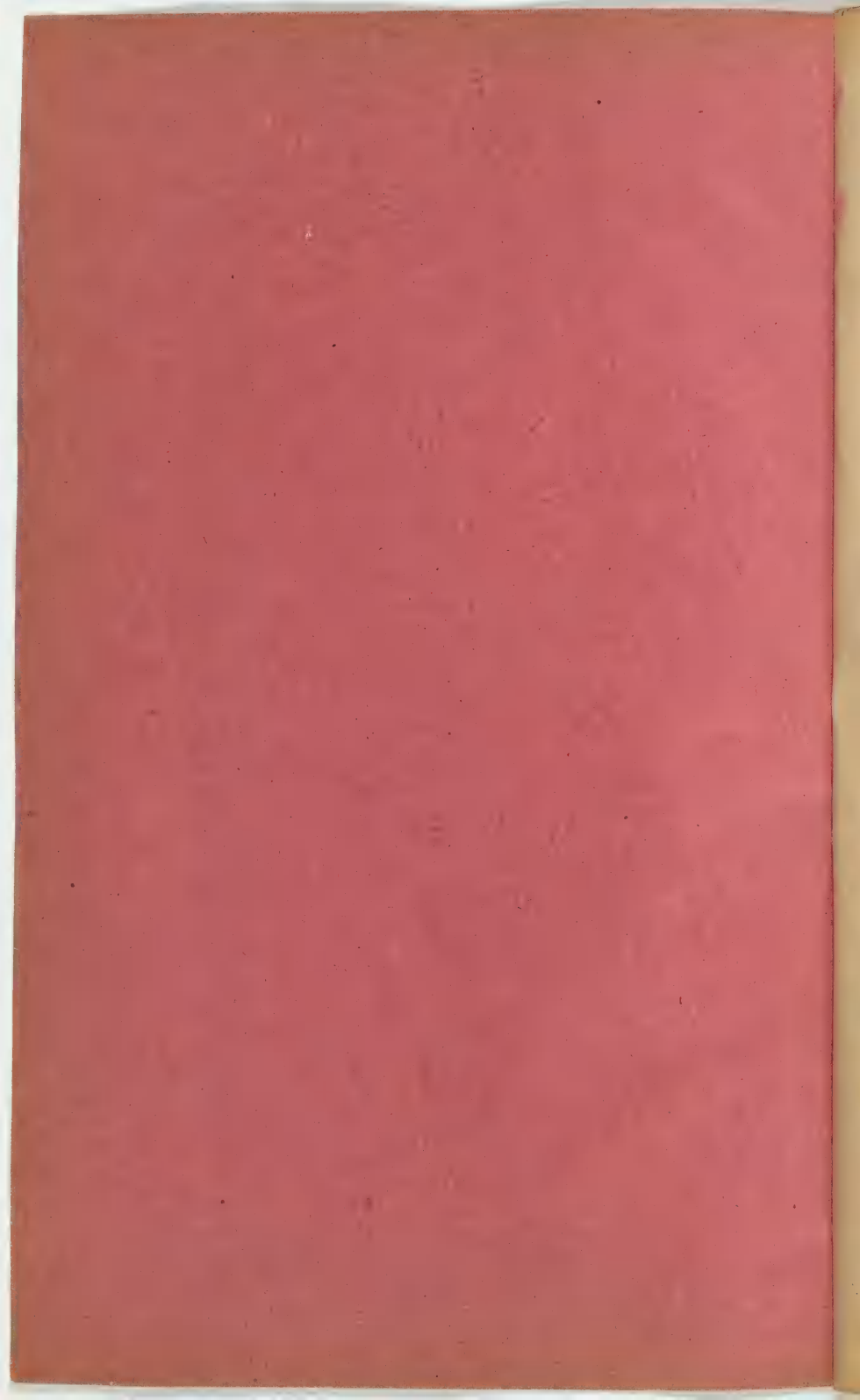
یا ناظرانیہ سل باسہ مرحمت
و اطلب نصرت من خیر تدبیر
علی المصنف و استغفر لکاتبه
من بعد ذلک غفرنا لصاحبه

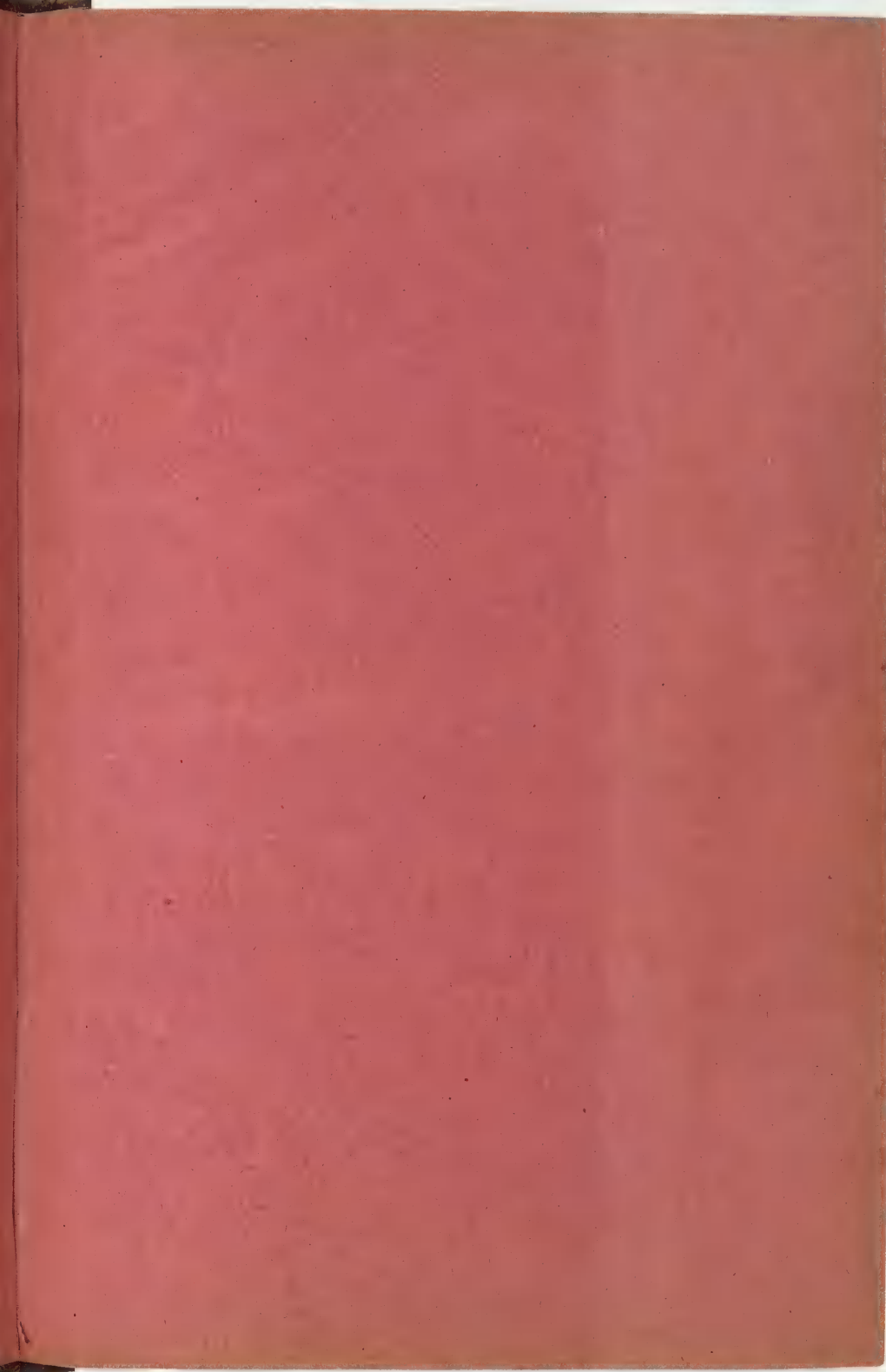
[134]

















Reliure en carton, dos uni -

Papier jaunâtre sans filigrane - Posse' au blanc d'œuf

A folliote -

Haut. 21,2 - Larg. 14 cm

21 lignes - Pe'dome

Ta'liq - Encre noire - Titres, mots de' encre rouge

Kitab-i tazarru'at ve
münāğāt Sinān paša

(Auteur)

کتاب تضرعات و مناجات سنان پاشا

(Copiste)

Ismā'īl Haqqı B. Mehmed

Naci'm es-Selānīkī

اسماعيل حقي ابن محمد نعيم السلانكي

9 Reğeb 1325

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

Kitab' Tazar Roat et Manasfat
Saadan pacha manuscript persan
ce livre a été écrit par
Ismaïl Haq ibn Muhammed
Naïm as salamiki ~~1725~~ 1726,

1336

1835

.11

L. DUBOIS

PERSE

~~H^{te} V^{tesse} L. de Bonny des Eaux~~

Chât. des Eaux La Foncière (H^{te} V^{tesse})

en tête titre ^{Person} + auteur

Kitab ~~to~~ daru'at
wa munağat
Lunān Pasa

à fin: date

1325 h. ?

